مکان های تاریخی

مکه مکرمه

ضرورت حفظ آثار اسلامی و شبهات وهابیت در تخریب آنها

دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

ترجمه حمید احمدی

نشر مشعر

بسم الله الرحمن الرحیم

مکان های تاریخی مکه مکرمه (ضرورت حفظ آثار اسلامی و خیانت وهابیان در تخریب آنها)

نویسنده:

عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مکان های تاریخی مکه مکرمه (ضرورت حفظ آثار اسلامی و خیانت وهابیان در تخریب آنها)

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابوسلیمان ، عبدالوهاب ابراهیم

عنوان قراردادی : الأماکن المأثوره المتواتره فی المکه المکرمه عرض و تحلیل .فارسی

عنوان و نام پدیدآور : مکان های تاریخی مکه مکرمه: ضرورت حفظ آثار اسلامی و خیانت وهابیان در تخریب آن ها/ عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان؛ ترجمه، نقد و اضافات بهروز رفیعی.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر ، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۳۱۶ص.

شابک : ۶۴۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۴۴۹-۷ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۴۷] - ۲۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : آثار تاریخی اسلامی -- عربستان سعودی -- مکه

موضوع : مکه (عربستان سعودی) -- آثار تاریخی

موضوع : مکه (عربستان سعودی) -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : رفیعی، بهروز، ۱۳۳۶ - ، مترجم

رده بندی کنگره : DS۲۱۱ /الف ۴۲الف ۱۴۰۸ ۲۹۳۱

رده بندی دیویی : ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۵۹۵۴۵

ص: ۱

اشاره

دیباچه

از دوران رسالت رسول خدا (ص) علاوه بر آثار باقیمانده آیینی، مجموعه ای از آثار و ابنیه تاریخی نیز که با آن حضرت مرتبط می باشد، باقی مانده است که هر سال هزاران مشتاق را از مناطق دور و نزدیک به سرزمین وحی فرا می خواند تا فراتر از آشنایی با مفاهیم دینی، در تماس تاریخی با اماکن برجای مانده گذشته مسلمانان نخستین، در برابر دیدگان مشتاق آنان قرار گیرد.

آثار و اماکن برجای مانده در سرزمین وحی از آن جهت که روایتگر دوران رسالت و بیانگر یاد و خاطره خاتم رسولان و فداکاری های آن حضرت است، گنجینه ای بی بدیل به شمار می رود و تأثیرات شگرفی در باورها بر جای می نهد. البته جای بسی تأسف است که بسیاری از آثار برجای مانده از دوران رسالت، توسط فرقه نوظهور وهابیت تخریب شده و یا به بهانه های واهی در معرض خطر تخریب است؛ در حالی که حفظ آثار تاریخی هر قومی به منزله صیانت از میراث فرهنگی و گذشته آن ملت است که امروزه هر دولت و ملتی درصدد حفظ این میراث خویش است.

نوشته حاضر، ترجمه کتاب «الاماکن المأثوره المتواتره فی مکه المکرمه: عرض و تحلیل» اثر دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان و موضوع آن اثبات وجود مکان های تاریخی مکه مکرمه و اهمیت این اماکن نزد همه مسلمانان است که به دست محقق گرانمایه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای بهروز رفیعی ترجمه شده است.

امید است این کتاب مورد توجه علاقمندان به آثار و اماکن اسلامی قرار گیرد و در شناسایی این اماکن برای خوانندگان محترم مفید واقع شود.

در پایان پژوهشکده حج و زیارت بر خود لازم می داند که از زحمات بی شائبه مترجم محترم و تمام کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کردند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه تاریخ و سیره

مقدمه مترجم

اشاره

کل امه تعتمد فی استبقاء مآثرها و تحصین مناقبها

علی ضرب من الضروب و شکل من الاشکال

(جاحظ، الحیوان، ۱/۷۱)

ببطن مکه آثار لَاَوَّلِکم مما بنی لمَعَدٍّ جدُه اُدَد

(دیوان، بشار بن برد، ۲/۲۰۱)

سرآغاز سخن

با تخریب شماری پر شمار از مکان های تاریخی - اسلامی در دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره که از سال ۱۱۸۱ه. ش / ۱۲۱۷ه. ق به طور رسمی و آشکارا آغاز شد و به بهانه های واهی رخ داد، احساسات مذهبی مسلمانان نادیده انگاشته و چنان رفتار شد که پنداری در جهان، مگر قوم وهابی - سعودی حاکم بر حجاز، مسلمانی نیست. (۱)

مسلمانان به زودی به عمق فاجعه پی بردند و در پی چاره بر آمدند، اما دیگر راهی مگر زنده داشت یاد و نام مکان های از دست رفته در سینه کتاب ها نمانده بود. ازاین رو کتابی چند درباره مکان های مقدس برجای مانده و از میان رفته این دو شهر قلمی

۱- محقق کتاب عده الانابه فی اماکن الاجابه (صفحه ۱۵ - ۱۶) ، برای سرکوب قلم کسانی که چون او نمی اندیشند، نگارنده کتاب را سرزنش می کند که چرا به مردم نتاخته و رفتار عاشقانه آنان با آثار بازمانده از رسول خدا (ص) را خلاف توحید عبدالوهابی نخوانده است. وی برای پاس داشت عدالت و نادیده نگرفتن تلاش علمی او، درباره اش چنین گفته است: اذا قِیسَ إحسانُ امریءٍ بإساءهٍ فأَربی علیها فالإساءهُ تُغفَر

گشت. طرفه آنکه در این میان به تازگی از دل خود قوم وهابی - سعودی، کتابی پدید آمده که از نوع دیگر است و به اعتبار ارزش کار و تازگی اثر و جایگاه نگارنده آن، ترجمه اش سودمند می نمود.

پشت پا به آثار نیاکان پاک قوم و میراث امت

در مکه امروزین پیشینه مکان های تاریخی - اسلامی، از میان رفته و مگر نامی از آنها بر جای نمانده است. برای معرفی اثباتی مکان های دیروزین مکه مکرمه باید کاری می شد؛ چه با رفت زمان وآمد نسیان، نام و یاد این مکان ها از ذهن و زبان مردم زدوده می شود و دور نمی نماید که در آینده روزی، برای تطهیر دامن ویرانگران، اصل بود و وجود این مکان ها رسماً (۱)از پایه بن انکار گردد (۲)و (۳)و گفت و گفتار درباره آنها شرک شمارده شود و برای اثبات این یاوه، چون بسیاری از دیگر گزافه های وهابیان، کتاب سوزی و کتاب سازی شود. (۴)

۱- در همین دوره در یکی از مراکز آموزش عالی عربستان کتابی درباره فضائل مکه مکرمه منتشر گشته و در آن ادعا شده است که موضوع زادخانه نبوی در جانب شرقی حرم شریف سخنی نادرست است و چنین مکانی وجود نداشته است؛ و از قضا استاد دکتر ابراهیم ابوسلیمان در رد این گزافه گفته است: « اگر سخن عالمان و تاریخ نگاران گذشته را در باره این مکان ها گردن ننهیم، چگونه در امور دین خود به سخنان آنان اعتماد کنیم؟ (تبرك الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضله العظیم، محمد طاهر بن عبدالقادر کردی مکی، ص ۱۸) نیز عاتق بن غیث بلادی از عالمان وهابی - سعودی عربستان، در کتاب حجیم معجم معالم الحجاز، ج ۸، ص۱۶۴۸ و ۱۶۸۹) ذیل دو مدخل «مکتبه مکه» و «مولد النبی (ص)» به ترتیب تنها ۱۹ و ۲۹ واژه آورده است؛ البته پیشینه واژگان ذیل مدخل دوم، تکرار واژگان آمده در ذیل مدخل نخست است. وی در هر دو مورد با عبارت تردید آفرین «می گویند (یقال)» از انتساب مکان یاد شده به رسول خدا (ص) یاد کرده است. این گونه برخورد با چنین مکانی مقدس، نشان بی توجهی وهابیان به آن و تلاش گام به گام آنان برای برافتادن نام و نشان آن است.

۲- محمد حسین هیکل در سفرنامه اش که در ۱۹۳۶نگاشته شده، آورده است: « با شگفتی دیدم بسیاری از جوانان و اهل نظر در مکه مکرمه با شدت و حدت تمام می گویند: غیر از کعبه و حرا و ثور، هیچ مکان تاریخی در مکه مکرمه سند تاریخی ندارد و جملگی بی اعتبارند» (فی منزل الوحی، هیکل، ۲۰۰۲، ص۲۰۷)

۳- در پیشگفتار مؤلف محترم، بر چنین رد و انکاری که سخت ناسخته و ناپخته افتاده، اشارت رفته است، و از قضا یکی از انگیزه های نگارش این کتاب، درافتادن با چنین رد و انکارهاست.

۴- وهابیان، نخست کتاب هایی را که در روایی بل استحباب برگزاری جشن مولود نبوی نگارش یافته بود سوختند، آن گاه در حرمت این جشن کتاب ها ساختند. نمونه اش کتاب القول الفصل فی حکم الاحتفال بمولد خیر الرسل (ص) است که شیخ اسماعیل انصاری از وهابیان عربستان نوشته و به تأیید و تقریظ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (۱۳۳۰ - ۱۴۲۰ه. ق) از مفتیان بنام وهابی - سعودی عربستان رسیده و به درخواست وی سلیمان بن منیع از اعضای شورای علمای اعلم عربستان بر آن مقدمه ای نگاشته است.

باری، میراث فرهنگی هر ملت، آیینه گذشته آن است

تِلکَ آثارُنا تَدلُ عَلینا فَانظروا بَعدَنا إلی الآثار

ازاین رو دولت ها در سراسر جهان می کوشند این آیینه ها هرچه بیشتر بازشناخت و بازسازی و حتی بازآفرینی شوند و جلا پذیرند و از دست گزند روزگار در امان مانند، تا آیندگان از گذشته و گذشتگان بی خبر نمانند و پیشینه تاریخی ملت فسانه نشود.

اما در حجاز، نه این می اندیشند و کار دگر می کنند؛ چه بزرگان این قوم بر این باورند که: «بزرگ داشت مکان های تاریخی جایز نیست؛ زیرا ممکن است مردم گمان برند این مکان ها ارزش معنوی دارند، و این به شرک می انجامد» (۱)و (۲)چون چنین است برای موحد ماندن خلایق، اتحاد وهابی - سعودی با یورش به مکان های مبارک (۳)در شهرهای مقدسی چون: مکه، مدینه، کربلا، پای کوبان تا توانست کوفت و سوخت و کشت و خورد (۴)و برد و به آنچه کرد نازید (۵)و آن مایه گستاخ گشت که اگر پایمردی

۱- این سخن، فتوای شماره ۱۶۶۲۶ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز است که در سال ۱۴۱۴ه. ق صادر شده است.
۲- برای آشنایی با یاوگی این سخن و نقض شیرین و آشکار آن در میان مکیان، بنگرید به: تبرک الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضله العظیم، محمد طاهر بن عبدالقادر الکردی المکی.
۳- امروزه از بسیاری از این مکان های مقدس و تاریخی جز نامی در کتاب ها نمانده است.
۴- وهابیان حاکم بر عربستان پس از درهم کوفتن مسجد النبی و تخریب بقعه مبارک نبوی، گنجینه عظیمی از جواهرات بس گرانبها و اشیای بسیار قیمتی را که ارادتمندان و سلاطین و حاکمان کشورهای اسلامی به حرم نبوی هدیه کرده بودند، به تاراج بردند و در میان خود تقسیم کردند. این پلشتی در کربلای معلا نیز تکرار شد. هنگامی که عبدالله بن سعود پس از چیرگی مصریان بر درعیه در ۱۲۳۳ه. ق. به اسارت نیروهای محمد علی پاشا درآمد، مقداری از این جواهرات را همراه داشت و آنها را سربهای خود تقدیم کرد تا جان به در برد، اما او را به آستانه بردند و در آنجا اعدامش کردند (السعودیون و الحل الاسلامی، جلال کشک، ص۱۸۷، به نقل از الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، حمزه حسن، ج۲، صص۲۳۲ و ۲۳۳)
۵- بنگرید به: الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، ج۲، ص۲۳۳.

مـدنیان نبود اینـک از مسـجدالنبی و مبارک بارگاه نبوی نیز، چونان بقیع (۱)، مگر پاره سـنگی خام و نانوشـته بر خاک نمانده بود. (۲)

کُحِلَتْ بِمَنْظَرِ العُیُونُ عَمایَهً و اَصَّمَ نَعْیُکَ کلَ اُذُنٍ تَسْمَعُ (۳)

گذر از عمر به محمد بن عبدالوهاب

قوم وهابی - سعودی گزاف می بافد که می گوید: پیرو قرآن و شیوخ ثلاثه و سلف صالح است؛ چه از سویی در قرآن کریم آمـده است: . . . قالَ الَّذِینَ غَلَبُوا عَلی أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِداً (۴)؛ «. . . کسانی که از کار آنها آگاه شدنـد گفتنـد: ما بر بالای (جایگاه) آنان مسجدی خواهیم ساخت.»

نیز درباره مقام ابراهیم در قرآن آمـده است: وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّی (۵)؛ «از مقام ابراهیم نمازگاه گزینیـد. . .» ؛ و از سوی دیگر نخستین کسـی که بر مزار مبـارک نبوی بنـایی نهـاد، عمر بن خطـاب است. (۶)همچنین حضـرت ابوطالب با افتخار درباره مقام ابراهیم گفته است:

و مَوطِئُ ابراهیمَ فی الصَّخرِ رَطبَه عَلی قَدَمیه حافیاً غَیرَ ناعِلِ (۷)

امـا امروزه همیـن جمـاعت کـه عمر زده می نماینـد اگر می توانسـتند از آنچـه بر مزار مبـارک نـبوی است هیـچ برجـای نمی گذاشـتند؛ مگر این قوم مدعی نیسـتند که خانه خدیجه کبری (علیها السـلام) پس از مسجدالحرام، فری جایگاه ترین جای مکه مکرمه است؟ آیا آنان

۱- عـالم فرزانه آیت الله محمـد جواد بلاغی در رثای بقیع گفته است: یَومُ البَقِیعِ لَقَـد جَلَّتْ مُصِـیبَتُه وَشَارکَ فی شَـجاها کَربلا عِظَما دَهَاک ثامنَ شوال بِما دَهَما فَحَقَّ لِلعَین اِهمالُ الدُّموعِ دَمَا

۲- بنگرید به: الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، حمزه حسن، ج۲، صص ۲۳۰ - ۲۴۴.

۳- دیوان، دعبل خزاعی، چاپ عبدالکریم اشتر، ص ۱۴۱.

۴- کهف: ۲۱.

۵- بقره: ۱۲۵.

۶- وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، سمهودی، ج۲، ص۴۹۱.

۷- دیوان ابی طالب عم النبی (ص) ، چاپ محمد تونجی، ص ۶۵.

امروزه از این خانه مقدس چیزی برجای نهاده اند؟

گم شده هر که چو یوسف بود گم شدنش جای تأسف بود (۱)

ناتوان از درک و دریافت

قوم وهابی - سعودی چنان کرده است که پنداری تفاوتِ از زمین تا آسمان میان مکان هایی که رسول خدا (ص) (۲)و اهل بیت او: در آنها آمد و شد کرده اند و نماز گزارده اند و. . . و به هر روی با آن ذوات مقدس نسبتی دارند با دیگر مکان ها را درنمی یابد.

شَرَفُ المَحَلِ بِقَدرِ مَن قَد حَلَّه

از این روست که برخلاف گذشتگان که حتی درباره خرده ریزها و متعلقات خانه خدیجه کبری (علیها السلام) کتاب می نگاشتند (۳)، اینان چنان بی پروا گشتند که حتی خانه خدیجه کبری (علیها السلام) که فرودگاه وحی و زادخانه زهرا (علیها السلام) و دیگر فرزندان خدیجه است را تخریب و جای آبریز کردند (۴)و زادخانه پیامبر اعظم (ص) را ویران و محل آن را علفخانه چارپایان نمودند. (۵)

۱- مخزن الاسرار، نظامی گنجوی، چاپ انجمن خوش نویسان، ص۱۱۵.

۲- برخی از عالمان اهل سنت، مدینه منوره را به اعتبار وجود پیکر مقدس حضرت رسول اکرم (ص) در مسجدالنبی، حتی از مکه مکرمه بافضیلت تر می دانند و در این باره چنین سروده اند: جَزَمَ الجَمیعُ بانَّ خَیرَ الأرضِ ما قَد حاطَ ذاتَ المصطفی و حَواها وَ نَعَمْ لَقَدْ صَدَقُوا بِساکِنها عَلَتْ کَالنَّفسِ حینَ زَکَتَ مَأواها و کسانی که بر این برتری گردن ننهاده اند باری این دو شهر را در فضیلت همپایه می دانند. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج۱، ص ۱۳۰.

۳- محمد بن علان صدیقی (۹۸۰ - ۱۰۵۸ه. ق.) که از علمای اهل سنت است کتابی قلمی ساخته است با عنوان النفحات الاریجه فی متعلقات بیت ام المؤمنین خدیجه.

۴- نصیحه لاخواننا علماء نجد، رفاعی، ص۵۹.

۵- اعیان الشیعه، امین، ج۱، ص۱۷۵.

آن که از او جز این انتظار نیست

مگر از قومی که پیشینیانش با رسول خدا (ص) و اهل بیت او: آن کردند که می دانیم و نگوییم، و پسینیانش هر مسلمانی را که چونان آنان نیندیشد مشرک تر از عربان جاهلی می دانند (۱)و خود را چنان در آتش توحید ناب، سوخته می پندارند! که شأن پیامبر (ص) فرو می کاهند و به کفر گویی می رسند و گزافه می بافند (۲)و زنار می بندند (۳)و با نامسلمان حربی رقص شمشیر می کنند (۴)و مسلک اسلام صهیونیستی می گسترانند (۵)، جز این انتظار می رود؟

۱- بنگرید به: الشبهات، محمد بن عبدالوهاب، صص۲۲۷ و ۲۲۸ به نقل از تاریخ العربیه السعودیه، فاسیلیف، ص۹۳.

۲- اشارتی است به ترهات پاره ای از وهابیان، برای نمونه محمد بن عبدالوهاب از صلوات بر محمد و آل محمد با صدای بلند باز داشته و کسانی را که در گلدسته ها به هنگام اذان بر او صلوات می فرستادند مجازات می کرد. او حتی فردی را به این جرم کشت و آشکارا بیان داشت که از نگاه من گناه برخاستن نوای رباب از خانه روسپی از گناه صلوات بر پیامبر بر فراز گلدسته ها کمتر است. (الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، دحلان، ص۴۱؛ روضه المحتاجین لمعرفه قواعد الدین، بیبریس، ص۳۴۸) ؛ حال آنکه حریفیش (در. ۸۰۱ ه. ق) که از اهل سنت است گفته است: مَن زارَ قَبرَ مُحمدٍ نالَ الشَّفاعَهَ فی غَدٍ بِاللهِ کَرِّر ذِکرَه وَ حَدیثَه یا مُنْشِدِی وَاجْعَلْ صَلاتَکَ دائِماً جَهْراً عَلیه تَهتَدی نیز محمد بن عبدالوهاب گفته است که محمد، طارشی (چاپاری) بیش نبوده است. یکی از اطرافیانش نیز در حضور او می گوید که: چوب دستی من از محمد برتر است چه باری با آن می توان گزنده ای را کشت، حال آنکه محمد مرده است و دیگر بهره ای نمی رساند. او طارشی (چاپاری) بوده که درگذشته است (الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، دحلان، ص۴۲؛ روضه المحتاجین لمعرفه قواعد الدین، بیبریس، ص۳۴۸)

۳- دولت شبه جزیره انگلیس به پاس خدمات ملک عبدالعزیز به وی لقب شوالیه فرقه باث a knight of the Order of the Bath عطا کرد، و ملک فهد (خادم الحرمین الشریفین) هم با الیزابت، ملکه انگلیس عکسی گرفته و در آن نشان شبه جزیره انگلیس با نماد صلیب بر خود آویخته است.

۴- ملک عبدالله با بوش پسر در عربستان چنین کرد.

۵- مرادم از این اصطلاح، کنایتی است به رفتار صهیونیست پسند آل سعود و مفتیانی چون عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ رئیس وقت شورای علمای اعلم عربستان و عبدالله بن جبرین و صالح لهیدان از اعضای آن شورای فقهی که برپایی تظاهرات در حمایت از مردم غزه و تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی را رخنه در توحید و حرام می دانند، و مذبوحانه می کوشند آفتاب گل اندود کنند و قهرمانی چون سید حسن نصرالله و حزب الله پیروزش را کافر و خونشان را حلال می شمارند و دعا برای پیروزی آنان را حرام می خوانند و مزدورانه اعلام می دارند که هدف مقاومت اسلامی لبنان گشودن پای اسرائیل به سرزمین های اسلامی است. البته از مفتیان وهابی جز این نمی توان چشم داشت چرا که اینان چنان ذهن و زبان به آثار محمد بن عبدالوهاب آلوده اند که نمی توانند گونه ای دیگر بیندیشند. کتاب ها و رسائل عبدالوهاب نمی گذارد اینان علیه صهیونیسم و صلیبیان و کمونیسم و سکولاریسم و. . . دم زنند در عوض آنان را برمی انگیزد تا قلم و قدم علیه مسلمانانی که در مخالفت با آرای محمدبن عبدالوهاب قلم سوده و سخن گفته اند به کار گیرند (بنگرید به: نقد الشیخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، عصام یحیی علی العماد؛ الوهابیه فکراً و ممارسه، محمد عوض الخطیب) .

واکنش از درون

باری شناعت کار، آن مایه است که از همان آغاز، ردیه نویسی بر وهابیت آغاز گشت و کسانی چون سلیمان بن عبدالوهاب (برادر محمد بن عبدالوهاب) با پرداختن کتاب الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه و کتاب فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبدالوهاب (۱)، و احمد زینی دحلان با نگارش الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، و محمد بن عفالق با تحریر رساله فی رد ابن عبدالوهاب، و ابن سویدی با نوشتن کتاب المشکلات المضیه رداً علی الوهابیه، و محمد کرد علی با کتاب الوهابیه و الشبهات فی القدیم و الحدیث، و محمد عزه دروزه در کتاب یهود الحجاز، و سید حسن صدر در رد فتاوی الوهابیین، و الرد علی فتاوی الوهابیه ، و احمد محمود صبحی با کتاب جذور الارهاب فی العقیده الوهابیه، و احمد راسم نفیس در کتاب نقض الوهابیه، و عصام عماد با کتاب نقد الشیخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، و محمد حسین هیکل در بخشی از کتاب فی منزل الوحی، محمد عوض خطیب در کتاب الوهابیه فکراً و ممارسه، و محمد طاهر بن عبدالقادر کردی مکی با کتاب تبرک الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضله العظیم، و. . . به رد وهابیت و انتقاد از پندار و رفتار وهابیان قلم سودند و دیرنپایید که انبوهی از این دست آثار پدیدار گشت. (۲)

۱- وی که برادر بزرگ محمد بن عبد الوهاب است در این کتاب تصریح می کند که محمد بن عبد الوهاب دارای هیچ یک از شروط و ویژگی های مجتهدان بلکه دارای یک دهم یکی از این ویژگی ها هم نیست. بنگرید به: فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبدالوهاب، ص۲۵، به نقل از: نقد الشیخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، عصام یحیی علی العماد، ص۸۱.

۲- بیشینه آثاری که در رد بر ابن تیمیه و عبدالوهاب نگاشته شده حاصل قلم فرسایی عالمان غیر شیعه است. بنگرید به: السلفیه الوهابیه افکارها الاساسیه و جذورها التاریخیه، سقاف، صص۱۳۳- ۱۴۶ (در این کتاب از ۱۰۵ اثر در رد و نقد این مسلک یاد شده است) و مقاله «معجم ما الفه علماء الامه الاسلامیه للرد علی خرافات الدعوه الوهابیه» از سید عبدالله محمد علی که در آن به بیش از ۲۰۰ عنوان از مکتوبات ضد وهابیت اشاره شده است. (مجله تراثنا، شماره ۱۷، شوال۱۴۰۹، ص۱۴۶- ۱۷۸)

قلمداران سوته دل

طبیعی بود که چنـدان نپایـد و دلسوزان قلمزن برای معرفی مکـان هـای تـاریخی به ویژه مساجـد و مزارات بربـاد رفته و برجای مانده در مکه مکرمه و مدینه منوره چاره ای کنند. این دست آثار کمابیش به قلم غیر وهابیان پرداخته شده است.

کاری از نوع دیگر

آنچه در این میـان غریب افتـاده است نگـارش کتابی در بازشـناخت آثار تاریخی - اسـلامی مکه مکرمه به قلم یکی از عالمان رسمی دستگاه وهابی - سعودی حاکم بر عربستان: دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان (از اعضای شورای علمای اعلم عربستان و عضو هیأت تحریریه دانشـنامه بزرگ مکه مکرمه و مـدینه منوره) ، و نشـر آن در مؤسـسه فرقان به ریاست احمد زکی یمانی وزیر اسبق نفت آن کشور است. (۱)

از رؤیای احیا تا چاره کار

امروزه در فراق جان گزای این مکان های مقدس هر کاری مگر احیای آنها - که به رؤیا می ماند - راستی را مویه بر آب رفته از جوی است؛ چرا که آن چه نشاید، شد و فاجعه ای سـخت مصیبت بار روی داد و شماری پرشمار از مکان های تاریخی بس مقدس در ام القرای جهان اسلام از میان رفت و غمگنانه باید پذیرفت که دیگر اثری نمانده است تا دلالت بر صاحب اثر کند؛ اما در کنار و بر کنار از این انـدوه کاهنـده جان، چه بایـد کرد تا آینـدگان، باری باور کننـد و انکار نکنند که در مکه مکرمه، پیامبر (ص) را زادخانه و خدیجه (علیها السلام) را خانه بوده است و مسلمانان بر فراز کوه ابو قبیس در جای

۱- نیز اسـتاد دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابو سـلیمان، در شماره ۱۵۸۳۸ نشـریه عکاظ عربستان (۲۰/ محرم/۱۴۳۱) در مقـاله ای با عنوان: «التشـکیک فی الآثار یشوش أذهان الناس/ تردیـد آفریدن نسـبت به آثار تاریخی، افکار مردم را پریشان می کند» به رد آرای رئیس هیـأت امر به معروف و نهی از منکر مکه مکرمه دربـاره مکـان هـای تـاریخی مکه مکرمه پرداخته و از جمله گفته است: «مایه ننگ و نکبت است که از مکان هایی که رسول خدا (ص) در آنها آمد و شد کرده است نگهداری نمی کنیم.»

جلوس پیامبر اکرم (ص) به هنگام شق القمر، مسجدی ساخته بودند (۱)و. . . و. . . و اینها همگی مکان هایی بوده است که تا پیش از سیطره سیاه وهابی - سعودی بر حجاز، جملگی برپا بودند و دلالت ها داشتند و دل می ربودند و مردم در آنها پای جای رسول الله (ص) را جان بوسه می زدند و بر آن رخساره می سودند و به دیده اش غبار می زدودند و آغوش عشق بر آن می گشودند و بدان تبرک می جستند که جای پای محمد (ص) است، بوی حبیب می دهد. (۲)

۱- رحله، ابن جبیر، ص۸۵؛ موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج۲، ص۹۰۸.

۲- در استفتای عبدالله بن بلیهد قاضی القضات وهابیان از علمای مدینه در خصوص آن چه این قوم آن را بدعت و کفرآمیز می خوانند که در روزنامه ام القری (مکه، ۱۷شوال، ۱۳۳۴ه. ق، شماره ۶۹) انتشار یافت از جمله آمده است که: آیا گشتن به دور ضریح نبوی و بوسیدن و دست سودن به آن و رو به آن دعا کردن مشروع است؟ ۱۴- ۱۵تن از علمای مدینه در فتوایی جمعی این اعمال را مطلقاً ممنوع و خلاف شرع معرفی می کنند (الرد علی الوهابیه، محمد جواد بلاغی، صص۳۹۴۲؛ الرد علی فتاوی الوهابیه، سید حسن صدر، صص۲۹ و ۳۰) . حال آن که حضرت زهرا (علیها السلام) چون رسول الله (ص) به خاک سپرده شد بر مزار آن حضرت حاضر شد و از تربت آن برگرفت و بر دیده نهاد و چنین مرثیه سرود: ماذا عَلی مَن شَمَّ تُربَةَ اَحمَد اِن لایَشُمُّ مَدَی الزَّمانِ غَوالیا صَبَّتْ عَلی مَصائِبٌ لَو اَنها صَبَّتْ عَلَی الْایام صِرْنَ لَیالیا (مناقب، ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۲۴۲) نیز مالک و عبدالله بن عمر، به منبر مبارک نبوی تبرک می جستند و ابوایوب انصاری (خالدبن زید بن کلیب بن مالک بن نجار خزاعی درگذشته در ۵۰ یا۵۱ه. ق) که از کبار صحابه است قبر مبارک را در آغوش می کشیده است و بلال مؤذن رسول خدا (ص) سیما بر مزار نبوی می سوده است. (تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج۸، ص۱۳۷؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج۱، ص۳۵۸؛ وفاء الوفا، سمهودی، ج۴، ص۱۴۰۳؛ الغدیر، امینی، ج۵، صص۱۴۶۱۵۱.) روشن است که این افراد از این بوسیدن و دست سودن و در آغوش کشیدن جز فرو کاستن از اندوه فراق و نشان دادن پایه و مایه دلبستگی خود به رسول خدا (ص) در پی چیزی دیگر نبوده اند: اَمُرُّ عَلَی الدیارِ دیارِ لیلی اُقَبِّلُ ذَالجِدار وَ ذَالجِدارا وَ ما حُبُّ الدِّیارِ شَغَفْنَ قَلْبی وَ لکِن حُبُّ مَن سَکَن الدّیارا (دیوان، مجنون لیلی، ص ۱۱۳) *** اُحِبُ الحَمی مِن اَجْلِ مَن سَکَنَ الحَمی ومِن اَجْلِ أَهلیها تُحَبُّ المَنازِلُ ازاین روست که حافظ زین الدین عراقی (۷۲۵ - ۸۰۶ه. ق) در الفیه السیره النبویه اش می گوید: وَنَعلُهُ الکَریمهِ المَصونَه طُوبی لِمَن مَسَّ بِها جَبِینَه (سبل الهدی والرشاد، صالحی، ج ۷، ص ۳۲۱) دیگری گفته است: عَلی رَأسِ هَذا الکَونِ نَعلُ مُحمَّد عَلَتْ فَجَمیعُ الخَلْقِ تَحتَ ظَلالِه لَدَی الطُّورِ موسی نُودی اخْلَعْ وَاَحمَد عَلَی الْقُربِ لَم یُؤمَرْ بِخَلعِ نِعالِه همچنین عبدالله بن عمر، ابوحنیفه، مالک، زرقانی، ابن جماعه، سبکی، محمد بن همام که جملگی از علمای اهل سنتند تأکید کرده اند که دعا کردن رو به مزار شریف نبوی بهتر از دعا رو به کعبه است. (الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، دحلان، صص۲۲ و ۲۳) برای آگاهی فزون تر از دیدگاه بزرگان روایی اهل سنت نسبت به تبرک جستن به آنچه به رسول خدا منسوب است، بنگرید به: تبرک الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضله العظیم، محمد طاهر بن عبدالقادر کردی مکی؛ الدرالمنثور بآثار المصطفی و مدینه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محمدعلی صالح قُزنی، صص۳۸۰ - ۴۳۰.

سَأَحمِلُ مِن تُرابِکَ فی رِحالی لِکَی أَغنَی بِه عَن کُلِّ طِیبٍ

***

بِمَسجِد سَیِّدِ الأَبرارِ کَرِّر

این عاشـقان بـا از کف دادن یـاران، به آثار آنان دل خوش داشـتند و با آنها معاشـقه می کردنـد، اما اینک با از میان بردن این آثار نمی دانند نشسته در فراق یاران و آنچه از یاران است بگریند یا ایستاده.

قُلْ لِمَن یَبکی عَلَی رَسْمٍ دَرَس واقِفاً، ما ضَرَّ لَو کَانَ جَلَس (۱)

باری این گره مگر با نگاشـتن کتاب هایی مانند آن چه اسـتاد ابوسـلیمان پرداخته است گشودنی نیست و هم از این روست که وی با اسـتناد به سیره نامه های نبوی و آثار موجود در تاریـخ مکه مکرمه و مناسک نامه های حج و منابع فقهی و تواتر محلی، اثری درخور و خواندنی آفریده است تا شـرح و شـکافتی بدیع و مفید از مکان های مقدس تاریخی - اسلامی مکه مکرمه رقم خورد و چراغی باشـد فرا راه جوینـدگان و حجتی علیه منکران وجود این مکان های مقـدس و درستی انتسابشان به رسول خدا (ص) و یاران گرامی آن حضرت.

۱- دیوان، ابی نواس، چاپ احمد عبدالمجید غزالی، ص ۱۱۸.

اشارتی بر محتوای کتاب

کتابی که پیش رو دارید از مقدمه، شش فصل ۲-۳ گفتاری و پیوستی برآمده است. در مقدمه به فلسفه نگارش کتاب اشاره شده است و از اهمیت میراث فرهنگی در انتقال میان نسلی فرهنگ سخن رفته است و به بایستی پیمودن راه پیشینیان در پاس داشت میراث اسلامی و تلاش برای زنده داشت یاد این میراث در دل و دماغ نسل ها و پیش گیری از گم گشت آنها در دل تاریخ پرداخته شده است.

عنوان فصل یکم، سرآغاز نگارش درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه است. گفتار نخست این فصل با اشارتی به بشارت حسن بصری به یکی از دوستانش به روا شدن دعا در شماری از مکان های مکه مکرمه و یاد آوری فضایل آنها سر می گیرد و افزوده می شود که دیگران نیز از این نکته در آثار خود یاد کرده اند.

گفتار دوم این فصل نیم نگاهی است به مواضع و دلبستگی صحابه و تابعین و تابعینِ تابعین و نسل های پسین نسبت به مکان های تاریخی بازمانده از صدر اسلام در مکه مکرمه و مدینه منوره. برای نمونه از زبان قاضی عیاض آمده است که بزرگ داشت وسایل منسوب به حضرت رسول (ص) و مکان هایی که آن حضرت در آنها رفت و شد کرده است، بزرگ داشت آن حضرت به شمار می رود. پرداختن به این امور بابی مهم در آثار پیشینیان بوده است.

فصل دوم درباره مکان های تاریخی در منابع تاریخی است. در گفتار یکم این فصل از مکان های تاریخی در سیره نگاشت های نبوی سخن رفته، از آنهاست: الاستیعاب فی معرفه الاصحاب اثر ابن عبدالبر؛ الروض الأُنُف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، نوشته سهیلی؛ امتاع الاسماع بما للرسول من الابناء و الاموال والحفده و المتاع، اثر مقریزی؛ سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، نوشته صالحی.

در این چند اثر به زادخانه رسول خدا (ص) پرداخته شده است.

گفتار دوم این فصل به بررسی مکان های تاریخی در کتاب های خاص تاریخ مکه

مکرمه اختصاص یافته است. این کتاب ها عبارتند از:

۱. اخبـار مکه و مـا جـاء فیهـا من الآثـار، ازرقی. نگارنـده در بازشـکافت مطلب از جایگاه ممتاز ازرقی و کتاب بی بـدیلش در تاریخ مکه می گوید سپس از زبان ازرقی به شرح مکان های زیر می پردازد: زادخانه نبوی، خانه خدیجه (علیها السلام) ، خانه ارقم بن ابی ارقم، مسـجدی در بالا دست مکه کنار چاه جبیر بن مطعم، مسـجد جن، مسـجد شجره، مسجدی در بالادست مکه کنار سوق الغنم، مسـجد سـرر، مسجدی در عرفه سمت راست موقف، مسجد کبش، مسجدی در ذی طوی، غار حرا، غار ثور، مسجد البیعه، مسجد جعرانه، مسجد تنعیم.

۲. اخبار مکه فی قـدیم الدهر و حدیثه، فاکهی. در این کتاب به مکان های زیر پرداخته شده است: زادخانه نبوی، خانه خدیجه (علیهـا السـلام) ، مکانی در اجیاد صـغیر که به آن متکا (تکیه گاه) گفته می شود، مسـجد خانه ارقم بن ابی ارقم، مسـجدی در عرفه که مسـجد ابراهیم خوانده می شود، مسـجد کبش، مسـجدی در بالادست مکه در ردم اعلی، مسجد حرس، مسجد البیعه، مسـجد شـجره، مسـجد سـرر، مسـجدی در نزدیکی برامین، مسـجدی در شعب علی (ع) ، مسجدی در ذی طوی، مسجد شجره پایین تر از محله یأجج، مسجدی در کوه ثور، مسجدی در کوه حرا.

نگارنده در ادامه این گفتار به مقایسه سیاهه مکان ها در کتاب ازرقی و فاکهی می پردازد.

۳. شفاءالغرام باخبار البلد الحرام، فاسی. وی به مکان های زیر اشاره کرده است: مسجدی نزدیک مجزره بزرگ، مسجد الرایه، مسـجدی که به آن مختبـاء (مخفیگاه) گوینـد، مسـجد ابوبکر، مسـجد الاجابه، مسـجد البیعه، مسـجدی در منا نزدیک خانه ای معروف به دارالمنحر، مسـجد کبش، مسـجد خیف در منا، مسجدی در تنعیم، مسجد فتح، زادخانه نبوی، زادخانه حضرت زهرا (علیهـا السـلام) ، زادخـانه علی (ع) ، زادخـانه امـام جعفر صـادق (ع) ، خـانه ابـوبکر، خـانه ارقم ابن ابی ارقم، خـانه عبـاس بن عبدالمطلب، مسجد مرسلات.

شرح شیوه فاسی در معرفی این مکان های مقدس از دیگر مطالب این بخش از سخن است.

۴. جامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره قرشی. در گفتار پایانی این کتاب زادخانه ها، خانه ها، مسجدها، کوه ها، آرامگاه های مکه مکرمه واکاوی شده است. زادخانه حمزه سیدالشهدا، زادخانه عمر، مساجدی که ازرقی از آنها نام برده اما اکنون از آنها اثری نیست از بحث های تازه این کتاب است.

۵. الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، قطب الدین نهروالی. سخن فرجامین این کتاب درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه است و در آن به گونه ای روشمند و مبسوط به این مکان ها پرداخته شده است. وی تنها مکان هایی را که در روزگار او شناخته شده بوده اند واشکافته است.

۶. الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، عبدالقادر طبری. او فصل سوم کتابش را به معرفی زادخانه ها، مساجد، نوانخانه ها و محل هایی در مکه مکرمه که زیارت آنها مستحب است اختصاص داده است.

زادخانه نبوی، زادخانه حضرت زهرا (علیها السلام) ، خانه خدیجه (علیها السلام) ، خانه خیزران از جمله مکان های معرفی شده در این کتاب است.

۷. منائح الکرم فی اخبار مکه و البیت و ولاه الحرم، سنجاری. در این اثر، ذیل مکان های مکه و زیارتگاه های آن به این مکان های تاریخی پرداخته شده است.

۸. تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، ابن صباغ. او در فصل سوم کتاب به مکان های زیارتی مکه مکرمه اشاره نموده و از روا شدن دعا در آنها گفته است.

۹. سالنامه العربیه فی شأن الدوله العثمانیه. در شماره چاپ شده در ۱۳۰۳ هجری قمری این نشریه به مکان های تاریخی مکه مکرمه پرداخته شده است.

۱۰. العقد الثمین فی فضائل البلد الامین، خضراوی. در فصل سوم آن به بررسی ۳۱

مکان پرداخته شده است.

۱۱. افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، غازی. فصل سوم تا ششم این کتاب، خاص واکاوش مکان های تاریخی مکه مکرمه است.

۱۲. ملخص مناسک الحج و یلیه دلیل الآثار المطلوبه فی مکه المحبوبه، طرابلسی. وی ۳۰ مورد از مکان هایی را که در بردارنده مشاعر مقدس است برشمارده و نقشه مکه مکرمه را ترسیم و محل مکان های تاریخی در مکه مکرمه را بر آن معلوم داشته است.

۱۳. معالم مکه التاریخیه و الاثریه، بلادی. این کتاب فراگیرترین اثر در موضوع خود است.

گفتار سوم (۱)، معرفی مکان های تاریخی مکه مکرمه در کتاب هایی که به تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره پرداخته اند. در این گفتار به دو کتاب اشاره شده است:

۱. تاریخ مکه المشرفه و المسجدالحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، ابن ضیا. فصل دوم و هفتم این کتاب درباره مکان های مقدس در مکه مکرمه است که نمازگزاردن در آنها و زیارت آنها مستحب است.

۲. موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا. این اثر پنج جلدی در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری به قلم یکی از اتباع ترکیه عثمانی که مورخ و عامل حکومت عثمانی در مکه مکرمه بوده نگارش یافته است. وی در نگارش این کتاب از منابع تاریخی و مشاهدات شخصی خود بهره برده است و تألیف کتابش هفده سال به طول انجامیده است و اثری به راستی خواندنی و در نوع خود کم نظیر آفریده است.

صبری پاشا، در جلد دوم این کتاب به ۳۹ مکان مقدس در مکه مکرمه و در جلد چهارم آن به ۴۰ مسجد میان مکه مکرمه و مدینه منوره پرداخته است.

گفتار چهارم، تک نگاشت هایی به نثر و نظم درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه.

۱- این گفتار افزوده مترجم است.

الف. تک نگاشت هایی به نثر

۱. عـده الانابه فی اماکن الاجابه، محجوب. در این اثر ذیل هر یک از مکان هایی که گفته شده است دعا در آنها روا می شود مطالبی آمده است. این کتاب در واقع شـرحی است بر مکان هایی که حسن بصری گفته است دعا در آنها برآورده می شود و در قرون اخیر برخی از اهل ذوق آنها را به نظم کشیده اند.

۲. تحفه الانام فی مآثر البلد الحرام، زواوی. در این کتاب هم، به شـرح مکان هایی که دعا در آنها روا می شود پرداخته شده و آمده است که فضیلت این مکان ها تابع فضیلت کسانی است که در آنها نماز گزارده، یا سکونت داشته، یا زاده شده اند.

۳. معالم مکه التاریخیه و الاثریه، بلادی. در این کتاب دانشـنامه ای، مکان های تاریخی مکه مکرمه چینش الفبایی و شرح شده اند.

ب. تک نگاشت هایی به نظم

شماری از عالمان - خواه فقیه، خواه مورخ - آثاری به نظم درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه پرداخته انـد، مانند: ابوجعفر احمد بن محمد مرادی، عبدالملک بن جمال الدین عصامی، محمد بن علان صدیقی.

فصـل سوم، مکان های تاریخی مکه مکرمه در کتاب های فقهی. در گفتار نخست این فصل از مکان های تاریخی در آثار زیر سخن رفته است:

۱. مثیر الغرام الساکن علی اشرف الاماکن، ابن جوزی. در این کتاب به هفده مکان تاریخی اعم از زادخانه و مسجد و منزل در مکه مکرمه پرداخته شده است.

۲. البحر العمیق فی مناسک العمره و الحـج الی البیت العتیق، ابن ضـیا. در این اثر از مکان هایی که زیارت آنها مسـتحب و دعا در آنها رواست ذیل مساجد، زادخانه ها، خانه ها یاد شده است.

۳. لبـاب المناسـک و عبـاب المسالک، سـندی مالکی. وی ذیل سه عنوان به این مکان ها اشاره نموده است: مکان های اجابت دعا؛ مکان هایی از مسجدالحرام که رسول خدا (ص)

در آنها نماز گزارده است؛ زیارت مکان هایی که به فضیلت شهره اند.

۴. ارشاد السالک الی افعال المناسک، ابن فرحون. در این کتاب، مطالب ذیل این عنوان گنجانده شده است: شرح آثار شریف مکه که شایسته است بدان ها تبرک جست.

۵. الایضاح فی مناسک الحج و العمره، نووی. او مکان های زیارتی مکه مکرمه را هیجده مورد دانسته و به شرح هر یک پرداخته است.

۶. القری لقاصد ام القری، محب طبری. در این اثر که عظیم ترین و برترین کتاب در مناسک است از نوزده مکان تاریخی سخن رفته است.

۷. هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، ابن جماعه. در این کتاب به فضیلت زیارت زادخانه نبوی، خانه خدیجه (علیها السلام) ، مسجدی در دارخیزران اشاره شده است.

۸. فتح الفتاح فی شرح الایضاح للنووی، ابن علان صدیقی. وی از فضیلت ذاتی و اکتسابی مکان های تاریخی مکه مکرمه یاد کرده و به نوزده مکان پرداخته است.

گفتار دوم این فصل درباره تحلیل علمی عناوین فقهی مکان های تاریخی مکه مکرمه در آثار فقیهان است و در آن پس از بیان مفهوم استحباب، از قول چهارده تن از بزرگان اهل سنت بر استحباب نماز گزاردن و دعا کردن در مکان های تاریخی مکه مکرمه اشارت رفته و افزوده شده است که بی گمان مکان ها به اعتبار کسی که در آنهاست یا آنچه در آنها رخ داده است بر یکدیگر برتری دارند.

فصل چهارم، شواهدی بر وجود تواتر محلی درباره مکان های تاریخی در مکه مکرمه. در گفتار یکم این فصل پس از بیان مفهوم و چگونگی حصول تواتر محلی به نمونه هایی از تواتر محلی در آثار عالمانی چون ابن ظهیره در کتاب الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، و ابن ضیا در کتاب البحر العمیق فی مناسک العمره و الحج الی البیت العتیق پرداخته شده است.

گفتار دوم این فصل درباره توجه ملک عبدالعزیز به مکان های تاریخی مکه مکرمه است و در آن به حکم دادگاه شرع مبنی بر موقوفه بودن زادخانه نبوی و موافقت دادگاه

بـا درخواست بازمانـدگان شـیخ عبـاس قطـان برای ایجـاد کتابخـانه در آن محل مبارك، و نیز موافقت با درخواست آنان برای وقـف خـانه حضـرت خـدیجه (علیهـا السـلام) و ایجـاد مـدرسه ای در آن برای حفـظ قرآن کریـم اشـاره شـده اسـت. در متن درخواستی، مطـالبی آمـده است که به تواتر محلی دال بر صـحت انتسـاب این دو مکـان به رسول خـدا (ص) و خـدیجه کبری (علیها السلام) آشکارا دلالت دارد.

فصـل پنجم، دیـدگاه عالمـان منتقـد و معتقـد زیـارت مکـان هـای تاریخی در مکه مکرمه. در گفتار یکم این فصل به دیـدگاه مخالفان زیارت این مکان های مقدس و در گفتار دوم آن به آرای موافقان این کار اشارت رفته است.

فصل ششم درباره وضع کنونی مکان های تاریخی در مکه مکرمه است. در گفتار یکم این فصل از مکان های تاریخی از میان رفته مکه یاد شده است. این مکان ها شامل ۸ مسجد و ۵ منزل است.

در گفتـار دوم، مکـان هـای تـاریخی برجای مانـده در مکه مکرمه معرفی و به تغییرات و تعمیرات صورت گرفته در آنها اشاره شده است. این مکان ها شامل زادخانه نبوی، مسـجد الرایه، مسـجد الاجابه، مسـجد البیعه، مسـجد خیف، مسجد ابوبکر، مسجد تنعیم، مسجد فتح، مسجد جن، مسجد جعرانه، غار حرا، غار ثور است.

در پیوست کتاب که کمابیش دامن فراخ ترین بهره آن است به شـرح و شـکافت زنـدگی علمی و برشـماردن آثار مؤلفانی که دربـاره مکه مکرمه قلم سوده انـد و در این کتاب از آثار آنان یاد شـده، سـخن رفته است. مؤلف با اسـتفاده مسـتقیم از مقـدمه محققان بر این کتاب ها به این امر پرداخته است و در این زمینه پژوهش و کاری علمی نکرده است.

نیم نگاهی به رویکرد استاد ابوسلیمان در این کتاب

مؤلف محترم با اعتراف و عنایت به فرّهی جایگاه این مکان های مقدس در ذهن و زبان مسـلمانان، در تلاشـی ستودنی توانسته است با اسـتناد به منابع پرشـمار و گوناگون علمی و تواتر محلی، نیک اثبات کنـد که مکان های بررسـی شده در این کتاب به راستی

در مکه مکرمه وجود داشته اند و انتسابشان به رسول خدا (ص) و اهل بیت: و صحابه گرامی آن حضرت، خدشه ناپذیر است و تردید و انکار برخی کسان، از سر ناآگاهی و بی ارزش است.

همچنین از متن کتاب برمی آید که برخلاف شیوه ناستودنی و دور از سیره و سنت قوم وهابی - سعودی، سلف صالح مورد اعتماد مؤلف بر روایی بل استحباب زیارت این مکان ها و نمازگزاردن در آنها گردن نهاده اند و برای رضای رب و پاسخ به عشق به پیامبر اکرم (ص) چنین می کرده اند.

مؤلف گرامی خواسته یا ناخواسته بر خطا بودن تخریب این مکان ها اعتراف بلکه اعتراض کرده و آنها را مبارک خوانده است و صفت مبارک را وصف کاشف برای این مکان ها دانسته و پذیرفته است که مکان ها به اعتبار کسی که در آنها آمد و شد کرده یا رخدادی که در آنها روی داده است بر یکدیگر برتری دارند. وی تصریح می کند: هر مکانی که رسول خدا (ص) در آن فرود آمده، مبارک است و هیچ مسلمان جاهلی با این امر مخالفت نمی ورزد چه رسد به عالم عاقل. با این حال به این گونه مکان ها توجه نمی شود؛ نمونه اش مسجدالبیعه است که به تازگی مخروبه آن در پس کوه عقبه کشف شده است.

وی گاه متأثر از فطرت مسلمانی خود از باقی ماندن پاره ای از مکان های مقدس در مکه مکرمه ابراز شادمانی می کند و اندوه خود را از بی توجهی به مکان های مقدس این گونه بیان می دارد: «اندوه سینه را می فشارد که به تاریخ اسلامی شماری از این مکان ها توجه درخور نمی شود.

مکان های تاریخی در دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره نمادها و نشانه های زنده تاریخ اسلام و مکان های سرنوشت ساز آن است و از میان بردن آنها تاریخ اسلام را در نگاه نسل های آینده به افسانه بدل می سازد.

فراخوانی به نابودی مکان های تاریخی دو شهر مکه مکرمه و مدینه منوره از میان

بردن تاریخ اسلام در زادخانه اصلی آن است.

تا آنجا که می دانیم شیوه سلف صالح، حتی اگر مخالف زیارت این مکان ها بوده اند، فراخوانی به از میان بردن آن ها نبوده است.

آری بزرگ داشت هر کس که خدا او را بزرگ داشته، بزرگ داشت خداوند، و گرامی داشت هر کس که خدا او را گرامی داشته، گرامی داشت خداوند است.»

این سخنان، گونه ای روی برتافتن و تن زدن از تندروی های خرد ناپسند قوم وهابی - سعودی است که به از میان رفتن آثار تاریخی - اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره انجامیده و پاره مجسم بخشی از تاریخ اسلام را برباد داده است.

کاش در میان علما و بزرگان قوم در حجاز خانه تکانی عقلانی صورت می گرفت تا مسلمانان از نابخردی های این قوم و رفتار خنک آنان اندکی می آسودند و بیش از این به باورهای آنان بی حرمتی نمی شد و دیگر یادگاری از رسول خدا (ص) و یارانش از میان نمی رفت.

قِفا نَبْکِ مِنْ ذِکری حَبیبٍ وَ عِرفانِ وَ رَسْمٍ عَفَتْ آیاتُه مُنذُ أزمانِ (۱)

آنچه دکتر ابوسلیمان کرده و گفته است نیک ترین کار برای زنده داشت یاد و نام این مکان های مقدس در ذهن و زبان مردم و انتقال نوشتاری میراث از میان رفته گذشتگان به آیندگان است.

اشارتی کوتاه به پاره ای از کاستی های این اثر

گذشته از کاستی های محتوایی ملالت خیز و نابایستی های محنت بیز ویرایشی (۲)این کتاب که موجب شده است رنج آورد مؤلف محترم، چنان و چندان که باید، سخته و پخته نیفتد، در اینجا یادآور می شوم که به جا بود برای بازشکافت موضوع از سفرنامه های جهان گردانی چون ابن جبیر و حج نامه های فراوان حاجیانی چون

۱- دیوان، امرئ القیس، ص ۱۰۴.

۲- در بهره از «این ترجمه» به اندکی از این بسیار خواهم پرداخت.

ابراهیم رفعت پاشا، (۱)و اشارات شاعران عرب به مکان های مقدس مکه مکرمه هم بهره برده می شد (۲).

وانگهی، مؤلف محترم، به شماری از مکان های مقدس مکه مکرمه نپرداخته است، مانند: مسجد مشعر (مسجد آدم) ، مسجد ضب، مسجد صخره، مسجد مدعی، مسجدی در بیمارستان غربا (مستشفی الغربا) ، مسجد عایشه، صخره محتبی در خانه ارقم بن ابی ارقم، زیارتگاه های مقدس آرامستان مَعَلا، سنگ سخن گو (الحجر المتکلم) و سنگ تکیه گاه (الحجر المتکاء) که هر دو در دیوار دکان ابوبکر قرار داشته اند. (۳)

آشنایی با دکتر عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

زندگینامه علمی: وی در ۱۳۵۶ه. ق در مکه مکرمه زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در دارالایتام این شهر به پایان برد، و در ۱۳۷۳ه. ق وارد آموزشگاه علمی سعودی شد، و در ۱۳۷۷ه. ق از دانشکده دین در مکه مکرمه فارغ التحصیل گشت. وی نزد علمای مسجدالحرام شاگردی نمود و از مجلس درس حسن محمد مشاط در حرم شریف به

۱- ابراهیم رفعت پاشا، سرلشکر مصری علاقه مند به زیارت خانه خدا، چهار بار (۱۳۱۸، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۵ه. ق.) به مکه مکرمه مشرف شده است. وی حمله دار مصریان بوده و در زندگی نامه خودنوشتش آورده است که در هر چهار سفر، کوشیدم هر چه می بینم ثبت و ضبط کنم. برآیند این کار تدوین کتاب مرآه الحرمین او الرحلات الحجازیه و الحج و مشاعره الدینیه محلاه بمئات الصور الشمسیه (قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، بی تا) است که گذشته از مشاهدات نگارنده به منابع تاریخی فراونی هم مستند است و در آن گذشته از اشاراتی به تاریخ زندگی رسول خدا (ص) ، نکاتی بس ارزشمند درباره مکه مکرمه و مدینه منوره و مکان های مقدس آنها و جده و مسائل آماری پرشماری درباره حج و آداب و رسوم مردم مکه و مدینه و بسیاری مطالب دیگر گردآوری گشته و کتابی پدید آمده است که برای اهل تحقیق بس مغتنم و خواندنی افتاده است. برای نمونه درباره کتابخانه های مدینه منوره آورده است که در این کتابخانه ها ۲۱۸۵۵ نسخه خطی گرانبها نگاهداری می شود.

۲- از جمله کسانی که در این وادی قلم زده اند، عالم ایرانی، محی لاری (در. ۹۳۳ه. ق.) است که مثنوی فتوح الحرمین را در باره مکه مکرمه و مدینه منوره و مکان های مقدس آنها پرداخته است. این اثر به عربی ترجمه شده است و ایوب صبری پاشا، در موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، بارها از ابیات آن در کتاب خود بازگفته و حتی این کتاب را به جامی نسبت داده است. آبشخور این خطا، آمدن نام جامی در این کتاب و ناشناخته بودن لاری برای مترجم عرب کتاب است.

۳- در کتاب عده الإنابه فی اماکن الإجابه (صص ۲۰۷ - ۲۵۱) در شرح و شکافت مکان های تاریخی مکه مکرمه دست کم از ۴۲ مکان یاد شده است.

مدت ۷ سال بهره برد.

در ۱۳۷۸ه. ق بـه تـدریس در مـدارس مکـه مکرمه پرداخت، و در ۱۳۸۲ه. ق از دانشـگاه آمریکـایی بیروت گواهی نـامه ویژه معلمان گرفت و به دسـتور وزیر معارف به دبیرسـتان عزیزیه مکه منتقل شد، و در ۱۳۸۴ه. ق به دستور وزیر معارف به معاونت دانشـکده فقه و اصول منصوب گشت و در ۱۳۸۵ه. ق برای ادامه تحصـیل به دانشگاه لندن اعزام شد، و در ۱۳۹۰ه. ق با درجه دکتری فارغ التحصـیل گشت و به عربستان بازگشت و به عنوان استادیار در دانشکده دین دانشگاه ملک عبدالعزیز مکه مکرمه به تـدریس پرداخت. وی در ۱۳۹۸ه. ق به رتبه دانشـیاری ارتقـاء یافت و در ۱۴۰۳ه. ق در دانشـگاه ام القری به درجه اسـتادی رسید.

دکتر ابو سـلیمان مسـئولیت های علمی و اجرایی پرشماری در حوزه های گوناگون علمی و اجتماعی به عهده داشته است و در همایش های متعددی در سطح ملی و بین المللی در داخل و خارج عربستان شرکت جسته است که برای پرهیز از درازی سخن از یاد کردن آنها تن می زنم.

آثار علمی: از استاد ابوسلیمان بیش از ۵۰ اثر علمی اعم از کتاب و مقاله منتشر شده؛ از آنهاست:

- ترتیب موضوعات الفقه الاسلامی و مناسباته فی المذاهب الاربعه (۱۴۰۹ه. ق)

- عقد الاجاره مصدر التمویل الاسلامی (۱۳۹۲ه. ق)

- فقه الضروره و تطبیقاته المعاصره: آفاق و ابحاث (۱۴۱۴ه. ق)

- منهجیه الامام محمد بن ادریس الشافعی فی الفقه و الاصول تأصیل و تحلیل (۱۴۲۰ه. ق)

- الفکر الاصولی: دراسه تحلیلیه نقدیه (۱۴۰۴ه. ق)

- کتابه البحث العلمی صیاغه جدیده (۱۴۱۶ه. ق)

- منهج البحث فی الفقه الاسلامی خصائصه و نقائصه (۱۴۱۶ه. ق)

- مکتبه مکه المکرمه (المولد النبوی الشریف) مجموعاتها وادواتها (۱۴۱۶ه. ق)

- العلماء والادباء الوراقون فی الحجاز فی القرن الرابع عشر الهجری (۱۴۲۳ه. ق)

از این ترجمه

مترجم در این ترجمان کوشیده است در کنار پایبندی به امانت و پاس داشت اصالت متن مبدأ، زبان مقصد را از تأثیر زبان مبدأ دور بدارد و متنی به کمال فارسی بیافریند.

درخور یاد است که در متن و ضبط اعلام و ارقام و وقایع تاریخی و نام کتاب ها و نقل قول های مؤلف محترم، و بسیاری از پانوشت های ارجاعی وی، فراوان خطا رخ داده است که درخور چشم پوشی نبود؛ از این رو مترجم وادار شد آن مایه که در توش و توانش بود منابع مورد استفاده مؤلف محترم را فرا چنگ آرد و دشواری تحقیقی دوباره را بر خود هموار دارد و درستی متن و ارجاعات را واکاود و موارد نادرست را - که از قضا بسیار بود - دوباره بارآورد. این اصلاحات در پانوشت ها با [ ]، . - م، * و در متن با [ ] مشخص شده است.

گفتنی است از نزدیک به ۶۲۰ پانوشت کتاب بیش از ۴۵۰ مورد آن از مترجم است؛ وانگهی مترجم در بیشتر موارد باقی مانده هم تصرفاتی اصلاحی و توضیحی دارد که در [ ] نهاده شده است.

از پاره ای تصرفات صوری و سجاوندی هم گریزی نبود تا از این رهگذر متن، هماهنگ شود چه در متن مبدأ این مهم پاس داشته نشده است.

پاره ای اشارات مؤلف محترم با عقاید شیعه و حقیقت ساز نمی آمد، این گونه مطالب حذف شد؛ چه جای باز و بسط و شرح و نقد سخن نبود.

گاه سخنان مؤلف محترم ابهام داشت و کژ می نمود، در این موارد نیز مترجم وادار شد با مراجعه مکرر به منابع موجود و افزودن پانوشت هایی توضیحی این ابهام و نادرستی ها را بزداید.

شماری از واژگان که بار تاریخی دارند و بازشکافت مفهومی آنها برای خواننده فارسی زبان سودمند می تواند بود در پانوشت شرح داده شد.

جای گفتار سوم در فصل دوم و شرح حال ایوب صبری پاشا در پیوست خالی می نمود، افزوده شد.

تنظیم و ترتیب منابع در کتابنامه مؤلف محترم ناقص و غیر فنی بود. ازاین رو هم چینش مشخصات کتاب شناختی منابع و هم چینش خود منابع باز آفرینی و به سامان شد.

منابع و مراجع مترجم در انتهای کتاب آورده شد.

نمایه ای چند به کتاب افزوده گشت تا بهره گیری از آن آسان تر افتد.

ثُم الصَّلاةُ عَلَی النَّبیِ ّوَ آلِه خَیْرُ الْأَنامِ وَ مَنْ بِه یُستَشفَع

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

حوزه علمیه قم

بهروز رفیعی

۱۳۹۰/۶/۵

پیشگفتار

مکان های تاریخی، حافظه ملت های زنـده و شاهدی حی و حاضـر است که دروغ نمی گوید، و چون نسل ها ورافتند و از یاد روند، نشانه ای گویا و پا برجا از آنهاست.

مکه مکرمه، زادخـانه اسـلام و سرچشـمه نور و خاسـتگاه رسالت فرجامین، به زادن مصـطفی (ص) آبرو گرفت و بزرگ یاران گرامی آن حضـرت را در خجسـته خـاک خویش پرورد و دشت و دمنش شاهـد حماسه نبرد حق و باطل بود و تربتش به خون هـای پـاک شـهیدان تبرک یـافت، و در هر دره و بخش و پـاره اش، نشانه ای جاودانه و مشـعلی فروزان است که از جهاد آنان حکـایت هـا می کنـد و از تلاـش هـای آنهـا نمونه ها می آورد و موجب می شود رخـدادهای آن در چشم و گوش ملت های مسـلمان زنده بماند و دیده شان بدان زینت پذیرد و افتخارهای آن پیوسـته گوشـشان را بنوازد، و به یمن آن، مفاهیم ایمان در آنـان ریشه گسـتَرَد و خواست هاشـان اسـتوار گردد و برای گسترش و رسانـدن عقیـده درست و اصول و ارزش هـای صـحیح، همت بلنـد دارنـد و از رهگـذر واکاوی در شـیوه و سـر گذشت و آثار مانده برجای، در فرّهی و شـکوه تاریخ صدر اسـلام ریز بکاوند تا در جان ها جاودانه ماند.

مکه مکرمه، شـماری پرشـمار از این مکان های تاریخی برجسته در تاریخ اسلام دارد که از دوران های آغازین اسلام از توجه مسـلمانان برخوردار بوده اند و از رهگذر تألیف و تدوین و تأیید و اخبار متواتر علمی و محلی به آنها عطف عنایت شده است؛ پس این

آثار تاریخی، پیشینه ای شکوهمند در پرونده ای مستند دارند که در روند تاریخی منظمی، از برآمدن رسالت محمدی تا به امروز، آیندگان شناخت آنها را از گذشتگان به ارث برده اند.

پیشنیان صالح [اعم از] محدثان، فقیهان، تاریخ نگاران، ادیبان، از سده نخست هجری، سودایی ثبت و ضبط و تعیین این مکان ها بوده اند تا از این رهگذر، رویدادها را از راه [شرح و باز و بسط ویژگی های] مکانِ [رخ دادن آنها]، زنده نگه دارند. پس مکان ها، میراثی اند که اشارات و پرتوهایی دارند و در پس نسل های پی درپی، در [کمال] امانت و راستی، بی گزند، جاودانه می مانند.

پژوهش حاضر روندی را که پیشینیان صالح ما پیشه کردند، در ساختاری تازه و تحلیلی پی می گیرد؛ بنابراین، [پی نیکان گرفته] و ادامه کوشش های آنان است، به ویژه که فراوانی از آن آثار در پی گسترش مسجدالحرام و اجرای طرح جدید شهر مقدس مکه، از میان رفته اند: طرح جدیدی که مقتضای کشیدن راه های تازه و افزایش شمار جمعیت و تعداد حاجیان است که شمارشان به بیش از دو میلیون می رسد؛ خاصه آنکه پیش بینی می شود در آینده شمار شهروندان و حاجیان و عمره گزاران چند برابر شود.

[از آنجا که] این امور و اموری دیگر، به نابودی پاره ای از اماکن تاریخی مکه انجامید، این پژوهش رقم خورد تا این آثار و شواهد تاریخی که با برترین آفریدگان و برجسته ترین نسل اسلامی همزمان بودند در یادها بمانند، و تاریخ و گذشته ما مانند تاریخ و پیشینه برخی دیگر امت ها افسانه نشود، و آثار یاد شده و آنچه بر آنها گذشته است، واکاوی شود تا توالی تاریخی بخشی از مهم ترین ویژگی های مکتب تاریخی مکه استمرار یابد.

توجه به مکان های تاریخی مکه مکرمه، در طی سده های گذشته، به [همت] شخصیت های علمی گوناگون و از راه ثبت در نوشتارهایی پرشمار چون: کتاب های سیره نبوی و تاریخ نگاشت ها و پژوهش های فقهی [و سفر نامه ها] پدیدار گشت. این

نگارش و ثبت علمی به تواتر محلی ای مستند است که نسل های آینده از نسل های گذشته به ارث می برند به امید آنکه گرد فراموشی، دفتر این مکان های تاریخی را درنپیچد. [این] مکان [ها]، نشانه ها و اشارات و پرتوهایی ایمانی دارند و یادآور کسانی اند که در گسترش اسلام، نقشی برجسته بازی کردند.

براساس چنین مفهوم تربیتی فرارونده و دور از زیاده و گزافه است که این موضوع، توجه عالمان مسلمان اعم از: محدثان و فقیهان و تاریخنگاران را از دوره تابعین تا کنون به خود معطوف داشته است و آنان به بررسی موقعیت و وضع این مکان های تاریخی و تاریخ آنچه بر آنها گذشته است پرداخته اند و در این مهم، نقل متواتر میان نسل ها که مستند به شنیدار و دیدار نسل به نسل است، آنان را یاری رسانده است. این کندوکاو در نهایت دلبستگی و امانتداری علمی صورت پذیرفته و خود را در منابع ذیل نشان داده است:

الف) کتاب های سیره نبوی

ب) سیره نامه های صحابه

ج) منابع تاریخ عمومی و تاریخ مکه [مکرمه]

د) کتاب های شرح مناسک [حج نامه های] کوچک و بزرگ

[ه) کتاب های خاص تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره]

[و) سفرنامه ها]

در بیشتر حج نامه ها ذکر این مکان ها، موضوعی ثابت و فصلی مهم و مستقل و ذیل عنوان هایی گوناگون بوده و کمتر کتابی از این منابع از ذکر این مکان ها تهی بوده است، و حتی شماری از عالمان از سر دلبستگی بسیار به این مکان ها، درباره آنها کتاب ها و رساله هایی جداگانه ساخته و پرداخته اند.

بررسی و دسته بندی گزیده هایی از منابع پیشین، کوتاه و با تکیه آشکار (۱)به

۱- در متن مبدأ صفحه ۷، به غلط آمده است: «توثیقاً صریحاُ» . - م.

تواتر علمی خواهد بود. ان شاءالله.

امانتـداری علمی و تاریخی اقتضا (۱)می کنـد در بازکـاوی و معرفی این منابع از عناوینی که مؤلفان بر آنها نهاده انـد یاد شود، زیرا هر عنـوانی از نگـاه نگارنـده اثر، دلالـتی ویژه دارد. یکی از وظـایف این پژوهش تحلیـل علمی و بی طرفـانه این عنوان ها خواهـد بـود. نیز تعهـد علمی می طلبـد بـا دلایـل و فهـم هر صـاحب نظری در این حـوزه به داد و به دور از جانبـداری و بیـداد برخورد شود. ازاین رو، این پژوهش اقتضا (۲)می کند مطالب به شکل زیر تقسیم و فصل بندی شود:

فصل یکم: سرآغاز نگارش درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه که دو گفتار دارد.

فصل دوم: خبرهای متواتر درباره مکان های تاریخی در منابع تاریخی که دارای [سه] (۳)گفتار است.

فصل سوم: خبرهای متواتر درباره مکان های تاریخی در منابع فقهی که دو گفتار دارد.

فصل چهارم: تواتر محلی با دو گفتار.

فصل پنجم: آرای علما درباره زیارت مکان های تاریخی متواتر در مکه مکرمه با دو گفتار.

فصل ششم: وضع کنونی مکان های تاریخی در مکه مکرمه با دو گفتار.

و به فرجام، گفتار پایانی کتاب که در بردارنده چند پیوست ذیل است:

۱. شـرح حـالی گزیـده از کسـانی که درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه قلم سوده انـد و در این کتاب به آثار آنان اسـتناد شده است.

۲. تصویر دو سند صادر شده در دادگاه عالی شرع.

۳. نقشه نشان دهندهٔ موقعیت مکان های تاریخی در مکه مکرمه.

۱- در متن مبدأ صفحه ۷، به غلط آمده است: «یقضی» . - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۷، به غلط آمده است: «یقضی» . - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۷، به خطا آمده است: «مبحثان» . - م.

۴. مسجد البیعه در منا و کشف سنگ نوشته ای گم گشته، پس از ششصد سال.

۵. تصویر فرمان ملک عبدالعزیز مبنی بر اختصاص مکان زادخانه شریف نبوی به کتابخانه عمومی که در روزنامه البلاد به چاپ رسید.

۶. اشارتی به سفر تاریخی شماری از عالمان و آگاهان مکه به سرپرستی دکتر عوید بن عاید مطرفی برای مشاهده برخی از مکان های تاریخی در شمال و غرب مکه مکرمه.

و سرانجام، منابع بررسی مکان های تاریخی مکه مکرمه. (۱)

[در اینجا] مایلم نظر خواننده گرامی را به دو نکته درخور توجه معطوف دارم:

۱. هدف اصلی این پژوهش، ریزکاوی بی طرفانه و سازوار با روش علمی به ویژه در اموری است که به دیدگاه های فقهی ارتباط دارد. پس جای بگومگو و مناقشه نیست، [چه] سخن هرکس، رد و قبول و چون و چرا می پذیرد، مگر سخن رسول خدا (ص) . خواننده می تواند هر چه را می خواهد برگزیند بی آنکه ارزش و جایگاه دیگران را فرو کاهد یا آنها را از وجاهت اندازد، چه این از اخلاق اسلامی به دور است.

۲. مطالب از منابع پرشمار و گوناگون سده های مختلف برگرفته شده است. درست است که نام مکان های تاریخی تکرار گشته است؛ اما روش بیان نگارندگان یکسان نیست و گفتار آنان درباره مکان های تاریخی نسبت به یکدیگر بیش و کم دارد و مثلاً گاه نگارنده ای از ویرانی مکانی یا بازسازی آن در روزگار خود یاد کرده است.

دیگر دلیل مراجعه به منابع پرشمار و گوناگون، اطمینان یافتن از وجود تواتر علمی در هر یک از این مجموعه کتاب با موضوع خاص خود در دوره های گوناگون، و مجموع آنها، در کنار تواتر محلی تعیین کننده این مکان ها و ویژگی های آنها و بیان نسل به نسل موقعیت آنهاست. [گفتنی است] چنین تواتری از لابه لای شرحی که برخی از نویسندگان بر شماری از مکان های تاریخی مکه - مانند زادخانه رسول خدا (ص) - در آثار خود پرداخته اند به دست می آید.

۱- پیوست های ۲ - ۵ در متن مبدأ و ناگزیر متن مقصد، نیامده است. - م.

زادخـانه رسول خـدا (ص) از صـحیح ترین [و مسـلّم ترین] مکان های تاریخی نزد مکیان است و بزرگان مکه این امر را قطعی شمارده انـد، و از این طریق معنای اصـطلاحی تواتر در میان علمای اسـلامی تحقق یافته است؛ پس تواتر عبارت است از خبری که گروهی بیان کنند و نتوان گفت برای برساختن آن همداستانی کرده اند. (۱)

به این شـیوه عمل شد تا شک، به یقین از میان برخیزد و خواننده اندیشمند در چمبره انکاری که بی دلیل است و برخی کسان، بی دانش و بینش نسـبت به مکان ها و محل های مکه مکرمه، آن را ترویـج می کننـد، گرفتار نیایـد. اینان – خـدای رحمتشان کناد – بی دانش و سـند در امری شک روا می دارنـد که بر آن تواتر علمی و محلی وجود دارد و از سده های صدر اسـلام در آن تردید نشده است.

[در پایـان یـادآور می شوم که] لازم است خواننـده گرامی به تفاوت میان دو مقوله که دو حکم گوناگون دارنـد، نیک آگاه شود:

۱. دور داشـتن این مکان ها از دست رس بی پروایان؛ [چه] اینها امانت گذشـته و میراث تاریخی اند که شایسـته است در جامه پژوهش هایی زنده و گویا برای نسل های آینده برجای بمانند، تا [آنان] از رهگذر آنها در تاریخ رسالت محمدی بیندیشند.

۲. رفتارهای ناسازگار با اعتقاد صـحیح اسلامی که عقل آنها را برنمی تابد و عقیده اسلامی صحیح هم آنها را نمی پذیرد. این نکته ای است که در آینده به شرح، بازشکافته خواهد شد.

خداوند به راه راست رهنمون سازد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان

مکه مکرمه

۱- کتاب التعریفات، جرجانی، ص۷۴.

فصل یکم: سرآغاز نگارش درباره مکان های تاریخی مکه مکرمه

گفتار یکم: نامه حسن بصری

آن سان که از شواهد برمی آید، سرآغاز نگارش در این زمینه، نامه حسن بصری (در.۱۱۰ه. ق) است که در آن روی سخن با دوست زاهدش عبدالرحیم یا عبدالرحمان ابن انس رمادی دارد؛ [توضیح آنکه،] رمادی که در مکه می زیسته است، بر آن می شود که مکه را بگذارد و به یمن برود. خبر این خواست به حسن که با او برای خدا، برادری می کرد می رسد. حسن به او نامه ای می نگارد و وی را به ماندن در مکه مکرمه ترغیب می کند و به پاره ای از فضایل و ویژگی های مکه مکرمه که دوستش را از وانهادن آن باز می دارد، اشاره می کند. (۱)

حسن در این نامه با اشاره به مکان هایی در مکه که دعا در آنها روا می شود، به دوستش می گوید: «در زمین هیچ شهری نیست که در پانزده جای آن دعا برآورده گردد، مگر مکه. این مکان ها عبارتند از: درون کعبه، کنار حجرالاسود، کنار رکن یمانی، کنار حجر، پشت مقام ابراهیم، ملتزم [(میان حجرالاسود و در کعبه)]، کنار چاه زمزم، صفا، مروه، میان صفا و مروه، وادی جمع [(مزدلفه)]، عرفات، مشعر الحرام، [بین رکن و

۱- فضائل مکه و السکن فیها، حسن بصری، ص۱۲.

مقام، منا].

برادر [!] اینهـا پـانزده (۱)موضع اسـت، دعـا را در آنهـا غنیمـت شـمار، راسـتی را کـه دعـا در ایـن جاهـا رد نمی شـود. اینها گردآمـدنگاه هـای بزرگی اسـت کـه در آنهـا امیـد آمرزش می رود؛ پس برادرم [!] به دعـا در این گردآمـدنگاه هـای بزرگ بکوش، و [بدان که] اگر از حرم امن خداوند برون شوی، برکت این محل ها از تو دور می شود.» (۲)

علامه قطب الـدین بن علاء الـدین نهروالی مکی حنفی در پایان کتابش [با عنوان] الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، ذیل عنوان «یاد محل های مبارك و مکان های تاریخی مکه مشرفه» می گوید: «از آنهاست، جاهایی که دانشـمندان تصـریح نموده انـد که دعا در آنها پـذیرفته است. حسن بصـری به پانزده جا که دعا در آنها روا می شود، اشاره کرده و آنها را برشـمارده است. دیگران جاهـایی دیگر را افزوده انـد به گونه ای که [شـمار آنهـا] به پنجـاه و سه جـا رسـیده است. [برخی از] جاهای یاد شده، اکنون شناخته شده نیستند.» (۳)

پس از این، پی درپی در این بـاره نگارش شـد و نزد محـدثان و فقیهان و تاریـخ نگاران به تناوب و پیاپی تکرار گشت و یاد و بـازگفت آنهـا در نظم و نثر گسترش یـافت، تا سـرانجام بخشـی از موضوعات کتاب های تاریـخ مکه و کتاب های ویژه شـرح مناسک حج شد.

طلایه دار منابع تاریخی ای که مکان های تاریخی منسوب به رسول خدا (ص) و صحابه گرامی او را برشمارده اند، کتاب های سیره نبوی و منابع تاریخ عمومی و تاریخ اختصاصی [مکه] است.

۱- در متن مبدأ، صـفحه ۱۰ تنهـا از ۱۳ مکـان یاد شـده است. در فضائل مکه، حسن بصـری، چاپ مورد اسـتناد مؤلف محترم (سامی مکی عانی، صص ۲۴ - ۲۶) ، از بین رکن و مقام هم یاد شـده است. این قلم با مراجعه به چاپی دیگر از کتاب بصـری (محمد زینهم، محمد عزب، ص۶۹) ، منا را نیز افزود. - م.
۲- فضائل مکه والسکن فیها، صص ۲۴ و ۲۵.
۳- الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، [قطب الدین نهروالی]، ص۳۵۳.

گفتار دوم: نمونه هایی از مواضع سلف صالح نسبت به مکان های تاریخی

بسیاری از سلف صالح؛ یعنی، صحابه و تابعین به مکان هایی که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است یا در آنها برای آن حضرت یا یکی از صحابه بزرگ او رخدادی روی داده است، آن مایه عنایت ورزیده اند که شایسته است به چیزی که به آن حضرت یا صحابه گرامی او منسوب است، عنایت شود.

محدثان بزرگ و تاریخ نگاران، [دانستنی های مربوط به] این مکان ها را گرد آورده اند و برای آنها [در آثار خود] بخش هایی جداگانه گشوده اند. مثلاً بخاری در صحیح خود، بابی جداگانه دارد با عنوان «باب مساجدی که در راه مدینه است و جاهایی که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است» (۱)سراسر این باب را علامه عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن کثیر قرشی (۷۰۱-۷۷۴ه. ق) با عنوان «بیان مکان هایی که رسول خدا (ص) هنگام راهی شدن از مدینه به مکه برای گزاردن حج تمتع و عمره، در آنها نماز گزارد» (۲)، باز گفته است، تا شاهدی تاریخی باشد از کسی که در آنها بارگشوده است، یا چیزی که در آنها رخ داده است؛ چه پیوند رویداد با جا و جایگاه آن، در حافظه نسل های پسین پابرجا و استوار می ماند و انگیزه ای می شود برای پایبندی به ارزش ها و اصولی که حضرت رسالت مدار (ص) آورده است.

شنیدن، یا گفتن همراه با دیدن به ویژه [آنچه که مربوط به] دوره های آغازین تربیت [نبوی] است، انگیزه های ایمان و ارزش های برجسته آن را در جوانان برمی انگیزد.

نمونه ای دیگر از این دست، در رفتار سلف صالح، موردی است که محمد بن سعد ابن منیع زهری در طبقات الکبری با استناد به معاذ بن محمد انصاری بازگفته است که در جلسه ای که عمران بن ابی انس حضور داشت از عطای خراسانی که میان قبر

۱- بنگرید به: فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، ج۱، ص۵۶۸.

۲- حجه الوداع، ابن کثیر، ص۱۵۶.

[رسول خدا (ص)] و منبر قرار داشت شنیدم که می گفت: «خانه های (۱)زنان رسول خدا (ص) را دیدم که از شاخه های خرمابن، [برآمده] و بر در آنها سیه پرده ای پشمینه آویخته بود، سپس فرمان ولید بن عبدالملک آورده شد که [به عمربن عبدالعزیز دستور داده بود برای گسترش مسجد النبی] خانه های همسران پیامبر (ص) [ویران و] به مسجدالنبی افزوده گردد. من در هیچ روزی به اندازه آن روز [در میان مردم] مویه کن ندیدم.

عطا گفت: در آن روز از سعید بن مسیب شنیدم که می گفت: به خدا سوگند، بسیار دوست دارم آنها را به حال خود واگذارند [تا] کودکی که در مدینه می بالد و تازه واردی که از دوردست [به مدینه می آید]، ببیند رسول خدا (ص) در زندگی، به چه چیز بسنده می کرده است؛ [چه] این از اموری است که مردم را از زراندوزی و فخرفروشی، یعنی دنیا [زدگی] باز می دارد.

معاذ گفت: چون خراسانی از گفتن بیاسود، عمران بن ابی انس گفت: چهارخانه از آنها از خشت خام بود با اتاق هایی از شاخه خرمابن، و پنج خانه هم از شاخه های گل اندود خرمابن و بی اتاق بود و بر درهای آنها پرده ای پشمینه آویخته بود. پرده را اندازه گرفتم، سه گز در یک گز و وجبی یا اندکی کمتر بود؛ اما آنچه درباره بسیاری مویه در آن روز یاد آور شدی، من خود در مجلسی بودم که تنی چند از صحابی زادگان رسول خدا (ص) در آن بودند، از آنهاست: ابوسلمه بن عبدالرحمان، ابوأمامه سهل بن [حنیف] (۲)و خارجه پسر زید. اینان چنان و چندان مویه کردند که محاسنشان به آب دیده تر شد. ابو امامه در آن روز گفت: کاش آنها را وامی نهادند و ویرانشان نمی ساختند تا مردم از عمارت سازی دست می کشیدند و درمی یافتند که با آنکه کلید گنج خانه های جهان در کف رسول خدا (ص) بوده، خداوند چه مایه بر او پسندیده است.

محمد بن عمر از قول عبدالله بن عامر اسلمی به ما خبر داده که: ابوبکر بن محمد بن

۱- برای آگاهی از خانه های امهات المؤمنین و فرق اطلاق حجره و اتاق بر آنها بنگرید به: بیوت النبی وحجراتها و صفه معیشته فیها: بیت عائشه انموذجاً، محمد بن فارس جمیل. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۳ به غلط آمده است: «حفیف» . - م.

عمرو بن حزم، میان ستونی که کنار مرقد [رسول خدا (ص)] است و ستون دیگری که کنار باب النبی است، در مصلای خود بود که به من گفت: این [جا] خانه زینب دختر جحش بوده است که رسول خدا (ص) در آن [نماز می گزارد] (۱)و این ردیف تا در کنونی، خانه اسما دختر حسن بن عبدالله بن عبیدالله بن عباس، و حیاط مسجد، سراسر خانه های [همسران] رسول خدا (ص) بوده است. من آنها را دیده بودم، از شاخه های گل اندود خرمابن بودند و بر در آنها پرده ای پشمینه [آویخته] بود.» (۲)

ازرقی از ابن جُرَیْج از اسماعیل بن امیه بازگفته است که خالد بن مُضَرِّس درباره محل نماز گزاردن رسول خدا (ص) در مسجد خیف به او گفته است که سالخوردگانی از انصار را دیده است که مقابل مناره و نزدیک آن در پی نمازگاه رسول خدا (ص) می گشتند.

[فاکهی] از ازرقی نقل می کند که، پدربزرگم می گفت: «سنگ هایی که مقابل مناره است همان محل نمازگزاردن رسول خدا (ص) است و هنوز هم مردم و عالمان، آنجا نماز به پا می دارند.» (۳)

مسلمانان صدر اسلام، با آثار نبوی و هر آنچه بدان ها یا به صحابه گرامی مربوط بوده است، چنین آشکار و به دور از زیاده و گزافه، یا فروگذاری و کوتاهی و سستی برخورد کرده اند و با آگاهی از اهمیت این امور، مراقب بوده اند هر چه را به آنها یا تاریخ شان مربوط بوده است گرد آوردند تا گنجی باشد پایدار برای نسل های آینده که از سعادت دیدار این امور برخوردار نخواهند بود.

قاضی عیاض [۴۷۶ - ۵۴۴ ه. ق] در کتاب الشفا بتعریف حقوق المصطفی (ص) می گوید: «بزرگ داشت او (ص) ، [به] بزرگ داشت همه وسایل حضرت (ص) و گرامی داشت همه محل هایی است که در آنها حضور یافته است، و [بزرگ داشت] مکان های وی در

۱- در متن مبدأ صفحه۱۳ آمده است: «کان رسول الله فیه» . - م.

۲- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج۸، ص ۳۳۰.

۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۵۰۱.

مکه و مدینه، و منازل او و آنچه که بدان دست سوده یا بدو منسوب است، از [جمله مصادیق] ستودن و بزرگ داشتن اوست. . .» (۱)قاضی عیاض دلایل و شواهدی از رفتار صحابه بر این [مدعی] آورده است، و این نکته ای است که رفتار سلف صالح ما بر آن دلالت دارد.

شمس الدین محمد بن عبدالرحمان سخاوی در تبیین این دیدگاه می گوید: «عامل رستگاری، راستی در صفات و کردار است، و این دست نمی دهد مگر با راهبر و پیشوایی، همانند نشست و برخاست با صالحان، یا شنیدن احوال و اوصاف آنان و یا نگریستن در آثار آنان هنگامی که مصاحبت با آنان دشوار یا ناشدنی باشد، به گونه ای که نفس، وجود آنها را تصور کند و روش هایشان را در خاطر آورد؛ زیرا چون بنگری چیزی جز یاد و خاطره در تو نمی ماند، و گوش چونان دیده و دیدن همان خبر است.» (۲)

ابن عطیه اندلسی مفسر در معنا و تفسیر سخن خداوند: وَ لَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءونَ * قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۳)؛ «و بی گمان پیش از تو پیامبرانی ریشخند شده اند، آن گاه آنچه به ریشخند می گرفتند، ریشخندکنندگان آنان را فرا گرفت. بگو: در زمین سیر کنید سپس بنگرید که سرانجام دروغ انگاران چگونه بوده است.» می گوید: «یعنی سیر کنید و از آنان که رفته اند بیاموزید، زیرا پندگرفتن از آثار گذشتگان، تنها به حس بینایی متکی است.» (۴)

آیات قرآنی فراوانی هست که به آگاه شدن بر آثار امت ها، و آنچه بر آنان گذشته است، برمی انگیزد تا از این رهگذر از دیدن آنچه رخ داده است درس های عملی گرفته شود و مواضع بردبارانه پیامبران در برابر دشواری ها و بر خود، هموار داشتن آزار قومشان و اینکه خداوند در کمین دشمنان آنان است در خاطر آید، و به یاد آورده شود

۱- [الشفاء بتعریف حقوق المصطفی (ص) ، قاضی عیاض]، ج۲، ص۴۷.

۲- الاعلام بالتوبیخ لمن ذم التاریخ، [سخاوی]، ص۴۲.

۳- انعام: ۱۰ - ۱۱.

۴- المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز [ابن عطیه]، ج۵، ص۱۳۴.

که ما در روزگار کنونی که دولت ها بر ما چنگ افکنده اند، بیش از همیشه به درس های پایداری و بردباری نیازمندیم.

برای تحقق آنچه شمس الدین سخاوی، و علامه ابن عطیه اندلسی مفسر و دیگران بیان داشته اند و برای پیروی از روش سلف صالح در این زمینه، دانشمندان و مورخان امت، کتاب های پرشماری را به آثار نبوی اعم از مکان ها و وسایل و فعالیت ها و هر آنچه به آن حضرت و گروه صحابه و تابعین تعلق داشته است اختصاص داده اند، و پرداختن به این امور، موضوعی مهم در تألیفات نویسندگان و نوشته های پژوهشگران شد، که گاه در لابه لای مطالب و به مناسبت بدان ها پرداخته اند و گاه در اثری جداگانه.

فصل دوم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در کتاب های تاریخی

گفتار یکم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در سیره نگاشت های نبوی

سیره پژوهان به مکان های تاریخی مکه مکرمه که ارتباطی با سیره نبوی دارند، پرداخته اند. برخی از اینان سخنی را که بدان یقین دارند بازگفته اند، و برخی دیگر - چنان که عادت مورخان است - از هر سخنی یاد کرده اند؛ زیرا از کارهای مورخ آن است که آنچه را درباره جا یا رویدادی گفته می شود با چشم پوشی از درستی یا نادرستی آن بررسی کند؛ بنابراین، شایسته نیست خواننده هوشیار اگر با این گونه امور روبه رو شد، و [دریافت که] برای موضوعی به روایاتی ضعیف استناد شده است! در حقیقت [و اصل] موضوع تردید روا دارد، نیز نباید این امر وی را به دست آویز ساختن آن و یا بازگفت آن برای فروکاهی دیدگاهی درست و استوار وادارد.

پاره ای از مورخان، روایت را بی چون و چرا می پذیرند، و شماری از آنها بیشتر ریز می کاوند و آنچه را که در آغاز امر، دلایل یا رویدادهایی بر [روایی] آن گواه نباشد، بی اعتبار می دانند؛ و [برخی هم]، چون با روایتی روبه رو شوند، آن را نمی پذیرند و برساخته اش می خوانند و بی اعتبار و باطلش می شمارند؛ سپس و به فرجام، سخن برتر در میان این سخنان، آشکار می شود و از این رهگذر، روش تاریخی آنان به کمال راست

و روا می افتد.

[شماری از سیره نگاشت های نبوی که به مکان های تاریخی مکه مکرمه هم پرداخته اند، عبارتند از:]

۱. الاستیعاب [فی معرفه (۱)] الاصحاب، اثر علامه محدث ابوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر [قرطبی] (در. ۴۶۳ه. ق) .

در این اثر درباره زادخانه رسول خدا (ص) آمده است: «زبیر گفت: مادرش در ایام تشریق در شعب ابی طالب در نزدیکی جمره وسطی باردار شد، و [پیامبر (ص)] در مکه و در خانه ای که [بعدها] از آن محمد بن یوسف برادر حجاج خوانده می شد، زاده شد.» (۲)

۲. الروض الأُنف فی [شرح] (۳)السیره النبویه لابن هشام، تألیف علامه فقیه محدث ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله سهیلی [۵۰۸ -ه. ق]

وی می گوید: «رسول خدا (ص) در شعب زاده شد، و گفته شده است: در خانه ای در صفا که بعدها، از آن محمد بن یوسف برادر حجاج شد، و زبیده هنگام زیارت خانه خدا در محل آن خانه مسجدی ساخت.» (۴)

[سهیلی] چنان که عادت مؤلفان است، سخنش را درباره زادخانه حضرت رسول (ص) با قول راجح و برتر آغازیده است، پس از آن قول مرجوح را آورده است؛ یعنی، آن حضرت در خانه ای در صفا زاده شده؛ از این روست که این قول را با عبارت گفته شده است (قیل) که برای نشان دادن ضعیف بودن خبر به کار می رود، همراه ساخته است.

شماری از سیره پژوهان، به بازگفت سخن ها بسنده نمی کنند؛ بلکه به بررسی آنها

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۵ به غلط آمده است: «کتاب الاستیعاب فی اسماء الاصحاب» . - م.

۲- الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۱۳۶. - م. * در پاورقی متن مبدأ صفحه ۱۵، به حاشیه کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه، بدون ذکر نام مؤلف (ابن حجر عسقلانی) ، ارجاع داده شده است. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۶ به غلط آمده است: «کتاب روض الانف فی تفسیر ما اشتمل علیه حدیث السیره النبویه. . .» . - م.

۴- الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، سهیلی، ج ۲، ص ۱۵۹. - م.

می پردازند و قول صحیح را از میان آنها برمی گزینند، و برخی از آنها اصولاً هیچ گاه به خبر ضعیف نمی پردازند؛ بلکه خبر صحیح و راجح را می آورند و به خبرهای ضعیف توجه نمی کنند، از [آثار] آنهاست:

۱. امتاع الاسماع بما للرسول من الأبناء و الاموال و الحفده و المتاع (۱)، نوشته علامه مورخ تقی الدین احمد بن علی مقریزی (در. ۸۴۵ ه. ق)

وی در این کتاب می گوید: «محمد (ص) در مکه و در خانه ای که [بعدها] به خانه ابن یوسف معروف شد و در شعب بنی هاشم قرار داشت، در روز دوشنبه، دوازده ربیع الاول زاده شد.» (۲)

۲. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، نگاشته علامه محمد بن یوسف صالحی شامی (در. ۹۴۲ه. ق)

وی در فصل دوم، قول برتر را که پذیرفته بیشتر [علما] ست، [این گونه] آورده است: «فصل دوم: درباره زادخانه آن حضرت (ص) ، که آیا در مکه زاده شده است یا جای دیگر: سخن درست که اکثر [علما] برآنند، قول نخست است.» وی پس از این، اقوال ضعیف را درباره زادخانه آن حضرت (ص) در مکه بیان می دارد، و قول صحیح را کما بیش بازمی شکافد، و به اقوال دیگر که اکثر علما آنها را ضعیف شمارده اند، نمی پردازد و می گوید: بنابراین بر سر زادخانه حضرت (ص) در مکه همداستانی نشده و چند قول در میان است:

«۱. [آن حضرت] در خانه ای در بازاری معروف به سوق المولد (بازار زادخانه) در شعبی معروف به شعب بنی هشام زاده شده است. این خانه در اختیار عقیل [ابن ابی طالب] بوده است. ابن اثیر می گوید: گفته شده است که رسول خدا (ص) این خانه را

۱- عنوان این کتاب به چند شکل ضبط شده، از آنهاست: امتاع الاسماء بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع: امتاع الاسماء فیما للنبی من الحفده و المتاع؛ امتاع الاسماء بما للرسول من الابناء و الاحوال و الحفده و المتاع. - م.

۲- [امتاع الاسماع بما للرسول من الابناء و الاموال و الحفده و المتاع، مقریزی]، ج ۱، ص ۳.

به عقیل هـدیه کرد و در اختیار او بود تا درگـذشت، سـپس پسـر عقیل آن را به محمد بن یوسف برادر حجاج فروخت و گفته شده است که عقیل پس از هجرت، هنگامی که قریش خانه های مهاجران را می خریدند، آن را خرید.

۲. آن حضرت (ص) در شعب بنی هاشم زاده شد، زبیر چنین حکایت کرده است.

۳. آن حضرت (ص) در ردم زاده شد.

۴. آن حضرت (ص) در عسفان به دنیا آمد.» (۱)

عبدالله بن ضـیف الله رحیلی، درباره روش علمی بررسـی خبرها می گوید: «برخی از ریزکاوی ها، دور افتادن از روش پژوهش و بررسـی است، مانند هنگامی که ریزکاوی به معنای پیروی از احتمالات ضعیف و وانهادن احتمالات برتر و راجح [و] یا ثابت شده بر اساس روش و دلیل است.

پـذیرش احتمالـات ضعیف، رویکردی بی دلیل است، و حکم به سود احتمالات ضـعیف و برگزیـدن آنها در مقابل احتمالات راجح، با دلایل راجح و برتر، روی برتافتن از روش تحقیق و بررسی است، گرچه به ظاهر تحقیق می نماید.» (۲)

گفتار دوم: مکان های تاریخی [مکه مکرمه] در کتاب های خاص تاریخ مکه

کتاب های تاریـخ مکه مکرمه - خواه از متون باشـند و خواه از آثار معاصـر تا قرن چهاردهم، مگر اندکی - فصـلی را به مکان های تاریخی مکه اختصاص داده اند. اگر برخی از آثار معاصران از این [فصل] تهی افتاده است، برخاسته از چالش های فکری است که بر محیطهـایی علمی سـایه افکنـده است که چنین بحث هـایی را برنمی تابنـد؛ از این رو، آثـار یاد شـده برای پرهیز از چالش های فکری که نیک فرجام نیستند، از این بحث ها تهی افتاده اند.

در منابع تاریخی برگزیده ذیل به مکان های تاریخی [مکه مکرمه] پرداخته شده است:

۱- [سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد صالحی شامی]، ج ۱، ص ۴۰۸.

۲- توثیق السنه النبویه و عنایه السلف به ملامح عن المنهج و دلائله و مظاهره و اثره، [رحیلی]، ص ۸۶.

کتـاب اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، نوشـته ابوولیـد محمـد بن عبـدالله بن احمـد ازرقی (در. [۲۵۰ه. ق]) . (۱)و (۲)کتاب اخبار مکه فی قـدیم الدهر و حدیثه، اثر ابوعبدالله محمد بن اسحاق فاکهی از علمای قرن سوم ه. ق؛ سومین رکن مؤلفان مکی در این قرن، زبیر بن بکار است. (۳)

[برخی از مؤلفان] به اهمیت آثار این مورخان اشاره کرده اند؛ مثلاً محمد حبیب هیله می گوید: «در قرن سوم سه تن از بزرگ ترین مورخان مکی در مکه زیسته انـد که عبارتنـد از: ازرقی، فاکهی، زبیر بن بکار. فضـیلت طلایه داری (۴)و پایه گذاری از آن ازرقی است. فضـیلت گستردگی گردآوری و فزون بخشی از آن فاکهی است. فضیلت [پرداختن به] تاریخ رویدادها و ریز اخبار و امور نادر و اشارت بسیار به اخبار مکه و مکیان و جز آن، از آن زبیر بن بکار است. (۵)

«ابوولیـد ازرقی، محـدث مکی است که از شـاگردان ابن عبـاس و وهب بن منبه راوی اخبار و ابن اسـحاق مؤلف سـیره [نبوی] روایت می کنـد، و جـد او احمد بن محمد ازرق (در. ۲۱۹ه. ق یا ۲۲۲ه. ق) بسـیاری از اخبار مکه را گردآورده بود و نوه اش در تألیف کتابش از آنها بهره برده است.» (۶)

۱- در متـن مبـدأ صـص ۱۸ و ۱۹ آمـده اسـت: «۲۲۳» . امـا در صــص ۶۳ و ۱۲۰ متـن مبـدأ آمـده است: «۲۵۰» وانگهی در صفحه۱۲۱ متن مبدأ تصریح شده است که سال ۲۲۳ یا ۲۲۱ نادرست است. – م.

۲- گفتنی است که جواد علی در المفصـل فی تاریخ العرب (ج ۴، ص ۵) و محقق کتـاب اخبـار مکه و ما جاء فیها من الآثار (ج۱، ص ۱۵) ، درگذشت ازرقی را پس از ۲۴۷ه. ق. دانسته اند. – م.

۳- بـا آنکه سـخن مؤلف محترم در بـاره منـابع تاریخی است و به دو مورد از تاریـخ نگاشت ها نیز اشاره کرده است، در مورد سوم از مؤلف (تاریخ نگار) یاد کرده است نه تاریخ نگاشت. – م.

۴- یـادکردنی است که پیش از ازرقی، واقـدی (در. ۲۰۷ه. ق.) ، ابوعبیـده (در. ۲۱۱ه. ق.) ، ابراهیم یزیـدی (در. ۲۲۵ه. ق.) ، مدائنی (در. ۲۵۰ه. ق.) مـدینه نگـاری و شـهرپژوهی کرده انـد و دربـاره مکه قلم سوده انـد، اما آثار آنان به دست ما نرسیـده است. بنگرید به: الازرقی و موارده فی کتابه اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، احمد سبعاوی، ص ۷. – م.

۵- در کتاب التاریخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشـر، (هیله، صـص ۱۷ – ۲۱) به معرفی زبیر بن بکار و آثار دوازده گانه او پرداخته شـده است؛ اما از آثار یاد شـده هیـچ یک درباره مکه یا تاریخ مکه نیست. او در کتاب الاخبار الموفقیات، و جمهره نسب قریش و اخبارها، تنها از شماری از قبایل و اعلام مکه یاد کرده است. – م.

۶- التاریخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، [هیله]، ص ۱۶. – م.

محمـد حبیب هیله در شـرح و شـکافت کتاب ازرقی می افزایـد: «کتاب تاریـخ مکه ازرقی، اثری است جامِع روش محدثان در روایت و سـند، و روش مورخـان در واشـکافت اخبـار و فضائـل و توصـیف نمودهـای فرهنگی و عمرانی و جز اینها. ازرقی در نگـارش نخستین کتـاب جـامع تاریخ مکه جلودار است. کتاب او در بردارنـده اخبار و فضایل و خانه ها و املاک و محله ها و آفرینش های معماری و فرهنگی و مساجد و چاه ها و چشمه ها و کوه ها و دره های مکه است.» (۱)

هیله، در معرفی کتـاب فـاکهی می گویـد: «این کتـاب از مهم ترین و دامن فراخ ترین کتـاب های کهن است که درباره تاریخ مکه و اخبار و فضائل آن قلمی گشته است. فاکهی در این اثر، شیوه دانشنامه ای پیشه کرده است. روایات او فراوان، و منابعش گوناگون است. وی درباره [تسلسل] (۲)سند [روایت] و گزینش راویان و ثبت و ضـبط متن [روایت] و امانت داری در روایت همراه با آوردن سند خبرها و ذکر منابع، به شیوه محدثان رفته است.

او در روایت اخبار رویـدادهای مکه به روایات مکیانی که گاه از آنان نام می برد و گاه نام نمی برد تکیه و اعتماد کرده است. کتـاب فاکهی در کنار کتاب ازرقی از مهم ترین منابعی است که کتاب های تاریـخ مکه و فضائل آن، در گـذر زمان و دوران های گوناگون از آبشخور آن سیراب گشته اند و بی واسطه یا با واسطه از آن نقل کرده اند.» (۳)

اکنون هنگام بررسی مطالب این دو کتاب با اهمیت درباره مسائل مربوط به موضوع بحث است.

۱- التاریخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، [هیله]، صص ۱۵ - ۱۶. - م.

۲- در متن مبدأ صـفحه ۱۹ آمـده است: «فی الروایه من حیث السـند» ، اما در متن کتاب هیله (ص ۲۲) آمده است: «فی الروایه من تسلسل السند» ؛ از این رو ترجمه براساس متن مادر صورت گرفت. - م.

۳- التاریـخ و المؤرخون بمکه من القرن الثـالث الهجری الی القرن الثـالث عشـر، هیله، ص ۲۲. - م. * در متن مبـدأ صـفحه ۱۹ آمده است: «صص ۲۱ - ۲۲» . - م.

۱. اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، نوشته شیخ المؤرخین مکه، ابوولید محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی [۲۵۰ه. ق]

[در کتاب او] موضوع آثار تاریخی اسلامی مکه مکرمه ذیل این عنوان نقل [پی کاوی] شده است: «بیان مکان هایی در مکه مکرمه که نمازگزاردن در آنها مستحب است، و آثار نبوی در مکه مکرمه و موارد صحیح آن.»

وی این مکان ها را معلوم داشته و محدوده آنها را مشخص ساخته است و به آنچه بر آنها گذشته است، اشارت کرده و درستی آنها را معلوم نموده است. او هنگامی که این مکان ها را برمی شمارد، به رویدادهایی که بر آنها گذشته است و مناسبتی که هر مکان را به اثری تاریخی تبدیل ساخته، استناد جسته است.

ازرقی به این بسنده نکرده است، بلکه این روایات را بررسی کرده و چونان مورخی ریزیاب، تا آن مایه که می توان، ریزکاویده است تا حقیقت روشن شود، سپس بر خبر صحیح انگشت تأیید نهاده است و خبر ضعیف را برساخته خوانده و پاره ای از اخبار را نپذیرفته است.

محمد حبیب هیله، در واشکافت روش ازرقی می گوید: «وی بارها خبر را از دو منبع گوناگون باز می گوید؛ سپس به بررسی و نقد هر دو متن می پردازد، و از راه استدلال منطقی، نتیجه گیری می کند. [همچنین] وی در شرح احادیث و آثار، بسیاری از اسناد را نقد و بررسی می کند.» (۱)

در سیاهه این مکان های تاریخی، و بنابر روش وی در بررسی روایات، [وجود] مکان های ذیل برای او ثابت گشته و هیچ تردیدی در آنها نیست:

۱. زادخانه پیامبر اکرم (ص)

۲. خانه حضرت خدیجه ام المؤمنین (علیها السلام)

۳. خانه ارقم بن ابی ارقم

۱- [التاریخ و المورخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، هیله،] ص ۱۲۱.

۴. مسجدی در بالادست مکه نزدیک رَدْم، کنار چاه جبیر بن مطعم [بن عدی بن نوفل]

۵. مسجد جن

۶. مسجد شجره در بالادست مکه

۷. مسجدی در بالادست مکه کنار سوق الغنم در قرن مسقله

۸. مسجد سِرَر

۹. مسجدی در عرفه، سمت راست موقف

۱۰. مسجد کبش در منا

۱۱. مسجدی در ذی طوی

۱۲. غار حرا

۱۳. غار ثور

۱۴. مسجد البیعه در شعب عقبه

۱۵. مسجد جعرانه

۱۶. مسجد تنعیم

ازرقی صحت شماری از مکان ها را نپذیرفته و نسبت آنها را به رویدادها و مناسبت های تاریخی ای که به رسول خدا (ص) یا دیگر پیامبران، مانند حضرت ابراهیم (ع) نسبت داده شده است، نفی می کند. از این مکان هاست: (۱)

۱. مسجدی در اجیاد [صغیر و محلی در آن، که به آن] متکا [تکیه گاه] گفته می شود. (۲)

۲. مسجدی بر فراز کوه ابوقبیس (۳)و (۴)[که به آن مسجد ابراهیم] می گویند.

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۲. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۲۰ آمده است: «مسجد باجیاد یقال له مسجد المتکا» ؛ حال آنکه در کتاب اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار (ج ۲، ص ۲۰۲) آمده است: «مسجد باجیاد و موضع فیه یقال له: المتکا» . - م.

۳- این کوه را ابوقابوس هم خوانده اند. بنگرید به: معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث بلادی، ج ۸، ص ۱۳۴۱. - م.

۴- این مسجد تا سال ۱۳۴۵ه. ق. برپا بوده است. در این سال وهابیان به بهانه پیشگیری از زیارت این مکان، آن را ویران کردند. بنگرید به: رحله الحاج من الزبیر الی البلد الحرام، سعد بن احمد ربیعه، صص۸۴ - ۸۵. - م.

دقت نظر ازرقی آن مایه بوده است که وی را به فراتر از این می برده است، چه او به پاره ای از مسائل مربوط به درون این مکان ها که در میان مردم شایع بوده، پرداخته و از حقیقت آنها پرده برگرفته است، از جمله [در میان مردم شایع بوده است که] در خانه حضرت خدیجه و در دیوار اتاقی که رسول خدا (ص) در آن می زیسته تخته سنگی نصب شده بوده است. (۱)برخی از مردم می گفته اند: هنگامی که از خانه ابولهب و خانه عدی بن ابوحمراء ثقفی به سوی رسول خدا (ص) سنگ پرانی می شده است، حضرت زیر آن پناه می گرفته است. ازرقی صحت اینها را واکاویده و به نادرستی آنها پی برده است. (۲)

این [مایه] دقت علمی و تلاش در پی [دست یابی به] صحت روایت و مکان و رویدادها را در بررسی های تاریخی ازرقی در کتاب ارزشمندش مشاهده می کنیم. بررسی او با فهرست ذیل سر می گیرد:

۱. زادخانه (۳)پیامبر اکرم (ص) ، یعنی خانه ای که حضرت در آن زاده شده و [اکنون] در منزل محمد بن یوسف برادر حجاج بن یوسف [واقع] است. عقیل بن ابی طالب، هنگامی که رسول خدا (ص) مهاجرت کرد، آن را گرفت، چون در حجه الوداع از رسول خدا (ص) پرسیده می شود: ای رسول خدا کجا منزل می کنی؟ حضرت درباره این خانه و جز آن می گوید: «آیا عقیل برای ماسرپناهی بر جای گذاشته است؟» این خانه در دست عقیل و پسرش بود تا اینکه پسر عقیل آن را به محمد بن یوسف فروخت. او آن را به خانه اش که به آن البیضاء گفته می شد و امروز به ابن یوسف معروف است، پیوست. این خانه جزء این منزل بود تا اینکه خیزران مادر موسی و هارون [عباسی] به زیارت خانه خدا آمد و محل زادخانه را به مسجد تبدیل کرد و آن را از آن منزل جدا

۱- ابن جبیر (۵۴۰ - ۶۱۴ ه. ق.) در رحله (ص۱۴۲) ، از این مکان و از جمله پناهگاه آن یاد کرده و افزوده است: زیارتگاه مردم است و بر آن بوسه می زنند و چهره می سایند و تبرک می جویند. - م.

۲- اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، صص ۱۹۹و ۲۰۰.

۳- در عصر رسول خدا (ص) به این خانه دارالتبابعه گفته می شده است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۶. - م.

ساخت و درِ آن را به کوچه ای باریک گشود که در انتهای این خانه بود و زقاق المولد (کوچه زادخانه) خوانده می شد.

ابوولید برای ما نقل کرد که از جدم و یوسف بن محمد شنیدم که موضوع زادخانه را [روشن و] مسلّم می دانستند چه در میان اهل مکه اختلافی نیست که زادخانه، همین خانه است.

ابوولید برای ما نقل کرد که: مردی از اهل مکه که به او سلیمان بن ابی مرحب گفته می شد و از آزادشدگان بنی [خثیم] (۱)بود، گفت: گروهی که پیش از آنکه خیزران این خانه را از منزل جدا سازد، در آن سکونت داشتند و چون خانه به مسجد تبدیل شد، جابه جا شدند، گفتند: به خدا سوگند در آن خانه نه مصیبتی بر ما وارد شد و نه آزمند شدیم. چون از آن رانده شدیم، روزگار بر ما سخت شد. (۲)و (۳)و (۴)

۲. خانه (۵)خدیجه دختر خویلد، همسر پیامبر اکرم (ص) ، یعنی همان خانه ای که رسول خدا (ص) پس از همسری با خدیجه در آن زندگی می کردند و خدیجه همه فرزندانش را در آن زاد(۶)، و در آن از دنیا رفت، و پیامبر (ص) پیوسته در آن زندگی می کرد تا به مدینه هجرت نمود، و عقیل بن ابی طالب آن را گرفت و پس از آنکه معاویه خلیفه شد، آن را خرید و مسجد کرد و سازه کنونی را در آن ساخت، و بنابر گفته افراد موثق مکی، حدود خانه خدیجه را معلوم داشت و آن را تغییر نداد، و دری از آن به خانه ابوسفیان گشود که تا به امروز باقی مانده است، و این همان خانه ای است که

۱- در متن مبدأ، صفحه ۲۱ به غلط و برخلاف کتاب ازرقی، (ج۲، ص۱۹۹) آمده است: «خیثم» . - م.

۲- [اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار]، ص ۱۹۹.

۳- سه سطر از صفحه ۲۲ متن مبدأ ترجمه نشد. - م.

۴- زادخانه نبوی در سال ۱۳۴۳ قمری تخریب شد تا مردم به زیارت آن نیایند و بدان تبرّک نجویند. عباس بن یوسف قطان (در ۱۶ رجب ۱۳۷۰ه. ق.) در زمانی که شهردار مکه مکرمه بود ساختمان کتابخانه مکه مکرمه را در آن ساخت (شرحش خواهد آمد) . - م.

۵- این خانه مقدس در ضلع شرقی مسجدالحرام واقع بوده است. بنگرید به: الدرالمنثور بآثار المصطفی و مدینه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محمدعلی صالح قزنی، صص ۲۸۳ و۲۸۴. - م.

۶- ابن جبیر این مکان مبارك را زادخانه امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) هم دانسته است (رحله، ابن جبیر، صص۱۰۶، ۱۴۲) - م.

رسول خدا (ص) روز فتح مکه گفت: «هر کس به خانه ابوسفیان درآید، در امان است» (۱)؛ همان خانه ای که امروزه به آن، خانه ریطه دختر ابوالعباس [سفاح، نخستین خلیفه عباسی] گفته می شود. (۲)و (۳)

۳. مسجدی در خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی که در صفاست و به آن خانه خیزران (۴)و (۵)گویند. این مسجد (۶)، خانه ای بوده است که رسول خدا (ص) [پس از نخستین

۱- مؤلف محترم از این پس نیز هرگاه سخن از خانه خیزران پیش آید از سخن رسول خدا (ص) در روز فتح مکه: «هر کس به خانه ابوسفیان درآید در امان است» یاد می کند - گرچه از زبان دیگران. مترجم نمی داند هدف از این کار چیست اما اگر تکرار این سخن از آن روست که برای ابوسفیان فضیلت تراشی، و چنان وانمود شود که پنداری این فرمایش نبوی اولاً تنها درباره ابوسفیان و خانه او بوده و ثانیاً وی مورد عنایت نبوی بوده است؛ باید یادآور شد که در تاریخ نگاشت های اهل سنت آمده است: «چون سپاه اسلام از مدینه به مرالظهران (۲۲ کیلومتری مکه) رسید، ابوسفیان که برای کسب خبر، از مکه بیرون آمده بود با حضرت و سپاه رو به رو شد و پس از گفت وگو با رسول خدا و عباس عموی حضرت، عباس به او می گوید: پیش از آنکه گردنت زده شود شهادتین را بگو، ابوسفیان سرانجام شهادتین را گفت. عباس از حضرت می خواهد برای ابوسفیان در میان قومش منزلتی قائل شود، حضرت می فرماید: هرکس به خانه ابوسفیان درآید، در امان است؛ هر کس به مسجدالحرام درآید، در امان است؛ هر کس درِ خانه اش را ببندد در امان است. . . . چون حضرت به مکه رسید و قریش شکست خورده و پراکنده شدند ابوسفیان به لابه افتاد. رسول خدا (ص) فرمود: هر کس به خانه ابوسفیان در آید، در امان است. هر کس به خانه حکیم بن حزام درآید در امان است.» بنگرید به: تاریخ مکه، احمد سباعی، ج۱، صص ۵۷ - ۵۸) برای آگاهی از حال و روز خفّت بار ابوسفیان در روز ورود سپاه اسلام به مکه بنگرید به: الدره المکلله فی فتح مکه المشرفه المبجله، بکری، ص ۱۱۱ به بعد. - م.

۲- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۱۹۹. - م.

۳- خانه حضرت خدیجه سه قسمت بوده است؛ یک بخش آن عبادتگاه نبوی بوده است که بعدها مردم از سر عشقی که به رسول خدا (ص) داشته اند در سجده گاه محراب آن حضرت (ص) ، الماسی شش وجهی و به ستبری انگشت دست نهاده بودند و بدان تبرک می جستند. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۶. - م.

۴- برخی برآنند که خانه خیزران، خانه ارقم بن ابی ارقم نیست بلکه به خانه مجاور آن خانه خیزران گفته می شده است. بنگرید به: اخبار مکه، احمد سباعی، ج۱، ص۱۵۷. باری در سال ۱۷۱ه. ق به دستور خیزران مادر هارون، در این خانه مسجدی بر پا شد. این مسجد همواره مورد استفاده بود و تعمیر و نگهداری می شد، تا اینکه در سال ۱۳۵۷ه. ق. به دستور ملک سعود ویران گشت. - م.

۵- خیزران که خزیران هم گفته شده است، کنیز مهدی عباسی بوده که در سال۱۵۹ه. ق. آزاد و همسر مهدی می شود. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج۲، ص۸۶۹. - م.

۶- در این خانه، سنگی بزرگ بوده که به آن صخره المحتبی گفته می شده است که حضرت بر روی آن جلوس می کردند و

کسانی که با آن حضرت بودند گردا گرد او می نشستند. این سنگ در سمت راست محراب مسجد بوده و تا قرن سیزدهم وجود داشته است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیرهالعرب، ایوب صبری پاشا، ج۲، صص۸۶۹ و ۸۷۰. - م.

درگیری منجر به جرح مسلمانان با کفار قریش، به مدت یک ماه (۱)] در آن پنهان شده بود و عمر بن خطاب در آن اسلام آورد. (۲)و (۳)

ابو ولید ازرقی، سخن از مکان های تاریخی در روزگار خود را پی می گیرد، شمار مکان هایی که وی به شرح آنها می پردازد به هجده مورد می رسد، به این شرح:

۴. مسجدی در بالادست مکه در رَدْم کنار چاه جبیر بن مطعم (۴)که گفته می شود، پیامبر اکرم (ص) در [محل] آن نمازگزارده است، و عبدالله بن عبیدالله بن عباس بن محمد ابن علی بن عبدالله بن عباس آن را بنا نهاده و در کنار آن حوضچه ای ساخته است که در آن آب ریخته می شود. (۵)[این مسجد را مسجدالرایه و مسجد ردم الاعلی نیز خوانده اند]. (۶)

۵. مسجدی دیگر در بالادست مکه است که به آن مسجد جن گفته می شود و اهل مکه آن را مسجد حَرَس می خوانند. این مسجد از آن روی چنین خوانده شده که صاحب الحرس که در مکه، گشت شبانه داشته است، چون به این محل می رسیده در آنجا درنگ می کرده است، تا افراد سرشناس مکه و دیگر نگهبانان که از شعب بنی عامر و ثنیهالمدنیین آمده بودند، نزد او گردآیند [و دیدار و تبادل اطلاعات کنند]. او سپس به مکه باز می گشت. درباره این محل گفته شده است: همان محلی است که رسول خدا (ص) شبانگاهی که پریان گوش ایستاده بودند [و سوره جن را شنود می کردند]، آن را برای ابن مسعود مشخص ساخت [تا در آن نماز بگزارد]. اینجا همان

۱- در خور یاد است که برخی، مدت اختفای رسول خدا (ص) را در خانه ارقم بن ابی ارقم، چهار سال دانسته اند. بنگرید به: الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص) ، جعفر مرتضی عاملی، ج ۱، ص ۲۶۱. - م.

۲- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج۲، ص ۲۰۰. - م.

۳- برای آگاهی از اسلام آوردن عمر بنگرید به: سیرت جاودانه، جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، ج۱، صص۳۵۲ - ۳۶۰. - م.

۴- به این چاه، بئرالعلیا هم گفته می شده است. - م.

۵- سیرت جاودانه، جعفر مرتضی عاملی، ج۱، صص ۲۸۷و ۲۸۸. - م.

۶- اخبار مکه وما جاء فیها من الآثار، ج۲، ص ۲۰۰.

محلی است که مسجد البیعه نامیده می شود، و گفته شده است: پریان در آن با رسول خدا (ص) بیعت کردند. (۱)

۶. مسجدی که به آن مسجد شجره گفته می شود و در بالادست مکه در پشت دار مناره [البیضاء] مقابل مسجد جن است. می گویند پیامبراکرم (ص) در [محل] مسجد جن، از درختی که [در محل] مسجد بود، چیزی پرسید؛ درخت با پی و ریشه اش راه افتاد و نزد پیامبر (ص) آمد، حضرت هر چه خواست، از او پرسید، آن گاه دستور داد به جای خود بازگردد. (۲)و (۳)

۷. مسجدی در بالادست مکه نزدیک سوق الغنم در قرن مسقله (۴)که گمان رفته است مردم مکه در آنجا در روز فتح [مکه] با پیامبر اکرم (ص) بیعت نمودند.

ابوولید برای ما نقل کرد که جدم از زنجی از ابن جریج، برایم نقل کرد که عبدالله بن عثمان خیثم برای ما نقل کرد که محمد بن اسود بن خلف خزاعی به او خبر داده است که پدرش اسود، در قرن مسقله در بالادست مکه (مَعلا) به خدمت رسول خدا (ص) می رسد. آن گاه می گوید: پیامبر اکرم (ص) را دیدم که مرد و زن و کوچک و بزرگ نزد او می آیند و او از آنان بر اسلام و ادای شهادت بیعت می گیرد. می گوید: گفتم: شهادت

۱- اخبار مکه وما جاء فیها من الآثار، ج ۲، صص ۲۰۰ و۲۰۱. - م.

۲- اخبار مکه وما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۱. - م.

۳- امیر مؤمنان علی (ع) ، در خطبه قاصعه (۱۹۲) نهج البلاغه از ماجرای فرمان رسول خدا (ص) به درخت و آمد و رفت درخت، آشکارا و به تفصیل سخن گفته و یاد آور شده است که خود در آن مکان حضور داشته و شاهد این معجره نبوی بوده است. ابونعیم اصفهانی (در. ۴۳۰ه. ق) در دلائل النبوه (صص ۲۸۸ - ۲۹۲) ، گذشته از آنچه حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه بازگفته است، اما نه از زبان آن حضرت، به ۷ مورد مشابه دیگر نیز پرداخته است. ابوالحسن ماوردی (در. ۴۵۰ه. ق) هم در اعلام النبوه (صص ۲۱۹ - ۲۲۲) ، به آنچه حضرت علی (ع) یاد دکرده است و از زبان ایشان، اشاره کرده است و به مورد مشابه دیگری نیز پرداخته است. - م.

۴- مکانی است که رسول خدا (ص) چون مکه را گشود، در آن قنود تا تازه مسلمانان مکی با حضرت (ص) بیعت کنند. - م.
* در اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، (فاکهی، ج ۴، ص ۱۳۷) مسقله، مصقله (با صاد) آورده شده است، حال آنکه در اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، (ازرقی، ج ۲، ص ۲۷۰) مسقله ضبط شده و آمده است که مسقله نام مردی بوده که در جاهلیت در آن مکان زندگی می کرده است. - م.

چیست؟ محمدبن اسود گفت: شهادت به «اَن لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله.» (۱)

۸. مسجد سِرَرْ، یعنی همان مسجدی که اهل مکه آن را مسجد عبدالصمد بن علی، که سازنده آن بوده است، می نامند. (۲)

۹. مسجدی در عرفه در سمت راست موقف [محل وقوف حاجیان در نهم ذی الحجه] که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود، و این غیر از مسجد عرفه است که امام در آن نماز می گزارد. (۳)و (۴)

۱۰. مسجد کبش (۵)در منا. (۶)

۱۱. مسجدی در اجیاد که به جایی در آن متکا (تکیه گاه) گفته می شود. شنیدم از جدم احمد بن محمد، و یوسف بن محمد بن ابراهیم، درباره متکا و اینکه پیامبر اکرم (ص) به آن تکیه کرده است پرسیده شد. هر دو، این امر را انکار کردند و گفتند: از کسی که این امر را قطعی شمارد، نشنیده ایم.

جدم به من گفت: از زنجی مسلم بن خالد و سعید بن سالم قداح و دیگر آگاهان، شنیدم که می گفتند: مسئله متکا از نگاه آنان قوی نیست بلکه آن را ضعیف می دانند، البته ثابت شده است که پیامبر اکرم (ص) در اجیاد صغیر نماز خوانده است، اما اینکه [در اجیاد هم نماز گزارده باشد] ثابت نشده است. می گویند: از هیچ کس از اهل مکه

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی ج ۲، ص ۲۰۱. - م.

۲- اخبار مکه وما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۲. - م.

۳- اخبار مکه وما جاء فیها من الآثار، ج ۲. - م.

۴- مراد مسجد نمره است. - م.

۵- کبش یعنی قوچ. مسجد کبش محل ذبح قوچی است که از آسمان آمد تا به جای اسماعیل قربانی شود. وَاَنزَلَ مِنَ السَّماءِ کَبشاً جَمیلاً فَذَبَّحَه بَدلاً مِنهُ فِی الْحال این مسجد در محلی ساخته شده است که حضرت ابراهیم (ع) ، چهره اسماعیل را برای ذبح بر خاک نهاد. از این رو به آن مسجد اسماعیل و قربان گاه اسماعیل هم گفته شده است. سنگ سیاهی که ابراهیم (ع) کارد را بر آن کوفت، تا قرن سیزدهم هجری قمری در مقابل این مسجد وجود داشته است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج۲، ص ۸۹۳. - م.

۶- اخبار مکه و ما فیها من الآثار، ج۲، ص۲۰۲. - م.

نشنیده ام که مسئله متکا را مسلم بداند. (۱)

۱۲. مسجدی (۲)بر فراز کوه ابوقبیس، که به مسجد ابراهیم (۳)مشهور است. از یوسف ابن محمد بن ابراهیم درباره این مسجد پرسیده شد که آیا این همان مسجد ابراهیم خلیل الرحمان است؟ وی این موضوع را رد کرد و گفت: این از سخنان تازه است، از هیچ یک از آگاهان نشنیده ام این امر را درست بداند.

ابوولید می گوید: از جدم درباره این مسجد هم پرسیدم. به من گفت: [می دانی] این مسجد چه زمانی ساخته شده است؟

بی گمان تازه ساخته شده است. شنیدم که از برخی از آگاهان مکه درباره این مسجد پرسیده می شد که آیا این مسجد، مسجد ابراهیم خلیل الرحمان است؟ و او می گفت: [نه] بلکه این همان مسجد ابراهیم قبیسی است که در کوه ابوقبیس زندگی و دریوزه می کرده است.

به جدم گفتم من شنیده ام شماری از مردم می گویند: هنگامی که به ابراهیم خلیل الرحمان دستور داده شد مردم را به حج گزاردن فراخواند، او بر فراز کوه ابوقبیس رفت و [مردم را به حج] فراخواند. جدم این رویداد را رد کرد و گفت: به جان خودم سوگند در میان اصحاب ما هیچ اختلافی نیست که چون ابراهیم دستور گرفت مردم را به حج گزاردن فرابخواند، در مقام ابراهیم ایستاد، مقام، او را آن مایه بالا- برد که از کوه فراتر رفت و بر مردم اشراف یافت، سپس گفت: ای مردم پروردگارتان را پاسخ گویید.

جدم [در ادامه] گفت: این مسئله را در بحث مقام [ابراهیم] به شرح آورده ام. (۴)

۱- اخبار مکه و ما فیها من الآثار، ص ۲۰۲. - م.

۲- گفته شده است: پیامبر اکرم (ص) در روز فتح مکه در محل این مسجد بر فراز کوه ابوقبیس نماز گزارده و بلال مؤذن آن حضرت نیز در آنجا اذان گفته است. نیز رسول خدا (ص) هنگام شق القمر در محل این مسجد جلوس کرده است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج۲، صص۹۰۸ - ۹۱۹. - م.

۳- به این مسجد، مسجد شق القمر می گفته اند. - م.

۴- اخبار مکه و ما فیها من الآثار، ص ۲۰۰. - م.

۱۳. مسجدی در ذی طوی میان ثنیه المدنیین که بر آرامستان مکه [مَعلا] (۱)، و ثنیه (گردنه) ای که در دامنه [کوه] حصحاص قرار دارد، مشرف است. زبیده این مسجد را به شکل مستطیل با طاق قوسی (۲)بنا نهاد. (۳)

ابوولید برای ما نقل کرد که جدم برای من نقل کرد که زنجی از ابن جریج، از موسی بن عقبه به من خبر داد که نافع برای او نقل کرده است که عبدالله بن عمر به او خبر داده است که رسول خدا (ص) در حج عمره و تمتع در ذی طوی زیر مغیلانی که در محل مسجد بود، فرود می آمد. (۴)

ابوولید برای ما نقل کرد که جدم از مسلم از ابن جریج از نافع از ابن عمر برایم نقل کرد که رسول خدا (ص) چون به مکه می آمد در ذی طوی منزل می کرد و شب را در آنجا می ماند تا نماز صبح می گزارد. محل نماز رسول خدا (ص) در اینجا بر تپه ای بلند از خاک سفت بوده است نه مسجدی که سپس ساخته شد؛ اما این تپه بلند کوتاه تر از کوه بلندی است که مقابل درِ کعبه است و مسجدی را که ساخته شده در سمت چپ مسجدالحرام و کنار تپه قرار می دهد، و محل نماز رسول خدا (ص) پایین تر از مسجد و بر تپه سیاه بوده است. آن حضرت کمابیش ده زرع از تپه سیاه به سمت راست می رفت آن گاه مقابل دو شکاف کوه بلندی که میان تپه و کعبه بود، نماز می گزارد. (۵)

۱۴. حرا و آنچه درباره آن وارد شده است. ابوولید برای ما نقل کرد که مهدی بن ابوالمهدی برای ما از عبدالله بن معاذ صنعانی از معمر از زهری از عروه از عایشه برای ما نقل کرد که نخستین چیزی که وحی به رسول خدا (ص) با آن سر گرفت، رؤیای صادق بود. او رؤیایی نمی دید مگر آنکه همان صبح صادق برای او تعبیر می شد. سپس به

۱- از دوره دوم عباسی، مکه مکرمه به دو بخش مَعلا (بالایی) و مَسفله (پایینی) تقسیم می شده است. - م.

۲- بنته زبیده بازج. - م.

۳- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۳. - م.

۴- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۳. - م.

۵- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۳. - م.

گوشه گزینی علاقه مند گشت و به حرا می رفت و شب هایی چند به عبادت می پرداخت و توشه [معنوی] برمی گرفت، آن گاه نزد خدیجه دختر خویلد بازمی گشت و مانند [هنگامی که در حرا بود] به خودسازی می پرداخت و توشه می ساخت تا اینکه در غار حرا بود که سرانجام حق بر او نازل شد و فرشته نزد او آمد و گفت: بخوان، گفت، گفتم: خواندن نمی دانم، مرا گرفت و سخت فشرد چنان که بی تاب شدم؛ سپس رهایم کرد و گفت: بخوان. گفتم: خواندن نمی دانم، دوباره ام گرفت و باز بفشارد تا بی تاب شدم؛ سپس رهایم ساخت، آن گاه گفت: بخوان. گفتم: چه بخوانم، گفت: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ *الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. . . (۱)؛ «بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (همو که) آدمی را از خون بسته آفریده است. بخوان که پروردگارت از همه ارجمندتر است. همو که با قلم آموخت» تا رسید به مالَمْ یَعْلَمْ . (۲)

۱۵. ثور و آنچه درباره آن وارد شده است. ابوولید برای ما نقل کرد که: محمد بن ابی عمر عدنی از سعید بن سالم قداح از عمر بن جمیل جمحی از ابن ابی ملیکه برایم نقل کرد که پیامبر اکرم (ص) هنگامی که با ابوبکر به سوی [کوه] ثور می رفتند، ابوبکر شروع کرد گاه مقابل پیامبر (ص) باشد و گاه پشت سر او. گفت: پیامبر (ص) در این باره از او می پرسد. می گوید: اگر پیش روی شما باشم می ترسم از پشت سر به شما حمله شود، و اگر پشت سر شما باشم می هراسم از پیش روی شما مورد هجوم قرار گیرید، تا اینکه حضرت به غاری که در ثور بود [می رسد] (۳)ابوبکر می گوید: شما بمانید، تا من در غار دستی بگردانم تا اگر جانوری در آن است مرا بیازارد، نه شما را. می گوید: دریافتم که در غار، سوراخی است؛ ابوبکر از بیم آنکه در آن سوراخ جانوار یا چیزی باشد که

۱- علق: ۱ - ۴. - م.

۲- اخبار مکه وما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ص ۲۰۴. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۲۵ برخلاف کتاب ازرقی (ج ۲، ص ۲۰۵) آمده است: «انتهیا» ؛ حال آنکه ازرقی آورده است: «انتهی» . - م.

رسول خدا (ص) را بیازارد، پایش را در آن فرو می برد. (۱)

۱۶. مسجدالبیعه. (۲)می گوید ابوولید برای ما نقل کرد که جدم برای من نقل کرد که داود ابن عبدالرحمان عطار از عبدالله بن عثمان بن خیثم، از ابو زبیر محمد بن مسلم برای ما نقل کرد که جابر بن عبدالله انصاری برایم نقل کرد که رسول خدا (ص) ده سالی که در مکه بود، در موسم [حج] به منازل حاجیان در مِجَنَّه و عکاظ و منا می رفت و می گفت: هر کس مرا پناه دهد و یاری رساند تا پیام پروردگارم را برسانم، بهشت پاداش اوست؛ [اما] کسی را نیافت که وی را پناه دهد؛ حتی اگر دوست کسی از مضر یا یمن [به مکه] می آمد، قوم او یا خویشاوندانش نزد [تازه وارد] می رفتند و می گفتند: از جوان قریش بپرهیز، مبادا فریبت دهد [او] در میان مردان آنان می گردد و به خدایشان فرامی خواند، و آنان با انگشت به او اشاره می کنند؛ تا اینکه خداوند ما را از یثرب برای او برانگیخت، پس یکی از ما نزد او می آید و به او ایمان می آورد و وی بر او قرآن می خواند، سپس نزد خانواده اش بازمی گردد و آنان با اسلام آوردن او اسلام می آورند تا اینکه هیچ خانه ای در یثرب نمی ماند مگر آنکه گروهی از ما مسلمانان در آن است که اسلام [آوردنشان را] آشکار می کنند. سپس خداوند ما را برای او برانگیخت و ما فرمان بردیم و هفتاد نفر از مردان همداستان شدیم و گفتیم، تا کی بگذاریم رسول خدا (ص) در کوه های مکه رانده و ترسان باشد؟ ! پس راه افتادیم تا در موسم حج به خدمت او رسیدیم. او در شعب عقبه با ما وعده دیدار نهاد، ما یکی یکی و دو تا دو تا در شعب گرد آمدیم تا همه نزد او حاضر شدیم و گفتیم: ای رسول خدا بر چه با تو بیعت کنیم؟ گفت: بر گوش سپاردن و فرمان بردن در فراوانی کار و بی کاری، بر [یاری و دلجویی] (۳)در سختی و آسایش، بر امر به

۱- اخبار مکه وما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۵ (با اندک اختلاف) . - م. * گفتنی است، این سخن از احادیث برساخته است. بنگرید به: الصحیح من سیره النبی الاعظم، جعفر مرتضی عاملی، ج ۲، ص ۲۵۵. - م.

۲- این مسجد در سال ۱۴۴ه. ق ساخته شد. بنگرید به: اتحاف الوری باخبار ام القری، ابن فهد، ج۲، ص ۱۸۰. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۲۶ آمده است: «علی النفقه» ؛ اما در اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۰۶، آمده است: «علی التفقد» . - م.

معروف و نهی از منکر، بر اینکه در راه خدا به پا خیزید و سرزنش ملامت گر را به چیزی نگیرید، بر اینکه چون به یثرب آیم یاریم کنید، و از آنچه خود و فرزندان و همسرانتان را در برابر آن حمایت می کنید، مرا پشتیبان باشید، [که] بهشت از آن شماست.

ما برخاستیم و پیش رفتیم تا با او بیعت کنیم. در این هنگام اسعد بن زراره که پس از من کوچک ترین آن هفتاد مرد بود، دست جابر را گرفت و گفت: ای اهل یثرب، آهسته! ما از او پیروی نمی کنیم، مگر از آن روی که می دانیم او فرستاده خداست. امروز، یاری رساندن به او، تن زدن از همه عرب و [تن دادن به] کشتار بهترین های شما و زخم شمشیر است. شما اگر گروهی هستید که زخم شمشیر و کشته شدن بهترین هایتان و دور افتادن از همه عرب را برمی تابید، به دامنش درآویزید و پاداشتان با خداوند است، و اگر گروهی هستید که بر جان خود سخت بیمناکید، بگذاریدش، او از خداوند برای شما بخشش می طلبد.

آنان گفتند: ای اسعد بن زراره، دست از ما بدار که به خدا سوگند از این بیعت تن نمی زنیم و از آن روی برنمی تابیم. آن گاه، یکی یکی برخاستیم و نزد او رفتیم و او از ما بیعت می گرفت و برای این کار به ما [وعده] بهشت می داد. (۱)و (۲)

۱۷. مسجد جِعرانه. ازرقی می گوید: عمرو بن دینار از عکرمه از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص) چهار بار عمره گزارد: عمره حدیبیه، عمره قضا (۳)در سال بعد، سوم از جِعرانه (۴)، چهارم (۵)با حجش. می گوید: ابوولید برای ما نقل کرد که جدم از زنجی

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ص ۲۰۵ - ۲۰۶ (با اندک تفاوت در لفظ) . - م.

۲- آنچه آمد، اشارتی است به بیعت یکم و دوم عقبه، اما به روایت اهل سنت. - م.

۳- این عمره، عمره قضیه هم خوانده شده است. بنگرید: تهذیب الاسماء و اللغات، نووی، ج ۱، ص ۲۱و ج ۳، ص ۹۵. - م.

۴- محلی در ۲۹ کیلومتری شرق مکه در راه طائف. - م.

۵- از نگاه شیعه، حضرت تنها سه عمره اراده کرد و دو عمره گزارد: عمره حدیبیه که ناتمام ماند، عمره قضا یا قضیه، عمره جعرانه. شماری از اهل سنت، براین باورند که حضرت در حجه الوداع، حج قِران گزارده است؛ یعنی جناب پیامبر در این حج با نیت عمره کارهایی کرده است که در مجموع هم عمره به شمار می آید و هم حج. بنگرید به: همگام با پیامبر در حجه الوداع، ص ۲۸۳ - ۲۹۸. - م.

از ابن جریج نقل کرد که: زیاد به من خبر داد که محمد بن طارق به او خبر داد که با مجاهد از جعرانه عمره گزارده و در پشت وادی، جایی که سنگ نصب شده محرم شده است؛ گفت: پیامبر (ص) از اینجا محرم گشت، و من نخستین کس را که این مکان را بر تپه، مسجد کرد می شناسم، مردی از قریش آن را بنا نهاد و بالا برد. وی ملکی را که کنار نخلی بود، خرید و مسجد را ساخت.

ابن جریج می گوید: من بعدها محمد بن طارق را دیدم و [در این باره] از او پرسیدم، او گفت: در جعرانه با مجاهد بودم او به من خبر داد که مسجدی که در دور دست و آن سوی وادی در کرانه دور است، مصلای پیامبر در غیر جعرانه است. گفت: اما مسجدی را که در این نزدیکی است، مردی از قریش ساخت و او این دیوار را بالا برد. (۱)

۱۸. مسجد تنعیم. ابوولید برای ما نقل کرد که: جدم برایم نقل کرد که: داود بن عبدالرحمان عطار از ابن خیثم از یوسف بن ماهک از حفصه دختر عبدالرحمان بن ابی بکر برای ما نقل کرد که رسول خدا (ص) به عبدالرحمان گفت: خواهرت یعنی عایشه را در پس خود نشان و او را از تنعیم (۲)به عمره ببر؛ هنگامی که او را از تپه پایین بردی، وی را ببر تا محرم شود، قطعاً این عمره ای پذیرفته است.

می گوید ابوولید برای ما نقل کرد که جدم برایم نقل کرد که مسلم بن خالد از ابن جریج برایمان نقل کرد که عطا را دیدم که محلی را که عایشه از آنجا عمره آغاز کرد، توصیف می کرد. او به جایی اشاره نمود که محمد بن علی شافعی مسجدی را که آن سوی تپه است، یعنی همان مسجد خراب را [در آن] ساخت. خزاعی گفت: بعدها ابو العباس عبدالله بن محمد بن داود، امیر مکه آن را آباد کرد و بر سر چاه آن سایه بانی

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ص ۲۰۷. - م.

۲- تنعیم، گونه ای گیاه صحرایی، و نیز نام مکانی است در وادی فاطمه در نزدیکی مکه. این مکان را از آن روی تنعیم خوانده اند که در سمت چپ آن کوهی است به نام ناعم و در سمت راست آن کوهی است به نام نعیم. بنگرید به: اعمال ندوه مشکله الزحام فی الحج و حلولها الشرعیه، ج ۱، ص ۲۶۴. - م.

ساخت. پس از او عجوز (۱)در مدت یک سال آن را بازسازی نمود و بنایش را نیکو ساخت. (۲)

از سیاق آنچه گذشت، [میزان] دقت علمی ازرقی و بازشناخت روایات صحیح و بیان آنچه که انتسابش به تاریخ شریف نبوی رواست، و نیز ریزکاوی او، آن گونه که مشهور و زبانزد است، برمی آید. این کتاب (۳)ازرقی به سبب باریک بینی او و گوناگونی اخبار و صحت اسناد آن در میان مردم انتشار یافت. از این رو برای مورخان و جهانگردان و حج گزاران و [نگارندگان] کتاب هایی که درباره فضایل مکه است، منبعی اساسی به شمار می رود؛ به گونه ای که تقریباً هیچ یک از مؤلفان در این موضوع را نمی توان یافت که در نقل های خود، به این کتاب تکیه نکرده باشد و در بیشتر موارد، مستقیم و گاه با واسطه به آن ارجاع نداده باشد. (۴)

۲. اخبار مکه فی قدیم الدهر و [حدیثه] (۵)، از ابوعبدالله محمد بن اسحاق فاکهی (در. ۲۴۵ه. ق)

[فاکهی] بابی را به عنوان «مکان هایی در مکه که نمازگزاردن در آنها مستحب است و آثار پیامبر (ص) در آنها و تفسیر مطلب» اختصاص داده است. وی از نوزده مکان یاد کرده است که در برخی از آنها با سلف خود، ازرقی موافق است و مکان هایی نیز بر آنها افزوده است. مکان های یاد شده عبارتند از:

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در منزل ابن یوسف در آن زاده شد. این خانه، بخشی از آن منزل بود تا خیزران مادر دو خلیفه [عباسی]: موسی و هارون [به حج] آمد و آن را مسجد کرد و در آن نماز گزارد و آن را از منزل [ابن یوسف] جدا ساخت. پاره ای از

۱- عجوز، مادر مقتدر، خلیفه عباسی است. - م.

۲- اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، ازرقی، صص ۲۰۸ و ۲۰۹.

۳- یعنی کتاب اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار. - م.

۴- التاریخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، هیله، ص ۱۶.

۵- در متن مبدأ صفحه ۲۸ به غلط آمده است: «حدیثه» . - م.

مکیان پنداشته اند مردی از مکه که به او سلیمان بن ابی مرحب گفته می شود می گفته است: گروهی که در این خانه زندگی می کرده اند، و سپس از آنجا جابه جا شده اند، گفته اند: به خدا سوگند در این خانه هرگز آزمند نشدیم و به مصیبت گرفتار نگشتیم. این خانه از صحیح ترین آثار نزد مکیان است. این مطلب را بزرگان آنان اثبات کرده اند. (۱)

۲. خانه پیامبر (ص) یعنی همان خانه ای که خدیجه، دختر خویلد در آن زندگی می کرد و رسول خدا (ص) در آن با خدیجه همسر شد و محل زندگی آنان بود و خدیجه همه فرزندانش را در آن زاد و در همان جا از دنیا رفت، و رسول خدا (ص) پیوسته در آن زندگی می کرد تا زمان هجرت که آن را ترک کرد و عقیل بن ابی طالب آن را با چیزهایی دیگر گرفت. سپس هنگامی که معاویه خلیفه شد، آن را خرید و مسجدش کرد و در آن نماز گزارد و بنای جدید نکویی در آن برپا داشت و حدود آن را همان حدود خانه خدیجه نهاد و آن را تغییر نداد، مگر هنگامی که آن را بازسازی و بهسازی می کرد، که از آن دری به خانه ابوسفیان بن حرب بن امیه گشود، یعنی همان خانه ای که رسول خدا (ص) در روز فتح [مکه] گفت: «هر کس به خانه ابوسفیان در آید، در امان است.» (۲)این همان خانه ای است که در زمان فاکهی، به [خانه ریطه] (۳)، دختر ابوالعباس [سفاح عباسی] معروف بود. (۴)

۳. محلی در اجیاد صغیر که به آن متکا گفته می شود. (۵)

۱- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، ج ۴، ص ۵. - م.

۲- درباره این سخن، بنگرید به پانوشت شماره ۱ صفحه ۵۹ همین اثر. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۲۹ به پیروی از متن مادر (ج ۴، ص ۹) آمده است. «رایطه بنت ابی العباس» . اما نام دختر ابوالعباس سفاح عباسی، ریطه بوده است. در کتاب ازرقی (ج ۲، ص۱۹۹) ، هم ریطه آمده است. رایطه، دختر کعب و نام زن اسد بن عبدالعزی است که به جِعرانه معروف بوده و از قول ابن عباس نقل است که آیه: وَ لا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ . . (نحل: ۹۲) ، در شأن او نازل شده است (اخبار مکه، ازرقی، ج۲، ص۲۰۷؛ الجامع الطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف. ابن ظهیره قرشی، ص۳۳۷) - م. * گفتنی است که مرادی در بلوغ المرام بالرحله الی بیت الله الحرام، ص ۹۵، جِعرانه را جُعرانه (با ضم جیم) آورده است. - م.

۴- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، صص ۷ و ۸ (با اندک اختلاف در لفظ) . - م.

۵- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ص ۹. - م.

۴. مسجدی [در] خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی، در صفا، در خانه ای که [امروزه] به خیزران معروف است، و رسول خدا (ص) در آن پنهان بوده است و عمر بن خطاب در آن اسلام آورد و پیامبر اکرم (ص) در آن [مردم] را به اسلام فرا می خواند. (۱)

۵. مسجدی در عرفه، سمت راست موقف، که به آن مسجد ابراهیم گویند، و این غیر از مسجد عرفه است [که مسجد نمره و مسجد ابراهیم هم خوانده می شود].

علی بن منذر کوفی برای ما نقل کرد که ابن فضیل از یزید بن ابی زیاد نقل کرد که گفته است: با مجاهد خارج شدیم و رفتیم، چون از حرم به سوی عرفات راهی شدیم، گفت: آیا در مسجدی که ابن عمر نماز گزاردن در آن را مستحب دانسته است، نماز می گزارید؟ می گوید، گفتیم آری، و در آنجا نماز به پا داشتیم. سپس گفت: هفتاد پیامبر در آنجا نماز گزارده اند که همگی به خیف رفته اند. (۲)

۶. مسجد کَبْش در منا. این مسجد از آن روی کبش [قوچ] خوانده شده است که قوچی که ابراهیم به جای اسماعیل قربانی کرد، در محل این مسجد هبوط کرد. (۳)

۷. مسجدی در بالادست مکه، در ردم اعلی، کنار چاه جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل که به آن بئر علیا می گویند و [گفته می شود که] (۴)پیامبر اکرم (ص) در [محل] آن نماز گزارده است. عبدالرحمان بن کیسان [برای ما نقل کرد] که پدرم برایم نقل کرد که پیامبر (ص) را دیدم کنار بئر العلیا نماز ظهر و عصر گزارد. این مسجد را عبدالله بن عبیدالله بن عباس بن محمد (۵)بنا کرد و در کنار آن حوضچه ای ساخت که در آن آب

۱- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، ص ۱۲. - م.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، ص ۱۸. - م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، ص ۱۸. - م.

۴- در متن مبدأ صفحه ۲۹ آمده است: «یقول» . در اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه (ج۴، ص۱۹) نیز آمده است: «یقول» اما در اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار (ازرقی، ج۲، ص۲۰۰) آمده است: «یقال: ان النبی (ص) صلی فیه» . - م.

۵- در متن مبدأ صفحه ۲۹ آمده است: «عبدالله بن عبیدالله بن العباس بن محمد» . این نقل نه با متن اخبار مکه فاکهی (ج ۴، ص ۱۹) که مأخذ مؤلف است سازگار است و نه با مأخذ فاکهی، یعنی کتاب اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، (ج۲، ص ۲۰۰) ؛ چه ازرقی آورده است: «عبدالله بن عبیدالله بن العباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس» و فاکهی آورده است: «عبدالله بن عبدالله بن العباس بن محمد» . - م.

ریخته می شد. از برخی از فقیهان مکه شنیدم که می گفتند: در گذشته های دور، مردم [مکه] فرا دست این چاه خانه نمی کردند، [خانه های] مردم از مسجد [الحرام] تا این چاه بوده و بالادست آن از سکنه خالی بوده است. (۱)

۸. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد حَرَس گفته می شده است و امروزه هم با همین نام شناخته می شود. این مسجد از آن رو حرس خوانده شده است که صاحب الحَرَس مکه در [مکه] گشت می زد و نیروهایش از شعب ها و نواحی مکه در این مسجد بر او گرد می آمدند. این مسجد در پایین [کوه] حُجون قرار دارد. این مسجد، همان مسجد جن است که رسول خدا (ص) برای عبدالله بن مسعود محدوده ای [در آن] معلوم داشت [تا در آن نماز بگزارد] اما پریانی که در نخله، پیامبر را دیدند، پریان نینوایند، و پریانی که آن حضرت را در مکه ملاقات کردند، پریان نُصّیبین اند. (۲)

۹. مسجدالبیعه. [یعنی] بیعت انصار با [رسول خدا (ص)] در لیله عقبه در عقبه منا. (۳)

۱۰. مسجدی در ذی طوی، سر دوراهی تنعیم به جده که به آن مسجد النبی گویند. (۴)

۱۱. مسجدی که به آن مسجد شجره گفته می شود و در بالادست مکه در پشت دار منارهالبیضاء در دامنه کوه، مقابل [کوه] حجون رو به روی مسجد حَرَس واقع است و درختی در آن بوده است که رسول خدا (ص) آن را فراخوانده و آن از جای خود حرکت کرده و نزد حضرت آمده است. (۵)و (۶)

۱- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، ص ۱۹. - م.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، صص ۲۰ - ۲۳. - م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، ص ۲۶. - م.

۴- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، ص ۲۷. - م.

۵- اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، فاکهی، ص ۲۷. - م.

۶- برای آگاهی از این معجزه نبوی بنگرید به خطبه قاصعه (۱۹۲) نهج البلاغه. نیز بنگرید به پانوشت شماره ۳ صفحه ۶۱ همین کتاب. - م.

۱۲. مسجدی که به آن [سُرَرْ (۱)] گویند: این همان مسجدی است که عبدالصمد بن علی ساخت. [ابن ابی عمر از مَعْن بن عیسی از مالک بن انس از محمد بن عمرو بن طلحه دیلی] از محمد بن عمران انصاری از پدرش نقل کرده که: عبدالله بن عمر در راه مکه در حالی که زیر درخت تنومندی نشسته بودم رو به من کرد و گفت: چه چیز تو را زیر این درخت کشانده؟ گفتم سایه اش را می خواهم. گفت: دیگر چه؟ گفتم: هیچ چیزی دیگر مرا زیر این درخت ننشانده است. عبدالله گفت: رسول خدا (ص) می گوید: هنگامی که در منا میان دو کوه سخت قرار گرفتی - و با دستش به سوی مشرق اشاره می کند - اینجا محلی است که به آن [سُرَرْ] گفته می شود و در آن درخت تنومندی است که هفتاد پیامبر زیر آن نشسته اند. (۲)

۱۳. مسجدی نزدیک برامین، به طرف دیواری که کنار خانه عمر بن عبدالعزیز مقابل دیوار ابوسفیان است. شماری از مکیان گمان برده اند رسول خدا (ص) بسیار در این مسجد می نشسته است و از خانه خدیجه در کنار خانه ابوسفیان، راهی به سوی این مسجد وجود داشته است. (۳)

۱۴. مسجدی نزدیک شعب علی بن ابی طالب (ع) ، گفته می شود این مسجد جزء خانه حارث بن عبدالمطلب شده است و پیامبر اکرم (ص) در آن نماز می گزارده و در آن می نشسته است. خدا می داند چه بوده است. (۴)

۱۵. مسجدی در ذی طوی، [میان] ثنیه المدنیین که مشرف بر آرامستان مکه [معلا]

۱- در متن مبدأ صفحه ۳۰ آمده است: «سَرَر» . - م. * مؤلف محترم هنگام سخن از کتاب ازرقی همال خود او (اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج۲، ص ۲۰۲) این واژه را سِرَر نگاشته است، اما در اینجا و به گاه یاد از کتاب فاکهی، برخلاف او (اخبار مکه فی قدم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۰ - ۳۱) که این واژه را سُرَر ضبط کرده، آن را سَرَر نوشته است. مترجم ترجیح داد در اینجا، این واژه به همان صورت که در متن مادر آمده است، یعنی سُرَر ثبت شود. به هر روی سَرَر ناروا تحریر گشته است. - م.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۰ - ۳۱. - م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۲. - م.

۴- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۳. - م.

است و ثنیه [گردنه] ای که در دامنه [کوه] حَصحاص قرار دارد. این همان مسجدی است که زبیده آن را به شکل مستطیل با طاق قوسی (۱)ساخت. (۲)

۱۶. مسجد شجره، عبدالله بن احمد برایم نقل کرد که ابراهیم بن عمرو گفت: عبدالمجید بن ابی داود از پدرش به من خبر داد که گمان رفته است که پیامبر اکرم (ص) در مسجد شجره یعنی مسجدی که در پایین تر از [محله] یَأجج است، نماز گزارد. (۳)

۱۷. مسجدی در کوه ثور، [که اگر به سوی] عُرَنَه [بروی] در سمت چپ تو است. ثور همان غاری است که خداوند در کتابش از آن یاد کرده است: (۴). . . إِذْ هُما فِي الْغارِ إِذْ يَقُولُ لِصاحِبِهِ لا تَحْزَنْ إِنَّ اللهَ مَعَنا. . . . (۵)

۱۸. مسجدی در کوه حرا، (۶)که رسول خدا (ص) به آنجا می رفته و روزی چند در آنجا اعتکاف می کرده است. (۷)

بررسی مقایسه ای: از مقایسه سیاهه مکان های تاریخی اسلامی از نگاه ازرقی با آنچه فاکهی در این باره برشمارده است برمی آید که آن دو بر سر نام پاره ای از مکان های [تاریخی] و ارتباط آنها با پیامبر اکرم (ص) و تاریخ اسلام همداستانند. این مکان ها عبارتند از:

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شده است.

۲. خانه پیامبر اکرم (ص) یعنی همان منزلی است که ام المؤمنین خدیجه در آن زندگی می کرده است.

۳. خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی

۱- بنته زبیده بازج. - م.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۳. - م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۴. - م.

۴- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۳۵. - م.

۵- توبه: ۴۰.

۶- منظور جبل النور است که غار حرا در آن واقع است و کوه حرا و جبل هم خوانده می شود. - م.

۷- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، فاکهی، ج ۴، ص ۳۶. - م.

۴. مسجدی در عرفه سمت راست امام در موقف، که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود و این غیر از مسجد نمره (۱)است.

۵. مسجد حَرَس (مسجد جن) در بالادست مکه

۶. مسجد البیعه

۷. مسجدی در ذی طوی در دو راهی تنعیم و جده.

۸. مسجد شجره در بالادست مکه

۹. مسجد سِرَر (۲)

۱۰. کوه ثور

۱۱. کوه حرا

آنچه آمد مجموع مکان های تاریخی است که بر سر آنها همداستانی وجود دارد و تا قرن سوم هجری قمری از اختلاف بر سر آنها در میان عالمان یاد نشده است.

سیاهه فاکهی نسبت به سیاهه ازرقی افزوده هایی دارد. او شماری از مکان هایی را که به اعتبار ارتباط تاریخی آنها با پیامبر اکرم (ص) به مسجد تبدیل شده اند، یاد کرده است؛ یعنی:

۱. مسجدی در شعب علی بن ابی طالب (ع)

۲. مسجد برامین

پژوهش تاریخی اقتضا می کند پس از این، مکان های تاریخی یاد شده در مکه مکرمه در طول سده های بعدی [نیز] بررسی شود.

۳. شفاءالغَرام باخبار البلد الحرام، اثر حافظ ابوطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی فاسی مکی مالکی (۷۵۵ - ۸۳۲ ه. ق) .

وی باب بیست و یکم را به بیان مکان های مبارکی که در مکه مکرمه و حرم و نزدیک آن است و شایسته زیارتند، اختصاص داده است. او این مکان ها را به مساجد،

۱- این واژه را نَمِرَه و نَمْرَه ثبت کرده اند. - م.

۲- گفتنی است چنان که گذشت، ازرقی این مکان را سِرَر و فاکهی آن را سُرَر خوانده است. - م.

خانه ها، کوه ها، مزارها تقسیم کرده است.

گفتنی است تقی الدین فاسی، اطلاعات مربوط به این مکان ها را تازه و روزآمد ساخته، و به گونه ای دقیق، آنها را چونان که در زمان او بوده انـد توصیف کرده است. در لابه لای نگارش او درباره برخی از آنها چنـدبار آمـده است: «نگارش آنچه یاد کردیم در حضور من صورت پذیرفت» ، و این نشان دهنده تراز کامل توجه و بازبینی و ریزکاوی اوست.

وانگهی، وی اطلاعات صحیح را تأیید کرده و با بررسی آنها به روش های علمی و اخبار متواتر بر درستی آنها تأکید کرده؛ و به روش هـای علمی و واقعگرا اطلاعـات ضـعیف را [بـاز شـناخته و] ضـعیف شـمارده است. این امور موجب تقویت اعتمـاد به نوشته های او و پذیرش آنها شده است.

از تقی الدین فاسـی جز این انتظار نمی رود، چه او محدث و فقیهی است که عهده دار قضاوت در مکه مکرمه بوده است و در کتابش حقایق را با شم و درک عالمی گرد آورده است که امانت علمی بر گردن دارد که بایـد آن را به کامل ترین شـکل ادا کنـد. وی به پـا خـاست و امانت را با کمال صـداقت و اخلاص به جا آورد. این مهم در ذیل عنوانی که گـذشت و در چنـدین صفحه، نمود یـافته است که نقل کامل آنها در این باریکه گفتار نمی گنجـد. اما بخش هایی از آن را تا آن مایه که با اهـداف این جستار سازوار است، می توان برگرفت و باز گفت تا نمایی روشن از این مکان های تاریخی که آیندگان از گذشتگان در قالب تواتری علمی و سالم نقل کرده اند پیش رو نهاده شود. از این هم فراتر، این از ویژگی های مکتب تاریخی مکه است که زنجیروار از ازرقی آغازیده و به تقی الدین فاسی انجامیده است.

بررسـی فاسـی این گونه سـرگرفته است: این مکـان ها [شامل] مسـجدها و خانه ها و کوه ها و آرامگاه هاست. [شـمار] مساجد بیش از دیگر موارد است، البته برخی از آنها به زادخانه و برخی دیگر به خانه مشهورند. در اینجا مراد بیان مواردی است که به مسجد شهره اند؛ از آنهاست:

. مسجدی در بالا و نزدیک مجزره بزرگ، در سمت راست کسی که به سوی مکه سرازیر است و در سمت چپ کسی که از آن بالا می رود. گفته شده است که پیامبر اکرم (ص) در آنجا نماز مغرب گزارده است. این نکته را در دو تخته سنگ در این مسجد یافتم که یکی از آنها به خط عبدالرحمان بن ابی حرمی است و بر آن کنده شده است که وی در ماه رجب سال ۵۸۸ ه. ق عمره گزارده است، و بر دیگری حک شده است که وی در سال ۶۴۷ه. ق عمره به جا آورده است. [فاسی،] سپس مساحت این مسجد و فاصله آن با دیوار باب بنی شیبه را آورده و در پی آن گفته است که این اندازه گیری در حضور من صورت پذیرفت. (۱)

فاسی در بررسی این مکان، سخن کسانی را که می گویند این همان جایی است که مردم در روز فتح [مکه] در آن با پیامبر (ص) بیعت کردند، نمی پذیرد و می گوید: «شماری از مردم این عصر پنداشته اند، این مسجد همان مسجدی است که ازرقی گفته است، در قرن مسقله کنار موقف الغنم است و گفته می شود رسول خدا (ص) در روز فتح مکه در آنجا از مردم بیعت گرفت.

علت این پندار آن است که [گمان رفته است] مسجدی که مساحت آن، و برخی از خبرها را درباره آن یاد کردیم، به [همان] کوهی پیوسته است [که ازرقی آن را در قرن مسقله دانسته است]، و اکنون سوق الغنم در کنار آن است، اما این پندار نادرست است زیرا کوهی که این مسجد کنار آن است بنابر قول ازرقی، کوهی است مشرف بر مروه که کوه دیلمی خوانده می شود و در بخش بالایی مکه شامی است، و ازرقی، قرن مسقله را که بدان اشاره کرده در بخش بالایی مکه یمانی دانسته است.» (۲)

۲. دیگری مسجدی است در بالای مسجد پیشین که به آن مسجدالرایه (۳)گفته می شود

۱- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، چاپ سیدی و ذهبی، ج ۱، ص ۴۹۳. - م.

۲- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، چاپ سیدی و ذهبی، ج ۱، صص ۴۹۳ و ۴۹۴. - م.

۳- این مسجد را از آن رو مسجد الرایه (مسجد بیرق) خوانده اند که رسول خدا (ص) در روز فتح مکه، پرچمش را در محل آن افراشته می دارد و دوگانه ای می گزارد. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۸۸. - م.

و محب طبری در کتاب القری [لقاصد ام القری] آن را به این نام معرفی کرده است.

این مسجد بنابر آنچه گفته شده و ازرقی هم یاد کرده است، از جمله مساجدی است که رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده است. [نیز] ازرقی یاد کرده است که این مسجد را عبدالله بن عباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، ساخته است. در این مسجد دو کتیبه سنگی وجود دارد. یکی کوفی و ناخواناست، و در دیگری آمده است که مستعصم عباسی در شعبان ۶۴۰ ه. ق دستور داده است مسجد ترمیم شود. امیر [قُطْلُوبَیک] (۱)حُسامی مَنجَکی [نیز] در اوایل سال ۸۰۱ ه. ق آن را تعمیر کرده است. [فاسی] سپس به مساحت مسجد پرداخته و مقدار آن را بیان داشته و گفته است: «این اندازه گیری در حضور من صورت گرفت.» (۲)

۳. مورد دیگر مسجدی است در سوق اللیل نزدیک زادخانه پیامبر اکرم (ص) که به آن مختباء [پناهگاه] گفته می شود، و هر ساله مردم بسیاری در بامداد روز دوازدهم ماه ربیع الاول، آنجا را زیارت می کنند. کسی را ندیدم از این مسجد یاد کند، و چیزی از اخبار مربوط به آن نمی دانم. (۳)

۴. مورد بعدی، مسجدی است در پایین دست مکه، منسوب به ابوبکر و گفته شده است این مسجد [بخشی از خانه او] (۴)بوده است که از آن به مدینه مهاجرت کرده است. و الله اعلم. این مسجد مکانی شناخته شده در محلی مشهور به حجاریه در پایین مکه و نزدیک باب ماجن است. (۵)

از موارد دیگر، مساجدی است که در بیرون و بالادست مکه اند؛ از آنهاست:

۱- در متن مبدأ صفحه ۳۴ برخلاف متن کتاب فاسی، چاپ سید و ذهبی (۱۹۹۹، ج ۱، ص۴۹۴) ؛ و چاپ علی عمر (۲۰۰۷، ج ۱، ص ۴۳۲) آمده است: «قطلبک» . - م.

۲- شفاء الغرام باخبار البلدالحرام، فاسی، ج ۱، ص ۴۹۴. - م.

۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، چاپ سیدی و ذهبی، ج ۱، ص ۴۹۵. - م.

۴- در متن مبدأ صفحه ۳۴ آمده است: «و یقال الذین من التی هاجر منها الی المدینه. . .» ؛ حال آنکه فاسی در متن مادر (شفاء الغرام، ج ۱، ص۴۹۵) چنین آورده است: « و یقال انه من داره التی هاجر منها الی المدینه. . .» . - م.

۵- شفاء الغرام، فاسی، ج ۱، ص ۴۹۵. - م.

۵. مسجدی که به مسجدالاجابه معروف است و در سمت چپ کسی قرار دارد که در شعبی نزدیک ثنیه اذاخر به منا می رود. این، مسجدی بنام است و گفته می شود که پیامبر اکرم (ص) در آن نماز گزارده است.

ازرقی از این مسجد یاد کرده و درباره شعبی که در آن قرار دارد نیز چیزهایی آورده است، چه او با سند گذشته چنان که نقل کردیم می گوید: «شعب آل قنفذ [همان شعبی است که خانه آل خلف بن عبد ربه بن سائب در آن است و رو به روی قصر محمد بن سلیمان است و به آن شعب اللئام (۱)گویند]. [مراد از قنفذ،] قنفذ بن زهیر از بنی اسد بن خزیمه است. این همان شعبی است که چون از منا به مکه روی کنی در بالای باغ خرمان و در سمت چپ توست، و امروزه، دارالخلیفتین (۲)[خانه دو خلیفه] از بنی مخزوم در آن است. در این شعب، مسجدی ساخته شده که گفته می شود پیامبراکرم (ص) در [محل] آن نماز خوانده است و امروزه حضرمیان به هنگام [حج] در آن منزل می کنند.» (۳)

این مسجد اکنون یکسره ویران است و جز دیوار پیشین، همه دیوارهای آن فرو ریخته و در آن سنگ نبشته ای است که بر آن حک شده است که این، مسجدالاجابه است و عبدالله بن محمد در سال ۷۲۰ه. ق آن را تعمیر کرده است. [فاسی،] پس از این، مساحت مسجد را گفته و اشاره کرده است: «این اندازه گیری در حضور من صورت پذیرفت.» (۴)

۱- در چاپ سید و ذهبی (۱۹۹۹، ج۱، ص ۴۹۶) آمده است: «شعب اللام» و در چاپ علی عمر (۲۰۰۷، ج۱، ص ۴۳۳) آمده است: «شعب اللئام» و نقل چاپ قبلی، حاصل تحریف دانسته شده است. در اخبار مکه ازرقی (ج۲، ص ۲۸۶) ، هم اللئام آمده است. - م.

۲- در چاپ سید و ذهبی (۱۹۹۹، ج ۱، ص ۴۹۶) آمده است: «دار الخلعیین» و در چاپ علی عمر (۲۰۰۷، ج ۱، ص ۴۳۳) آمده است: «دار الخلیفتین» . مؤلف محترم بی آنکه به اختلاف این دو نسخه چاپی اشارتی کند، نقل نسخه علی عمر را در متن باز گفته از نسخه سید و ذهبی گنجانده است. وانگهی در کتاب ازرقی (ج ۲، ص ۲۸۷) آمده است: «خلفیین» . - م.

۳- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۲، ص ۲۸۷ (با اندک اختلاف در لفظ) . - م.

۴- شفا الغرام، ج ۱، صص ۴۹۶ و ۴۹۷. - م.

۶. مسجدالبیعه، یعنی همان بیعتی که در آن انصار در حضور عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم (ص) با آن حضرت بیعت کردند. این مسجد، نزدیک عقبه ای است که حد نهایی منا از سوی مکه است، و در آن سوی عقبه در نزدیکی مکه و در شعبی است که در سمت چپ کسی واقع است که از مکه به منا می رود. [فاسی] سپس از سنگ نوشته ای در این مسجد سخن می گوید، آن گاه به توصیف دقیق و ذکر مساحت مسجد می پردازد و عبارت «تعیین آنچه بیان داشتیم در حضور من انجام شد» را تکرار می کند. (۱)

۷. مسجدی (۲)در منا نزدیک خانه ای معروف به دارالمنحر میان جمره اولی و جمره وسطی، در سمت راست کسی که به سوی عرفه بالا می رود. این مسجد بنابر آنچه گفته شده است، منسوب به پیامبر اکرم (ص) است، زیرا در آن سنگ نبشته ای است که بر آن حک شده است: این جا مسجد سید الاولین و الآخرین است که در [محل] آن نماز ظهر گزارده و قربانی خود را نحر کرده است. [فاسی در ادامه] به بیان مساحت و ویژگی های این مسجد پرداخته و افزوده است: «بررسی و تعیین مساحت در حضور من بوده است.» (۳)

۸. مسجد کبش در منا در سمت چپ کسی که رو به عرفه دارد. این مسجد در منا، معروف است و مراد از کبش (قوچ) ، همان قوچی است که خداوند آن را سر بهای پیامبرش اسماعیل بن ابراهیم قرار داد. و این منحر [کشتارگاه شتر]، همان خانه معروف به دارالمنحر در منا میان جمره اولی و وسطی، نزدیک مسجدی است که پیش تر از آن یاد شد. این خانه در میان مردم به همین نام مشهور است؛ و قربانی [صلیحی] پادشاه

۱- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۴۹۶ و ۴۹۷. - م.

۲- این مسجد که آن را مسجد نحر و مسجد منحر خوانده اند، در میانه شرقی منا میان جمره اولی و جمره ثانی قرار داشته و بانی و سازنده آن ناشناخته است. در سال ۶۴۵ ه. ق. ، ملک منصور (صاحب الیمن) آن را تعمیر و بازسازی می کند. در این مسجد سنگ نوشته ای بوده است با این مضمون: رسول خدا (ص) در حجه الوداع در این مکان پس از نماز ظهر ۶۳ شتر به دست خود ذبح می کند و ۳۷ شتر را به علی (ع) وامی گذارد تا برای آن جناب ذبح کند. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج۲، ص۸۹۱. - م.

۳- شفاء الغرام، ج۱، صص ۴۹۷ و ۴۹۸. - م.

یمن در آن نحر می شود. [فاسی] سپس به توصیف این مسجد روی می کند و مساحت آن را بیان می دارد. (۱)

۹. مسجد خیف در منا، مسجدی پر فضیلت است که اخبار و احادیث بر آن دلالت دارد. از آنهاست آنچه که از المعجم الکبیر طبرانی روایت کردیم. به این ترتیب که ابن عباس می گوید: «رسول خدا (ص) گفت: هفتاد پیغمبر در خیف نماز گزاردند که یکی از آنها موسی است.» (۲)

و به سند ازرقی که به ابن جریج می رسد، وی از اسماعیل بن امیه نقل کرده است که خالد بن مضرس به او خبر داده است که سالخوردگانی از انصار را دیده است که در مقابل مناره و نزدیک آن در پی محل نماز گزاردن پیامبر اکرم (ص) می گشتند. همچنین به سند فاکهی که به ازرقی می انجامد، می گوید: «جدم گفت: سنگ هایی که مقابل مناره است همان محل نماز گزاردن پیامبر اکرم (ص) است و هنوز هم مردم و عالمان در آنجا نماز می گزارند.» (۳)

فاسی سخن درباره مسجد خیف و مستحب بودن زیارت آن و احادیث وارد شده در این باره را به شرح آورده است، سپس به بحث از معماری مسجد و تعیین مساحت آن و معلوم داشتن نمازگاه پیامبر اکرم (ص) روی کرده است، همچنان که از شماری از آثار تاریخی آن یعنی مناره و سقاخانه، و امیران و بازرگانانی که ساخت و تعمیر آن را پذیرفته اند، سخن گفته است و در پایان بررسی خود، پیشنهادهایی چند درباره معماری آن عرضه داشته است. (۴)

۱۰. مسجدی در تنعیم که عایشه پس از حج در حجه الوداع، از آنجا عمره اش را آغاز کرده است. فاسی از خلفا و شاهان و ثروتمندانی که به تعمیر این مسجد

۱- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۴۹۸ و ۴۹۹. - م.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۰. - م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۱. - م.

۴- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۰۱ - ۵۰۶. - م.

پرداخته اند و نیز از مساحت آن یاد کرده است. (۱)

۱۱. مسجد فتح نزدیک جموم در وادی مرالظهران (۲)، گفته شده از مساجدی است که پیامبر اکرم (ص) بین مکه و مدینه در آن نماز گزارده است. قاضی زین الدین بن حسین مراغی مدنی در کتاب تاریخ المدینه المنوره، این مسجد را در شمار مساجدی یاد کرده است که پیامبر اکرم (ص) میان مکه و مدینه در آنها نماز خوانده است. متن سخن او چنین است: «و مسجدی در مسیلی که در وادی مرالظهران است، و هنگامی که از [بلندی های] صفراوات به سوی مکه سرازیر شوی در سمت چپ راه قرار دارد. مرالظهران، همان بستر مسیلی است که امروزه به مسجد فتح مشهور است.» (۳)

به فرجام، فاسی این پاره از این باب را با این عبارت به پایان برده است «این مکان های مبارک در مکه و حرم مکه و نزدیک آن، اکنون به مساجد معروفند، و ازرقی مساجد دیگری را برشمارده است که امروز محل آنها معلوم نیست.» (۴)

وی سپس به عنوانی تازه می پردازد «شرح محل های مبارک در مکه که به زادخانه معروفند.» وی شرح این محل ها را این گونه آغاز می کند: این محل ها، در واقع مسجداند و تنها در میان مردم به زادخانه شهره شده اند. از این رو آنها را جدا از مساجد یاد کرده ام، برخی از این محل ها در ذیل می آید. (۵)

۱. زادگاهی که زادخانه پیامبر (ص) نامیده می شود و در محلی است که به آن سوق اللیل گویند و در میان مکیان، شناخته شده و مشهور است. سهیلی در شرح زادخانه پیامبر اکرم (ص) و کسانی که در آن ساخت و ساز کرده اند، مطلبی آورده است که موجب شگفتی است، چه او می گوید: «او [(ص)] در شعب زاده شد، و گفته می شود

۱- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۰۶ و ۵۰۷. - م.

۲- مرالظهران، جایی است در ۲۲ کیلومتری شمال مکه مکرمه که امروزه به وادی فاطمه معروف است. - م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۸. - م.

۴- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۸.

۵- شفاء الغرام، ج ۱. - م.

در خانه ای در صفا به دنیا آمد که [بعدها] در تصرف محمد بن یوسف برادر حجاج بوده، و بعدها، زبیده هنگام حج گزاردن در آنجا مسجدی ساخت.» (۱)

حافظ علاءالدین مغلطای هم در کتاب السیره، در معلوم داشت زادخانه پیامبر اکرم (ص) ، چیزی گفته که موجب شگفتی است، چه او می گوید: «بر اساس اخباری که من به دست آورده ام، [پیامبر اکرم (ص)] در مکه زاده شده است. سپس در ادامه می گوید: در خانه ای که [بعدها] از آن محمد بن یوسف برادر حجاج بن یوسف شده است زاده شد و گفته می شود در شعب و گفته می شود در ردم و در عسفان.» (۲)

شگفتی این سخن در آن است که گفته شده است پیامبر (ص) در ردم و در عسفان زاده شده است.

این قول که آن حضرت در ردم به دنیا آمده است را ابوحفص [عمر] بن شاهین [در. ۳۸۵ه. ق] در کتاب الناسخ و المنسوخ، روایت کرده است؛ زیرا او می گوید: «احمد بن [عیسی بن سکن از هاشم بن قاسم از یعلی بن اشدق از] (۳)عبدالله بن جراد برای ما نقل کرد که رسول خدا (ص) در ردم زاده شد و در ردم ختنه گشت و در ردم مبعوث شد و از ردم (۴)[به معراج یا جایی دیگر] برده شد.» (۵)

بکری می گوید: ردم بنی جُمَح در مکه، [جایی است که در آن] میان بنی جُمَح و بنی محارب بن فِهر، جنگی درگرفت؛ بنی محارب بسیاری از بنی جمح را کشتند؛ ازاین رو، این محل به واسطه فراهم آمدن پشته ها از کشته ها (۶)، ردم

۱- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۹. - م.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۹. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۳۷ آمده است: « قال: حدثنا احمد بن عبدالله بن جراد. . .» ؛ اما در متن مادر، (شفاء الغرام، ج ۵، ص ۵۰۹) فاسی آورده است: « قال حدثنا احمد بن عیسی بن السکن، حدثنا هاشم بن القاسم، حدثنا یعلی بن الاشدق، عن عبدالله بن جراد. . .» . چنان که روشن است در متن مبدأ شخصیت مجهولی در سلسله سند حدیث گنجانده شده است، یعنی احمد بن عبدالله بن جراد. - م.

۴- حُمل من الردم. - م.

۵- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۹. - م.

۶- در شفاء الغرام (چاپ سید و ذهبی، ج ۱، ص ۵۰۹؛ چاپ علی عمر، ج ۱، ص ۴۴۷) آمده است: «القتلی» . قتلی جمع قتیل به معنای کشته شدگان است. اما در متن مبدأ صفحه ۳۷ به غلط آمده است: «القتل» . ترجمه بر اساس متن مادر صورت پذیرفت. - م.

خوانده شده است. (۱)

سپس در ادامه از موضوعات زیر درباره این مکان شریف سخن گفته است: آنچه درباره برکت این مکان وارد شده است، توصیف آن براساس درک و دریافت فاسی، تعیین مساحت آن و سرانجام برشماردن نام خلیفه هایی که آبادانی و تعمیر آن را گردن نهاده اند. (۲)

۲. از آن جمله است مکانی که گفته می شود زادخانه [حضرت] فاطمه [دختر پیامبر] (۳)[(علیها السلام)] است. این محل در خانه مادرش خدیجه دختر خویلد بوده که در کوچه ای معروف به زقاق الحجر [کوچه سنگی] در مکه مکرمه قرار داشته است. (۴)[فاسی] بار دیگر از این محل، ذیل شرح خانه های مبارك در مکه مکرمه یاد کرده و گفته است: «یکی از آن خانه ها، خانه خدیجه ام المؤمنین است که به زادخانه فاطمه (علیها السلام) معروف است، چه او و برادرانش از خدیجه و پیامبر (ص) در آن زاده شدند.» (۵)

اکنون بیشتر این خانه مسجد شده است؛ زیرا رواق دارد و هفت قوس بر هشت ستون در آن است و در دیوار رو به قبله آن سه محراب درست شده است که خود سه مکان [خاص] بوده اند:

الف. محلی که به آن زادزمین فاطمه (علیها السلام) گفته می شود.

۱- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۹. - م. * در مقاله «خانه خدیجه بهترین مکان پس از مسجدالحرام» میقات حج، سال هیجدهم، شماره ۶۹، ص ۱۲۲، عبارت «فسمی ذلك الموضع بما ردم علیه من القتلی» بدین سان ترجمه شده است: «به همین دلیل آنجا (ردم) نام گرفت، دلیل آن ویرانه های به جا مانده از نبرد بود» . - م.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۱۰ و ۵۱۱. - م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۱۰ و ۵۱۱. - م.

۴- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۱۱ و ۵۱۲. - م.

۵- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۴. - م.

ب. محلی که به آن قبهالوحی (۱)گفته می شود که چسبیده به زادزمین فاطمه (علیها السلام) است.

ج. محلی که به آن مختبأ گفته می شود و چسبیده به قبهالوحی است.

این خانه پس از مسجدالحرام برترین خانه مکه است، چنان که محب طبری گفته است، (۲)و این شاید از آن روست که پیامبر اکرم (ص) پس از همسری با خدیجه تا هنگام هجرت، سال ها در آن زندگی کرده است و آیات فراوانی [در آنجا] بر او نازل گشته است. پیامبر اکرم (ص) در این خانه با خدیجه همسر شد و فرزندان خدیجه در این خانه زاده شدند و او در همین خانه از دنیا رفت. (۳)

۳. یکی دیگر از آنها محلی است که به آن زادخانه علی بن ابیطالب (ع) گفته می شود و نزدیک زادخانه پیامبر اکرم (ص) و در بالادست آن است. این مکان نزد مکیان به این نام مشهور است و میان آنان در این امر اختلافی نیست. ازرقی از این محل یاد نکرده است اما ابن جبیر از آن یاد کرده است. (۴)و (۵)بر در این خانه نوشته شده است: این [مسجد] زادخانه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است و پیامبر (ص) در آن پرورش یافت.

سید و مولای ما ابوالعباس احمد بن ناصر لدین الله در سال ۶۸۰ه. ق دستور داد این خانه تعمیر شود. (۶)

فاسی در ادامه به شرح ویژگی های این مکان و مساحت آن پرداخته است.

البته عفیف الدین عبدالله میرغنی دیدگاهی دیگر دارد، وی بر این باور است که علی (ع) در درون کعبه چشم بر جهان گشوده است. اما نووی این نقل را

۱- مکانی در خانه حضرت خدیجه (علیها السلام) که جای نزول فرشته وحی بر پیامبر اکرم (ص) و ابلاغ وحی به آن حضرت بوده است و بعدها در آن مقصوره ای ساخته شد. - م.

۲- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۱۴ و ۵۱۵. - م.

۳- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۴. - م.

۴- رحله، ابن جبیر، ص۱۴۲. - م.

۵- گفتنی است که در رحله (ابن جبیر، ص ۱۴۲) آمده است: «کنار زادخانه پیامبر اکرم (ص) مسجدی است که بر آن نوشته شده است که این مسجد زادخانه علی [(ع)] است» . چنان که دیده می شود، ابن جبیر چونان جهانگرد، تنها آنچه را دیده است آن هم با صیغه مجهول (نوشته شده) یاد کرده است. - م.

۶- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۲.

ضعیف دانسته است. (۱)

او از این رهگذر به موضوع دیگری که پذیرفته علمای شیعه است، اشاره کرده است و آن این است که امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (ع) در کعبه مشرفه زاده شده است. از آثار جامع در این زمینه کتاب ولید الکعبه (۲)است.

امروزه هیچ اثری از این زادخانه برجای نیست و [محل آن] در سمت چپ زادخانه نبوی رو به روی حرم، به توقفگاه خودرو تبدیل گشته است. (۳)

۴. مورد دیگر، محلی است که به آن زادخانه [امام] جعفر صادق (ع) گفته می شود و به خانه ابوسعید معروف و نزدیک دارالعجله است. علت این نامگذاری وجود سنگ نوشته ای بر سر در این خانه است که بر آن حک شده است: اینجا زادخانه جعفر صادق (ع) است و پیامبر اکرم (ص) به آن پا گذاشته است. فاسی پس از این به مساحت این محل و کسانی که به تعمیر آن پرداخته اند اشاره کرده است. (۴)

[فاسی همچنین می افزاید: گفته شده است این خانه، از آن جعفر بن ابی طالب معروف به طیار بوده است (۵)].

فاسی در ادامه، مطالب را ذیل عنوان «خانه های مبارک مکه مکرمه» آورده است. این مکان ها به ترتیب ذیل آمده اند:

[۵]. خانه ام المؤمنین خدیجه (علیها السلام) که از آن یاد شد.

[۶]. محلی که گفته می شود خانه ابوبکر است که در همین کوچه [حجر] واقع و

۱- عدهالانابه فی اماکن الاجابه، [عفیف الدین عبدالله میرغنی]، ص ۲۱۰.

۲- ولید الکعبه، سید محمدرضا جلالی حسینی؛ مولد امیر المؤمنین (ع) نصوص مستخرجه من التراث الاسلامی، احمد باکتچی؛ یگانه مولود کعبه، محمد علی اردوباوی، ترجمه حسینعلی عربی. بسیاری از عالمان اهل سنت بر ولادت علی (ع) در کعبه تصریح کرده اند، از آنهاست: حاکم نیشابوری در مستدرک، ج۳، ص ۴۸۳؛ ابن مغازلی در مناقب علی (ع) ، صص ۲۶ و ۲۷؛ سبط ابن جوزی در تذکره الخواص، ص ۲۰؛ مسعودی در مروج الذهب، ج۲، ص۲. - م.

۳- روشن است که این بند از افاضات مؤلف محترم (ابوسلیمان) است، با این حال، در صفحه ۳۸ متن مبدأ ذیل پی نوشت شماره ۴۷ آمده است: «عده الانابه فی اماکن الاجابه، ص ۲۱۰» . - م.

۴- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، ص ۵۱۴.

۵- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، ص ۵۱۴. - م.

مشهور است، و بر در آن سنگ نبشته ای است که بر آن حک شده است: اینجا خانه یار رسول خدا (ص) در غار و همراه او در سفرهاست. [فاسی] سپس به بعد تاریخی این خانه و شرح مسجدی که در آن است، می پردازد. (۱)

[۷]. مورد دیگر، خانه ارقم [بن ابی ارقم] مخزومی است که در صفا و به دار خیزران معروف است. هدف از زیارت این خانه، زیارت مسجدی است که در آن است. [این مسجد] از مساجد مشهور، و در شمار مساجدی است که ازرقی از آنها یاد کرده است. شاید این محل پس از خانه خدیجه برترین مکان در مکه است. چرا که پیامبر اکرم (ص) بسیار در آن درنگ داشته و مردم را پنهانی به اسلام فرا می خوانده است.

دیگر اینکه اقامت حضرت در این مکان کمتر از اقامت او در خانه خدیجه بوده است از این رو خانه خدیجه برتر از این مکان است. والله اعلم.

فاسی از ویژگی های این مسجد و مساحت آن و سنگ نوشته ای که در آن است سخن گفته است. (۲)

[۸]. از دیگر خانه های مبارک در مکه، خانه عباس بن عبدالمطلب در مسعی است که پرچم سبز در آن است و اکنون نوانخانه تهیدستان شده است. (۳)

اینها مجموع مکان های تاریخی مکه مکرمه است که به صورت مکتوب به تقی الدین فاسی رسیده است.

وی پس از آنچه گذشت، عنوان دیگری آورده است و آن «شرح کوه های مبارک مکه و حرم آن» است که در آن از جمله به مورد ذیل پرداخته است:

[۹]. مسجد مرسلات که در جنوب مسجد خیف [در دامنه کوه صفائح] است. محب طبری در کتاب القری [لقاصد ام القری] در باب سی ام با عنوان «آنچه درباره غاری که سوره مرسلات در آن نازل شد، وارد شده» [آورده است که] از عبدالله بن مسعود، نقل

۱- شفاء الغرام باخبار بلدالحرام، فاسی، ج ۱، صص ۵۱۶ - ۵۱۸. - م.

۲- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، صص ۵۱۸ و ۵۱۹. - م.

۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، ص ۵۱۹.

است که هنگامی که ما با پیامبر (ص) در منا در غار بودیم، ناگاه: وَ الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً (۱)؛ «سوگند به فرستادگان پی در پی» بر حضرت نازل شد. حضرت آن را تلاوت می کرد و من آن را از دهان او [می گرفتم] (۲)، و حضرت آنچه به او وحی می شد، بیان می داشت که ناگه ماری در میان جهید، پیامبر (ص) گفت: بکشیدش، ما به سوی آن شتافتیم، گریخت، حضرت گفت: از شر شما امان یافت، همچنان که از شر آن محفوظ ماندید. (۳)

غار یاد شده مشهور است و برای کسی که از یمن می آید در پشت مسجد خیف در دامنه کوه [صفائح] واقع است. این چنین آیندگان از گذشتگان آن را یاد کرده اند. و الله اعلم. (۴)

از نوشته های مهم فاسی دراین باره، مطلبی است که در باب بیست و دوم کتابش آورده است با عنوان «درباره مکان هایی در مکه مکرمه و حرم [و اطراف آن] که با مناسک [حج] ارتباط دارند، و ۲۶ محل اند و به ترتیب حروف الفبا مرتب شده اند.» (۵)وی به شرح از آنها یاد کرده است.

۴. الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، اثر جمال الدین محمد جارالله بن محمد نور الدین بن ابی بکر بن علی بن ظهیره قرشی مخزومی (در. ۹۸۶ه. ق) .

نگارنده، گفتار پایانی کتابش را به این عنوان اختصاص داده است «در شرح مکان های معظم و محل های مکرم مکه مکرمه و حرم و اطراف آن که به فضیلت شهره اند و زیارت می شوند یعنی زادخانه ها و خانه ها و مسجدها و کوه ها و آرامگاه ها و امثال اینها.»

۱- مرسلات:۱. - م.

۲- در شفاء الغرام چاپ سید و ذهبی (۱۹۹۹، ج ۱، ص ۵۳۱) ؛ و چاپ علی عمر (۲۰۰۷، ج ۱، ص ۴۶۷) مانند صحیح بخاری (ج ۲، ص ۳۹) آمده است: «و انی لاتلقاه من» ، اما در صفحه ۳۹ متن مبدأ آمده است: «و انی لألقاه من» . - م.

۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۳۹. - م.

۴- شفاء الغرام، ج ۱، صص ۵۳۱ و ۵۳۲. - م.

۵- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، [فاسی] ج ۱، صص ۵۳۹ - ۶۰۲. - م.

وی نخست به بیان زادخانه ها می پردازد:

۱. یکی از اینها که از والاترینشان است، زادخانه حضرت رسول اکرم (ص) است که سخن را با آن می آغازیم. این محل در مکه و در مکانی است معروف به سوق اللیل که به مولد النبی مشهور است.

او در ادامه می گوید: «زادخانه بودن این مکان زبانزد، و میراثی است که آیندگان از گذشتگان باز گفته اند. در مکه رسم شده است هر سال در شب دوازدهم ربیع الاول (۱)، قاضی شافعی مکه پس از نماز مغرب در میان جمعیتی انبوه که در میان آنها سه نفر قاضی و بیشتر فقیهان و فضلای بزرگ و ثروتمندان وجود دارند با فانوس های فراوان و شمع های بزرگ در قالب خیلی عظیم به زیارت این محل مقدس می روند.» (۲)

وی در ادامه، معرفی مشروح این مکان ها را پی می گیرد که در اینجا به کوتاهی از آنها یاد می شود:

۲. زادخانه حضرت فاطمه [(علیها السلام)] دختر حضرت رسول خدا (ص) که در خانه مادرش خدیجه در کوچه ای در مکه معروف به زقاق الحجر بوده است و طبری آن را دارخزیمه خوانده است [. . .]. [اکنون،] بیشتر این خانه حالت مسجد دارد و در آن جایگاهی است که به آن قبه الوحی گفته می شود و در کنار آن جایی است که مختباء نامیده می شود و مردم به زیارت آن می آیند و می پندارند، پیامبر اکرم (ص) هنگامی که مشرکان به او سنگ می پرانند در پس این محل پناه می گرفته است. این سخن بی پایه است. (۳)

۳. یکی از این مکان ها، زادخانه حضرت علی بن ابی طالب (ع) است که در محلی معروف به شعب علی قرار دارد. این زادخانه مقابل زادخانه پیامبر اکرم (ص) و در بالادست آن است. این مکان در میان مکیان مشهور است و در آن اختلافی نیست و بر در آن سنگ نبشته ای است که بر آن حک شده است: اینجا زادخانه امیرالمؤمنین

۱- سال روز ولادت رسول اکرم (ص) به روایت اهل سنت. - م.

۲- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره، صص ۳۲۵ و ۳۲۶. - م.

۳- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره، ص ۳۲۷. - م.

علی بن ابی طالب است. رسول خدا (ص) در این محل پرورش یافت. گفته شده است زادخانه حضرت علی (ع) درون خانه کعبه است، اما نووی در [کتاب] تهذیب الاسماء و اللغات (۱)، این نقل را ضعیف دانسته است. (۲)

۴. مورد دیگر بنابر نقل، زادخانه حضرت حمزه بن عبدالمطلب عموی پیامبراکرم (ص) است که در پایین دست مکه بر سر راه کسی است که به برکه ماجن (که اهل مکه به غلط آن را ماجد گویند) می رود.

فاسی می گوید: (۳)«دلیلی بر درستی این مطلب نیافته ام، صحت این امر مورد تردید است؛ زیرا این مکان، محل بنی هاشم نبوده است والله اعلم.» (۴)

۵. جایی که می گویند زادخانه عمر خطاب است. فاسی (۵)این سخن را ضعیف دانسته و می گوید: «در این باره چیزی نمی دانم که معتبر شناخته شود.» (۶)

۶. زادخانه دیگر، جایی است که به آن زادخانه [امام] جعفرصادق (ع) گفته می شود. (۷)

نگارنده، شرح خانه های مبارک را ادامه می دهد، و باز به شرح دوباره آنچه گذشت به عنوان خانه هایی که در مکه، مسجد به شمار رفته اند می پردازد (۸)و از خانه های زیر یاد می کند: خانه ارقم بن ابی ارقم مخزومی که در روزگار او به خانه خیزران معروف بوده

۱- مترجم در شرح حال علی (ع) در کتاب تهذیب الاسماء و اللغات (ج۱، صص۳۴۴- ۳۴۹) و نیز در دو مجلد دیگر آن، نتوانست این سخن منسوب به نووی را بیابد. - م.

۲- الجامع اللطیف، ص ۳۲۸. - م. * برای آشنایی با دیدگاه اهل سنت نسبت به زادخانه حضرت علی (ع) بنگرید به پانوشت ۲ صفحه ۶۸ همین کتاب. - م.

۳- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۵۱۳. - م.

۴- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره، ص ۳۲۸. - م.

۵- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۱۳. - م.

۶- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ص ۳۲۸. - م.

۷- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ابن ظهیره، ص ۳۲۹. - م. * در متن مبدأ صفحه ۴۰ در تاریخ چاپ کتاب الجامع اللطیف آمده است: « ۱۳۹۲ه /۱۹۳۲م» که خطاء و درست آن ۱۳۵۲ه. ق. است. - م.

۸- برخلاف سخن مؤلف محترم، ابن ظهیره در الجامع اللطیف ذیل عنوان «ذکر الدور المبارکه» (صص ۳۲۹ - ۳۳۱) از شش محل یاد می کند و تنها خانه ارقم بن ابی ارقم را مسجد می خواند. - م.

است. این خانه در کنار صفا قرار دارد و هدف [از دیدار آن] زیارت مسجدی است که در آن است؛ چرا که رسول خدا (ص) در آغاز دعوت در آن پنهان بوده و عمر و حمزه و دیگران در آن اسلام آوردند و اسلام از آنجا آشکار شد و صحابه در آن گرد می آمدند. پس این خانه را فضیلت بسیار است. مسجد یاد شده را خیزران همسر مهدی عباسی در آن ساخت. (۱)

[ابن ظهیره] سپس به خانه عباس بن عبدالمطلب که در مسعی قرار داشته و بعدها به نوانخانه تهیدستان تبدیل شده است، می پردازد. در دیوار این خانه [یکی از دو میله (۲)] سبز (۳)بوده است که در حالت سعی، حرکت در میان آن دو راحت صورت می گرفت. (۴)

پس از این به مساجد تاریخی در منا و اطراف آن اشاره کرده، می گوید: «برخی از اینها موجود و در عصر ما معروفند، و برخی دیگر از میان رفته اند و در مکه و بیرون آن اثری از آنها نیست.» (۵)

۱- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، ص ۳۳۰. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۴۲ آمده است: «کان فی جدارها المیلان الاخضران» که غلط و برخلاف متن مادر (الجامع اللطیف، ص ۳۳۰) است که در آن آمده است: «و فی جدارها احد المیلین الاخضرین» . - م. t * مراد از این دو میله، دو پرچم سبز است که یکی در کنار خانه عباس بوده و دیگری در دیوار یا خودخانه، این دو پرچم سبز نشان دهنده محل شروع سعی از مروه به صفا، و پایان هروله (آهسته دویدن) از صفا به مروه بوده است. خانه عباس در اواخر جمادی الثانی ۱۳۶۷هجری قمری تخریب شد. بنگر به: کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، محمد طاهر کردی مکی، ترجمه هادی انصاری، ص۲۵۳. - م. * برای آگاهی فزون تر بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج۲، صص ۸۳۵ و ۸۳۶ - م.

۳- در شفاء الغرام باخبار البلد الحرام (فاسی، ج ۱، ص ۵۱۹) آمده است: «و فیها العلم الاخضر» . - م.

۴- الجامع اللطیف، ص ۳۳۰. - م.

۵- آنچه مؤلف محترم از قول ابن ظهیره و ذیل «ذکر المساجد المأثوره فی منی و جهتها» آورده است شرح ابن ظهیره بر این عنوان نیست (ص ۳۳۳) ، بلکه آغاز شرح عنوان «ذکر المساجد» است که از صفحه ۳۳۱ آغاز گشته و در صفحه ۳۳۳ پایان یافته و در آن از مساجد ذیل سخن رفته است: مسجد الرایه، مسجدی نزدیک مجزره بزرگ، مسجد مختباء، مسجد ابراهیم (بر کوه ابوقبیس) ، مسجد بیعه (جن، حرس) ، مسجد اجابه. در صص ۳۳۳ تا ۳۴۰ ذیل «ذکر المساجد التی فی منی و جهتها» به مساجد ذیل اشاره رفته است: مسجد البیعه، مسجد نحر، مسجد کبش، مسجد عایشه، مسجد خیف، مسجد ضب، مسجد عرفه، مسجد تنعیم، مسجد جعرانه، مسجد فتح. - م.

وی در ادامه به شرح مساجد معروف در روزگار خود می پردازد، از آنهاست: مسجد البیعه، مسجد جن، مسجد اجابه، (۱)[مسجد آل قنفذ، مسجد استراحت].

او در پایان به مساجدی که در منا و اطراف آن است (۲)پرداخته و از موارد ذیل یاد کرده است: مسجد البیعه، مسجد النحر میان جمره اولی و وسطی در سمت راست کسی که به عرفه می رود. مسجد کبش در سمت چپ کسی که در دامنه کوه ثبیر (۳)به سوی عرفه بالا می رود. مسجد عایشه که آن نیز در دامنه کوه ثبیر است. مسجد خیف. مسجدی در پای کوه ضب که مشرف به مسجد خیف است که صغانی آن را صفایح خوانده و صابح هم گفته شده است، و به غار مرسلات معروف است و تا به امروز به همین نام شناخته می شود.

در صحیح بخاری در باب «جانورانی که محرم آنها را می کشد» از قول ابن مسعود آمده است که او می گوید: ما در منا در غار با پیامبر (ص) بودیم که ناگاه: «و المرسلات عرفاً» بر او نازل شد. حضرت آن را تلاوت می کرد و من از دهان او می گرفتم و آن حضرت آنچه به وی وحی می شد بیان می کرد، که ناگه ماری در میان جهید، پیامبر اکرم (ص) گفت: بکشیدش، ما به سوی مار شتافتیم، گریخت. پیامبر اکرم (ص) گفت: از شر شما امان یافت، همچنان که شما از شر او محفوظ ماندید. مسجد عرفه که امام در آن نماز می گزارد و مشهور است. مسجد تنعیم که عایشه پس از گزاردن حج در حجهالوداع در آن عمره را آغاز کرد، مسجد جعرانه، همان مسجدی است که رسول خدا (ص) پس از فتح مکه هنگامی که

۱- الجامع اللطیف، صص ۳۳۳ - ۳۳۸. - م. * گفتنی است بر خلاف نقل مؤلف محترم در صفحه ۴۲ متن مبدأ، ابن ظهیره، هنگام برشمردن مساجد معروف از مسجد جن و مسجد اجابه یاد نکرده است، بلکه آن دو را ذیل عنوان «ذکر المساجد» آورده است (صفحه ۳۳۲) - م.

۲- چنان که دیده می شود مؤلف محترم پریشان گویی کرده است. چه در آغاز دو بند پیش آورده است: «مساجد تاریخی در منا و اطراف آن» و اینك نیز همان مطلب را تکرار کرده است. آنچه پیش از این آورده خطاست و با متن الجامع اللطیف سازگاری ندارد. - م.

۳- کوهی است مقابل کوه حرا. بنگرید به: کتاب اسماء جبال تهامه و جبال مکه و المدینه و ما فیها من القری و ما ینبت علیها من الاشجار و ما فیها من المیاه، عرام بن الاصبغ سلمی، تحقیق و تعلیق محمد صالح سنّاوی، ص۲۹. - م.

از طائف باز می گشت در عمره اش در آنجا محرم شد.» (۱)

جمال الدین محمد بن ظهیره، در ادامه به بررسی مساجدی که ازرقی از آنها نام برده اما در روزگار وی از آنها اثری نمانده است، می پردازد: مساجدی که ازرقی نام برده و اکنون اثری از آنها نیست، پنج باب است:

۱. مسجدی در بالادست مکه میان شعب ابن عامر که اکنون به شعب عامر معروف است.

۲. مسجدی در اجیاد که گفته می شود پیامبر اکرم (ص) به جایی در آن تکیه کرده است. ازرقی می گوید: آگاهان، این نکته را نمی پذیرند و تنها پذیرفته اند که آن حضرت (ص) در اجیاد صغیر نماز گزارده است، و بر محل نماز هم از سر تحقیق دست نیافته اند، بلکه تعیین محل آن مبتنی بر حدس بی اساس است. (۲)

۳. مسجدی در بالادست مکه مقابل مسجد حرس که به آن مسجد شجره گویند، و گفته شده است پیامبر اکرم (ص) در [محل] این مسجد، درختی را که در آن بود [نزد خود] فراخواند، درخت پیش آمد، حضرت از او چیزی پرسید، سپس دستور داد باز گردد، درخت به جای خود بازگشت. این مسجد از میان رفته است. (۳)

۴. مسجدی در ذی طوی در بالادست مکه میان دو ثنیه ای که حاجیان از آنها وارد [مکه] می شوند.

۵. مسجد سرر که اکنون تعیین محل دقیق آن ممکن نیست، بلکه حدود آن را می توان معلوم داشت.

۶. (۴)مسجدی در عرفه سمت راست موقف که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود، و

۱- الجامع اللطیف، صص ۳۳۳ - ۳۳۸.

۲- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۲، ص ۲۰۲. - م.

۳- برای آگاهی از این معجزه نبوی، بنگرید به: خطبه قاصعه (۱۹۲) نهج البلاغه. نیز بنگرید به پانوشت ۳ صفحه ۶۱ همین کتاب. - م.

۴- در الجامع اللطیف صحفه ۳۳۸ آمده است: «الا خمسه مساجد» ؛ اما در شرح مطلب از شش مسجد یاد شده است. مؤلف محترم هم به این خطا عنایت نکرده و آن را تکرار کرده است. - م.

این غیر از مسجد عرفه ای است که امام در آن نماز می گزارد.

مساجد یاد شده، امروزه وجود ندارند و شناخته نیستند. (۱)

۵. الاعلام باعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، تألیف محمد قطب الدین بن احمد علاءالدین بن محمد نهروالی مکی، مشهور به قطبی (۹۱۷ - ۹۹۰ه. ق) .

قطبی سخن پایانی کتابش را به گفت و گو از مکان های تاریخی [مکه] اختصاص داده است با این عنوان «گفتار پایانی درباره محل های مبارک و مکان های تاریخی در مکه مشرفه» وی در این جستار به طور مبسوط و با بررسی تاریخی روشمند، به این مکان ها پرداخته است.

او کار را از اشاره به محل هایی که در رساله حسن بصری آمده، آغاز کرده است؛ سپس به افزوده های نقاش [مفسر] که درباره امور مربوط به این مکان ها است پرداخته است. وی از خانه حضرت خدیجه آغاز کرده؛ سپس زادخانه پیامبر اکرم (ص) ، آن گاه به خانه ارقم [بن ابی ارقم] مخزومی پرداخته است. پس از این، دیگر مکان ها و مسائل مربوط به تاریخ و ساختمان آنها را بررسی کرده است.

قطبی نهروالی در معرفی این مکان ها به مواردی که در روزگار او معروف بوده بسنده کرده است. وی از این نکته در نوشته اش این گونه خبر داده است: «به شناخته شده های آنها بسنده می کنیم.» (۲)

۶. الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، نوشته علی بن عبدالقادر طبری (در. ۱۰۷۰ه. ق) .

طبری فصل سوم کتابش را با عنوان «درباره مکان های مشهور [مکه] و مساجد [آن]» پرداخته است و می گوید: «در مکه و اطراف آن محل هایی معروف وجود دارد که

۱- الجامع اللطیف، صص ۳۳۸ - ۳۴۰. - م.

۲- الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکهالمشرفه، [قطب الدین نهروالی]، ص ۳۵۳.

زیارت آنها مستحب است. نیز مساجد فراوانی غیر از مسجدالحرام، و نوانخانه های پرشماری وجود دارد که پیشینیان از آنها یاد کرده اند.

ما نیز به مساجد تاریخی ای که پیشینیان از آنها خبر داده اند، می پردازیم و همهٔ آنچه را که در زمان ما وجود دارد یاد خواهیم کرد. [گفتنی است] بیشتر زادخانه هایی که از آنها سخن رفته است، در زمان ما مسجد گشته اند.» (۱)

وی سخن را با شرح زادخانه رسول خدا (ص) آغازیده و می گوید: «در دهانه شعب علی و معروف است و بسیاری از آن یاد کرده اند. ناصر عباسی (۵۵۳ - ۶۶۲ه. ق) ، سپس اشرف شعبان حاکم مصر، بعد ناصر فرج بن برقوق، پس از او ملک مظفر غسانی حاکم یمن، و بعد سلطان سلیمان خان، گنبد و مسجد آن را تعمیر کرده اند و در آن نماز برپا می شود. این مربوط به سال ۹۳۵ه. ق است. پس از آن، سلطان غازی محمدخان بن مولانا المقدس سلطان مرادخان، در سال ۱۰۰۹ه. ق آن را بازسازی کرد. این بازسازی به دست یکی از بزرگان حکومت عثمانی به نام غضنفیر آغا [غضنفر آقا] صورت گرفت. او پولی کلان برای این کار هزینه کرد و دیوارهای محل را برافراشت و بر آن گنبدی بزرگ نهاد و مناره ای ساخت و اموال بسیاری در روم [ترکیه] بر آن وقف نمود و برای آن مؤذن و سرایه دار و پیش نماز با حقوق سالانه معین گماشت که از محل عایدات وقف یاد شده فراهم می آمد و میان آنان تقسیم می شد. سپس حکومت برای این محل معلمی با دست مزد مشخص معلوم داشت که دو روز در هفته در آنجا تدریس می کرد.

مورد دیگر، زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) است که در زقاق الحجر در سمت راست کسی است که به مسجدالحرام می رود.

مورد بعدی، خانه خدیجه است که در جوار زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) است. خانه خدیجه (علیها السلام) پس از مسجدالحرام برترین مکان در مکه است.

۱- الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفا، [طبری]، ص۶۸.

مورد دیگر، خانه خیزران در صفاست که معروف است و پیشینیان از آن یاد کرده اند. در این خانه مسجدی است که به آن مختباء گویند. زیرا پیامبر اکرم (ص) در آغاز [دعوت به] اسلام در آن پنهان می شد. واژه مسجد بر همه این خانه اطلاق می شود و دارای سرایه دار و امام جماعت است. (۱)

همچنین مورخان اهل مکه پیوسته و به طور متوالی و با تکیه بر تواتر علمی، ثبت و ضبط این مکان ها و شرح اصلاحاتی که در آنها صورت گرفته است و توجه پادشاهان و والیان مسلمان به آنها تا سده های اخیر را پی گرفته اند، از آنهاست:

۷. منائح الکرم فی اخبار مکه والبیت و ولاه الحرم، اثر علی بن تاج الدین بن تقی الدین سنجاری (۱۰۵۷ - ۱۱۲۵ه. ق) .

وی ذیل عنوان «مکان های مکه و زیارتگاه های آن» ، [از جمله] عبارات زیر را آورده است: «در مکه مکان های فراوان و زیارتگاه های بنامی وجود دارد که مورخان در آثار مفصل خود از آنها یاد کرده اند، و در جای خود به برخی از آنها اشارت خواهد رفت.» (۲)

۸. تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، نوشته محمد بن احمد بن سالم بن عمر مکی مالکی، معروف به ابن صباغ (در.۱۳۲۱ه. ق) .

وی فصل سوم کتابش را ذیل عنوان «مکان هایی در مکه و حرم آن و پیرامونش که دعا در آنها روا می شود» پرداخته و گفته است: «قاضی مجدالدین شیرازی در کتاب الوصل و المنی، محل های دیگری را در مکه و حرم آن یاد کرده است که دعا در آنها روا می شود، چه از نقاش مفسر نقل می کند که در منسک خود گفته است: در [کوه] ثبیر و مسجد کبش و مسجد خیف. . . و در خانه خدیجه همسر پیامبر اکرم (ص) در شب

۱- الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفا، [طبری]، ص ۷۰.

۲- منائح الکرم فی اخبار مکه و البیت و ولاه الحرم، سنجاری، ج ۱، ص ۲۲۶.

جمعه، و در زادخانه نبوی در ظهر روز دوشنبه، و در خانه خیزران در مختبأ پس از نماز مغرب و عشا دعا روا می شود.» (۱)

۹. سالنامه العربیه فی شأن [الدوله (۲)] العثمانیه، منتشر شده در سال ۱۳۰۳ه. ق.

در این نشریه به مکان های تاریخی مبارک در مکه مکرمه به شرح پرداخته شده است و از اصلاحات و تحولاتی که در آنها رخ داده، یاد شده است. (۳)

۱۰. العقد الثمین فی فضائل البلد الامین (۴)، نگاشته احمد بن محمد خضراوی (۱۲۵۲ - ۱۳۲۷ه. ق) .

در [ذیل] فصل سوم [کتاب خضراوی] با عنوان «درباره مکان های تاریخی [مکه مکرمه]» ، شمار [این] مکان های تاریخی به ۳۱ محل رسیده است. او در بررسی خود به مکان های منسوب به پیامبر اکرم (ص) بسنده نکرده است، بلکه آنچه را به شماری از صحابه منسوب است نیز برشمارده است و به هر آنچه پیشینیان بیان کرده اند، پرداخته است و صحیح آنها را تأیید کرده و آنچه را در آنها صحیح نیست، برساخته خوانده است.

۱۱. کتاب دانشنامه ای افادهالانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، تألیف عبدالله غازی (۱۲۹۰ - ۱۳۶۵ه. ق) .

غازی در چند فصل و به تفصیل به این موضوع پرداخته است. وی به اکثر کتاب هایی که نویسندگان مکی درگذشته در این باره نگاشته اند نیز اشاره کرده است. اینک، عناوین این فصول را می آوریم:

۱- تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، [ابن صباغ]، ج۲، ص ۵۸۶.

۲- در متن مبدأ صفحه ۴۶ آمده است: «الدول العثمانیه» . - م.

۳- سالنامه العربیه فی شأن الدوله العثمانیه، ص ۱۴۴۸.

۴- فاسی (ابوالطیب تقی الدین محمد بن علی، ۷۷۵ - ۸۳۲ه. ق.) هم کتابی دارد با عنوان: العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین. - م.

فصل سوم: در بیان مساجد مبارک تاریخی (۱)

فصل چهارم: در شرح مکان هایی در مکه که به زادخانه معروفند

وی در این فصل، تاریخ این مکان ها را به شرح کاویده است و از تاریخ ساخت و توجه حاکمان و امیران به آنها یاد کرده است. (۲)

فصل پنجم: در شرح مکان های مشهوری که با مناسک [حج] ارتباط دارند (۳)

فصل ششم: در بیان مکان هایی که به مناسک [حج] ارتباط ندارند، اما در میان مردم شهره شده اند (۴)

تألیف تاریخی در این زمینه پر شمار است. (۵)زنجیره این نگارش های علمی پی در پی، در عصر کنونی هم ادامه یافته است، که تا آن مایه که می دانیم بدان ها اشاره می کنیم:

۱۲. ملخص مناسک الحج، ویلیه دلیل الآثار المطلوبه فی مکهالمحبوبه، اثر عبدالمالک ابن عبدالقادر بن علی معروف به طرابلسی (در. ۱۴۱۸ه. ق) .

وی ۳۰ مورد از مکان های یاد شده را برشمارده که در بردارنده مشاعر مقدس است. او نقشه ای از مکه مکرمه کشیده و محل مکان های تاریخی اسلامی معروف در عصر حاضر را در آن معلوم داشته است. (۶)

۱۳. معالم مکه التاریخیه و الاثریه، نوشته عاتق بن غیث بلادی [قرن چهاردهم].

این کتاب فراگیرترین اثر در موضوع خود است. این امر از عنوان و محتوای کتاب برمی آید. به زودی درباره این اثر به شرح سخن خواهد رفت.

۱- افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، [غازی]، ج ۲، صص ۳۷ - ۶۳.

۲- افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، [غازی]، ج ۲، صص ۶۷ - ۸۵.

۳- افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، [غازی]، ج ۲، صص ۸۶ - ۱۳۱.

۴- افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، [غازی]، ج ۲، صص ۱۳۱ - ۱۴۴.

۵- ترجمه متن مبدأ به صورت «و دیگر تألیف های تاریخی پرشمار» است اما چون این جمله فاقد فعل است و با واو استیناف آغاز گشته است، به شکلی که در متن آمده ترجمه شد. - م.

۶- مؤلف محترم، نشانی نداده است. مترجم هم نتوانست به کتاب طرابلسی دست یابد. - م.

بی تردیـد سـخن این گروه از نویسـندگان مورد اطمینان که بیشترشان از فقیهان و محـدثان و قاضـیان و عالمانند، درباره مکان های تاریخی صحیح، موجب تحقق تواتر خبری اصطلاحی در آشکارترین شکل و دقیق ترین معنا می شود. (۱)

گفتار سوم: مکان های تاریخی در کتاب های خاص تاریخ مکه و مدینه

گفتار سوم: (۲)مکان های تاریخی در کتاب های خاص تاریخ مکه و مدینه

در این گفتار به شرح دو عنوان از این دست تاریخ نگاشت ها بسنده می شود:

۱. تاریخ مکه المشـرفه و المسـجدالحرام و المدینه الشـریفه و القبر الشـریف، نگاشته امام ابوالبقاء محمد بن احمد بن محمد ضیامکی حنفی (در. ۸۵۴ ه. ق) .

ابن ضـیا در پاره ای از فصل دوم این کتاب با عنوان «درباره مکان های مبارک مکه مشرفه و حرم و اطراف آن که زیارت آنها و نمـازگزاردن و دعـا کردن در آنهـا به امیـد کسب برکت مسـتحب است» این مکـان ها را شامل مسـجد و خانه و کوه و مزار دانسـته و افزوده است که بیشتر این مکان ها مسـجدند، البته برخی از مساجـد به زادخانه شـهره شده اند، و شـماری هم به خانه معروف گشته اند. ابن ضیا پس از این مقدمه به شرح این مکان ها می پردازد. (۳)

وی فصل هفتم این کتاب را نیز به شرح مساجدی که در مدینه معروفند و پیامبر اکرم (ص) در آنها نمازگزارده و مساجدی در مدینه که حضـرت در آنها نماز خوانده اما در عصـر مؤلف شناخته نیستند، و مساجدی در راه مکه و مدینه که حضرت در آنها نماز گزارده و مساجد معروف در غزوات و جز اینها اختصاص داده است. (۴)

۱- نیز و از جمله بنگرید به: من المساجد و المزارات فی الحرمین الشـریفین، سـید محمد حسـینی شیرازی؛ معالم مکه و المدینه بین الماضی و الحاضر، یوسف رغد عاملی که به شرح از مکان های تاریخی مکه مکرمه و مدینه منوره یاد کرده اند. - م.

۲- این گفتار افزوده مترجم است. - م.

۳- تاریخ مکه المشرفه و المسجدالحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، ابن ضیا مکی، صص۱۷۹- ۲۰۶. - م.

۴- تاریخ مکه المشرفه و المسجدالحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، ابن ضیا مکی، صص ۲۹۷ - ۳۱۵. - م.

۲. موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، اثر ایوب صبری پاشا (در. ۱۲۹۰ه. ق) ، ترجمه جمعی از مترجمان.

صبری پاشا از عالمان و مورخان و عوامل ترکیه عثمانی در مکه مکرمه بوده است. وی با تکیه بر منابع مکتوب و مشاهدات شخصی خود در مدت هفده سال این کتاب دانشنامه ای را به گونه ای بس نیکو در پنج مجلد پرداخته است. در این کتاب از تاریخ و جغرافیا و آداب و رسوم و اقتصاد و. . . مکه مکرمه و مدینه منوره به شرح سخن رفته است.

متن حاضر ترجمه عربی متن ترکی استانبولی کتاب است که به همت گروهی از مترجمان صورت گرفته و در مصر به چاپ رسیده است.

دو جلد نخست این مجموعه درباره مکه مکرمه و دو جلد دوم آن درباره مدینه منوره و جلد فرجامین آن درباره جزیره العرب نگاشته شده است.

مؤلف در جلد دوم به ۳۹ مکان مقدس در مکه مکرمه اشاره کرده است که شامل خانه ها، مساجد، مزارهاست. از این شمار ۱۳ مورد مسجد و ۷ مورد خانه است.

مساجد عبارتند از: مسجد ذی طوی، مسجد تنعیم، مسجد جن، مسجد رایه، مسجد مدعی، مسجد البیعه، مسجد نحر، مسجد خیف، مسجد کبش، مسجد مرسلات، مسجد ابراهیم، مسجد مشعر، مسجد ابوبکر. (۱)

خانه ها عبارتند از: خانه حضرت خدیجه (علیها السلام) ، زادخانه نبوی، خانه خیزران (خانه ارقم بن ابی ارقم) ، خانه عباس بن عبدالمطلب، خانه ابوبکر، زادخانه علی (ع) ، خانه ابوسفیان. (۲)

در شرح خانه خدیجه (علیها السلام) آمده است که این خانه در زقاق الحجر (کوچه سنگ) که در قدیم زقاق العطارین (کوچه عطاران) خوانده می شده است قرار دارد. در

۱- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، صص ۸۸۱ - ۸۹۷. - م.

۲- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، صص ۸۶۴ - ۸۷۱. - م.

سال ۱۰۴۳ه. ق بر این خانه گنبدی بزرگ نهاده و در درون آن دو محراب ساخته شد.

در محل زاده شدن حضرت زهرا (علیها السلام) در این خانه، سنگی سفید و گرد ناقص نهاده شده است و بر آن مقصوره ای با روکش سبز است. (۱)

در شمال این خانه، اتاقی کوچک است که پرستشگاه حضرت رسول اکرم (ص) بوده است. در محل سجده حضرت (ص) در محراب این مکان الماسی شش وجهی به ستبرای انگشت دست نهاده شده است. (۲)

درباره زادخانه نبوی آمده است که در شرق حرم در خیابان شعب ابی طالب که امروزه به شعب بنی هاشم و زقاق المولد (کوچه زادخانه) شهره است قرار دارد. در گذشته و در عصر رسول خدا (ص) به این خانه دارالتبابعه گفته می شده است.

از قدیم رسم است که علما و اعیان از مسجدالحرام به این خانه می آیند و در آن دعا و عبادت می کنند و باز به مسجدالحرام باز می گردند. (۳)

در جلد چهارم این اثر به مساجد و مکان های مقدس در میان مکه مکرمه و مدینه منوره که مورد احترام و زیارت مردم بوده اند اشاره شده است. مؤلف مساجد این ناحیه را به سه دسته تقسیم نموده است:

۱. مساجدی که در مسیر حرکت حضرت محمد (ص) از مدینه به مکه ساخته شده است (۲۶ باب) ؛

۲. مساجدی که در راه حاجیان از مدینه به مکه ساخته شده است (۴ باب) ؛

۳. مساجدی که رسول خدا (ص) در غزوات در [محل] آنها نماز گزارده است (۱۰باب)]. (۴)

۱- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۵. - م.

۲- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۸۶۶. - م.

۳- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، صص ۸۶۶ و ۸۶۷. - م.

۴- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۴، صص ۸۱۱ - ۸۲۸. - م.

گفتار چهارم: تک نگاشت هایی به نثر و نظم درباره مکان های تاریخی در مکه مکرمه

الف. به نثر: شماری از عالمان مکی، تک نگاشت هایی درباره مکان های تاریخی متواتر در مکه پرداخته اند. تا آنجا که ما می دانیم آنچه از این آثار تاکنون به چاپ رسیده، به قرار ذیل است:

۱. عده الانابه فی اماکن الاجابه، تألیف سید عفیف الدین عبدالله بن ابراهیم میرغنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی، معروف به محجوب [در.۱۲۰۷ ه. ق].

نگارنده در دیباچه کتاب می گوید: «چون بخشی از شرح ادریس شماع شافعی بر منظومه عبدالملک عصامی با عنوان الانابه فی اماکن الاجابه را مطالعه کردم، دریافتم که در این منظومه، [دعا کردن] به زمان های معینی محدود شده است که ابوبکر بن محمد بن حسن نقاش بیان داشته است. [از سویی] بسیاری از علما [دعا کردن در مکان های مقدس مکه] را به زمانی خاص محدود ندانسته اند، که سازوار با روایت حسن بصری از پیامبر اکرم (ص) است. عبدالملک در پایان شعرش به این نکته اشاره کرده است.

من در جایی دیگر دو بیت از عمر بن ابراهیم بن نجیم مؤلف النهر الفائق شرح کنزالدقائق (۱)دیده بودم، بر آن شدم که بر آن دو بیت فوایدی بیفزایم و هر فایده را در جای درخور خود بیان دارم تا درک و حفظ آنها آسان شود؛ اما دریافتم که شمار آنچه در آن دو بیت آمده پانزده مکان است؛ حال آنکه دیگر عالمان آنها را بیست مکان بیان داشته اند. از این رو، پنج مکان دیگر را در بیتی به نظم آوردم و به آن دو بیت افزودم و همه را شرح دادم. آن دو بیت، و بیتی که افزوده ام اینهاست.

دُعاءُ الْبَرایا یُسْتَجابُ بِکَعْبَهَ وَ مُلْتَزَم،و الَموقِفَین، کَذَا الحَجَرِ

۱- در متن مبدأ صفحه۴۸، بر خلاف متن مادر صفحه۲۶، آمده است: « الفایق. . . الدقایق» . - م.

طَوافِ، وَ سَعی، مَرْوَتَینِ، وَ زَمْزَم (۱)

آنچه را در این کتاب گرد آوردم، عـده الانابه فی اماکن الاجابه، نامیـدم. این نام گـذاری از آن روست که من ذیل هر مکان، اموری چنـد از مسائل فقهی و دعاهای وارد شـده سازوار با آن را بیان داشـته ام تا فواید آن فزون تر گردد و از مطالعه آن بهره ای [افزون] برآید.» (۲)

۲. تحفهالانام فی مآثر البلد الحرام، نگارش سید عبدالله بن سید محمد صالح زواوی مکی (۱۲۶۶ - ۱۳۴۳ه. ق) .

در مقـدمه این نگاشـته آمـده است: «مکه مکرمه شـهر خـداست و در آن خـانه ای بس فری جایگـاه است که نخستین خانه ای است در زمین که برای مردم نهاده شده است و خجسته و رهنمون برای جهانیان است و در آن نشانه های روشن است و هر که در آن درآید، در امان است (۳)و خداوند آن را قبله همه امت محمدی در سراسر جهان نهاد.»

وی در ادامه می گویـد: «همه مکه، مبـارک و دعـا در آن رواست، امـا بخش هـایی از آن بر بخش هـای دیگر برتری دارد که حاصل مزیت های ویژه آنهاست مثلاً حضـرت (ص) در آن زاده شـده است، یا در آن عبادت کرده است؛ یا از او یا اصـحابش اثری در آن است. بخش هـای برتر، فراوان، امـا بر سـر آنهـا اختلاـف است. در این میـان بخش هـایی مشـهور است و بزرگـان عـادت کرده انـد در آنها آمـد و شـد، و آنها را زیارت می کننـد و حاجیان را بـدان ها رهنمون می سازنـد. این مکان ها برای بیشتر طواف کنندگان آگاه معلوم و عبارتند

۱- اعراب گذاری از مترجم است. - م.

۲- عده الانابه فی اماکن الاجابه، [میرغنی حسنی]، ص ۲۶.

۳- اشارتی است به آیه ۹۶ - ۹۷ سوره مبارکه آل عمران. - م.

از: کوه ها، مسجدها و زادخانه ها که محل هایی اند که بزرگانی در آنها زاده شده اند و در آنها سکونت گزیده اند و از این رهگذر بر فضلیت آنها افزوده شده است.» (۱)

زواوی پس از این، هر مکان را به شرح بازشکافته است و چون به بررسی زادخانه ها رسیده برای معرفی آنها گفته است: «اینها خانه هایی است که بزرگانی گرامی در آنها زاده شده اند و در آنها سکونت گزیده اند و به وجود آنان بر فضیلت آنها افزوده شده است. از آنهاست، مکانی که به آن زادخانه پیامبر (ص) گفته می شود و در سوق اللیل واقع است و بنابر [اخبار] صحیح همان خانه ای است که رسول خدا (ص) در آن دیده به جهان گشوده و در آنجا پرورش یافته است و محل تولد آن حضرت در آن مکان اکنون شناخته و معروف است.» (۲)

۳. معالم مکه التاریخیه و الاثریه، نوشته عاتق بن غیث بلادی [قرن چهاردهم].

عنوان این کتاب می رساند که اثری دانشنامه ای است، وانگهی در ساختاری الفبایی، به همه مکان های تاریخی و باستانی در مکه مکرمه و پیرامون آن پرداخته است. برجستگی این اثر در آن است که مؤلف، ذیل هر مکان، اطلاعات تاریخی سودمندی آورده است و اطلاعات تازه ای از آنچه به تازگی در هر مکان رخ داده است با بیانی روشن بدان ها افزوده است. به این ترتیب نگارنده حال را به گذشته پیوسته است. این ویژگی تاریخ و مورخان مکتب تاریخی مکه [از گذشته] تا عصر حاضر است.

اکنون نمونه هایی از افزوده های سودمند [این] کتاب را پیش رو می نهیم. نگارنده درباره زادخانه نبوی می گوید: «زادخانه شریف نبوی مکانی است که رسول خدا (ص) در آن زاده شد و آن در شعبی است که بنی هاشم در آن زندگی می کردند و پس از بعثت، قریش آنان را در آن محاصره کرد.

این مکان مسجد شده بود، سپس و در پی کثرت تبرک مردم بدان، ویران شد. آن گاه

۱- تحفه الانام فی مآثر البلد الحرام، [زواوی مالکی]، صص ۲ و ۳.

۲- تحفه الانام فی مآثر البلد الحرام، [زواوی مالکی]، ص۶.

در آن ساختمـانی نیکو ساخته و محل کتابخانه مکه شـد. این کتابخانه که عباس قطان آن را در سال ۱۳۷۰ه. ق از دارایی خود ساخت، اکنون کتابخانه عمومی است که محل رجوع دانش دوستان است.

ماجـد کردی [از اعضـای حزب ملی حجـاز] کتابخانه را از فرزنـدان عباس قطان خریـد و آن را اساس کتابخانه امروز مکه قرار داد. سپس آن را در اختیار وزارت تبلیغات (که آن هنگام اداره کل تبلیغات بود) نهاد و به فرجام اداره تبلیغات آن را به اوقاف واگذارد. (۱)

ب. به نظم: [بازتـاب] توجه عالمـان - خواه فقیهـان و خواه مورخـان - به مکـان های تاریخی مکه مکرمه گوناگون بوده است. آنـان [گـاه] در آثار فقهی خود در [قالب] نظم به آنها پرداخته انـد، و [گاه] در تک نگاشت هایی ویژه. افراد (۲)ذیل، از جمله کسانی اند که در آثار فقهی خود به نظم از این مکان ها یاد کرده اند:

۱. ابوجعفر احمد بن محمد مرادی، معروف به نحاس یا ابن نحاس (۲۶۰ - ۳۳۸ه. ق) ، در کتاب المناسک.

۲. عبدالملک بن جمال الدین عصامی (۹۷۸ - ۱۰۳۷ه. ق) .

وی مکان های تاریخی مکه را سازوار با آنچه حسن [بصـری] گفته به نظم کشیده است؛ اما به پیروی از نقاش مفسر، هر مکان را به زمانی محدود کرده و گفته است:

قَد ذَکَرَ النَّقّاشُ فی المَناسِک (۳)

۱- معالم مکه التاریخیه و الاثریه، [بلادی]، ص ۲۹۴.

۲- مؤلف محترم، ذیل الف. نثر، از آثار یاد کرده است، و این جا ذیل ب. نظم، از مؤلفان سخن گفته است. - م.

۳- اعراب گذاری از مترجم است. - م. * در متن مبدأ صفحه ۵۱ آمده است: « النووی، ابو زکریا یحیی، الفتوحات الربانیه علی الاذکار النوویه» . حال آنکه نام کتاب نووی، حلیه الابرار و شعار الاخیار فی تلخیص الدعوات و الاذکار است که در قرن هفتم نوشته شـده است؛ و کتاب الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه، شـرحی بر آن است که در قرن یازدهم نگاشته شـده است. مؤلف محترم هم نام مؤلف را خطا ضبط کرده است و هم نام کتاب را. - م.

عصامی در ادامه به همه پانزده مکان پرداخته است. (۱)پس از او ادریس شماع شافعی بر آن منظومه شرحی نوشته و آن را الانابه فی اماکن الاجابه نامیده است.

۳. محمد بن علان صدیقی شافعی مکی (در. ۱۰۷۵ه. ق)

وی می گوید: «آنها را به نظم درآورده بودم، و چند مکان دیگر را به آنها افزودم و گفتم:

اَلحَمْدُ لِله وَ صَلَّی اللّهُ (۲)

۱- الفتوحات الربانیه علی الاذکار [النواویه]، [ابن علان صدیقی شافعی]، ج ۴، ص ۳۸۵. * در متن مبدأ صفحه ۵۱ آمده است: « النووی، ابو زکریا یحیی، الفتوحات الربانیه علی الاذکار النوویه» . حال آنکه نام کتاب نووی، حلیه الابرار و شعار الاخیار فی تلخیص الدعوات و الاذکار است که در قرن هفتم نوشته شده است؛ و کتاب الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه، شرحی بر آن است که در قرن یازدهم نگاشته شده است. مؤلف محترم هم نام مولف را خطا ضبط کرده است و هم نام کتاب را. - م.

۲- اعراب گذاری از مترجم است. - م.

فصل سوم: مکان های تاریخی مکه مکرمه در تألیف های فقهی

گفتار یکم: مکان های تاریخی مکه مکرمه در کتاب های مناسک

در کتاب های مناسک به طور عام، و آثار فقیهان مکی به طور خاص به شرح مکان های تاریخی مکه مکرمه که با رسول خدا (ص) ارتباط مستقیم دارند، یا با رویدادی از رخدادهای مهم تاریخ اسلام مرتبطاند، یا با یکی از صحابه رسول خدا (ص) ارتباط دارند و به تواتر از صدر اسلام نقل شده اند و نقل و معرفی آنها تا دوران کنونی استمرار یافته، توجه شده است.

فقیهان برای بررسی و اثبات صحت مکان های تاریخی مکه مکرمه، راهکارهایی علمی وضع کرده اند. این واکاوی از راه تعیین محل و اندازه گیری مساحت آنها با مقیاس هایی که در اختیار داشته اند صورت می گرفته است.

آنان بر این مکان ها عناوینی گوناگون و سازوار وضع کردند، که آشکارا فقه ورزی از آنها برمی آید؛ چه به بیان احکام شرعی مناسب هر مکان، و شرح آدابی که زائر در هنگام تشرف به آنها باید بدان ها پایبند باشد، پرداخته اند.

[در اینجا] واکاوی [همه] این کتاب ها دشوار است؛ از این رو، شماری از آثار مؤلفانی که در محیطهای علمی شهرتی دارند برگزیده شده است. از شرح شماری از

این آثار، به وجود تواتر علمی و فقهی [نسبت به این مکان ها]، اطمینان حاصل می شود؛ از آنهاست:

۱. مثیر الغرام الساکن [إلی] (۱)اشرف الاماکن، تألیف ابوالفرج عبدالرحمان ابن جوزی (در. ۵۹۷ ه. ق) .

وی این مکان ها را ذیل این عنوان بررسی کرده است «باب شرح مکان هایی در مکه که نمازگزاردن و دعا کردن در آنها مستحب است» که هیجده مکان می باشد.

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شد و چون آن حضرت (ص) هجرت نمود، عقیل بن ابی طالب آن را گرفت و در کف او و پسرش بود تا محمد بن یوسف برادر حجاج آن را خرید و ضمیمه منزلش ساخت که به آن بیضا (سفید) گفته می شد و امروزه به خانه ابن یوسف معروف است. این خانه در این منزل بود تا خیزران همسر مهدی حج گزارد و آن را مسجد کرد و در آن نماز به پا شد. او آن را از منزل جدا ساخت و از آن دری به کوچه ای گشود که به آن زقاق المولد گفته می شود.

۲. منزل خدیجه (علیها السلام) یعنی همان خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زندگی می کرد و خدیجه در آن درگذشت و پیامبر اکرم (ص) تا زمان هجرت، همچنان در آن سکونت داشت. هنگامی که [حضرت] هجرت نمود، عقیل آن را گرفت. سپس هنگامی که معاویه خلیفه شد، آن را از عقیل خرید و مسجد کرد و در آن نماز گزارده می شد. معاویه از این منزل دری به خانه ابوسفیان گشود، همان خانه ای که رسول خدا (ص) در روز فتح [مکه] گفت: «هر کس به خانه ابوسفیان درآید، در امان است.»

۳. مسجد خانه ارقم بن ابی ارقم که به آن خانه خیزران گفته می شود و رسول خدا (ص) در آن پنهان می شده است.

۴. مسجدی در بالادست مکه در کنار ردم، نزدیک چاه جبیر بن مطعم که گفته

۱- در متن مبدأ صص ۵۳ و ۱۷۵ از این کتاب با عنوان مثیر الغرام الساکن علی اشرف الاماکن و در صص ۵۵ و ۱۲۳ و ۲۱۰، با عنوان مثیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن یاد شده است. ضبط اخیر درست و در سراسر متن اعمال شده است. - م.

می شود رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده است.

۵. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد جن گفته می شود و بنابر نقل، همان مسجدی است که رسول خدا (ص) در آن محلی را برای ابن مسعود معلوم داشت تا در آن عبادت کند. به این مسجد، مسجد البیعه هم گفته می شود و گفته شده است که پریان در آن با رسول خدا (ص) بیعت کردند.

۶. مسجدی در بالادست مکه رو به روی مسجد جن که به آن مسجد شجره گویند و گفته می شود رسول خدا (ص) درختی را که در محل مسجد بوده است فرامی خواند، درخت زمین را می پیماید تا به حضرت (ص) می رسد، آن گاه دستور می دهد باز گردد، باز می گردد.

۷. مسجدی که مکیان آن را مسجد عبدالصمد بن علی می نامند؛ زیرا وی سازنده آن بوده است.

۸. مسجدی در سمت راست موقف، که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود و این غیر از مسجد عرفه است که امام در آن نماز می گزارد.

۹. مسجدی در منا که به آن مسجد کبش [قوچ] گویند. علت این نام گذاری آن است که قوچی که ابراهیم قربانی فرزندش نمود، در اینجا هبوط کرد.

۱۰. مسجدی در اجیاد و در آن محلی است که به آن متکا گفته می شود و می گویند رسول خدا (ص) به آنجا تکیه کرده است.

۱۱. مسجدی بر فراز کوه ابوقبیس که به آن مسجد ابراهیم گویند و برخی می گویند آنجا مسجد مردی است به نام ابراهیم [قبیسی] و او غیر از ابراهیم خلیل است.

۱۲. مسجدی در بالادست مکه نزدیک سوق الغنم که گفته می شود رسول خدا (ص) در روز فتح [مکه] در آنجا از مردم بیعت گرفت.

۱۳. مسجد عقبه و جایی که انصار [در آن] با [رسول خدا (ص)] بیعت کردند.

۱۴. مسجدی در ذی طوی که رسول خدا (ص) هنگامی که عمره می گزارد و نیز

هنگامی که حج به جا می آورد در این مکان زیر درخت تنومندی در محل مسجد فرود می آمد. این مسجد را زبیده به شکل مستطیل با تاق قوسی ساخت.

۱۵. مسجد جعرانه و آن جایی است که پیامبر اکرم (ص) در حج عمره در آن محرم شد.

۱۶. مسجد تنعیم که رسول خدا (ص) به عبدالرحمان بن ابی بکر گفت: «خواهرت [ام المؤمنین عایشه] را ببر تا از تنعیم محرم شود، هنگامی که از تنعیم به تپه فرود آمد، او را عبور ده که به یقین محرم می شود.»

۱۷. مسجدی در کوه حرا که رسول خدا (ص) در آن عبادت می کرده است.

۱۸. مسجدی در کوه ثور، که رسول خدا (ص) و ابوبکر در آن پنهان شدند. (۱)

۲. البحر العمیق فی مناسک العمرهو الحج الی [بیت الله] العتیق، نوشته محمد بن محمد ابن ضیاء قرشی (در. ۸۵۴ ه. ق) .

در این کتاب از این مکان ها ذیل این عنوان یاد شده است، «فصلی در بیان مکان های مبارک در مکه مکرمه و حرم و اطراف آن، که زیارت آنها و گزاردن نماز در آنها و خواندن دعا به هوای برکت در آنها، مستحب است، و شمار مساجد بیش از دیگر جاهاست، اما برخی از مساجد به زادخانه معروف شده اند و برخی هم به خانه.» [نگارنده]، پس از این به شرح مفصل این مکان ها می پردازد تا اینکه می گوید: اما مکان های مبارک مکه که به زادخانه معروفند: بدان که این مکان ها مسجدند؛ اما در میان مردم به زادخانه مشهور شده اند؛ از این رو جدا از مساجد از آنها یاد شده است، از آنهاست:

مکانی که گفته می شود زادخانه نبوی است و در میان مکیان شناخته شده و در محلی واقع است معروف به سوق اللیل. ازرقی می گوید: خانه ای که رسول خدا (ص) در آن به

۱- مثیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن، [ابن جوزی]، ص ۳۴۴.

دنیا آمـد [بعدها] جزئی از منزل محمدبن یوسف شد. [توضیح آنکه] چون رسول خدا (ص) هجرت نمود، عقیل بن ابی طالب آن را گرفت. پیامبر اکرم (ص) در سال حجهالوداع، درباره این خانه و جز آن گفته است: آیا عقیل برای ما سرپناهی گذاشته است؟ این خـانه در کف عقیـل و پسرش بوده تـا اینکه پسرش آن را به محمـد بن یوسف برادر حجـاج فروخت و او آن را به منزلش که به آن بیضا (سفید) می گفتند، افزود و بعدها به خانه ابن یوسف معروف شد.

آن خانه از این منزل بود تا اینکه خیزران مادر دو خلیفه: موسی الهادی و هارون الرشید، حج گزارد و آن را مسجد کرد که در آن نمـاز برپا می شـد. وی این خانه را از منزل ابن یوسف جـدا کرد و از آن به کوچه ای که در انتهای خانه بود و به آن زقاق المولد گفته می شد، دری گشود.

ازرقی می گوید: از جدم و یوسف بن محمد شنیدم که مسئله زادخانه را مسلم می دانستند و [می گفتند] همان خانه است و در میان مکیان بر سر آن اختلافی نیست.

نگارنـده، پس از این از خانه های مبارك مکه چنین سـخن می گویـد: بدان که در مکه خانه های مبارکی هست که نزد مردم معروفنـد اما اکثر آنها مسـجدند، لکن در میان مکیان به خانه مشـهور شـده انـد. از این رو آنها را جدا از مساجد یاد کردیم. از آنهاست: خانه ام المؤمنین خـدیجه در کوچه ای معروف به زقاق الحجر که در قدیم به آن زقاق العطارین گفته می شده است. چنـان که ازرقی گفته است به این خانه زادخانه فاطمه (علیها السـلام) گفته می شود؛ زیرا در آن به دنیا آمـده است. ازرقی می گوید: «رسول خدا (ص) در آن زندگی می کرد و در آن با خدیجه همسـر شد و خدیجه همه فرزندانش را در آن خانه به دنیا آورده و در آن از دنیا رفت؛ و پیامبر اکرم (ص) تا هنگام هجرت به مدینه، پیوسته در آن ساکن بود.» (۱)

۱- البحر العمیق فی مناسک المتعمر و الحاج الی بیت الله العتیق، [ابن ضـیا قرشـی]، ج۵، صص۲۶ [] ۲۳. * در متن مبدأ صفحه ۵۶ آمده است: « ص ۲۶۲۳» . - م.

۳. لباب المناسک و عباب المسالک، اثر رحمت الله سندی مالکی (۹۳۰ - ۹۹۳ه. ق) .

وی این مکان ها را ذیل چند عنوان یاد کرده است «فصلی در مکان های اجابت» ؛ «فصلی در مکان هایی از مسجدالحرام که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است» ؛ و سرانجام «فصلی در زیارت مکان هایی که مشهور به فضیلت اند.» وی پس از این می گوید: «زیارت خانه خدیجه مستحب است و گفته شده است این خانه پس از مسجدالحرام با فضیلت ترین مکان مکه است. دیگر مکان هایی که زیارت آنها مستحب است عبارتند از: زادخانه پیامبر اکرم (ص) ، خانه ابوبکر، زادخانه علی (ع) ، خانه ارقم [بن ابی ارقم]، غار و کوه ثور، غار و کوه حرا، مسجد الرایه، مسجد جن و مسجد شجره که مقابل آن است.» (۱)

کتاب های مناسک در واکاوی این موضوع تواتر دارند.

۴. ارشاد السالک الی افعال المناسک، نوشته برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی (در. ۷۹۹ه. ق) .

او این مکان ها را ذیل این عنوان آورده است «باب بیستم در شرح آثار شریف مکه که شایسته است بدان ها تبرک جست» بدان در مکه آثاری [تاریخی] وجود دارد که شایسته است حاجیان به آنها روند و خدا را بخوانند.

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شد. این خانه در کوچه ای است که به زقاق المولد معروف است.

۲. خانه حضرت خدیجه (علیها السلام) یعنی همان خانه ای که رسول خدا (ص) با خدیجه در آن زیستند و خدیجه فرزندانش را در آن به دنیا آورد و در آن از دنیا رفت و پیامبر اکرم (ص) تا هنگام هجرت در آن ساکن بود و [بعدها] معاویه آن را خرید و مسجدش کرد که در آن نماز می گزارند. معاویه از این خانه دری به خانه ابوسفیان گشود، همان خانه ای

۱- لباب المناسک و عباب المسالک، [سندی مالکی]، صص ۲۹۴ - ۲۹۷.

که رسول خدا (ص) روز فتح [مکه] گفت: «هر کس به خانه ابوسفیان درآید، در امان است.» (۱)

۳. مسجدی در خانه ارقم [بن ابی ارقم] در صفا که به آن خانه خیزران گفته می شود و پیامبر اکرم (ص) در این خانه آمد و شد داشته و در آن اقامت کرده است.» (۲)

نگارنده پس از این به [شرح] مکان های باقی مانده می پردازد.

همچنین کتاب های مناسک در شرح مکان های تاریخی از نگاه فقیهان بزرگ، دارای تواترند مانند:

۵. الایضاح فی مناسك الحج و العمره، اثر یحیی بن شرف نووی (۶۳۱ – ۶۷۱ه. ق) .

وی باب پنجم کتابش را با این عنوان نوشته است «در ماندن در مکه و طواف وداع، و در آن چند مسئله است» از آنهاست:

مسئله چهاردهم: زیارت مکان هایی در مکه و حرم که به فضیلت مشهورند، مستحب است. گفته شده است این مکان ها هیجده مورد است. از آنهاست: خانه ای که پیامبر اکرم (ص) در آن زاده شد که امروزه مسجدی است در کوچه ای که به آن زقاق المولد گویند. ازرقی گفته است در این امر هیچ اختلافی نیست. مکان دیگر، خانه خدیجه است که پیامبراکرم (ص) تا هجرت نکرده بود همواره در آن می زیست. ازرقی نقل کرده است: [بعدها] که معاویه خلیفه شد، خانه را از عقیل بن ابی طالب خرید و آن را مسجد کرد. مکان دیگر، مسجد خانه ارقم [ابن ابی ارقم] است که به آن خانه خیزران گفته می شود، و رسول خدا (ص) در آغاز دعوت در آن پنهان بود. (۳)ازرقی می گوید: «این خانه در صفاست و عمر در آن اسلام آورد.» (۴)

۱- برای آگاهی فزون تر بنگرید به پانوشت ۱ صفحه ۵۹ همین اثر. – م.

۲- ارشاد السالك الی افعال المناسك، [ابن فرحون مدنی]، ج ۲، ص ۵۴۵.

۳- بنگرید به پانوشت ۱ صفحه ۶۰ همین اثر. – م.

۴- حاشیه العلامه ابن حجر الهیثمی علی شرح الایضاح فی مناسك الحج، ص ۴۴۴.

۶. القری لقاصد ام القری، اثر حافظ ابی العباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محب الدین طبری مکی (۶۱۵ - ۶۹۴ه. ق) .

این کتاب از برترین و بزرگ ترین کتاب های مناسک با بهترین و مناسبت ترین روش [در میان اهل سنت] است. مصطفی سقا مصحح کتاب آن را چنین توصیف می کند: «این اثر، جامع ترین کتاب در موضوع خود است و [در حسن آن] همین بس که دربردارنده همه آیات قرآن درباره حج و متون حدیثی صحاح سته: [صحیح] بخاری، [صحیح] مسلم، [سنن ابن ماجه]، [سنن] ترمذی، [سنن] ابوداود، [سنن] نسائی و دیگر کتاب های حدیثی. . . و سنن و مناسک [در این باره] است. (۱)وی صحیح ترین روایات این منابع را برگزیده است.» (۲)

در این کتاب به مکان های تاریخی، ذیل این عنوان پرداخته شده است «آنچه در بیان مکان هایی در مکه و پیرامون آن و استحباب زیارت آنها و دعا کردن در آنها به امید بهره مندی از برکت آنها وارد شده است» وی در آغاز این فراز می گوید: «این مکان ها [نوزده (۳)] مورد است که در اینجا عناوین آنها را به ترتیب می آوریم:

۱. مکانی که رسول خدا (ص) در آن زاده شد.

۲. خانه خزیمه که محل سکونت رسول خدا (ص) بود و خدیجه فرزندانش از رسول خدا (ص) را در آن زاد و در آنجا از دنیا رفت و پیامبراکرم (ص) همچنان در آن ساکن بود تا هجرت نمود، آن گاه عقیل آن را گرفت، بعدها معاویه پسر ابوسفیان که خلیفه شد آن را خرید و مسجد کرد که در آن نماز به پا داشته می شد.

۳. مسجد ارقم بن ابی ارقم که در صفاست.

۴. مسجدی در بالادست مکه در آغاز ردم و کنار چاه جبیر [بن (۴)] مطعم

۱- در متن مبدأ صفحه ۵۹ آمده است: «من کتب الصحاح السته: البخاری، و مسلم، و الموطأ، و ابی داود، و الترمذی، و النسائی و من غیرها من کتب المسانید. . .» اولاً موطا مالک از صحاح سته نیست، ثانیاً از پنج مؤلف و یک اثر نام برده شده است، ثانیاً ترتیب زمانی زندگی مؤلفان رعایت نشده است، در مجموع اصلاح شد. - م.

۲- القری لقاصد ام القری، [محب الدین طبری]، ص۹.

۳- در متن مبدأ صفحه ۵۹ به تبع متن مادر، آمده است: « و هی ثمانیه عشر» ، اما در شرح مطلب (صص ۵۹ و۶۰) از نوزده مکان یاد شده است. - م.

۴- در صفحه ۵۹ متن مبدأ آمده است: « بن جبیر مطعم» . - م.

۵. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد جن گویند.

۶. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد شجره گویند.

۷. مسجدی در بالادست مکه کنار سوق الغنم

۸. مسجدی در اجیاد

۹. مسجدی بر فراز کوه ابوقبیس که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود.

۱۰. مسجدی در ذی طوی

۱۱. مسجد عقبه، جایی که انصار با رسول خدا (ص) بیعت کردند.

۱۲. مسجد جعرانه، که رسول خدا (ص) برای عمره در آنجا محرم گشت.

۱۳. مسجد تنعیم، جایی که رسول خدا (ص) به عبدالرحمان دستور داد عایشه در آنجا محرم شود.

۱۴. مسجد کبش در منا که در آنجا قوچی قربانی اسماعیل یا اسحاق شد.

۱۵. مسجدی در سمت راست موقف، و این غیر از مسجدی است که امام در عرفه در آن نماز می گزارد.

۱۶. مسجد خیف

۱۷. مسجدی در نزدیکی سمت راست مسجد خیف که به مسجد مرسلات معروف است و سوره مرسلات در آن بر رسول خدا (ص) نازل شد.

۱۸. غار کوه حرا که پیامبر اکرم (ص) در آن عبادت می کرد.

۱۹. غار کوه ثور که پیامبر اکرم (ص) و ابوبکر در آن پنهان شدند.» (۱)

۷. هدایهالسالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، نگاشته عزالدین بن جماعه کنانی (۶۹۴ - ۷۶۷ه. ق) .

وی باب دهم را با عنوان «در آمدن به مکه و در طواف و سعی و مسائل مربوط به آنها» ، به این موضوع اختصاص داده است.

۱- القری لقاصد ام القری، [محب الدین طبری]، ص ۶۶۴.

در این باب آمده است: مستحب است – چنان که شماری از شافعیان گویند – مکان های مشهور به فضیلت را زیارت نموده، از آنهاست: مکان معروف به زادخانه حضرت رسول خدا (ص) ، مکان معروف به خانه خدیجه، مسجدی که در دار خیزران در نزدیکی صفاست. (۱)

۸. فتح الفتاح [فی] شرح الایضاح، [للنووی]، نوشته محمد علی بن علان صدیقی شافعی اشعری مکی (در ۶۷۶ه. ق) .

در این کتاب چنین آمده است: فضیلت مکان های مشهور به فضیلت، ذاتی آنها و نیز حاصل ثواب فراوان مکه و حرم و بیرون آن مانند مسجد مبایعه نزدیک جمره عقبه در مناست. گفته شده است این مکان ها هیجده مورد است. طبری آنچه را مؤلف بیان کرده برشمارده و این شمار را به بیش از نوزده مورد رسانده است.

از آنهاست خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شد که امروزه مسجد است و طبری یادآور شده است که کسی که زادخانه نبوی را مسجد کرد، خیزران همسر مهدی [عباسی] بود. [توضیح آنکه] این خانه در کف عقیل و ورثه او بود تا اینکه برادر حجاج آن را خرید و به منزلش در کوچه ای که به آن زقاق المولد گویند، افزود و [بعدها] هنگامی که خیزران حج گزارد آن را مسجد کرد.

ازرقی گفته است که در مورد این خانه هیچ اختلافی وجود ندارد. در رد سخن کسانی که گفته اند زادخانه نبوی در صفا، یا در ردم، یا در عسفان است، به این گفته ازرقی تکیه و استناد شده است. همچنان که در کتاب طیب المورد فی تاریخ محل المولد یادآور شده است، یا از آن جا که این سخن بی پایه است، نادیده انگاشته شده است. (۲)

۱- هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، [عزالدین بن جماعه]، ج ۲، ص ۹۵۵.

۲- فتح الفتاح فی شرح الایضاح للنووی، ابن علان صدیقی، صص ۴۱۹ و ۴۲۰. (تصویر نسخه خطی موجود در کتابخانه حرم شریف مکه مکرمه، فقه شافعی، شماره ۴۴)

[ابن علان (۱)] همچنین در کتـاب الفتوحات الربانیه [علی] الاذکار [النواوّیه (۲)]، مکان هایی را که رسول خـدا (ص) در آنها نماز خوانده است، به نظم کشـیده (۳)[و اشـاره نموده است که عبـدالملک عصامی هم این مکان ها را سازوار با سـخن حسـن بصـری در قالب شـعر بیان داشـته است با این تفاوت که مانند نقاش مفسر، برای هر مکان، زمانی [ویژه] معلوم داشته است. وی در ادامه، اشعار یاد شده را آورده است (۴)].

گذشـته از آنچه آمد، می توان از دیگر کتاب های فقه و مناسک که برای بیان این مکان ها و تعیین و شرح آنها اهمیت قائلند، به ویژه کتاب های فقیهان مکی یاد کرد که به شماری از آنها برای نمونه اشارت رفت.

گفتار دوم: تحلیل علمی عناوین فقهی مکان های تاریخی مکه مکرمه در آثار فقیهان

بیشتر مؤلفان تاریخ مکه که از فقیهان و محدثان مکی اند، مقید بوده اند در کار خود فصـلی جداگانه و اختصاصـی بگشایند و در آن به مکان های تاریخی مکه بپردازند و با ریزکاوی هر چه تمام تر موارد ثابت شده و صحیح آنها را بیان دارند و آنچه را انتساب آن به رسول خدا (ص) و اصحاب او صحیح است، معلوم دارند و موارد نادرست را نیز مشخص سازند. این اهتمام بلیغ اولاً از عناوین نوشتارهای آنها و ثانیاً از ثبت آگاهی آنها از این مکان ها و سنجش صحت آنها برمی آید.

این فقیهان و قاضـیان و محـدثان، از سـخنان توده مردم فریفته و گمراه نمی گردنـد و در پی امر شایع و رایـج نمی روند. بیشتر اینان در آثار تاریخی و فقهی خود برای آزمون و شناخت خبرهای صحیح و برساخته درباره مکان های تاریخی در کتاب های تاریخی

۱- مؤلف محترم پیش از این (صفحه ۹۱) کتاب الفتوحات الربانیه [علی] الاذکار [النواویه] را از نووی دانست. - م.

۲- در متن مبـدأ صـفحه ۶۱ نـام این کتـاب این گونه ضـبط شـده است: «الفتوحات الربانیه شـرح الاذکار النوویه» که نادرسـت است، عنوان درست کتاب را در متن آورده ام. - م.

۳- الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه، ابن علان صدیقی شافعی، ج ۴، صص ۳۸۵ - ۳۹۵. - م.

۴- الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه، ابن علان صدیقی شافعی، ج ۴، صص ۳۸۵ و ۳۸۶. - م.

موثق، روش هایی علمی وضع کرده اند، و راهنما و شاخص آنان در این مهم، کشف و شناخت و تأکید بر مواردی است که انتساب آنها به پیامبر اکرم (ص) صحیح است، زیرا - چنان که در حدیث آمده است - هر که بر پیامبر اکرم (ص) [دانسته] چیزی ببندد جایش در آتش است (۱). درست است که دروغ در هر شرایط و هر شکل ناپسند است، اما دروغ بستن به پیامبر اکرم (ص) مانند دروغ بستن به هیچ یک از امت او نیست.

در این گفتار به بررسی شماری از سخنان آنان پرداخته می شود تا دیدگاه آنان روشن شود و در پایان هم به سیره آنان اشارتی کوتاه می رود تا خواننده با جایگاه علمی آنان آشنا شود و اعتماد او به آنچه می گویند، فزونی پذیرد و ناآگاهی او به جایگاه آنان، وی را به جسارت به آنها واندارد.

بیشتر فقیهان مکی و غیر مکی که درباره مناسک حج قلم سوده و از عالمان موثق بوده اند و در فقه اسلامی جایگاهی ممتاز داشته اند، فراموش نکرده اند در کتاب های مناسک خود بابی جداگانه را به مکان های اسلامی- تاریخی در مکه مکرمه اختصاص دهند.

از آنجا که مشت، نمونه خروار است، در اینجا به شماری اندک از این آثار پرداخته می شود. عناوین این ابواب مستقل، گوناگون افتاده است «مکان های مشهور» ؛ «مکان های مبارک» ؛ «مکان های بزرگ» ؛ «مکان های گرامی» ؛ «مکان هایی که زیارت آنها مستحب است.» چنان که دیده می شود، در برخی از این عناوین، اصطلاح فقهی «مستحب است» به کار نرفته است، با این حال مراد برانگیختن به زیارت این مکان هاست.

این گفتار از مطالب مورخان چشم می پوشد و به طور خاص بر مطالب و عبارات پاره ای از محدثان و فقیهان به ویژه درباره حکم شرعی زیارت این مکان ها تکیه می کند.

واژه «استحباب» در آثار برخی از فقیهان، آشکارا در ساختار و مفهوم فقهی به کار رفته است. هنگامی که فقیه این واژه را به کار می برد، مفهوم اصطلاحی آن در فقه را

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، ص۱۹۳. - م.

می خواهد؛ یعنی دست یازیدن بدان عمل، پاداش دارد و وانهادن آن مجازات ندارد.

در اینجا روی سخن به شرح اهتمام [آنان] در به کار بردن این اصطلاح شرعی، و بیان علت فقهی آن، سازوار با منطق این عالمان است؛ چه مهم دریافت تفسیر آنان است آن گونه که در ذهن دارند، نه تفسیر آن بر اساس دیدگاه مخالف آنان. روشن است که این، لازمه پژوهش علمی بی طرفانه است، تا از این رهگذر نسبت به هر صاحب نظری به داد عمل شود؛ از آنهاست:

[۱.] محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی (در. ۲۵۰ه. ق) :

«بیان مکان هایی در مکه مکرمه که نماز گزاردن در آنها مستحب است و بیان آثار پیامبر اکرم (ص) در مکه و موارد صحیح آنها.» (۱)

[۲.] ابوعبدالله محمد بن اسحاق بن عباس فاکهی [در. ۲۴۵ه. ق]:

«مکان هایی در مکه که نماز خواندن در آنها مستحب است، و آثار پیامبر اکرم (ص) در مکه و تفسیر آن.» (۲)

[۳.] ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی (در. ۵۹۷ه. ق) :

«بیان مکان هایی در مکه که نمازگزاردن و دعا کردن در آنها مستحب است. این مکان های هیجده گانه عبارتند از:

۱. خانه ای که رسول خدا (ص) در آن دیده به دنیا گشود

۲. خانه خدیجه

۳. مسجدی در خانه ارقم بن ابی ارقم

۴. مسجدی در بالادست مکه کنار ردم

۵. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد جن می گویند

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، [ازرقی]، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، [فاکهی]، ج ۴، ص۵.

۶. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد شجره گویند.»

[ابن جوزی] در ادامه به دیگر مکان ها هم می پردازد. (۱)

[۴.] ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محب الدین طبری مکی (۶۱۵ - ۶۹۴ه. ق) :

«شایسته است کسی که در پی آثار نبوی است، در همه مکان هایی که گمان می رود حضرت (ص) در آنها نماز گزارده است، نماز بخواند به امید آنکه در همه جا به نمازجای پیامبر اکرم (ص) دست یابد.»

خَلیلیَّ هذا رَبعُ عِزَّهِ فَاعْقِلا (۲)

[۵.] یحیی بن شرف نووی (۶۳۱ - ۶۷۶ه. ق) :

«چهاردهم: زیارت مکان های مشهور به فضیلت در مکه و حرم، مستحب است و گفته شده است اینها هیجده مکان است؛ از آنهاست: خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شده که امروزه مسجدی است در کوچه ای که به آن زقاق المولد گویند. ازرقی یادآور شده است که در این مطلب اختلافی نیست.» (۳)

شماری از عالمان، پاره ای از عبارات یاد شده را به هم درآمیخته اند، مانند:

[۶.] عز الدین بن جماعه کنانی (۶۹۴ - ۷۶۷ه. ق) :

«باب دهم در درآمدن به مکه معظمه و طواف و سعی، و امور مربوط به آن» ، تا اینکه

۱- مثیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن (ابن جوزی) ، ص ۳۴۴.

۲- القری لقاصد ام القری، [محب الدین طبری]، ص ۳۵۰. * اعراب گذاری از مترجم است. - م.

۳- الایضاح فی مناسک الحج و العمره، [نووی]، ص۴۰۴.

می گوید: «چنان که برخی از شافعیان گفته اند، زیارت مکان های مشهور به فضیلت مستحب است. مانند مکانی که به زادخانه حضرت رسول اکرم (ص) معروف است، و مکانی که به خانه خدیجه معروف است، و مسجدی که در خانه خیزران در صفاست.» (۱)

وی در جایی دیگر یادآور شده است که چون حاجی رَمی به جا آورد، چنان که شافعیه گویند، سنت است از منا به اقامتگاه خود [مکه] باز گردد، همچنان که رسول خدا (ص) چنین می کرد؛ و هر جا فرود آید رواست، لکن چنان که شافعیه گویند، جایی که رسول خدا (ص) فرود می آمده و اطراف آن بهتر است. (۲)

[۷.] برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی (در. ۷۹۹ه. ق) :

«باب بیستم: در بیان آثار شریف مکه که شایسته است برای تبرک به آنها روی آورد.» (۳)

[۸.] حافظ ابوطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی فاسی مکی مالکی (۷۵۷ - ۸۳۲ ه. ق) :

«باب بیست و یکم، در بیان مکان های مبارک مکه مکرمه و حرم [و] نزدیک آن که شایسته است زیارت شوند.»

[در کتاب فاسی] این موضوع ذیل عنوان بالا آمده است. (۴)

[۹.] ابو البقاء محمد بن احمد بن محمد بن ضیاء مکی حنفی، قاضی و مفتی مکه مکرمه ([در.] ۸۵۴ه. ق) :

«فصلی در بیان مکان های مبارک مکه مکرمه و حرم آن که زیارت آنها و نماز

۱- هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، [ابن جماعه]، ج۲، ص ۹۵۵.

۲- هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، [ابن جماعه]، ج ۳، ص ۱۱۲۰.

۳- ارشاد السالک الی افعال المناسک، [ابن فرحون]، ج ۲، ص ۵۴۵.

۴- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۴۹۳. - م. * در متن مبدأ صفحه ۶۵ آمده است: «ج ۱، ص ۲۶۰» . - م.

خواندن و دعا کردن در آنها به امید بهره مندی از برکت آنها مستحب است.»

وی این مکان ها را شرح و شماره کرده و به بررسی علمی و فقهی در باره آنها پرداخته است که از صفحه ۲۶۲۵ می آغازد و به صفحه ۲۶۶۷ می انجامد. (۱)

[۱۰.] علی بن عبدالله بن احمد حسنی سمهودی (۸۴۴ – ۹۲۲ه. ق) :

«ابن زباله از خالد بن عوسجه نقل می کند که: شبی در گوشه (۲)خانه عقیل بن ابی طالب که کنار در خانه است [دعا] (۳)می کردم، که جعفر بن محمد [الصادق (ع)] بر من گذشت. او می خواست با خانواده اش دعا کنند. به من گفت: به پیروی از روایتی اینجا ایستاده ای؟ گفتم: نه، گفت: اینجا جایی است که رسول خدا (ص) هرگاه برای دعا در حق اهل بقیع می آمد، در آن درنگ می کرد.» (۴)

مراغی می گوید: خوب است در آنجا دعا شود، بسیاری به من گفته اند که دعا در آنجا روا می شود. من [سمهودی] گفتم: مکان هایی که رسول خدا (ص) در آنها دعا کرده است، جملگی محل اجابت دعاست، از این رو دعا کردن در آنها مستحب است. (۵)

[۱۱.] جمال الدین محمد جارالله بن محمد نورالدین بن ابی بکر بن علی بن ظهیره قرشی مخزومی (در. ۹۸۶ه. ق) :

«گفتار فرجامین در بیان مکان های معظم و محل های ارجمندی در مکه مکرمه و حرم

۱- البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی بیت الله العتیق، [ابن ضیاء مکی]، ج ۵، ص ۲۶۲۳.

۲- گوشه (زاویه) خانه عقیل بن ابی طالب، جایی است که رسول خدا (ص) در آن به حال اهل بقیع دعا نمود و برای آنان آمرزش طلبید و مستجاب شد. بنگرید به: اخبار مدینه، ترجمه خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفی، سمهودی، [از مترجمی ناشناس]، چاپ سید کمال حاج سید جوادی، ص ۲۹۶. – م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۶۶ آمده است: « کنت ادعیه» که غلط و درست آن: کنت ادعو می باشد. بنگرید به: خلاصه الوفا باخبار دارالمصطفی (ص) ، سمهودی، ج ۲، ص ۸۸؛ وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی (ص) ، سمهودی، ج ۳، ص ۲۶۶. – م.

۴- وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، سمهودی، ج۳، ص ۲۶۶. – م.

۵- خلاصه الوفا باخبار دارالمصطفی، [سمهودی، ج ۲، ص ۸۸].

و اطراف آن که زیـارت می شونـد و مشـهور به فضـلیت انـد، یعنی زادخانه ها، خانه ها، مسـجدها، کوه ها، آرامگاه ها و مانند اینها.» (۱)

[۱۲.] محمد علی بن علان صدیقی شافعی (۹۸۰ – ۱۰۵۸ه. ق) :

«[فضـیلت] مکان هایی که مشهور به فضـیلت انـد، یا ذاتی است، و یا برای ثواب فراوان مکه و حرم [و] پیرامون آن است مانند مسجد مبایعه کنار جمره عقبه در منا.» (۲)

[۱۳.] علی بن عبدالقادر طبری (در. ۱۰۷۰ه. ق) :

«فصل سوم، درباره مکان های مشـهور در [مکه مکرمه] و درباره مساجد: در مکه و اطراف آن مکان های مشـهوری هست که زیارت آنها مستحب است.» (۳)

[۱۴.] محمد بن احمد بن سالم بن عمر مکی مالکی، معروف به ابن صباغ (۱۲۴۳ – ۱۳۲۱ه. ق) :

«فصل سوم، درباره مکان هایی در مکه مکرمه و حرم و اطراف آن که دعا کردن در آنها مستحب است.» (۴)

در کنار اینان، مؤلفانی دیگر است که پیش از این به شرح و شکافت کتاب های آنها پرداختم.

از جمله امور شایسته پرهیز در این زمینه، آن است که سخن فقیهان پیشین در توصیف این مکان ها به مبارک و مستحب بودن نماز گزاردن و امیـد داشـتن روا شـدن دعـا در آنهـا، کژ فهمی نشود و به حمـل سـخنان آنـان بر ترغیب به پرداختن به اعمـال ناسازوار با پاکی و نابی عقیده نینجامد؛ چرا که آنان فراتر از آنند که شاخص های توحید را

۱- الجـامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشـریف، ابن ظهیره قرشـی، ص ۳۲۵. - م. * در متن مبدأ صـفحه ۶۶ به خطا آمده است: «صفحه ۳۳۰» . - م.

۲- فتح الفتاح فی شرح الایضاح للنووی، [ابن علان صدیقی]، ص ۵۸.

۳- الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، [عبد القادر طبری]، ص۵۸.

۴- تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، [ابن صباغ]، ج۲، ص ۵۸۶.

مخدوش سازند، آنان استوانه های این دانش اند و آن را از هر رخنه ای دور می دارند.

نماز گزاردن با قصد مشروع در جایی که رسول خدا (ص) در آنجا نماز گزارده است، تا زمانی که عبادت تنها برای خدا باشد، هیچ رخنه ای در توحید نمی کند.

از مسلمات است که مکان ها به اعتبار کسی که در آنهاست، یا آنچه در آنها رخ داده است بر یکدیگر برتری می یابند. ابوعیسی سیدی مهدی وزانی (در. ۱۳۴۲ه. ق) می گوید: «کارها از شرافت زمان شرافت می پذیرند، همچنان که از شرافت مکان، شرافت می یابند. جمعه برترین روز هفته است؛ پس عمل در آن برترین اعمال است.» (۱)

۱- النوازل الجدیده الکبری فیما لاهل فاس و غیرهم من البدو و القری، [ابو عیسی وزانی]، ج ۲، ص۲۲۹.

فصل چهارم: شواهد تواتر محلی درباره مکان های تاریخی در مکه مکرمه

گفتار یکم: نمودهای تواتر محلی

نقـل نسل به نسل، از روش های اثبات است: از تواتر محلی مکی در گذشـته و حال، و نقل گروه فراوانی از نسل های پسـین از نسل های پیشـین، مکان های تاریخی [مکه] تعیین و مشـخص می شوند. این مکان ها برای مکیان شناخته شده و معروفند و در میان عالمان مکه و فرهیختگان آن و توده مردم مشـهورند. [حتی] بیشتر این مکان ها تا پیش از آغاز توسعه حرم مطهر در سال ۱۳۷۵ه. ق موجود و قابل رؤیت بودند. این تاریخ سرآغاز تحول و دگرگونی در شـهر مکه مکرمه [و از میان بردن مکان های تاریخی آن] بود، و پس از آن این روند تا به امروز (۱۴۳۰ه. ق) ادامه یافته است.

تواتر محلی، گذشـته از نقل همه افراد جامعه، از نوشـته های نویسـندگان مورد اعتماد هم برمی آید. [پس،] می توان این گونه تواتر را از متن کتاب های پیشین [هم] دریافت. در اینجا به نمونه هایی از کتاب های نگارندگان گذشته که به این مفهوم یعنی تواتر محلی اشاره کرده اند، پرداخته می شود:

[۱.] الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، تألیف جمال الـدین جارالله بن محمـد نورالدین بن ابی بکر بن علی بن ظهیره قرشی مخزومی (۹۸۶ه. ق) :

«یکی از این مکان ها که از والاترین آنهاست، زادخانه حضرت رسول خدا (ص) است؛

پس با آن آغاز می کنیم، این مکان در محلی از مکه است معروف به سوق اللیل که به مولد النبی (ص) مشهور است.» (۱)وی در ادامه می گوید: «اینکه این مکان، زادخانه حضرت (ص) است، مشهور و موروثی است و آیندگان آن را از گذشتگان نقل کرده اند.» (۲)

[۲.] البحر العمیق [فی مناسک العمره و الحج الی بیت الله العتیق]، نگاشته ابن ضیاء مکی قرشی [(۷۸۹– ۸۵۴ ه. ق]:

«مکانی که به آن زادخانه پیامبراکرم (ص) گفته می شود، نزد اهل مکه مشهور و در محلی است معروف به سوق اللیل.» (۳)این متن پیش از این از کتاب او نقل شد.

اینها نمونه هایی صریح از بیان تواتر محلی است که با مکان هایی که براساس معیارهای فقیهان آگاه، صحیح تشخیص داده شده اند منطبق اند.

از فضل و نعمت های بی شمار الهی بر امت اسلامی است که پاره ای از این مکان ها از میان نرفته، و بر جای مانده اند و تاریخ افتخارات اسلام را با همه گستردگی آن و برخلاف نشستن گرد زمان بر رویدادهای آن، برای نسل های کنونی و آینده روایت می کنند.

این مکان ها از طریق تواتر علمی و تواتر شفاهی محلی دیداری به ما رسیده است، بلکه منابع شرعی [هم] درباره شماری از آنها گفته اند که اینها مشهورتر از آنند که آزمند توصیف باشند. روشن است که نقل نسل به نسل از روش های اثبات [مطلب] است. این نکته را علما گوشزد کرده اند. مثلاًـ ابن قیم می گوید: «نقل [درباره] اعیان [خارجی] و تعیین مکان ها، همانند نقل آنان [درباره] صاع و مد و تعیین محل منبر و محل نماز [حضرت (ص)] و قبر و اتاق و مسجد قبا، و تعیین روضه [مقدس نبوی] و بقیع و نمازگاه و امثال اینهاست.

۱– الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، [ابن ظهیره قرشی، صص ۳۲۵ – ۳۲۶].

۲– الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، [ابن ظهیره قرشی، صص ۳۲۵ – ۳۲۶].

۳– البحر العمیق فی مناسک العمره و الحج الی بیت الله العتیق، ابن ضیاء مکی، ج ۵، ص ۲۳. – م.

نقـل این مکـان ها ماننـد نقل محل مناسک چون صـفا و مروه و منا، و محل جمرات و مزدلفه و عرفه، و مکان های احرام چون ذوحلیفه و جحفه و مانند اینهاست.» (۱)

فراوانی از این مکان های تاریخی و بسـیاری از آثار مکه مکرمه، تا ربع پایانی قرن چهاردهم هجری قمری همچنان و به شـکل [گذشته] آنها در سده های نخستین اسلام وجود داشتند، تا اینکه دست دگرگونی و گسترش حرم شریف، از آستین برآمد.

این نسـل از مکیـان و جهـان اسـلام که پیش و پس از توسـعه حرم، مکه را دیـده انـد، در پیش از سـال ۱۳۷۵ه. ق، بسـیاری از بناهای تاریخی و مکان های دینی را به همان شـکل که مورخان مکی کهن چون: ازرقی، فاکهی، تقی الـدین فاسـی و دیگران توصـیف کرده انـد، مشاهـده نموده انـد. پس جای شک و تردیـد در وجود این مکان ها و انتساب آنها به [پیامبر اکرم (ص) و صحابه او] باقی نمی ماند، خاصه آنکه بزرگان مکه آنها را مسلم و محقق دانسته اند و [روشن است که] اهل مکه به محل های آن آگاه ترند، همچنان که اهل هر شـهر به [مکان های] آن آگاه ترند. بنابراین، انکار نسبت این مکان ها [به پیامبر اکرم (ص) و صـحابه او] از سـوی کسـی کـه در این شـهر نزیسـته است در شـرع و عرف بی اعتبـار است و بـا وجـود چنین تـواتر [علمی و محلی]، انکار [وجود] این مکان ها [یا انتساب آنها به پیامبر اکرم (ص)]، عناد بی علم است.

گفتار دوم: عنایت ملک عبدالعزیز به مکان های تاریخی مکه مکرمه

ملـک عبـدالعزیز از خلفـا و شاهـانی است که عنـایتی ویژه به مکـان هـای تـاریخی مکه مکرمه نشـان داده انـد و تاریـخ، نقش فرهنگی بی سـابقه ای در بهره گیری از این مکـان ها از آنها ثبت کرده است. روزنامه البلاد، خبری منتشـر ساخت با این عنوان «مدرسه و کتابخانه در مکان های تاریخی» متن خبر چنین است: «اعلی حضرت شهریار والامقام

۱- اعلام الموقعین عن رب العالمین، [ابن قیم]، ج ۴، ص ۲۷۳.

مرحمت فرموده زمین بیضا، معروف به خانه حضرت خدیجه همسر پیامبر (ص) را در اختیار جناب شیخ عباس قطان قرار دادند (۱)تا بر بقایای خانه، مدرسه ای برای حفظ قرآن برپا شود.

همچنین مرحمت فرموده مکانی را که رسول معظم (ص) در آن زاده شد، برای ایجاد کتابخانه ای بزرگ برای استفاده دانشمندان و دانش دوستان در اختیار ایشان نهادند. عملیات ساخت بر اساس طرحی که تهیه شده است از این هفته آغاز می شود.» (۲)

این نشانه ای بزرگ و کاری نیک و جاودان از اعلی حضرت در حفظ و حراست از میراث امت است که در پرونده بزرگ داشت آثار نبوی و ادای حق آنها که ناشی از انتسابشان به سرور آدمیان (ص) است به پای او نوشته می شود. (۳)

اقدامات رسمی عملی برای جامه عمل پوشاندن به خواست ملوکانه آغاز گشت و در دادگاه عالی شرع در مکه مکرمه سندی در خصوص [وقفی بودن] زادخانه شریف نبوی، به شماره ۱۴۰ در جلد چهارم در تاریخ ۲۵ جمادی الآخر ۱۳۷۳ه. ق / ۱ فوریه ۱۹۵۴م صادر شد. همچنین در دادگاه عالی شرع در مکه مکرمه، سندی درباره وقفی بودن خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه صادر شد.

هر دو سند را رئیس وقت دادگاه عالی شرع شیخ عبدالله بن عمر بن دهیش صادر و

۱- این خبر از پایه دروغ است؛ زیرا، الف) در صفحه ۱۰۵ آمده: «این کتابخانه که عباس قطان آن را در سال ۱۳۷۰ه. ق از دارایی های خود ساخت. . . ماجد کردی کتابخانه را از فرزندان عباس قطان خرید و آن را اساس کتابخانه امروز مکه قرار داد» . در این گزارش تصریح شده است که کتابخانه ابتدا به هزینه عباس قطان و سپس ماجد کردی ساخته شده است؛ ب) در متن دو سندی که در صص ۱۲۹- ۱۳۱ آمده است نیز، صاحب زادخانه نبوی (ص) و خانه حضرت خدیجه (علیها السلام) ، بازماندگان شیخ یوسف قطان (وکیل درآمدهای عمومی در. ۱۳۵۵ه. ق) معرفی شده اند که از محل اموال خود به ساختن کتابخانه و مدرسه در این دو مکان پرداخته اند. همچنین در دو سند یاد شده تصریح شده است که این دو مکان وقف شده اند و واقف یکی فاطمه بنت یوسف قطان، و واقف دیگری شیخ عباس بن یوسف قطان است. - م.

۲- البلاد، شماره ۹۹۸۱، سال پانزدهم، یکشنبه ۲۵ جمادی الاولی، ۱۳۷۰ه. ق برابر با ۴ مارس ۱۹۵۱م.

۳- از دیگر نشانه های عنایت آل سعود به این مکان های تاریخی که در تاریخ به نام آنها ثبت شده است آن است که با ورود وهابیان به مکه مکرمه زادخانه نبوی که زیارتگاه مردم بود، یکسره ویران و به محل نگهداری چارپایان تبدیل گشت. بنگرید به: اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۱، ص ۲۷۵. - م.

رئیس دیوان عالی تأیید کرد.

در سند نخستین چنین آمده است:

«امین بن شیخ عباس قطان، به وکالت از عمه اش سرکار خانم فاطمه بنت یوسف قطان، به موجب وکالتنامه صادر شده در سردفتر اسناد رسمی مکه به شماره ۱۹۲، مورخه ۲۳/۲/۱۳۷۱ه. ق، نزد اینجانب رئیس دادگاه عالی شرع در مکه مکرمه حاضر شد و اظهار داشت: موکل من درخواستی مبنی بر صدور اجازه ایجاد کتابخانه ای در مکانی که معروف به مولد النبی (ص) است و در محل خود کاملاً شناخته شده است و به تعیین حدود نیاز ندارد، واقع در شعب علی [(ع)] در محله سوق اللیل، به دولت فخیمه تقدیم داشت. و پس از طی مراحل و اقدامات قانونی، حکم ریاست مبنی بر موافقت با درخواست یاد شده، از آن روی که کاری خیراندیشانه است، به شماره ۵۲۵/۲۳ مورخه ۱۴/۴/۱۳۷۰ه. ق صادر شد. مشروط بر آنکه پس از اتمام ساختمان، وقف نامه آن در دادگاه عالی شرع به ثبت برسد و کتابخانه عمومی باشد و همه قسمت های ساختمانی و دیگر اجزاء آن وقف همه مسلمانان باشد. حکم یاد شده مورد موافقت والاحضرت، ولیعهد اعلی حضرت قرار گرفت و به شماره ۲۳۶۸ مورخه ۱۱/۵/۱۳۷۰ه. ق به فرمانداری پایتخت ابلاغ شد و رونوشت آن برای مقام عالی ریاست دیوان عالی. . . ارسال گشت. در وقف نامه این مکان از جمله شرط شده است که: خانه یاد شده اجاره داده نشود، فروخته نشود، هدیه نشود، به چیزی دیگر تبدیل نشود و به همان شکل بماند. نیز شرط شده است کتاب های آن به بیرون برده نشود. همچنین شرط شده است که اگر بنا فرسوده شد در حال و آینده واقف و ورثه او و هر کس دیگر حق ندارد از آن برای امری جز آنچه اجازه داده شده است استفاده کند. بر اساس [بینه (۱)] قانونی اصولاً- برای من ثابت شده است که فاطمه بنت یوسف قطان، با مال خود ساختمان یاد شده را ساخته است. بنابراین، وقف نامه یاد شده با شروط یاد شده را قانونی می دانم و آن را امضا کردم و دستور دادم در روز بیست و

۱- در متن مبدأ صفحه ۷۱ به خطا آمده است: «البینیه» . - م.

پنجم جمادی الثانی سال هزار و سیصد و هفتاد و سه قمری سند آن تنظیم و تحریر شود. و صلی الله علی [محمد] و آله و سلم.

رئیس دادگاه های عالی مکه

محل مهر

درباره وقف خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه (۱)[(علیها السلام)]، در سند شماره ۱۴۲ مورخه ۲۵ جمادی الاخر ۱۳۷۳ ه. ق/ ۱ مارس ۱۹۵۴م که در دادگاه عالی شرع صادر شده، چنین آمده است:

«ستایش خاص اوست. امین بن شیخ عباس قطان نزد من عبدالله بن عمر بن دهیش، رئیس دادگاه عالی شرع در مکه مکرمه حاضر شد و اظهار داشت: پدرم شیخ عباس بن یوسف قطان در حال حیات از دولت فخیمه درخواست کرد اجازه صادر شود، در ارض البیضاء معروف به خانه حضرت خدیجه کبری (علیها السلام) و زادخانه حضرت فاطمه [(علیها السلام)] واقع در محله قشاشیه که در محل خود چنان شهرت دارد که نیاز به تعیین حدود ندارد، از محل اموال پدرش شیخ یوسف قطان، مدرسه ای برای حفظ قرآن کریم بنا نهد. فرمان والاحضرت، ولیعهد اعلی حضرت، خطاب به فرمانداری پایتخت به شماره ۷۱۱ مورخه ۲۴/۷/۱۳۶۶ ه. ق صادر شد مبنی بر موافقت با درخواست یاد شده مشروط بر رعایت آنچه عالیجناب در خصوص این درخواست مقرر داشته اند. رونوشت فرمان مبارک برای پدرم و دو نسخه از آن هم برای وزارت امور اقتصاد و دارایی و ریاست دیوان عالی کشور ارسال شد. و پدرم به عنوان وصی تام الاختیار پدر ایشان یعنی شیخ یوسف قطان در خیرات و مبرات از مرده ریگ پدرش به موجب سند صادر شده در دادگاه عالی شرع به شماره ۱۲۰ مورخه ۹/۲/۱۳۵۱ه. ق، در زمان حیات او با استناد به وصیت پدرش مبنی بر خیرات از اموالی که در اختیار اوست به ایجاد ساختمان مدرسه یاد شده

۱- این خانه مبارک به دست عوامل وهابی - سعودی ویران و به مزبله تبدیل گشت. بنگرید به: نصیحه لاخواننا علماء نجد، رفاعی، ص ۵۹. - م.

در زمین مورد نظر پرداخت. وی هیچ مالکیت و حقی در آن ندارد و پیش از آنکه این وقف نامه را در مراکز قانونی به ثبت رسمی برساند از دنیا رفت. بنای یاد شده شامل طبقات فوقانی و تحتانی، و متعلقات و تأسیسات الحاقی و آشپزخانه و حمام و انباری است و از شرق به کوچه ای باز معروف به زقاق الحجر، از غرب به قبان و از شمال به موقوفه خانه سنبل و از جنوب به ملک شرفا در قدیم و ملک حسن طلاقی و فرزندانش در حال حاضر محدود است. در این وقف نامه شروطی آمده است که عمل و پایبندی به آنها الزامی است: خانه یاد شده اجاره داده نمی شود و فروخته نمی شود و هدیه نمی شود و امانت داده نمی شود و به چیزی دیگر تبدیل نمی شود، بلکه به همین شکل می ماند.

رئیس دادگاه در ادامه می گوید به موجب بینه قانونی اصولاً بر من ثابت شد که عباس ابن یوسف قطان از محل اموال پدرش یوسف قطان بناهای یاد شده در فوق را ساخته است؛ از این رو وقف نامه یادشده را قانونی می دانم و آن را امضا کردم و دستور دادم سندی برای آن تنظیم و تحریر شود به تاریخ روز بیست و پنجم ماه جمادی الثانی سال هزار و سیصد و هفتاد و سه.

مهر رئیس دادگاه عالی

دو نکته در این دو سند درخور درنگ است:

۱. در این دو سند نکته ای است که تواتر محلی در مورد دو مکان تاریخی [یعنی زادخانه نبوی و خانه حضرت خدیجه] را ثابت می کند، چرا که در توصیف محل و تعیین [حدود این دو مکان] آمده است که قاضی عبدالله بن دهیش نیازی نمی بیند محل آن دو مکان را در وقف نامه مشخص سازد. وی [در سند نخست] درباره زادخانه شریف نبوی می گوید: معروف به مولد النبی (ص) در شعب علی [(ع)] در محله سوق اللیل و در محل خود آن مایه مشهور است که به تعیین و توصیف نیاز ندارد.

او [در سند دوم،] درباره خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه هم می گوید: اجازه زمین

بیضا معروف به خانه حضرت خدیجه کبری [(علیها السلام)] و زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) در محله قشاشیه که در محل معروف است و چنان شهرت دارد که به تعیین نیاز ندارد.

۲. والاحضرت عبدالعزیز، پس از مشورت با علمای بزرگ به این کار مبارک پرداخت. تاریخ، این اقدام را به عنوان سند و حقیقتی آشکار ثبت می کند. البته جای شگفتی نیست، چه او پی نیکان گرفته است و کارش کامل کننده کار خلفا و حاکمان مسلمان در گذشته است. همچنین رهبری های حکیمانه در امت، به حفظ تاریخ امت و آثار باستانی آن اهتمام بلیغ دارند.

استاد عبدالرزاق فرزند شیخ محمد عبدالرزاق حمزه خطیب و امام جماعت مسجدالحرام در آغاز عملیات تأسیس مدرسه حفظ قرآن کریم در این مکان مبارک، می گوید: «. . . پیش از این می دانستیم که این محل، خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه بنت خویلد و دیگر همسران نبوی بوده و حضرت فاطمه [(علیها السلام)] در آن زاده شده است. پس از مدتی دیدم کارگران برای پی ریزی ساختمانی تازه در این مکان، حفاری و پی کنی می کنند. در اثر این کار، ساختمانی کامل کشف شد که در آن مسجدی بود که پایین تر از سطح خیابان قرار داشت و به مرور زمان در اثر سیل و دیگر عوامل در زیر خاک مدفون شده بود. (۱)باری در همان محل، ساختمانی تازه ساخته شد، و مدرسه ای، آن را برای حفظ قرآن کریم به کار گرفت. این بهترین استفاده از این مکان تاریخی است. خداوند این فکر شایسته را برای اهل خیر مقرر فرمود و ساختمان در همان دوره یعنی در اواسط و اواخر دهه شصت قرن چهاردهم هجری ساخته شد.

خانه ارقم بن ابی ارقم در صفا (دار الاسلام) که نخستین مدرسه (۲)در اسلام است و عمر در آن اسلام آورد، ماجرایی دیگر دارد؛ چرا که در کوچه ای منشعب از مسعی در

۱- این سخن، اعتراف ناخواسته به ستمی است که آل سعود بر این گونه مکان ها در مکه مکرمه روا داشته اند. - م.

۲- در اینجا، مراد از مدرسه، مفهوم امروزین آن نیست، چراکه نخستین مدارس در اسلام در قرن چهارم پدید آمد. به خانه ارقم ابن ابی ارقم از آن روی مدرسه گفته شده است که رسول خدا (ص) در مدتی که در آن پنهان بود، یاران و تازه مسلمانان را در آن با اسلام آشنا می ساخت. - م.

سمت چپ کسی واقع است که به صفا می رود. این کوچه که حدود پنجاه متر از کوه صفا فاصله دارد همان کوچه خیزران است، اما خانه ارقم حدود یکصد متر با مسعی فاصله دارد و نزدیک خانه های آل شیبی (خدمتکاران و پرده داران کعبه) است، و خانه ای است یک طبقه که درست مانند ساختمان قدیم حرم از چند ستون و چند قوس ساخته شده و بی استفاده و متروک بود.

خداوند مقرر کرد شیخ عبدالطاهر ابوالسمح امام حرم مکی، و جانشین او شیخ محمد عبدالرزاق حمزه، از ملک عبدالعزیز درخواست کنند اجازه دهد این خانه در اختیار مدرسه دارالحدیثی قرار گیرد که پیشتر در سال ۱۳۵۳ه. ق تأسیس شده بود. ملک عبدالعزیز با این درخواست موافقت کرد و خانه در اختیار آنان قرار گرفت. [اما] از آنجا که خانه ای یک طبقه بود و تنها چهار اتاق داشت و این مقدار، گنجایش مدرسه را نداشت، یکی از خیران به هزینه خود یک طبقه بر طبقه هم کف افزود. مادر بزرگ [محترم (۱)] شیخ محمد حسین نصیف که بسیار هوادار این مدرسه بود، در این کار نقشی بزرگ ایفا کرد.

البته طبقه نوساز، با طبقه هم کف هماهنگ نبود، زیرا طبقه هم کف چنان که گذشت به شیوه [معماری] اسلامی دارای چند ستون و چند طاق قوسی بود، اما طبقه افزوده شده به شیوه جدید و سیمانی ساخته شده و این موجب شده بود ساختمان، به کسی ماند که پیراهن و عبا بر تن دارد و کلاه شاپو بر سر نهاده است.

مدرسه دارالحدیث این بنای باستانی را در اختیار داشت و خاطره خوش آن را زنده نگه می داشت تا اینکه طرح توسعه حرم اجرا شد و کل بنا در سال ۱۳۷۵ه. ق تخریب گشت و محل آن اکنون در خیابان میان صفا وکوه ابوقبیس است. (۲)

نمونه آنچه را که استاد عبدالرزاق حمزه بیان داشت، در آنچه که عالم سلفی مسعود

۱- در متن مبدأ صفحه ۷۴ به غلط آمده است: «و قد کان لوجیه جده. . .» . - م.

۲- روزنامه عکاظ، سال چهلم، شماره ۱۱۵۶۹، یکشنبه ۲۸ ذی الحجه ۱۴۱۸ه. ق برابر با ۲۵ آوریل ۱۹۹۸م، ص ۸.

عالم نـدوی در کتاب شـهور فی دیار العرب درباره سـفرش به کشور عربسـتان نوشـته است می یابیم. وی که در هشـتم ذیقعده سال ۱۳۶۸ه. ق میهمان دولت عبدالعزیز بود در شرح کارهای پس از طواف وداع می گوید:

پس از طواف به دیدار شیخ ابوسمح رفتم. چون به در دارالحدیث رسیدم، مولانا عبدالوهاب دهلوی را دیدم که از اقامتگاه من می آمد. او برای دیدار من رفته بود، و دوستش محمد بن عبدالعزیز حمزه با او بود. با هم نشستیم و از مسائل گوناگون گفتیم. شیخ ابوسمح که به خانه ارقم رفته بود، می گفت: این ساختمان مخصوص در خانه ابی ارقم، در آغاز دوره عباسی ساخته شده است. در اندیشه ساختن ساختمانی عظیم و عالی در این مکان هستیم. متأسفانه من نتوانسـتم از خانه ارقم که رسول خدا (ص) بـا آغـازین صـحابه فـدایی خـود در آن مستقر بودنـد، دیـدار کنـم. ان شـاءالله پس از بـازگشت از مـدینه منـوره همراه مولاـنا عبـدالوهاب که از معروف ترین عالمان آگه به آثار تاریخی مکه و مسـئول امور مالی شورای دارالحدیث است، از آنجا دیدار خواهم کرد. عالم سلفی شیخ محمد بن عبدالرزاق به مناسبت بحث از خانه ارقم، دیدگاهش درباره مکان های تاریخی مکه را این گـونه بیـان داشت: همه این ساختمـان هـا بایـد محفـوظ بمانـد و محـل ادارات و مراکز علمی و دینی شود. ضـرورت دارد گنبدها ویران شود (۱)، اما معنا ندارد به این مکان های مرتبط با دوره نخست دعوت اسلامی بی توجهی شود.» (۲)

شماری از علمای سـلف در عصـر حاضر با این دیدگاه موافقند. مانند رشید رضا. (۳)او از کسانی است که اسـتفاده فرهنگی از این مکـان هـای مسـلم تـاریخی را به دور از نیرنگ و خرافه و افراط و تفریط روا می دانـد. این مطلب به صـراحت در متن زیر آمده است:

«مسئله خانه ای که رسول خدا (ص) در آن زاده شد و دیگر خانه های باستانی ای که قبر

۱- این سخن خلاف صریح قرآن کریم است، چه در سوره کهف، آیه ۲۱ آمده است: . . . قالَ الَّذِینَ غَلَبُوا عَلی أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِداً؛ «. . . کسانی که از کار آنها آگاه شدند گفتند: ما بر بالای (جایگاه) آنان مسجدی خواهیم ساخت» . – م.
۲- گفتگوی حضوری با فرزند بزرگوار استاد عبدالرزاق، نویسنده مقاله ای که در صفحه ۱۲۷ از آن یاد شد.
۳- برای آشـنایی با علت خوش رقصـی رشیدرضا برای عبدالعزیز بنگرید به: وهابی گری، الگار، ترجمه: غایی، صص ۴۴و ۴۵. – م.

در آنها نیست و عبادتگاه شده اند، آسان تر از مشکل مساجدی است که بر قبور ساخته شده است.

من خانه ای را که می گویند خانه حضرت (ص) (۱)است دیده ام و دیدم که ورودی آن به گونه ای ویران شده است که درآمدن به آن دشوار است و دیگر قسمت های آن حتی گنبدش همان طور که بوده مانده است. من تخریب مساجد قبور را [که] زیانبارتر از مسجد ضرارند که آیه در شأن آن نازل شده است، تأیید می کنم. من چند روز پس از رسیدن به مکه و پیش از آمدن محمد علی [پاشا] به آنجا، با ملك [عبدالعزیز] دیدار کردم و از کسانی که مسئله قبور و امثال آن را پدید آورده اند، شکوه نمودم و گفتم: به نظر من اشکالی ندارد که زادخانه و خانه خدیجه [(علیها السلام)] به مدرسه تبدیل شود تا محدثان و مبلغان اسلام در آنها پرورش یابند و دیدار مردم از این دو خانه منوط به کسب اجازه رسمی باشد و تنها به کسانی اجازه بازدید داده شود که بدانند یا بیاموزند که اسلام روا نمی دارد که مسلمان، پس از عوامل و علل عادی، از غیر خداوند سودی بخواهد یا دفع زیانی بجوید. و هر کس اعتقاد داشته باشد این خانه ها یا غیر آنها سودی می رسانند یا زیانی می زدایند، به خداوند شرك ورزیده است.

ما معتقدیم این دو خانه نه سودی می رسانند و نه زیانی، همچنان که عمر هنگامی که حجرالاسود را می بوسید با صدای بلند گفت: من نیك می دانم که تو سنگی، نه بهره می دهی، و نه زیان می رسانی، و اگر ندیده بودم که رسول خدا (ص) تو را می بوسد، نمی بوسیدمت. (۲)چنان که بخاری و مسلم و دیگران مرفوعاً از رسول خدا (ص) نقل کرده اند. [معنای این سخن آن است] که بوسیدن حجرالاسود تنها از سر پیروی از رسول خدا (ص) است. [ملك عبدالعزیز] گفت: بدون فتنه ای بزرگ از پس این کار برنمی آییم. (۳)

۱- در متن مبدأ صفحه ۷۶ به غلط آمده است: «صلوات الله و سلامیه» . - م.
۲- السید رشید رضا [او] اخاء اربعین سنه، امیر شکیب ارسلان، [ص ۳۶۱].
۳- مؤلف محترم پاره پایانی این حدیث را باز نگفته است، توضیح آنکه در منابع شیعه و اهل سنت (با اندکی) اختلاف آمده است که علی (ع) در پاسخ عمر می گوید: «چنین مگو، که سود و زیان می رساند» . عمر می گوید: «از چه روی چنین می گویی؟» علی (ع) می گوید: «خداوند تعالی می گوید: وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّا کُنَّا عَنْ هذا غافِلِینَ؛ «و [یاد کن] آن گاه که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، زاده های آنها را برآورد و از آنان بر خودشان گواهی گرفت که آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: هستی، گواهی می دهیم؛ مبادا که در رستخیر بگویید ما از این ناآگاه بودیم» . این سنگ را دو دیده و دو زبان است. . . و روز رستخیز به وفای باوفایان گواهی می دهد. . . عمر می گوید: «یا ابالحسن به خدا پناه می جویم از اینکه در میان قومی بزی ام که از آنها نیستم» . برای آگاهی بیشتر بنگرید به: وسائل الشیعه، عاملی، ج ۱۳، ص ۳۲۰؛ بحارالانوار، مجلسی، ج۹۶، صص۲۱۶ و ۲۱۷؛ اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ازرقی، ج ۱، ص ۳۲۴؛ کتاب الحرمین الشریفین و التاریخ، وزنه، صص ۱۱۸ - ۱۲۰. - م. وانگهی ازرقی در اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۱، صص ۳۲۲ - ۳۳۵، به فضایل حجرالاسود پرداخته و مثلاً آورده است که حجرالاسود دست راست خدا در زمین است، هر که به آن دست کشد با خدا و رسولش بیعت نموده

است، یا حجرالاسود را فرشتگان از آسمان به زمین آورده اند. - م. فاسی در شفاء الغرام باخبار البلدالحرام، ج ۱، ص ۳۲۴ می گوید: «روایاتی که ازرقی در وصف حجرالاسود بیان کرده است، از رسول خدا (ص) است» . - م. درخور یاد است که علی (ع) در خطبه قاصعه (۱۹۲) نهج البلاغه می گوید: «. . . آیا نمی نگرید که خداوند سبحان، پیشینیان از آدم (ع) تا پسینیان از این عالم را به سنگ هایی آزمودکه نه سودی می رسانند و نه زیانی، و نه می بینند و نه می شنوند؛ پس خداوند آن را خانه خود ساخت و برای آمدن و عبادت مردمانش پرداخت. . .» حضرت در این بهره از خطبه، در باره سنگ های خانه خدا سخن گفته است، نه در باره حجرالاسود؛ از این رو با سخن پیشین او ناسازوار نیفتاده است. - م.

این گونه تفکر است که در برخورد با این مکان های تاریخی، روشنگرانه و متعادل است. پس، از میان بردن این مکان ها تجاوز و ستم به تاریخ و احساسات مسلمانان است و تقدیس آنها به گونه ای که با عقیده صحیح ناسازوار باشد ناپسند و مردود است.

راه درمان این مشکل در پاره ای از جاهلان که از بیرون عربستان می آیند، فرهنگ سازی و آگاهی بخشی سودمند از رهگذر تشکیل گروه های زائر برای بازدید از این مکان ها به همراه راهنمای [رسمی] است که آنان را راهنمایی کند و با تاریخ اسلام و رشد آن در پرتو این عقیده و مبارزه آن با همه پدیده های ناسازوار با توحید ناب که شایسته است فرد مسلمان در برخورد با آثار تاریخی به آن آراسته باشد، آشنا سازد.

راه حل درست، ایجاد آگاهی است. این روشنگری در آینده هم به ویژه پس از بازگشت حاجیان و عمره گزاران به کشور خود، درس مفیدی است برای هر کس که در پی دیدار از این مکان های تاریخی است.

بهره گیری از این مکان های تاریخی به شیوه ای عقلانی و روشی فرهنگی است که ارزش جایگاه تاریخی و عظمت و شکوه این مکان ها را در نفوس مسلمانان حفظ می کند. آنچه به احساسات و عواطف و تاریخ مسلمانان مربوط است، مد نظر ملک عبدالعزیز قرار دارد. و این [از سویی] فضل الهی است، [و از سوی دیگر] به لطف مشورت او با عالمانی است که نگرشی گسترده و رویکردی صحیح دارند، همان کسانی که به اهمیت این گونه مکان های تاریخی و تأثیر ژرف آنها بر هدایت نسل ها و جلب توجه آنان به معانی ایمان آگاهند.

سومین نمونه برجسته از مصادیق توجه فرهنگی ملک عبدالعزیز، نکته ای است که استاد محمد امین اسماعیل خدمری از فرزندان مکه مکرمه و معاصران مربی فاضل شیخ عبدالله خوجه رئیس مدارس پیکار با بیسوادی، درباره [مدارس] (۱)شبانه نجاح که در سال ۱۳۵۰ه. ق تأسیس شدند، و ماجرای اجازه [تأسیس] مدرسه [در] زادخانه حضرت علی بن ابی طالب (ع) در شعب علی، بیان داشته است.

اما درباره چگونگی تأسیس این مدرسه: آموزشگاه پسرانه [ملک عبدالعزیز] در ریاض برآن شد که جشن فارغ التحصیلی برگزار کند. به مسئولان آن گفته می شود شیخی در مکه است به نام عبدالله خوجه که در برگزاری جشن ها ید طولا دارد.

شیخ می گوید: شیخ طاهر دباغ به همراه بزرگان مکه نزد من آمدند و خواستشان را با من در میان نهادند. من هزینه کار را درخواست کردم، قول همکاری دادند.

من به ریاض رفتم و جشن را برگزار کردم، بسیار موفقیت آمیز بود. پس از برپایی جشن تصمیم گرفتم به شهر خود مکه بازگردم، اما آنان از من خواستند دو سه روز درنگ کنم. روز سوم دفتر بزرگی مانند دفتر حضور و غیاب نزد من آوردند و گفتند در این دفتر تمنایی کن، ما این را خدمت اعلی حضرت می بریم. من یکی از موقوفه های مکه را درخواست کردم. به این ترتیب از من خواستند موردی را مشخص کنم؛ من

۱- در متن مبدأ صفحه ۷۷ به خطا آمده است: «مدراس» . - م.

گمشـده ام را در این مکان [زادخانه(۱)حضـرت علی بن ابی طالب (ع)] یافتم. سـپس آنان بن لادن را برای تأمین هزینه و معلم به من معرفی کردنـد و به این ترتیب مـدرسه ساخته شـد. این مـدرسه، شـعبه ای در محله شبیکه دارد که شـیخ احمد عبدالغنی عجیمی - خـدایش بیـامرزد - آن را اداره می کرد و زیر نظر مـدیر مـدرسه «پیشـرفت علمی» است که در کوچه عجیمی پشـت اداره پست در شامیه واقع است. (۲)

این مـدرسه سـال هـا در این ساختمـان نقش فرهنگی خـود را بـازی کرد تـا اینکه محله شـعب علی (ع) برای توسـعه خیابـان و عملیات حفر تونلی که از محله عزیزیه می آید و از وسط کوه ابوقبیس می رود، تخریب شد.

به کار گیری این مکان های تاریخی، نقشـی برجسـته در زنـدگی علمی و فرهنگی در درون و بیرون عربسـتان ایفا کرد. پس از تخریب کامـل شـماری از آنها برای توسـعه فضاهای حرم شـریف برای نمازگزاران، محل زادخانه شـریف نبوی (کتابخانه مکه مکرمه) مکان فرهنگی - تربیتی برجسته ای شده است که نقش علمی بی بدیلی در داخل و خارج عربستان بازی می کند، چرا که بـا نسـخ خطی و منـابع چـاپی، محققـان را در به پایان رسانـدن پژوهش های علمی خود یاری می رسانـد. اینها جملگی در کارنامه ملک عبدالعزیز و واقفانی که برای خدمت به جویندگان دانش، بخشی از ثروت خود را برای ساختن آن هزینه کردند، ثبت می شود.

تاریـخ هم چنان از این کار پادشاه و فرزنـدان او که به راه او می رونـد و در پی آننـد که تاریـخ امت اسـلامی را از نابودی باز دارند و نگذارند جاهلان بر آن تسلط یابند، یاد خواهد کرد.

۱- درباره دیدگاه اهل سنت نسبت به زادخانه امیر المؤمنین (ع) بنگر به پانوشت ۲ صفحه ۸۶ همین اثر. - م.

۲- سند دست نویس خاصی که در اختیار مؤلف است.

فصل پنجم: دیدگاه علما درباره زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه

اشاره

فقیهان امت در مشروعیت زیارت این مکان ها به دو گروه تقسیم می شوند: موافقان و مخالفان. در ذیل، دیدگاه هر دو گروه و استدلال های آنان بررسی می شود.

گفتار یکم: دیدگاه مخالفان زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه و دلایل آنها

برخی بر این باورند که زیارت این مکان ها از بدعت هایی است که هیچ پای بستی در شرع ندارد. (۱)

احمد بن تیمیه [۶۶۱ – ۷۲۸ه. ق] موضع گیری و دیدگاهی ویژه نسبت به این مسئله دارد؛ اما مخالفت او – چنان که برخی در مقالات و کتاب هایشان بیان داشته اند – مطلق نیست. در زیر، دیدگاه او بر اساس متن گفتار وی پیش رو نهاده می شود.

۱. اعتراض به مؤلفان مناسک برای بیان [استحباب زیارت] زیارتگاه ها: احمد بن تیمیه می گوید: «گروهی از مؤلفان مناسک از استحباب زیارت مساجد مکه و اطراف آن یاد کرده اند. من در کتاب مناسکی که پیش از نخستین حج خود، در اوایل زندگی از سخنان علما گرد آورده و برای برخی از شیوخ نوشتم، به این مطلب اشاره

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۵۳۶. – م. * در متن مبدأ صفحه ۷۹ آمده است: «ص ۳۳۹» . – م.

کرده بودم. سپس بر ما معلوم شـد که اینها همه بـدعت است و در شـرع هیچ اساسـی ندارد. مهاجران و انصار هیچ یک از این کارها را نکرده اند و پیشوایان، راستی از این کارها باز داشته اند. مسجدالحرام تنها مسجدی است که مشروع است برای نماز و دعـا و طواف و دیگر عبادات به آنجا رفت، و رفتن به مسـجدی دیگر در مکه برای این امور مشـروع نیست، و روا نیست کاری کرد که در آنجا مسـجدی در این احکام با مسـجدالحرام رقابت کنـد. نماز و دعا و دیگر عباداتی که فرد در این مساجـد به جا می آورد، اگر در مسـجدالحرام به جـا آورد، خوب بلکه سـنت مشروع است، امـا رفتن به مسـجدی دیگر برای انجام دادن این کارها و کسب فضیلت آن، بدعت و غیرشرعی است.» (۱)

۲. نـاروایی زیـارت مکـان هـایی که رسول خـدا (ص) مـدتی از رسـالتش را در مکه در آنهـا گزارده است: او در این باره می گویـد: «زهـد و عبـادت حضـرت (علیهـا السـلام) در غار حرا، پیش از مبعث بود. سـپس چون خداونـد او را به نبوت و رسالت خویش بزرگ داشت و ایمـان آوردن به او و اطاعت و پیروی از وی را بر مردم واجب شـمرده، او و مهاجران نخستین که به او ایمان آوردنـد و برترین آفریـدگان بودنـد ده سال در مکه اقامت کردنـد، و نه او به غار حرا رفت و نه هیچ یک از اصـحابش. سپس به مـدینه هجرت نمود و چهار (۲)نوبت عمره گزارد: عمره حدیبیه که مشـرکان نگذاشـتند [حضرت (ص)] به خانه خدا رود. هنگامی که به قصـد مکه از تنعیم و کنار مساجـدی که گفته می شود مساجـد عایشه اند بگذری، به کوهی که در سـمت راست توست کوه تنعیم گویند و

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، صص ۵۳۶ و ۵۳۷. - م.

۲- چنانکه در صـفحه ۶۷ یاد آور شـدیم، از نگاه شـیعه، حضـرت تنها سه عمره اراده کرد و دو عمره گزارد. عمره حـدیبیه که ناتمام ماند، عمره قضا یا قضـیه، عمره جعرانه. شماری از اهل سنت، براین باورند که حضرت در حجه الوداع، حج قِران گزارده است. یعنی جنـاب پیـامبر در این حـج با نیت عمره کارهایی کرده است که در مجموع هم عمره به شـمار می آیـد و هم حـج. بنگرید به: همگام با پیامبر در حجه الوداع، حسین واثقی، صص۲۸۳ - ۲۹۸. - م.

حدیبیه در همان سمت و دور از تنعیم است. سپس در سال آینده عمره قضیه (۱)را گزارد و با جمع انبوهی از صحابه وارد مکه شدنـد و سه روز در آنجا ماندنـد. سـپس چون مکه را فتـح کرد و به ناحیه حنین و طائف در شـرق مکه رفت و با هوازن حنین جنگید و اهل طائف را محاصره نمود و غنایم حنین را در جعرانه تقسیم کرد، از جعرانه محرم شد و به مکه آمد. پس از این در حجهالوداع عمره چهارم گزارد و گروه های مسلمان با او حج گزاردند و جز کسانی که خواست خدا بود از حج باز نماندند.

در این عمره هـا و حـج واجب نه او و نه هیـچ یـک از اصـحابش به غار حرا نرفت و آنجا را زیارت نکرد. همچنین است دیگر مکـان هـای اطراف مکـه. در آنجـا جز در مسـجدالحرام و بیـن صـفا و مروه و منـا و مزدلفه و عرفـات، در جـایی دیگر عبـادت صورت نگرفت و نمـاز ظهر و عصـر را در بطن عرنه گزارد و روز عرفه در نمره کنـار عرفه برای او چـادر زدنـد. در آینـده هم خلفای راشد و دیگر مسلمانان صدر اسلام، به غار حرا برای نمازگزاردن و دعا کردن نرفتند.

همچنین است غـار یـاد شـده در آیه: إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِینَ کَفَرُوا ثانِیَ اثْنَیْنِ إِذْ هُما فِی الْغارِ (۲)؛ «. . . آنگـاه که کـافران وی را که دومی آن دو بود بیرون راندند. . .» که همان غار کوه ثور در سـمت راست مکه است، چه حضرت برای امتش مقرر نداشت به آنجا سـفر کنـد و آن را زیارت نمایـد و در آن نماز گزارد و دعا کنـد. [در مکه، مسـجد، تنها مسـجدالحرام بود و رسول خـدا (ص) در مکه مسـجدی نساخت] (۳)و دسـتور نـداد زادخـانه اش و محـل بیعت عقبه که در پشت منا قرار دارد و در آنجا برای وی مسجدی برپا شده است، زیارت شود. این مساجد جملگی پس از آن حضرت ساخته شده اند.

۱- عمره قضیه را، عمره قضا نیز گفته اند (تهذیب الاسماء و اللغات، نووی، ج۳، ص۹۵) - م.

۲- توبه: ۴۰. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۸۱ آمده است: «ولا بنی رسول الله (ص) بمکه مسجداً غیر المسجدالحرام. . .» روشن است که در سخن تسامـح بلکه لغزشـی رفته است، چه مسـجدالحرام را رسول خـدا (ص) نساخته است. از این رو به شـکلی که در متن آورده ام، بازآفرینی شد. - م.

روشن است که اگر این کارهـا شـرعی و مسـتحب بود و خداونـد برای آنهـا پاداش می داد، حتماً پیامبر اکرم (ص) آگاه ترین مردم به این امور بود و این مطالب را به اصحابش می آموخت و اصحاب او از آیندگان به این امور آگاه تر و به آنها راغب تر بودند.

از آنجا که آنان به هیچ یک از این اعمال توجه نکرده اند، معلوم می شود این کارها از بدعت هایی است که اصحاب، آنها را عبادت و نزدیکی به خداونـد و اطاعت از او نمی دانسـتند. پس هر کس این اعمال را عبادت و نزدیکی به خداوند و اطاعت از او شمارد، به راه آنان نرفته است، و چیزی را از دین شمارده است که خداوند به آن فرمان نداده است.» (۱)

۳. اختلـاف علمـا در زیـارت این مکـان ها: ابن تیمیه به این اختلاف پرداخته است و می گویـد: «محمـد بن وضاح می گویـد: مالک و شـماری دیگر از علمای مـدینه، آمـدن به این مساجـد و مکان ها در مدینه را مکروه داشـته اند مگر قبا و احد. سـفیان ثوری به بیت المقـدس وارد شـد و در آن نمـاز گزارد، اما در پی درآمـدن به این مکان ها و نمازگزاردن در آنها برنیامـد. این گروه با استناد به سخن عمر، و از آن رو که این اعمال شبیه نماز در مقابر است، به طور مطلق آنها را مکروه دانسته اند.

شماری از علمای متأخر آمدن به این مکان ها را مسـتحب دانسته اند و گروهی از مؤلفان اهل سنت و دیگران در مناسک خود از استحباب زیارت این مساجد یاد کرده اند و محل و نام آنها را برشمارده اند.

احمد [بن حنبل] زیارت مکان هایی را که درباره آنها خبری رسیده است، جایز می داند مگر اینکه جشن گرفته شود، یا پی در پی به آنجـا رفت و آمـد شود و در زمـان مشـخص در آنجا گرد آینـد. ماننـد نماز جماعت زنان در مسـجد، که وی آن را روا داشـته است مگر آنکه زنـان از این رهگـذر خودنمـایی کننـد. به هر حـال، خانه برای آنان بهتر است. احمـد [بن حنبل] به این طریق میان اخبار جمع کرده و به حدیث ابن مکتوم

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، صص ۵۳۳ و ۵۳۴. - م.

احتجاج جسته است.» (۱)

۴. صحت ساختن مسجد در مکانی که رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده است یا قصد نماز خواندن در نمازگاه او: ابن تیمیه این را می پذیرد، مشروط بر آنکه اصالهً هدف ساختن مسجد باشد؛ می گوید: «و مانند آن است آنچه که در صحیحین از قول عتبان بن مالک نقل کرده اند که گفته است: من [در مسجد قومم] بنی سالم نماز می خواندم. بعد نزد پیامبر (ص) آمدم و گفتم: چشمم بی سو شده است و سیل ها میان من و مسجد قومم قرار گرفته است، بسیار دوست دارم بیایی در جایی از خانه ام نماز بگزاری تا آنجا را مسجد کنم. او گفت: چنین می کنم ان شاءالله.

بعد چون روز برآمد، رسول خدا (ص) با ابوبکر صبح هنگام بر من وارد شد و اجازه خواست. اجازه دادم. هنوز ننشسته بود که پرسید: کجای منزلتان دوست داری نماز بخوانم؟ من به جایی که دوست داشتم در آن نماز بگزارد، اشاره کردم. رسول خدا (ص) در آنجا ایستاد و تکبیرهالاحرام گفت. ما در پی وی به صف شدیم. او دو رکعت نماز گزارد و سلام داد. ما هم با او سلام دادیم.

از این حدیث برمی آید که باکی نیست که کسی مسجدش را در محلی که رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده برپا سازد، هم چنین است قصد نماز گزاردن در محلی که رسول خدا (ص) در آنجا نماز خوانده است؛ اما قصد اصلی این فرد ساختن مسجد است و مکانی را دوست دارد که رسول خدا (ص) در آن برای او نماز خوانده است، تا از این رهگذر، رسول خدا (ص) محل مسجد او را معلوم کرده باشد. و این برخلاف مکانی است که رسول خدا (ص) به طور اتفاقی در آن نماز خوانده است و بعد آن را مسجد کرده اند؛ اما نه از آن رو که به مسجد نیاز بوده است، بلکه برای آنکه حضرت (ص) در آنجا نماز گزارده است.» (۲)

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۴۹۷. - م.

۲- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، صص ۴۹۷ و ۴۹۸. - م.

۵. مشروع بودن نماز گزاردن در مکان هایی که حضرت (ص) در آنها نماز می گزارده است، به قصد پیروی و اقتدا: نماز خواندن یا دعا کردن در مکان هایی که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده یا دعا کرده است، سنت و اقتدا به آن حضرت (ص) و پیروی از اوست، همچنان که اگر [آن حضرت] در وقتی خاص نماز به جا آورد و یا دعا کرد، نماز و دعا در آن وقت، سنت و مانند دیگر کارها و عبادات اوست که به قصد قربت انجام می گیرند. از این مورد است خبری که در صحیحین از قول یزید بن ابی عبید آمده است که می گوید: سلمه بن اکوع پیوسته می کوشید نزدیک اسطوانه کنار محل مصحف نماز بگزارد. به او گفتم: ای مسلم می بینم نماز خواندن کنار این اسطوانه را پی می گیری. گفت: پیامبر اکرم (ص) را دیدم در کنار آن نماز می گزارد. در روایت مسلم از سلمه بن اکوع آمده است: او در محل مصحف نماز می گزارد و تسبیح می گفت و اشاره می کرد که رسول خدا (ص) در این مکان درنگ می کرد و میان منبر و محراب به اندازه عبور گوسفندی فاصله بود.

پاره ای از مؤلفان پنداشته اند این مطلب از موارد اختلافی است و آن را با گونه نخست یکی انگاشته اند؛ اما این درست نیست؛ زیرا اینجا خبر داده است که پیامبر اکرم (ص) در آن محل درنگ می کرد، حال که چنین است چگونه قصد این کار، مستحب نیست. بله تعیین جایگاه در مسجد و جز در آنجا نماز نگزاردن، در شرع منع شده، چنان که در سنت آمده است. و جایگاه برگزیدن [در مسجد] غیر از درنگ نه در پی جایگاه گرفتن است. پس باید میان پیروی از پیامبر اکرم (ص) و اقتدا به او در آنچه کرده است با بدعت گذاری در چیزی که در سنت نیست و تنها برای ارتباط آنها با او [صورت می پذیرد]، فرق نهاد. (۱)

۶. اشکالاتی که انتظار می رود در زیارت مکان های مبارک نبوی پیش آید: پیروان این دیدگاه پوشیده نمی دارند که برخی از جاهلان، هنگام زیارت این مکان ها رفتارهای نهی

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۴۹۸ - ۴۹۹. - م.

شده ای انجام می دهند که با عقیده توحید سازواری ندارد. این امر در میان عامه مردم آشکارا دیده می شود. ازاین رو و برای پیش گیری از این دستاویز، این باب یکسره بسته شد تا نابی عقیده مصون بماند.

ابن تیمیه این امر را در عبارت ذیل بیان داشته است: «کسی که این زیارت ها را مکروه می داند، تنها از آن روست که اینها بهانه ای می شود برای برپایی جشن و عید گرفتن و تشبّه به اهل کتاب. و هیچ یک از صحابه با آنچه ابن عمر در این زمینه کرده است، موافق نبوده اند و از خلفای راشد و مهاجران و انصار هم نقل نشده است که در پی مکان هایی برآیند که رسول خدا (ص) در آنها فرود آمده است.» (۱)

۷. دیدگاه برگزیده ابن تیمیه: حق با جمهور صحابه است؛ زیرا پیروی از پیامبر اکرم (ص) به اطاعت از گفتار و کردار اوست، به گونه ای که آنچه او انجام داده است به همان شکل که او انجام داده است، به جا آورده شود. بنابراین، اگر آهنگ عبادت در مکانی شود، آهنگ عبادت در آنجا پیروی از رسول خدا (ص) است، مانند مشاعر و مساجد؛ اما اگر [آن حضرت (ص)] در جایی فرود آمد، که از سر اتفاق، هنگام فرود آمدن به آنجا رسید و یا به هر دلیل دیگر که نشان می دهد حضرت [(ص)] در پی آن مکان نبوده است، اگر ما درپی آن برآییم، پیرو او نیستیم، چرا که کارها در گرو نیت است. (۲)

برای آشنایی بیشتر با این دیدگاه بنگرید به:

۱. حکم زیاره اماکن السیره النبویه. سعد بن ناصر بن عبدالعزیز شثری (چاپ اول، ریاض، دار اشبیلیا، ۱۴۲۴ه. ق) .

۲. الآثار و المشاهد و اثر تعظیمها علی الامه الاسلامیه. عبدالعزیز بن عبدالله جفیر (چاپ اول، مصر، دارالهدی النبوی - دارالفضیله، ۱۴۲۴ه. ق) .

۱- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۴۹۷. - م.

۲- اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، ص ۴۹۷.

۳. ما ذا یقولون عن التبرک و تقبیل الید. ابوعمر ماحی (چاپ اول، ریاض، مطبعه النرجس التجاریه، ۱۴۲۹ه. ق) .

گفتار دوم: دیدگاه موافقان زیارت مکان های تاریخی در مکه مکرمه

آنچه در پی می آید اشارتی است کوتاه به مهم ترین دلایل فقیهان [سنی مذهب] که زیارت مکان های نبوی را روا می دانند.

از جمله اموری که در این زمینه پیش از هر چیز باید از آن پرهیز کرد، این است که مبادا سخنان فقیهان در توصیف این مکان ها به مبارک بودن و استحباب نماز در آنها و امید روا شدن دعا در آنها، کج فهمیده، و به برانگیختن فراسوی کارهای ناسازگار با پاکی عقیده و نابی آن حمل شود؛ زیرا فقیهان بسیار فراتر از آنند که شاخص های توحید را بگسلند. آنان اسطوانه های این علم و بازدارندگان آن از هر رخنه اند.

نماز گزاردن در مکانی که رسول خدا (ص) در آن نماز گزارده است، تا زمانی که عبادت تنها برای خداوند و خالصانه باشد؛ هیچ یک از حلقه های توحید را نمی گسلد.

[۱. دیدگاه فقیهان در باره مبارک بودن این مکان ها:] به کار بردن عبارت «مکان های مبارک» در سخن فقیهان، به جا و رواست. این عبارت به قول اهل منطق وصف کاشف است؛ زیرا مکان ها بر اساس ویژگی های آنها و کسی که به آنها درآمده و رخدادی که در آنها روی داده است نسبت به یکدیگر برتری دارند.

برای روایی کاربرد این عبارت، به قرآن کریم استناد و استدلال شده است: سُبْحانَ الَّذِی أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذِی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ (۱)؛ «پاک است آن (خداوند) که شبی بنده خویش را از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی - که پیرامون آن را خجسته گردانده ایم - برد تا از نشانه هایمان بدو نشان دهیم، بی گمان اوست که شنوای بیناست.»

۱- اسراء: ۱.

ابومحمد عبدالحق بن عطیه اندلسی (۴۸۱ – ۵۴۶ه. ق) یادآوری می کند که مبارک بودن از دو جهت است: یکی نبوت و شرائع و رسولانی که در این سرزمین و اطراف و اکناف آن بوده اند؛ و دیگری، نعمت هایی چون درختان و آب ها و سرزمین حاصلخیز که خداوند به شام اختصاص داده است. (۱)

حاصل سخن آنکه هر مکانی که رسول خدا (ص) در آن فرود آمده است مبارک است. هیچ مسلمان جاهلی با این امر مخالفت نمی ورزد چه رسد به عالم عاقل.

ابوعبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی [در تفسیر]: الَّذِی بارَکْنا حَوْلَهُ می گوید: «گفته شده است که این مبارکی برای میوه ها و آبراه های آن است؛ و گفته شده است برای رسولان و صالحانی است که در اطراف آن به خاک سپرده شده اند و ازاین رو مقدس شده است» (۲)؛ و هم از این روست که این عالمان فقیه، واژه مبارک را به کار برده اند و این چیز شگفتی نیست.

[۲. رابطه مبارک بودن این مکان ها با روا شدن دعا در آنها:] چون علت مبارک بودن آن [مکان ها] معلوم شد، [معلوم می شود] به همین علت است که دعا در آنها به اذن الله عزوجل روا می شود. بزرگان علم تفسیر پذیرفته اند که مکان ها به اعتبار کسی که در آنها فرود آمده و رویدادهایی که در آنها رخ داده است بر یکدیگر برتری دارند.

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، برای این مفهوم بابی در صحیح خود اختصاص داده است به این عنوان «باب مساجدی که در راه مدینه اند و مکان هایی که پیامبر اکرم (ص) در آنها نماز گزارده است.» (۳)وی [در شرح این عنوان] به ده حدیث پرداخته است.

همچنین عمادالدین ابوفداء اسماعیل بن کثیر قرشی دمشقی ([۷۰۱]– ۷۷۴ه. ق) این مکان ها را ذیل عنوان «بیان مکان هایی که رسول خدا (ص) در حالی که در عمره و حج از

۱- المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. [ابن عطیه اندلسی]، ج ۹، ص ۱۰.

۲- الجامع لاحکام القرآن، [قرطبی]، ج ۹، ص۲۱۲.

۳- فتح الباری شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۷۴۸ – ۷۵۱. – م.

مدینه به مکه می رفت در آنها نماز خوانده است» ، یاد کرده است. (۱)

[۳. تبرک جویی پسر عمر بن خطاب به این مکان ها:] احمد بن علی بن حجر عسقلانی در شرح خود بر [صحیح (۲)] بخاری چنین آورده است: حاصل آنکه، ابن عمر به این مکان ها تبرک می جسته است [در حالی که] پایبندی شدید وی [به سنت نبوی] زبانزد است. این کار او با آنچه از پدرش رسیده ناسازوار نیست؛ توضیح آنکه، [عمر] در سفری دید مردم به جایی می شتابند، علت را جویا شد، گفتند: پیامبر اکرم (ص) در آنجا نماز گزارده است. گفت: هر که می تواند، نماز بگزارد، و گرنه بازگردد. اهل کتاب تنها از آن روی هلاک شدند که در پی آثار پیامبران خود برآمدند و آنها را به کنشت وکنیسه تبدیل کردند. [رفتار عبدالله بن عمر، از آن روی با سخن عمر ناسازگاری ندارد که] سخن عمر بر این حمل می شود که زیارت مردم از این مکان ها را برای غیر نماز مکروه می داند، یا بیم دارد کار بر کسانی که حقیقت امر را نمی دانند، دشوار شود و آنان گمان برند این عمل واجب است.

هر دو امر از نگاه ابن عمر صحیح اند. پیش از این، سخن عتبان و درخواست او از رسول خدا (ص) برای نماز گزاردن در خانه او، تا آن را مسجد کند و پذیرش پیامبر اکرم (ص) ، و این دلیلی است بر [روایی] تبرک جستن به آثار صالحان. (۳)

به همین ترتیب، ابومحمد عبدالله بن ابی جمره اندلسی (در. ۶۹۹ه. ق) در کتابش بهجهالنفوس و تحلیها بمعرفه ما لها و ما علیها شرح مختصر صحیح البخاری، به سنت شریف نبوی استشهاد جسته و در شرح حدیثی از عمر که می گوید: «از پیامبر اکرم (ص) شنیدم که در وادی عقیق می گفت: شب هنگام فرستاده ای از پروردگارم نزد من آمد و گفت: در این مکان مبارک نماز بگزار و بگو عمره ای در حجّی است» ، آورده است: این سخن دلیل است بر اینکه هدف ما از [نماز گزاردن در و تبرک جستن به] مکان ها و

۱- حجهالوداع [ابن کثیر]، ص ۱۵۶.

۲- در متن مبدأ صفحه ۸۶ آمده است: «صنیع» . - م.

۳- فتح الباری [شرح] صحیح البخاری، [ابن حجر عسقلانی]، ج ۱، ص ۵۶۷.

زمان های مبارک، تعبد است. این مطلب از سخن او «در این مکان مبارک نماز بگزار» ، برمی آید، یعنی به اعتبار برکت این مکان است که امر شده در آن نماز برپا شود چنان که خداوند درباره ماه های حرام می گوید: . . . فَلا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ. . . (۱)؛ «در آنها بر خود ستم روا ندارید. . .» از ستم در این ماه ها باز داشته است؛ زیرا گناه در همین ستم است و [ستم] در این ماه ها بیش از دیگر ماه ها [ناپسند] است. امر به چیزی، نهی از ضد آن است و نهی از چیزی، امر بر ضد آن است، پس هنگامی که از [ستم (۲)(قدس سره) گناه] باز می دارد، طاعت را لازم می سازد و ما را به آن فرا می خواند. (۳)

۴. زیارت رسول خدا (ص) و شماری از بزرگان اصحاب او از غار حرا: این امر در صحیح مسلم ذیل عنوان «بابی در فضایل طلحه و زبیر» به اثبات رسیده است. به روایت از ابوهریره است که رسول خدا (ص) با ابوبکر و عمر و عثمان و علی [(ع)] و طلحه و زبیر در حرا بود که ناگاه صخره جنبید. رسول خدا (ص) گفت: «آرام باش، جز پیامبری یا صدیقی یا شهیدی بر تو نیست.» (۴)

و به سندی دیگر که به ابوهریره می انجامد از او نقل است که رسول خدا (ص) بر کوه حرا بود. ناگاه کوه جنبید. رسول خدا (ص) گفت: «حرا آرام باش، که جز پیامبری یا صدیقی یا شهیدی بر تو نیست.» رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر و عثمان و علی [(ع)] و طلحه و زبیر و سعد بن ابی وقاص بر آن بودند. (۵)و (۶)و (۷)

۱- توبه: ۳۶. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۸۷ به غلط آمده است: «فلما نهی عن ترک الظلم فیها. . .» . - م.

۳- [بهجه النفوس و تحلیها بمعرفه ما لها و ما علیها، ابن ابی جمره اندلسی]، ج ۱، ص ۱۵۷.

۴- صحیح مسلم، ج ۵، ص ۳۳.

۵- صحیح مسلم، ج ۵، صص ۳۳ و ۳۴. - م.

۶- صحیح مسلم، ج ۵، ص ۳۳.

۷- مؤلفه های این روایت با یکدیگر سازوار نیستند زیرا در روایت آمده است با رسول خدا (ص) ۸ نفر همراه بوده اند؛ اما حضرت به کوه خطاب می کند که جز پیامبری و صدیقی یا شهیدی بر تو نیست. - م.

[۵. سند روا شدن دعا در این مکان ها:] سند روا شدن دعا در این مکان ها، گاه مرفوعاً به رسول خدا (ص) می رسد و فضل خداوند در شمار نمی آید.

عفیف الدین عبدالله بن ابراهیم میرغنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی (در. ۱۲۰۷ه. ق) در کتاب عده الانابه فی اماکن الاجابه ذیل عنوان خاص «سند روایی دعا به طور عام» به این موضوع پرداخته است و می گوید: «بدان که حسن [بصری] به روا شدن دعا در این مکان ها اشاره کرده است و چنین می نماید که او این مطلب را جز از نص نمی گوید.» (۱)

شیخ محمد بن علی علان [صدیقی] در شرح الاذکار (۲)، از جدش عبدالملک بن علی نقل کرده است که حسن بصری [سند] این مطلب را به رسول خدا (ص) می رساند. پس اگر این استناد ثابت شود، در عمل به آن بسنده می شود.

شاید نزد شیخ عبدالملک عصامی نیز این امر ثابت شده باشد، زیرا او در پایان منظومه مشهورش می گوید: «بر این امر شواهدی هست. برخی از این شواهد در احادیث مرفوع بیان گشته است.» (۳)او [روا شدن دعا در برخی از مکان ها] را به زمانی خاص مقید نساخته است و بیشتر استادان ما که در این باره سخن گفته اند از او پیروی کرده اند و ناظم [منظومه] هم بر همین روش رفته است.

ملاعلی قاری می گوید: «ظاهراً این مکان های شریف، محل روا شدن دعاهای عالی در زمان های خاص است و می توان این قید را بر همه دعاها حمل کرد و خداوند سبحان اعلم است.»

نقاش [مفسر، روا شدن دعا در] برخی از [این مکان ها را] به [زمانی خاص] مقید کرده است. شافعیه به این روش رفته اند؛ و فضل خداوند در شمار نمی گنجد.» (۴)

۱- نیم سطر از بند پنجم صفحه ۸۸ متن مبدأ حذف شد. – م.

۲- منظور کتاب الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه است. – م.

۳- مؤلف محترم ارجاع نداده است. منظومه عصامی در دسترس مترجم نبود تا ارجاع دهد. – م.

۴- [عده الانابه فی اماکن الاجابه، میرغنی حسنی متقی]، ص ۴۱.

رفتار صحابه سلف صالح: ازرقی با سندی که به ابن جریج می انجامد از اسماعیل بن امیه نقل می کند که خالد بن مضرس به او خبر داده که سالخوردگانی از انصار را دیده است که در پی نمازگاه رسول خدا (ص) در مقابل مناره [مسجد خیف] و نزدیک آن بوده اند.

جدم گفت: «سنگ هایی که در مقابل مناره است، همان محل نماز گزاردن پیامبر اکرم (ص) است و پیوسته مردم و عالمان را می بینیم که در آنجا نماز می گزارند.» (۱)

پس از ازرقی، فاکهی آمده و یاد کرده است که سنگ هایی که مقابل مناره است، همان نمازگاه پیامبر اکرم (ص) است و آگاهان همواره در آنجا نماز می خوانند و [این مکان،] همان مسجد [عیشومه (۲)] است. (۳)

رفتار تابعین سلف صالح: مورخ مدینه منوره ابوزید عمر بن شبه نمیری بصری (۱۳۷ - ۲۶۲ه. ق) می گوید: «ابوغسان می گوید: چند تن از عالمان مدینه به من گفتند: پیامبراکرم (ص) در همه مساجد مدینه و اطراف آن که با سنگ های کنده کاری شده و یکسان ساخته شده است، نماز گزارده است؛ زیرا عمر بن عبدالعزیز هنگامی که مسجد النبی (ص) را بازسازی می کرد از مردم که فراوان بودند، درباره مساجدی که رسول خدا (ص) در آنها نماز گزارده است، پرسید و سپس همه آنها را با سنگ های کنده کاری شده یکسان، ساخت.» (۴)

از مصادر برمی آید که او نخستین کس است که برای این مساجد محراب ساخت. مورخان به این شیوه معماری مساجد، بنای عمری گویند. امیران و بزرگان و توده مردم مسلمان به ساختمان و بازسازی و تعمیر و توسعه این مساجد اهتمام داشته اند. (۵)

۱- اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار [ازرقی]، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲- در متن مبدأ صفحه ۸۹ آمده است. «غیشومه» . - م.

۳- اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، [فاکهی]، ج ۴، ص ۲۶۵.

۴- تاریخ المدینه المنوره، ابن شبه نمیری بصری، ج ۱، ص ۷۴.

۵- المساجد الاثریه فی المدینه المنوره، عبدالغنی محمد الیاس، ص ۱۳.

این گونه برخورد با مکان های تاریخی ای که انتساب آنها به رسول خدا (ص) صحیح است از قرن نخست هجری و به دست عمر بن عبدالعزیز هنگامی که والی مدینه منوره در زمان حکومت ولید بن عبدالملک بود، پدید آمد. ولید به او نوشت: در هر مکانی که به نظرت درست می آید که پیامبر اکرم (ص) در آن نماز گزارده است مسجد بساز. [گفتنی است که] هیچ یک ازبزرگان و پیشوایان معاصر او بر این امر اعتراض نکردند.

عبدالله بن محمود نجار (۵۷۸ - ۶۴۳ه. ق) درباره مساجد باستانی مدینه منوره می گوید: «این آثار همگی ساخته عمر بن عبدالعزیز است.» (۱)

[۱. احتجاج موافقان علیه مخالفان:] موافقان زیارت مکان های تاریخی نبوی به احتجاج مخالفان این کار پاسخ داده اند که به اختصار از آنها یاد می شود: ثابت شده است که رسول خدا (ص) و شماری از بزرگان صحابه او برای زیارت غار حرا از کوه بالاـ رفته اند. این امر در کتاب های سنت نبوی فراوان ذکر شده است، از آنهاست. صحیح مسلم چنان که بدان اشاره شد، [مسند] ترمذی [حدیث شماره] (۳۶۹۶ (۲)) مسند احمد [حدیث شماره] (۴۲۰) (۳)و (۴)

[۲.] نپرداختن پیامبر اکرم (ص) ، به امری بر کراهت دلالت ندارد: این مسئله ای اصولی و مورد اختلاف است. شاعر دراین باره می گویند:

التَّرکُ لَیسَ بِحُجَّهٍ فی شَرْعِنا

۱- الدره الثمینه فی اخبار المدینه، نجار، ص ۱۸۱.

۲- الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره، ج ۵، ص ۶۲۴. - م.

۳- مسند، احمد حنبل، ج ۱، ص ۴۷۸.

۴- یک بند از صفحه ۹۰ متن مبدأ حذف شد. - م.

أو ذَمُ فِعْلٍ مُؤذَناً بِعُقُوبَه أو ذِكْرُ تَحرِيمٍ يُصادِفُ عابا (۱)

[در فقه اهل سنت] ضرورت ندارد برای استحباب امری، در قرآن یا سنت نص وجود داشته باشد. توضیح آنکه در فقه [اهل سنت] مقرر است که امر مستحب همچنان که از گفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) استنباط می شود، [از ترک فعل او (ص) نیز استنباط می شود، چه] گاه آن حضرت (ص) امر مستحبی را به جا نمی آورد تا مشقتی را از امتش دور دارد. شاهد این ادعا، مطلبی است که ابن قیم در کتاب زاد المعاد فی هدی خیر العباد آورده است که [بخاری در صحیح] (۲)از قول عایشه نقل کرده است که: رسول خدا (ص) هرگز در چاشت نافله نگزارد، اما من می گزارم. (۳)[در موطأ مالك بن انس ذیل این روایت آمده است:] اگر پیامبر اکرم (ص) عملی را که دوست داشته به جا آورد از بیم آنکه مردم به آن عمل کنند، وانهاده است، آن عمل بر مردم فرض (مستحب) می شود. (۴)

سید محمد بن محمد حسینی زبیدی معروف به مرتضی درباره به هم پیوستن چند طواف هفت گانه در شرح عبارتی از احیاء علوم الدین امام محمد غزالی [(۴۵۰ - ۵۰۵ه. ق)] می گوید: ابوذر در مناسک خود از محمد بن سائب برکه نقل می کند که او از مادرش نقل می کند که با عایشه طواف می کرده و خانواده خالد بن سعید بن عاص و مادر عبدالوهاب بن عبدالله بن ابی ربیعه با او بوده اند. عایشه چون طواف هفت گانه را تمام می کند میان دو رکن، «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» می گوید سپس حجرالاسود را لمس می کند، آن گاه طواف هفت گانه دیگری آغاز می کند و چون طواف را تمام می کند میان رکن و باب، «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» می گوید، بعد به طواف هفت گانه دیگر می پردازد و چون طواف را به پایان می برد به سکو و سرپناه کنار زمزم می رود و

۱- اعراب گذاری از مترجم است. - م.

۲- آنچه مؤلف محترم در صفحه ۹۱ متن مبدأ نقل کرده و به کتاب زاد المعاد فی هدی خیر العباد ابن قیم ارجاع داده، خطا و البته مغلوط است. در زاد المعاد حدیث به شکلی دیگر آمده است (زاد المعاد، ج ۱، ص ۲۵۵) منقول مؤلف از کتاب موطأ مالك بن انس اما مغلوط است، از این رو متن و پا نوشت ارجاعی را اصلاح کردم. - م.

۳- زاد المعاد فی هدی خیرالعباد، ابن قیم، ج ۱، ص ۲۵۵. - م.

۴- الموطأ، مالك، صص ۱۴۲ و ۱۴۳. - م.

دوگانه ای می گزارد. سپس سخن می گوید و بعد دوگانه ای دیگر می گزارد.

محب طبری می گوید من این مطلب را به این شکل از نسخه ای از خط ابوذر بازمی گویم [و] (۱)مشهور است که عایشه سه دور طواف هفت گانه کرده و نیز تنها دو رکعت نماز ذکر شده است. درست آن است که هر هفت طواف دو رکعت نماز دارد. نیز از او و از مادرش نقل است که با عایشه سه طواف هفت گانه گزارد و میان آنها نماز نگزارد و چون از هر سه دور طواف فارغ گشت چند رکعت نماز گزارد. این حدیث را سعید بن منصور و ازرقی نقل کرده اند.

طبری سپس می گوید: کسی که به جا آوردن پیوسته چند طواف هفت گانه را بی آنکه میان آنها دوگانه ای گزارده شود جایز می داند، برای [بیان] مکروه نبودن این کار به این احادیث استناد می جوید و به آنها استدلال می کند. این نکته از مسور و سعید بن جبیر و طاووس و عطا ذکر شده و جندی هم آن را یاد کرده است و شافعی و احمد [بن حنبل] به آن قائلند.

مالک می گوید: ابوحنیفه این کار را مکروه می داند، چرا که چنین کاری با عمل رسول خدا (ص) سازوار نیست، چون عقب انداختن دو رکعت، موالات (ترتیب) میان دوگانه و طواف را از میان می برد. (۲)

زبیدی می گوید: دلیلی بر این امر وجود ندارد؛ چه دیده نشده است که پیامبر اکرم (ص) دو دور طواف هفت گانه نهد یا سه دور، چنان که مشهور است. حال آنکه اتفاق نظر وجود دارد که این کار مکروه نیست؛ زیرا نپرداختن آن حضرت (ص) به کاری، دلیل بر مکروه بودن آن کار نیست. (۳)

۱- در متن مبدأ صفحه ۹۱، بر خلاف متن اتحاف الساده المتقین بشرح احیاء علوم الدین، زبیدی (ج ۴، ص ۳۵۷) آمده است: «بخط ابی ذر المشهور. . .» . - م.

۲- الموطأ، مالک بن انس، صص ۳۴۴ و ۳۴۵. - م.

۳- اتحاف الساده المتقین بشرح احیاء علوم الدین، زبیدی، ج۴، صص ۳۵۷ و ۳۵۸. - م. * نقل قول مؤلف محترم از زبیدی، آشفته و پر تکرار افتاده است. ترجمه بر اساس کتاب زبیدی صورت گرفت. - م.

[۳.] حدیث متصل (۱)با حدیث منقطع (۲)نقض نمی شود: حدیث قطع شجره رضوان به دست عمر، مقطوع است و در برابر حدیث متصل در صحیح بخاری که می گوید: این درخت در سال دوم بیعت ناپدید شد، تاب نمی آورد.

عزالدین فلواروی از اعضای انجمن علمی اسلامی هند، مقاله اش با عنوان «شجره الرضوان» را که در مجله الازهر (ش ۴، ج ۱، س۱۳۴۶ه. ق) به چاپ رسید این گونه آغاز کرده است.

این درخت مبارک که پانصد نفر از مسلمانان زیر آن با پیامبر اکرم (ص) بر سر جهاد در راه او بیعت نمودند و خداوند آن را نیک پذیرفت و در قرآن گفت: لَقَدْ رَضِیَ اللهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یُبایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ ؛ «به راستی خداوند از مؤمنان خشنود شد هنگامی که با تو در زیر آن درخت بیعت می کردند. . .» (۳)برای این فضیلت عظیم و خشنودی خداوند از آنان، مردم این درخت را شجره الرضوان (درخت خشنودی) نامیدند. این بیعت در سال ششم هجرت نبوی رخ داد. وی در ادامه ذیل عنوان «تا کی این درخت برپا بود و چه بر سر آن آمد» ابتدا می گوید: مسلم است که در صحیح بخاری که صحیح ترین کتاب ها نزد عموم دانشمندان [اهل سنت] است با سند صحیح عالی از ابن عمر و سعید بن مسیب آمده است که درخت در سال دوم بیعت ناپدید شد و دیگر هرگز آن را نیافتیم.

موسی بن اسماعیل از جویریه از نافع برای ما نقل کرد که ابن عمر گفت در سال دوم، هیچ دو نفری از ما در کنار درخت مبارکی که زیر آن بیعت کردیم گرد نیامد. (۴)

سعید بن مسیب از پدرش نقل می کند که: چون دو سال گذشت، درخت را از یاد

۱- حدیث متصل که یکی از گونه های سیزده گانه حدیث صحیح و حسن است، حدیثی است که سند آن به معصوم یا غیرمعصوم برسد و هر راوی از راوی پیش از خود شنیده یا با اجازه او نقل کرده باشد. در حدیث متصل هیچ یک از راویان آن نیفتاده و سند آن از آغاز تا پایان آمده است. - م.

۲- حدیث منقطع، عکس حدیث متصل و یکی از انواع دوازده گانه حدیث ضعیف است. در این گونه حدیث از میان راویان آن یک یا چند نفر افتاده است یا در رجال سندش رجل مبهمی وجود دارد. - م.

۳- فتح: ۱۸.

۴- صحیح، بخاری، ج ۱، صص ۴ و ۵.

بردیم و به آن دست نیافتیم. (۱)

[فلواروی] سپس می پرسد: آیا عمر این درخت را برکند، یا دستور داد آن را ریشه کن کنند؟ و در پاسخ می گوید: این سخنی است که بدون تأمل در درستی و نادرستی آن بر سر زبان ها افتاده است و در این زمینه میان عالم وجاهل و هواپرست تفاوتی نیست. هرگاه از آثار تاریخی و مقابر و بزرگ داشت شرعی آنها پرسیده می شود، می گویند: اینها همگی به شرک می انجامد. آیا ندیده ای که عمر درختی را که مردم در زیر آن با رسول خدا (ص) بیعت کردند، انداخت تا ریشه شرك را بخشکاند.

بدان که نسبت دادن انداختن درخت به عمر سخنی بی اساس است (۲)زیرا:

۱. این سخن با روایت صحیح بخاری نمی سازد چه این روایت می رساند که درخت، پنهان و از چشم مردم پوشیده داشته شده است - چنان که گذشت - پس قطع درخت به چه معناست؟

۲. اگر از سخن جابر [بن عبدالله انصاری] همان مفهومی را اراده کنیم که ابن حجر نقل کرده است: این درخت تا پایان عمر او [جابر] یعنی سال ۷۸ه. ق باقی بوده است، باز هم بی فایده است، چرا که درگذشت عمر در سال ۲۳ه. ق بوده است.

۳. هرکس روایت [قطع درخت] را بازگفته، آن را از طبقات ابن سعد نقل کرده است. ابن سعد در طبقات، حدیث ابن مسیب (یعنی حدیث پنهان کردن) را به چند سند روایت کرده است و در پایان به روایت نافع [درباره قطع] اشاره کرده است: عبدالوهاب بن عطا از عبدالله بن عون از نافع خبر داد که همه مردم کنار درختی که به آن شجره الرضوان گفته می شود می آیند و نماز می گزارند. خبر این کار به عمر می رسد. او آنان را تهدید می کند و دستور می دهد درخت را بیندازند.

محدثان به این روایت که اساس نسبتی است که به عمر داده شده است؛ یعنی او

۱- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۹۹.

۲- برای آگاهی بیشتر از درستی این نسبت بنگرید: الدرالمنثور بآثار المصطفی ومدینه الرسول صلی الله علیه وآله و سلم، محمد علی صالح قزنی، ص ۴۲۲. - م.

فرمان داد و درخت قطع شد، احتجاج نجسته اند. منقطع بودن این روایت آشکار و تردید ناپذیر است؛ زیرا نافع، عمر را درک نکرد و او را ندید و از او روایت نکرد. این ابهام چنین زدوده می شود که نافع غلام عبدالله بن عمر است که در جنگ دیلم یا طالقان یا کابل او را به دست می آورد. میان این جنگ ها و روزگار عمر سال ها فاصله است. نافع، دیر زیست و در سال ۱۲۰ه. ق درگذشت و سی سال با ابن عمر بود. ابن عمر در سال ۷۴ ه. ق درگذشت. (۱)

نافع از عبدالله بن عمر و ابوهریره و ابی لبابه و رافع بن خدیج و عایشه و ام سلمه و ابوسعید خدری و دیگر صحابه، روایت نقل کرده است؛ اما روزگار عمر را درک نکرده است، پس چه معنا دارد از او روایت کرده باشد؟ (۲)

از این رو، شارحان در حدیث مالک از نافع که عمر نوشت (که در آغاز باب در کتاب موطا و پس از چند روایت آمده است) می گویند: این حدیث منقطع است، زیرا نافع هرگز عمر را درک نکرده [ندیده] است. (۳)

شیخ سلام الله دهلوی حنفی و زرقانی می گویند: روایت منقطع به صورت قطعی بیان نمی شود بلکه [برای نشان دادن ضعف حدیث] در قالب تردید [و صیغه مجهول: گفته می شود،] بیان می شود و این می رساند که درختی که قطع شده است درخت خشنودی (شجرهالرضوان) نبوده است بلکه درختی بوده است که پنداشته می شده، شجره الرضوان است از این رو دستور داده شد، قطع شود. خواننده از این مطالب به تناقضات این روایت و نامقبول بودن آن پی می برد.

این خبر برتر از آن است که اهل حدیث آن را نپذیرند، چه آنان از احادیث مرسل و منقطع و آثار صحابه یاد کرده اند و اینها هیچ یک حجت نیستند. و خبری که در طبقات از نافع روایت شده است، خلاف آن چیزی است که در صحیح بخاری از او از ابن عمر

۱- تذکره الحفاظ، ذهبی، ج۱، ص۷۷. - م.

۲- بنگرید به: تهذیب التهذیب، عسقلانی، ج ۱، ص ۱۲.

۳- بنگرید به: شرح الزرقانی علی الموطأ، زرقانی، ج۱، ص۲۱. - م.

روایت شده است و می دانیم که راویان صحیح بخاری جملگی مورد اعتماد و ثقه اند. (۱)

عمر آداب و سنن رسول خدا (ص) را باقی گذاشته بود مثلاً: رسول خدا (ص) در طواف، هروله می کرد تا جلال و عظمت اسلام را به رخ مشرکان بکشد تا آنان نپندارند مسلمانان ناتوانند. عمر در روزگار خود می گفت: امروزه نیاز به تبلیغ نیست زیرا در اینجا کافری نمانده است و از مشرکان در جزیرهالعرب اثری نیست. لکن این کاری است که رسول خدا (ص) انجام می داد، ازاین رو آن را وا نمی نهیم. (۲)

از آنچه گذشت برمی آید که طرفداران هر یک از این دو دیدگاه، استدلال و رویکردی دارد. در این میان برخی از رویکردها وجه مشترک دیدگاه دو طرف است که در پایان جستار بدان ها پرداخته خواهد شد. (۳)

برای آگاهی فزون تر از استدلال [صاحبان] این نگرش، به کتاب های زیر [که جملگی از اهل سنت است] بنگرید:

۱. الکنز المتواری فی معادن لامع الدراری و صحیح البخاری. محمد زکریا کاندهلوی مدنی (پاکستان، مؤسسه الخلیل الاسلامیه، ۱۴۱۹ه. ق، ج ۴، ص ۲۳۴)

۲. ، تبرک الصحابه بآثار رسول الله (ص) و بیان فضله العظیم. محمد طاهر مکی کردی (چاپ دوم، قاهره، دارالطباعه المحمدیه، ۱۳۹۴ه. ق) .

۳. الآثار النبویه بالمدینه المنوره وجوب المحافظه علیها و جواز التبرک بها. ابومجاهد عبدالعزیز [بن] عبدالفتاح قاری (مدینه منوره، مؤلف، ۱۴۲۷ه. ق) .

۴. البرکه و التبرک من ذهبیات الحافظ الذهبی قراءه عابره فی سیر اعلام النبلاء. خدیجه ادریسه (چاپ اول، بی جا، بی نا، بی تا) .

[۵. الدر المنثور بآثار المصطفی و مدینه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محمدعلی صالح قزنی، (قاهره، دار جوامع الکلم، ۲۰۰۶)].

۱- بخشی از مطالب صفحه ۹۴ و ۹۵ متن مبدأ که ناصواب می نمود، حذف شد. - م.

۲- شجره الرضوان، عزالدین فلواروی، مجله الازهر، ربیع الاول ۱۳۴۶ه. ق.

۳- مؤلف محترم به این وعده وفا نکرده است. - م.

فصل ششم: وضع کنونی مکان های تاریخی در مکه مکرمه

اشاره

پیشـینیان امـت در طی چهـارده قرن هجری گذشـته از بیشـتر آثـار اسـلامی در مکـه مکرمـه بـه ویژه مـواردی کـه نسبتشان به رویدادهایی که آنها را جاودان ساخته، قطعی است، پاس داشته اند و بیشتر آنها سالم به ما رسیده است.

ما در [فرجام] (۱)ثلث اول قرن پـانزدهم هجری و دقیقـاً در سال ۱۴۳۰ه. ق، به پیروی از روش علمی تـاریخی مکتب تـاریخی مکه، در گفتاری به مکان های تاریخی از میان رفته، و در گفتاری دیگر به مکان های تاریخی باقی مانـده تا عصـر کنونی، می پردازیم.

گفتار یکم: مکان های تاریخی مکه مکرمه که اکنون از میان رفته اند

شمـاری از مورخان مکی، هنگام بررسـی مکان های تاریخی مکه مکرمه، به آنچه از میان رفته و آنچه تا روزگار آنان بر جای مانـده است، پرداخته انـد. از آنهاست: تقی الدین فاسـی (۷۷۵ – ۸۳۲ ه. ق) ، جمال الـدین محمـد جارالله بن محمـد بن ظهیره قرشی (در.۹۸۶ه. ق) ؛ محمد قطب الدین نهروالی مکی (۹۱۷ – ۹۹۰ه. ق)

زمان به چارك اول قرن پانزدهم هجری قمری رسید و شماری از این مکان ها منهدم

۱- در متن مبدأ صفحه ۹۷ آمده است: «نحن فی بدایه» . – م.

شـد. اکنون یعنی از آغـاز ربیع الاول سال ۱۴۲۹ه. ق تـا سال ۱۴۳۰ه. ق محله هـای تـاریخی چون: شامیه، شبیکه، حارهالباب، قراده، راقـویه، سـوق المـدعی، سـوق الجـودریه یکسـره تخریب گشـته و دامنه تخریب به شـمال مکه مکرمه یعنی سـوق المعلا رسیده و شاید طرح بزرگ توسعه پیش آید و مسجد الرایه را که اکنون بر اساس تابلو، جامع خادم الحرمین نامیده شده است و [نیز دیگر] مکان های تاریخی مهمی را که در این محله ها وجود دارد، فرا گیرد و برای توسـعه حرم شـریف و فضاهای شمالی آن به محله جرول در منطقه غربی حرم هم برسد.

از مـا کـاری ساخته نیست مگر تکرار سـخن مشـهور: شـهرها و هر که در آنهاست تغییر می کنـد. از این رو از محله های کهن مکه در اطراف حرم شریف و مکان های تاریخی آنها، جز نامی و نگاری نمانده است.

در این گفتار، به پیروی از این روش علمی مکتب تاریخی مکی، آثار از میان رفته، بررسی می شود.

جمال الدین محمدبن ظهیره قرشی، بخشی از کتاب الجامع اللطیف [فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف] را به مساجدی اختصـاص داده است که [پیش از او] ازرقی از آنهـا نـام برده است، امـا در روزگار وی از آنها اثری نبوده است. او می گویـد: «مساجدی که ازرقی از آنها یاد کرده است و اکنون اثری از آنها بر جای نیست [شش] (۱)باب است:

۱. مسجدی در بالادست مکه میان شعب ابن عامر. این مسجد اکنون وجود خارجی ندارد.

۲. مسـجدی در اجیـاد که گفته می شود پیـامبر اکرم (ص) در آنجـا [به چیزی] تکیه داده است. ازرقی می گویـد آگاهـان این موضوع را رد می کننـد و تنها پـذیرفته اند که حضـرت (ص) در اجیاد صـغیر نماز گزارده است و محل نماز گزاردن حضـرت (ص) هم دقیقاً

۱- در متن مبدأ صفحه ۹۸ مانند متن مادر صفحه ۳۳۸ آمده است: «خمسه» . اما در شـرح سخن، از شش مسجد یاد شده است (الجامع اللطیف، ابن ظهیره قرشی، صص۳۳۸ و ۳۳۹) . - م.

معلوم نیست، بلکه بر اساس حدسی بی اساس معلوم گشته است.

۳. مسجدی در بالادست مکه که به آن مسجد شجره گفته می شود.

۴. مسجدی در ذی طوی در بالادست مکه میان دو ثنیه ای که حاجیان از آنها به مکه درمی آیند.

۵. مسجد سِرَر که اکنون محل دقیق آن معلوم نیست، تنها جهت آن معلوم است.

۶. مسجدی در عرفه و در سمت راست موقف که به آن مسجد ابراهیم گفته می شود و غیر از مسجد عرفه ای است که امام در آن نماز می گزارد.

این مساجد اکنون [عصر ابن ظهیره یعنی قرن دهم هجری] وجود ندارند.» (۱)

پس از قرن دهم هجری قمری، شماری از این مکان های [تاریخی] اسلامی از میان رفته است و جز نامی از آنها بر جای نیست. شاید بسیاری از این مکان ها در قرن چهاردهم و پانزدهم هجری قمری از میان رفته اند. علت این تخریب ها، گوناگون و در رأس آنها افزایش شمار حاجیان است (۲)که به دو میلیون رسیده است. پدیده ای که در سده های گذشته وجود نداشته است. لازمه این افزایش جمعیت، توسعه حرم شریف و [ناگزیر] تخریب بسیاری از بناها و مکان های اطراف آن است تا از این رهگذر جایی برای مسافران بیت الحرام که هدف نخست و بزرگ حج است، فراهم آید. از این روست که بیشتر این مکان ها در حوزه این توسعه قرار گرفت و فراوانی از آنها تخریب گشت. ازاین رو نام مکان های باستانی اسلامی تخریب گشته در ذیل می آید:

۱. خانه حضرت خدیجه: در این مکان مبارک، ساختمانی سه طبقه بود که به مدرسه حفظ قرآن کریم اختصاص یافته بود. این ساختمان مبارک برای توسعه فضاهای حرم

۱- الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، [ابن ظهیره قرشی]، صص ۳۳۸ و ۳۳۹.

۲- شمار حاجیان در سال ۱۳۴۳ه. ق تنها ۱۰۰/۰۰۰ نفر بوده است، با این حال وهابیان در همین سال، زادخانه رسول خدا (ص) را تخریب کردند تا کسی در آنجا نیایش نکند و توسل و تبرک نجوید (کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، محمد طاهر کردی مکی، ترجمه هادی انصاری، ص۳۲۵) – م. نیز بنگرید به: مکه المکرمه و الکعبه المشرفه فی کتب الرحاله المسلمین، شنوفی، ص ۳۲. در این کتاب که نوشته یکی از ستایندگان آل سعود است، شمار حاجیان در سال ۱۲۹۴ه. ق. تنها ۱۰۰/۰۰۰ نفر برآورده شده است. – م.

شریف در ضلع شرقی، در سال ۱۴۱۰ه. ق تخریب شد.

در مقدمه مطالعه اسنادی که سازمان بهسازی و توسعه اطراف حرم صادر کرده، آمده است: در هنگام آماده سازی مرحله نخست طرح ویژه بهسازی و توسعه فضاهای پیرامون حرم شریف در منطقه قشاشیه برای آماده سازی منطقه شرق مسعی برای [ایجاد فضای مناسب] برای نماز گزاردن نماز گزاران بیشتر، و طرح خدمات رسانی و تسهیل آمد و شد میهمانان بیت الله الحرام، مورخه ۲۹ ربیع الاول ۱۴۱۰ه. ق، دست اندرکاران طرح در ضمن عملیات تخریب مستقلات منطقه، به وجود مکان هایی باستانی در نزدیکی برحهالقبانی واقع در میان مسجدالحرام و سوق المدعی پی بردند. از جمله محرابی بزرگ در سمت حرم کشف، و معلوم شد مکانی که این آثار تاریخی در آن یافت شده همان مکان مدرسه حفظ قرآن کریم است که شیخ عباس قطان پس از کسب اجازه از ملک عبدالعزیز در محل خانه حضرت خدیجه معروف به زادخانه حضرت فاطمه (علیها السلام) در زقاق الحجر معروف به زقاق [السوق (۱)] و زقاق العطارین ساخت. (۲)

محل کنونی این منزل مبارک، در صحن شرقی، کنار چراغ بزرگ، مقابل باب السلام دوازده متر به سمت شمال به طرف [سوق] المدعی است. من نقشه این موقعیت را شخصاً و در حضور یکی از مسئولان مؤسسه بن لادن همراه دکتر عوید مطرفی و دکتر عبدالله شاووش در رمضان ۱۴۲۵ه. ق مشاهده کردم و روشن شد که حقیقت غیر از آن است که برخی کسان پنداشته اند که این منزل در منطقه دستشویی ها واقع شده است. (۳)

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۰۰ به غلط آمده است: «زقاق الصوغ» . - م.

۲- بیت السیده خدیجه رضی الله عنها علی مر العصور، دراسه توثیقیه، ص ۲ (نسخه تایپی، ارسالی شیخ احمد زکی یمانی، وزیر پیشین نفت و معادن) .

۳- از این سخنان می توان دریافت آل سعود که مؤلف محترم در منقبت آنها این مایه سینه چاک می کند، تا چه پایه در بند حفظ و حراست از این مکان های مقدس بوده اند. - م.

۲. خانه ارقم بن ابی ارقم: این خانه به صحابی والامقام ارقم بن ابی ارقم قرشی مخزومی منسوب است. وی از نخستین کسانی است که به اسلام گرایید. گفته شده است او دوازدهمین نفر از مهاجران نخست بود و در جنگ بدر حضور داشت و رسول خدا (ص) شمشیری بدو بخشید و گردآوری صدقات را به او واگذارد. او همان کسی است که رسول خدا (ص) را در خانه اش پنهان داشت. این خانه در دامنه صفا قرار داشت و مسلمانان مکه از بیم مشرکان با حضرت (ص) بودند و در آنجا ماندند تا شمارشان به چهل رسید که آخرین آنان عمر بن خطاب بود. چون به چهل رسیدند از منزل بیرون آمدند.

این خانه، دارالخیزران خوانده می شود و به خیزران مادرخلیفه عباسی [هارون] الرشید منسوب است و در شرح موضوع آمده است که دارالخیزران، خانه ای است اطراف مختباء. خیزران مادر رشید هنگامی که حج می گزارد آن را می خرد. این خانه دست به دست می گردد تا به املاک سلطان مرادخان منتقل می شود. در کتاب اتحاف فضلاء الزمن آمده است که در سال ۱۱۱۲ه. ق ابراهیم بیک، خانه ارقم را بازسازی می کند. این خانه همان دارالبیعه و محل گرد آمدن صحابه، پیش از هجرت است. ابراهیم بیک، خانه را بازسازی اساسی می کند و بر آن گنبدی بزرگ و دو گنبد خفته (۱)می نهد و اتاق مبارک را ترمیم می کند و در محل نشستن ناقه حضرت (ص) مسجدی می سازد.

این مسجد، محرابی کوچک دارد که پشت محل مبارک از سوی خیابان واقع است.

۱- طاجنین که مفرد آن طاجن و معرب تابه است، در چند معنا به کار رفته است؛ در اینجا به نظر می رسد مراد گونه ای گنبد خفته است. توضیح آنکه مسجدالحرام در قرن سیزدهم ۵۰۰ گنبد داشته است: به ۱۵۰ گنبد، قُبَب؛ به ۲۸۸ گنبد، طَواجِن؛ به ۶۲ گنبد، مُصَلّیات گفته می شده است. مراد از قبب (جمع قبه) ، گنبد گرد و بلند، و مراد از طواجن (جمع طاجن) ، گنبد خفته بوده که از قبه کوچک تر بوده است، مصلیات (جمع مصلی) ، گنبدی هایی با شکل ویژه است که با نوشتن نمی توان وصفشان کرد، باید آنها را دید تا شناخت. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۲، ص ۷۴۶. - م.

[ابراهیم بیک]خانه را از اساس با سنگ شُبیکه (۱)و شُمَیْسی (۲)بازسازی نمود و بر دیوارهای آن کنگره ها نهاد و روی آنها را آهک اندود کرد. (۳)

توجه به این مکان در روزگار ملک عبدالعزیز، به تبدیل آن به مدرسه تخصصی علوم حدیث نبوی انجامید که عالمان بزرگی چون شیخ عبدالظاهر بن السمح و شیخ محمد عبدالرزاق حمزه در آن تحصیل کردند.

این مدرسه در این مکان مبارک همچنان به آموزش سنت شریف و علوم آن پرداخت و گروه فراوانی از فرزندان جهان اسلام در شرق و غرب از آن فارغ التحصیل شدند. بنابراین، این مدرسه نقشی مهم ایفا کرد.

در سال ۱۳۷۵- ۱۳۷۶ه. ق، در پی اجرای طرح توسعه حرم شریف، این خانه و دیگر خانه های پیرامون آن تخریب شد.

در ورودی حرم و در سویی که خانه ارقم در آن قرار داشت، یادبودی نصب شده است که معرف مکانی است که شاهد روزهای آغازین اسلام و رنج های مسلمانان و پنهان شدن آنان برای عبادت خداوند بود. در ساختمان مجاور آن در حرم شریف، ریاست گروه حفظ قرآن کریم مستقر است؛ جایی که حافظان قرآن هر جمعه برای تلاوت قرآن گرد هم می آیند.

مدرسه دارالحدیث هنوز هم به کار آموزشی خود در مکه مکرمه ادامه می دهد و تدریس و برنامه های آن متحول گشته است و بیشتر شاگردان آن غیر بومی اند و با

۱- به نظر می رسد در گذشته به محل هایی در مکه که چاه های آب فراوان داشته، شُبیکه گفته می شده است. ابن جبیر (۵۴۰ - ۶۱۴ ه. ق) در رحله اش از شبیکه در تنعیم و شبیکه در ذی طوی یاد کرده و هر دو مکان را دارای چاه آب فراوان دانسته است (رحله، ابن جبیر، صص۱۰۴و ۱۰۵) ابن بطوطه (۷۰۳ - ۷۷۹ه. ق) هم در رحله اش از تنعیم و چاه های آب فراوان آن که به آنها شبیکه گفته می شده یاد کرده است (رحله، ابن بطوطه، صص۱۴۳ و ۱۴۴) در عین حال در جنوب مکه هم محله ای بوده است که شبیکه خوانده می شده و آرامستان تهیدستان و غریبان در آن بوده است. - م.
۲- شُمیسی، منطقه ای است در حدیبیه در ۲۰ کیلومتری غرب مکه واقع در جاده مکه به جده که قاحوط (نوعی سنگ) آن معروف بوده و برای ساختن ستون از آن استفاده می شده است. - م.
۳- اتحاف فضلاء الزمن بتاریخ ولایه بنی الحسن، طبری، ج ۲، ص ۲۲۳.

مدرک دوره پایانی آن می توان وارد دانشگاه شد.

۳. زادخانه (۱)امام علی بن ابیطالب (ع) : در دهه نخست قرن پانزدهم هجری قمری ضمن تخریب کامل محله شعب بنی هاشم (سوق اللیل) در سال ۱۴۰۲ه. ق مقرر شد منطقه شعب علی و خانه هایی که در کوه ابوقبیس بنا شده بود، از جمله مدرسه شبانه نجاح که در محل زادخانه حضرت علی بن ابی طالب (ع) ساخته شده بود، تخریب گردد.

۴. مسجد نحر (۲)در منا: این مسجد ضمن تخریب ساختمان های منا برای توسعه راه منتهی به جمرات تخریب شد.

۵. مسجد کبش در منا: این مسجد با دیگر بناهایی که در منا بود، برای توسعه راهی که به جمرات می انجامد، ویران شد.

۶. مسجد مرسلات: این مسجد همراه ساختمان هایی که در منا بود در طرح توسعه مسجد خیف و ایجاد خیابان های منتهی به تونل ملک خالد، تخریب شد.

۷. زادخانه [امام] جعفر صادق (ع) : در حال حاضر هیچ اثری از آن وجود ندارد.

۸. خانه عباس [بن عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم (ص)]: این مکان در طرح نخست توسعه حرم شریف در سال ۱۳۷۵ه. ق تخریب و جزء مسعی شد.

گفتار دوم: مکان های تاریخی مکه مکرمه که اکنون وجود دارند

در ذیل به معرفی کوتاه مکان های باستانی [مکه مکرمه] که معروف و شناخته شده اند و در حال حاضر وجود دارند، می پردازیم.

۱. زادخانه پیامبر اکرم (ص) واقع در محله بنی هاشم در محلی که به آن سوق اللیل گفته

۱- برای آشنایی بیشتر با دیدگاه اهل سنت و شیعه درباره محل ولادت امام علی (ع) ، بنگرید به پانوشت ۲ صفحه ۸۶ همین اثر. - م.

۲- به این مسجد، مسجد منحر نیز گفته می شده است. بنگرید به: موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری پاشا، ج۲، ص۸۹۱. - م.

می شود. این محل مشهور است و اکنون محل کتابخانه مکه مکرمه است که از دو طبقه تشکیل شده و دارای دو در ورودی است: در جلویی که به فضای شرقی حرم مطهر باز می شود و در پشتی که در ضلع جنوبی ساختمان است.

این مکان تنها ساختمانی است که پس از تخریب محله سوق اللیل، در اجرای طرح توسعه فضاهای شرقی حرم، از این محله باقی مانده است. در ضلع غربی و اصلی این ساختمان، صحن شرقی مسجدالحرام قرار دارد که مشعر مسعی بر آن مشرف است، و در [پشت و ضلع شرقی] (۱)آن، تونل دو دهانه غزه قرار دارد که از دامنه کوه ابوقبیس می گذرد و در امتداد تونل های عزیزیه واقع است و از طریق بزرگراهی چهار مسیره به خیابان غزه می رسد. مسیر سمت راست برای حرکت از محبس الجن در محله عزیزیه، و مسیر دیگر برای حرکت از غزه به محله اجیاد است.

ضلع شمالی کتابخانه (زادخانه شریف نبوی) ، پس از تخریب کامل محله شعب علی [بنی هاشم] به صحن بزرگی تبدیل گشته است و [دامنه] کوه ابوقبیس در این ناحیه تسطیح گشته و در نتیجه فضایی گسترده و زمین هموار و آسفالت شده ای پدید آمده است که بخشی از آن به دفاع غیرنظامی و بخشی هم به واحدهای اداری و دفترهای طرح [توسعه] حرم شریف و توقفگاه خودروهای برخی از مراکز دولتی اختصاص یافته است. [از این فضا] برای نگه داری تجهیزات ساختمانی توسعه مسعی نیز استفاده می شود. مقدار زمینی که باقی مانده، ایستگاه وسایل نقلیه عمومی در روزهای جمعه و مناسبت های دینی چون رمضان وحج و عمره است که از آن برای جابه جایی مسافران مسجدالحرام و ساکنان شمال مکه مکرمه که از طریق تونل به آنجا دسترسی دارند، استفاده می شود. (۲)

زادخانه شریف و مبارک نبوی (ص) (کتابخانه مکه مکرمه) که بنایی کهنه و

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۰۲، به غلط آمده است: «و فی خلفه من ناحیته الغربیه» ، در ضلع غربی زادخانه نبوی، صفا و مره واقع است نه تونل دو دهانه غزه. - م.

۲- یک بند از صفحه ۱۰۳ متن مبدأ حذف شد. - م.

فرسوده (۱)است، موقعیتی ممتاز در این منطقه پیدا کرده است و کف آن هنگام سنگ فرش کردن صحن شرقی حرم شریف، با سنگ مرمر رنگی پوشیده شد. این ساختمان تا زمان حاضر (سال ۱۴۳۰ه. ق) هنوز شکل و وضع قدیمی خود را که مربوط به زمان تأسیس کتابخانه عمومی در سال ۱۳۷۰ه. ق است، حفظ کرده است. (۲)

۲. مسجد الرایه: شیخ محمد طاهر کردی مکی خطاط، درباره این مسجد می گوید: مسجد الرایه در جودریه سمت راست کسی واقع است که از مدعی به معلاـ می رود. بین این مسجد و خانه هایی که مقابل آن است، کوچه باریک کوچکی قرار دارد که به خیابان عمومی راه دارد. نیز چاه متروکه جبیر بن مطعم در همین کوچه تنگ قرار دارد که به دیوار خانه کنار آن چسبیده است.

این مسجد در روزگار ما در سال ۱۳۶۱ه. ق تجدید بنا شد. هنگام پی کنی، دو تخته سنگ نبشته در آن کشف شد که نشان می دهند این مسجد، همان مسجد الرایه است. یکی از این دو سنگ نبشته مربوط به سال ۹۸۹ه. ق و تاریخ حک دیگری سال ۱۰۰۰ه. ق است. ما هر دو سنگ لوحه را هنگام تجدید بنای آن دیدیم و هنوز این دو قطعه سنگ نبشته بر دیوار مسجد نصب شده است.

چاه یادشده را چنان که ازرقی در تاریخ خود گفته است، نخست قصی حفر نمود سپس پر و متروک شد و جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل بن عبد مناف آن را خالی و احیا نمود. (۳)

۱- این بنای محقر، در کنار برج های عظیم و سر به فلک سوده مشرف بر مسجدالحرام (مانند برج ساعت با بیش از ۶۰۰ متر ارتفاع) به کاهی پای کوه می ماند و نشان دهنده پایه و مایه دلبستگی امثال ملک عبدالعزیز به این مکان های مقدس تاریخی است. – م.

۲- هنگام سخن گفتن از توجه ملک عبدالعزیز به مکان های تاریخی مکه مکرمه، از این مکان مبارک و نظر علما درباره حفظ آن و استفاده فرهنگی از آن یاد شد. برای آگاهی فزونتر بنگرید به: مکتبه مکه المکرمه دراسه موجزه لموقعها و ادواتها و مجموعاتها. عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان. * پانوشت توضیحی را مترجم از متن به پاورقی منتقل کرد. – م.

۳- الإعلام بأعلام [بیت] الله الحرام [فی تاریخ مکه المشرفه]، [قطب الدین نهروالی]، ص ۲۲.

این مسجد در سال ۱۳۹۴ه. ق تجدید بنا شد (۱)و اکنون میان بازار جودریه و خیابان غزه واقع است و به آن مسجد ملک فهد گفته می شود. ساختمان جدید مسجد بسیار زیباست و دارای گنبدی بزرگ و گلدسته است و وضوخانه و آبریزگاه آن در زیر زمین قرار دارد. مسجد دو در اصلی دارد: یکی رو به خیابان غزه مقابل ساختمان جفالی که از سطح خیابان فراتر و دارای چند پله است؛ و دیگری در ضلع شرقی قرار دارد و به بازار جودریه باز می شود. این مسجد از جمله مساجدی است که در آنها نماز جمعه برپا می شود.

توسعه صحن های شمالی حرم مطهر در پایان ماه سوم سال ۱۴۳۰ه. ق به نزدیکی این مسجد شریف رسید و همه بناهای قدیمی و جدید مقابل این مسجد و حرم یکجا تخریب گشت. در این تخریب، مکان های تجاری، هتل و از جمله دو بازار مهم و فعال مکه در گذشته و حال یعنی مدعی و جودریه هم از میان رفت. همه مجاوران مکه مکرمه و حاجیان و عمره گزاران در محله های شمالی مکه مکرمه هنگام تشرف به حرم مطهر از این دو بازار می گذشتند. در این دو بازار همه چیز عرضه می شد و همیشه، به ویژه روزهای جمعه و مناسبت های مذهبی آکنده از جمعیت بود. جنازه های اموات را برای خاک سپاری در آرامستان معلا از این دو بازار عبور می دادند. البته در سال های اخیر که جنازه ها را با آمبولانس حمل می کنند، تشییع جنازه از حرم شریف به آرامستان معلاـ با خودرو و آسان شده است. جنازه ها از باب ملک عبدالعزیز و تونل غزه بیرون برده می شوند. (۲)

۳. مسجد الاجابه: این مسجد هنوز در محل پیشین خود و با ساختمانی تازه پابرجاست. در قبله گاه این مسجد دو سنگ نوشته قدیمی وجود داشته که در آنها به تاریخ ساخت مسجد اشاره شده است. اکنون این لوح های سنگی در جبهه بیرونی

۱- بنگرید به: دلیل مکه المکرمه الاسلامی، بهجت صادق [مفتی]، ص۸۳.

۲- یک بند از صفحه ۱۰۵ متن مبدأ حذف شد. - م.

سمت راست در اصلی مسجد به دیوار نصب شده و در کنار آنها سنگی قاحوطین (۱)است که بر آن تاریخ اتمام ساختمان جدید حک شده است (روز جمعه اول رمضان سال ۱۴۲۲ه. ق) . بنای جدید مسجد، ساختمانی بسیار زیبا با سامانه تهویه مرکزی است که با هزینه ابراهیم عنقری مستشار دیوان سلطنتی ساخته شد.

این مسجد بر سه خیابان اصلی مشرف است. ضلع [جنوبی] آن مشرف بر خیابان العام، ضلع شرقی آن مشرف بر خیابان اجابه و ضلع غربی آن مشرف بر خیابان مرتفع است.

ساختمان قدیمی مسجد در سال ۱۳۹۴ه. ق تخریب شد و در محل آن مسجد کنونی و به شیوه جدید ساخته شد. ساختمان تازه، مربع شکل است و روی دیوارهای آن با کنگره هایی مرمرین تزیین شده است. مسجد دارای دو ورودی شرقی و غربی و پنجره های فراوان و گلدسته ای در پایه جنوب غربی است. (۲)

۴. مسجدالبیعه: ساختمان قدیمی این مسجد هنوز باقی است. هنگامی که این مسجد پیش از برداشتن کوه عقبه در پشت آن پنهان و دور افتاده بود، با دوستانم از آن دیدن کردم، متروکه بود و درِ آن کنده شده بود و به تاریخ آن در اسلام توجه لازم نشده بود. (۳)در دیدار تحقیقی که در سال ۱۴۲۱ه. ق صورت گرفت، عبدالوهاب ابوسلیمان و معراج نواب میرزا، به سنگ نبشته سوم گم شده ای که تقی الدین فاسی مکی [۷۷۵- ۸۳۹ه. ق] بدان اشاره کرده است، دست یافتند. این سنگ نبشته در دیوار غربی مسجد قرار داشت و لایه ای از رنگ سفید آن را پوشانده بود.

این مسجد در پس کوه عظیم عقبه که مرز طبیعی منا در سمت غرب است، پنهان بود و جز کسانی که درباره آن مطالعه کرده بودند و در پی آن برمی آمدند، کسی آن را

۱- قاحوط گونه ای سنگ زینتی است که از منطقه شُمیسی (در حدیبیه) واقع در ۲۰ کیلومتری جاده مکه به جده، برای کارهای ساختمانی آورده می شود. - م.

۲- دلیل مکه المکرمه الاسلامی، [بهجت صادق]، ص ۸۹.

۳- از دیگر نمونه های توجه آل سعود به مکان های تاریخی مکه مکرمه. - م.

نمی شناخت. وضع این مسجد و پنهانی آن در پس این کوه عظیم در شعبی که شعب البیعه نامیده می شود درست همان گونه است که ازرقی و دیگر مورخان توصیف کرده اند. پاره ای از روزنامه نگاران، آشکار شدن این مسجد را از پس کوه عقبه کشف اثر باستانی جدیدی دانستند.

اکنون و پس از برداشتن کوه عقبه، ساختمان کهن این مسجد، آشکار گشته و در معرض دید است. برداشتن این کوه در سال ۱۴۲۸ه. ق به پایان رسید. این کار حاصل دو سال تلاش طاقت فرسای شبانه روزی است و با استفاده از ماشین آلات پیشرفته جدید و به کارگیری مواد منفجره برای اجرای طرح توسعه و اصلاح جمره عقبه صورت پذیرفت. طرحی عظیم، که دولت سعودی هزینه ای هنگفت برای آن پرداخت تا حاجیان از حوادث و خسارات بر کنار باشند و در امان بمانند.

همه این عملیات برای توسعه جمرات و فضاهای پیرامون آن انجام گرفت. ستاد تشکیل شده برای بازنگری در طرح توسعه جمرات در ۲۵/۱۱/۱۴۲۳ه. ق به ریاست امیر عبدالمجید تشکیل جلسه داد و مواد ذیل را پیشنهاد کرد: حفاظت کامل از منطقه شعب البیعه به گونه ای که طرح در آن دگرگونی پدید نیاورد، چرا که سند دوره تاریخی مهمی از اسلام است. مطالعه و بررسی وضعیت مسجدالبیعه و اقدام درباره آن در ضمن طرحی فراگیر و با تکیه بر حفظ محیط طبیعی شعب البیعه و مسجد آن.

پس از برداشتن کوه عقبه و توسعه بنای جمرات، این مسجد در جای خود باقی است و پس از رنگ آمیزی مجدد آن، با سیم خاردار محصور گشته و بناست حسب تصریح امیر متعب بن عبدالعزیز وزیر کشور، در محل آن مسجدی جدید ساخته شود. امید می رود در حال حاضر به این مکان توجه لازم مبذول شود، چرا که شایسته نگهداری و زنده ساختن تاریخ اسلام و دشواری هایی است که رسول خدا (ص) در راه دعوت به اسلام بر خود هموار داشت و از انصار بیعت گرفت تا از او حمایت کنند و چون به شهرشان درآید، پشتیبان او باشند.

۵. مسجد خیف: این مسجد پابرجاست و هر سال در موسم حج، از اول ذیحجه،

نمازهای پنج گانه و نیز نماز عید فطر در آن برگزار می شود.

این مسجد از شرق محدود به خیابانی است مخصوص عابران پیاده که بین مسجد و ساختمان وزارت امور اسلامی و آبریزگاه های مخصوص بازدیدکنندگان مسجد و مناطق اطراف آن واقع است که با پله های سیمانی به خیابان خیف راه دارد.

از غرب به خیابانی محدود است که خیابان الرابطه را به خیابان خیف و میدان مقابل نگهبانی مرکزی متصل می سازد.

در ضلع پیشین و شمالی مسجد، شماری چادر نیم دایره جدید ضد حریق وجود دارد که در اختیار مسئولان امنیتی و خدماتی و غیره است.

ساختمان مسجد خیف در دوره شکوفایی سعودی در دو مرحله تعمیر و بازسازی شد: مرحله نخست در دوره ملک فیصل صورت گرفت. یکی از برجسته ترین ویژگی های این مرحله، حفاظت از ویژگی های تاریخی مسجد است که با توسعه آن در ضلع شمالی و جنوبی، و افزودن رواقی سرپوشیده به عرض ۱۵ متر و با سه ردیف ستون که در هر ردیف آن ۲۲ ستون قرار دارد که همگی مشرف بر صحن مسجد است، همراه بود. مساحت مسجد حدود ۲۳۶۶۰ متر مربع بود که طول آن از شرق به غرب حدود ۱۸۲ متر و عرض آن از شمال به جنوب حدود ۱۳۱ متر بود. (۱)

مرحله دوم در دوره ملک خالد صورت گرفت. در این مرحله همه ساختمان قدیمی به طور کامل تخریب شد و پی جدیدی برای بنایی یکسره تازه ریخته شد. مساحت مسجد در این مرحله به ۲۵۰۰۰ متر مربع رسید.

با تجدید بنای مسجد، همه آثار تاریخی که مربوط به مکان های باستانی درون مسجد بود، از میان رفت و کل مسجد، سر پوشیده و به سامانه تهویه مرکزی مجهز شد.

در شوال سال ۱۴۲۷ه. ق مسجد ترمیم گشت و پوشش قدیمی کف آن برداشته شد تا دوباره سنگ فرش شود. پوشش قدیم با ماشین آلات مکانیزه و سنگین کنده می شد.

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۰۸، طول و عرض این مسجد براساس متر مربع! و چنین بیان شده است: «۱۸۲م۲، ۱۳۱م۲» . - م.

در اثر کندن کف مسجد، چند زیرزمین در داخل آن کشف شد. من همراه دکتر معراج نواب میرزا، و دکتر عبدالله شاووش، و داماد مهندسم عاصم عبدالله ترکستانی که در مؤسسه بن لادن کار می کند، از این موضوع آگاه شدیم و مراتب را به مسئولان مرکز مطالعات حج گزارش کردیم، چرا که کارگران از اهمیت این دست امور آگاه نیستند. (۱)

۶. مسجد ابوبکر: احمد بن ابراهیم غزاوی می گوید: (۲)خانه ابوبکر در کنار مسجدی است که در محله مَسفله است و مسجدی که به او منسوب است در آنجا واقع است و مکان و شهرت آن برای عوام و خواص تا به امروز به تواتر شناخته شده است. (۳)

موقعیت کنونی مسجد: این مسجد چندان از مسجدالحرام دور نیست و در نزدیکی کتابخانه حرم مطهر در محله مسفله و در نبش خیابان هرسانی واقع است که خیابان ابوبکر از آن منشعب می شود و به مسجد ابوبکر می انجامد. (۴)این موقعیت مسجد پیش از تخریب کتابخانه حرم مطهر برای توسعه فضای جنوبی حرم است.

در حال حاضر این مسجد، یک طبقه وسیع و مجهز به دستگاه های جدید در طبقه چهارم مجتمع ساختمانی بزرگ [طرح بهسازی و توسعه حرم مطهر] را به خود اختصاص داده است. این ساختمان در منطقه مجاور حرم و در همان مکان پیشین مسجد است که حدود ۲۰۰ متر از حرم فاصله دارد. (۵)

۷. مسجد تنعیم یا مسجد حضرت خدیجه: این مسجد هنوز پابرجاست و عمره گزاران آهنگ آن می کنند. بنای این مسجد بازسازی شده و رواق های آن در شکلی تازه توسعه یافته است.

۱- مؤلف محترم در اشاره به مرجع این سخن، بی آنکه از مقاله ای نام ببرد، به ویژگی های مجله محل نشر مقاله پرداخته است، ازاین رو، حذف شد. - م.

۲- یک بند از صفحه ۱۰۸ متن مبدأ حذف شد. - م.

۳- مکه المکرمه فی شذرات الذهب، غامدی [و دیگران]، ص ۱۴۰.

۴- دلیل مکه المکرمه الاسلامی، بهجت صادق، ص ۹۱.

۵- دلیل مکه المکرمه الاسلامی، بهجت صادق، ص ۹۲. * فاصله این ساختمان تا حرم در واقع ۳۰۰ متر است. - م.

این مسجد، پس از بازسازی (۱): بنای قدیمی مسجد [که در دوره عثمانی بازسازی شده بود] و سقف نداشت تخریب گشت. دولت سعودی در سال ۱۳۹۸ه. ق طرحی برای بازسازی این مسجد به زیباترین شکل و با معماری بی همتا تهیه کرد؛ چرا که این مسجد از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا در کنار میقات اهل مکه واقع است. باری ساختمان مسجد مستطیل و دارای دو بخش جداگانه است:

بخش یکم، از هشت جزر تشکیل شده است که گنبدی بزرگ بر آنهاست. این جزرها با تزئینات گوناگون زینت شده است. قاعده گنبد بر جزرها قرار دارد و بلندای گنبد بر آنها افراشته شده است. در میانه دیوار رو به قبله مسجد، محرابی بزرگ ساخته شده که بلندی رواق آن چهل (۲)متر است.

بخش دوم، دو گلدسته است که یکی در کنج شمال غربی قرار دارد و دیگری روبه روی آن در طرف مقابل و با همان ویژگی ها، برافراشته شده است. در بالای هر گلدسته، مجمره ای گلابی شکل است که بر بالای آن هلالی نهاده شده است.

مسجد دو ورودی دارد که به فضای سر پوشیده ای که میان مسجد و آبریزگاه است، می رسند. یکی از اینها دارای سه در است که مستقیم به صحن مسجد باز می شوند. یکی از این دو در مخصوص زنان است و کسی که از آن وارد شود مستقیماً به محل نماز در مقابل محراب می رسد. محل نماز زنان در مسجد با حایلی چوبین جدا گشته است.

مسجد از سه جهت در محاصره میدان ها و توقف گاه های خودروهاست و تنها مقابل آن آزاد و باز است. (۳)

۸. مسجد فتح: این مسجد در نزدیکی جموم واقع است و یکی از شهروندان نیکوکار مکی بنای تازه و کوچکی در آن ساخته است. امام جماعت راتب دارد و

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۰۹ آمده است: «المسجد حدیثاً» . - م.

۲- رواق القبله بارتفاع اربعین متراً. - م.

۳- دلیل مکه المکرمه الاسلامی، [بهجت صادق]، ص۷۲.

نمازهای پنج گانه در آن برگزار می گردد.

۹. مسجد جن (حرس) : این مکان هنوز در مکان خود که از قدیم به سوق المعلا معروف بوده باقی و در سمت راست کسی است که به سوی حرم سرازیر است. این مسجد دارای سه جهت اصلی است. ضلع شرقی آن مشرف بر خیابانی است که به آرامستان معلا می رسد؛ ضلع غربی آن به خیابان مسجدالحرام مشرف است؛ و ضلع شمالی آن مشرف بر خیابانی است که خیابان مسجدالحرام و خیابانی که به آرامستان معلا می رسد در آن به یکدیگر تلاقی می کنند.

بنای این مسجد در دوره جدید در سال ۱۴۲۱ه. ق تجدید و بازسازی شده است. طرح معماری این بنا، بر ساختار هندسی جدیدی مبتنی است که خود را در نمای بیرونی ساختمان و گلدسته نامتعارف آن نشان داده است. بازسازی این مسجد از منظر معماری با بازسازی دیگر مساجد منطقه معلا یعنی مسجد جندراوی و مسجد عین زبیده، تفاوت دارد. نمای دیواره بیرونی و درونی مسجد از سنگ مرمر رنگین درجه یک است.

طبقه هم کف مسجد، محل نمازگزاردن مردان و طبقه اول آن ویژه زنان است و وضوخانه آن در آبریزگاه قرار گرفته است.

۱۰. مسجد جعرانه: [این مسجد] هنوز پابرجاست و ساختمان آن در دوره سعودی چند بار بازسازی شده که فرجامین آن در سال ۱۴۲۸ه. ق است.

۱۱. غار حرا: یکی از آثار برجسته و بسیار عالی مکه است که شکل هندسی منحصر به فرد دارد. کسی که به سوی مکه می آید از هر سمت که باشد آن را مشاهده می کند. محل وقوع این غار از قدیم مشهور و شناخته شده بوده است و می توان از طریق راه پله قدیمی که در عصر عثمانی در کوه حرا ساخته شده به غار رفت. راه پله یاد شده در اثر آمد و شد زائران کما بیش از میان رفته و خداوند زمینه ای فراهم ساخت تا کارگران به جای پله های تخریب شده، پله های تازه بر کوه بتراشند.

هنگامی که فرد به قله کوه و جایی که مسجد است برسد اگر بخواهد به غاری که رسول خدا (ص) چند شب در آن عبادت می کرد درآید، باید خمیده وارد شود. این غار بیش از یک نفر گنجایش ندارد، مگر با سختی بسیار. زائر این غار پیش از ساختن ساختمان های بزرگ و برج های بلند در مکه که اکنون مانع رؤیت مسجدالحرام از غارند می توانست از شکاف میان صخره ها، مسجدالحرام را ببیند.

خدا را شکر این غار هنوز باقی است و حاجیان و عمره گزاران و اهالی مکه با همه دشواری های صعود، با شور و شوق به زیارت آن می روند. اما آنچه در این میان موجب شرمندگی است، کارهای فراوان خلاف شرع و عقیده صحیح است که در کنار این غار شریف صورت می گیرد. علت این امر آن است که زائران یله اند و برای ساماندهی گروه های حج گزار و عمره گزار علاقه مند به زیارت این مکان شریف، هیچ اقدامی نشده است، تا در قالب گروه هایی به سامان و زیر نظر راهنمای رسمی دولت به زیارت این غار آیند و راهنما، سیره نبوی را برای آنان بازگوید و از مراحلی که رسول خدا (ص) سپری کرد، یاد کند. نیز لازم است امکاناتی فراهم آید تا بتوان از وسایل جدید سمعی و بصری برای تهیه [و بازسازی] و ضبط وقایعی که برای رسول خدا (ص) رخ داد و دشواری ها و رنج هایی که آن حضرت تحمل کرد استفاده نمود بی آنکه در اصول عقاید رخنه ای شود و به رفتارهایی نیاز افتد که از جاهلان و نیرنگ بازان فرصت طلب در روزگار ما سر می زند و اصول عقیده صحیح را خدشه دار می سازد، و به اقدامات [بازدارنده] (۱)برای استفاده سالم و ایمن از این مکان تاریخی نیاز نیفتد.

پیرامون جبل النور (کوه حرا) به محله بزرگی تبدیل گشته است که به آن محله جبل النور گویند. بخشی از این محله دارای نقشه هندسی جدید است و بخشی از آن به ویژه قسمت هایی که پیرامون کوه است، بدون نقشه و بی حساب و کتاب شکل گرفته است.

کمربند ساختمانی ای که بی حساب و کتاب و بدون نقشه پیرامون کوه حرا گسترده

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۱۱ آمده است: «دون اتخاذ اجراءات سلیمه. . .» که غلط و درست آن: دون اجراءات سلبیه است. - م.

شده است، با جایگاه تاریخی این کوه در تاریخ اسلام سازوار نیست و راه بالاـ رفتن از کوه و رسیدن به این ساختمان ها، باریک و ناهموار است و خانه های مردم و خیابان های تنگ، بر محله های پیرامون کوه غلبه کرده است و روز به روز در حال افزایش است. دسترسی به غاری که رسول خدا (ص) در آن اعتکاف و عبادت می کرد، بسیار دشوار شده است، چرا که پله های منتهی به قله کوه از میان رفته است، با این حال مجاوران و زائران به آنجا می روند.

۱۲. غار ثور: شکر ایزد، این غار نیز هنوز بر جای خود است و حاجیان بیت الله الحرام برای بازدید از این غار که رسول خدا (ص) در راه هجرت به مدینه همراه ابوبکر در آن پناه گرفت [از کوه] بالا می روند. بالا رفتن از این کوه بسیار دشوارتر از بالا رفتن از کوه حراست. در بالای این کوه مسجدی بوده که تخریب شده است.

اینها مجموع مکان های اسلامی تاریخی باقی مانده [در مکه مکرمه] تا سال ۱۴۳۰ه. ق است. (۱)

اما اندوه سینه را می فشارد که به تاریخ اسلامی شماری از این مکان ها توجه درخور نمی شود (۲)و برای رفاه حال حاجیان که مشتاق دست یابی به آثار رسول خدا (ص) در شهر

۱- عفیف الدین میرغنی (در. ۱۲۰۷ه. ق) یادآور شده است که یکی از این مکان ها، مسجد حضرت حمزه در مسفله [پایین] دست مکه بر سر راه کسی است که به برکه ماجن می رود. فاسی گفته است: دلیلی بر درستی این انتساب در دست نیست، بلکه به نظر می رسد این انتساب نارواست، چه اینجا محل بنی هاشم نبوده است [شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۵۱۳]. این مسجد هنوز پابرجاست. در دهه هفتاد قرن چهاردهم هجری قمری، مهندس مکی، محمد سعید فاسی به طراحی و ساخت آن پرداخت. او از ساکنان پیشین محله مسفله است. فاسی که در گذشته در محله مسفله زندگی می کرد، به طراحی و ساخت آن پرداخت و بنایی تازه ساخت. این مسجد پس از تخریب بسیاری از ساختمان های آغاز محله مسفله تقریبا در فاصله ۵۰۰ متری مسجدالحرام قرار گرفته است. ساختمان ها و برج های بلند، پیرامون این مسجد را گرفته است و در کنار آن در سمت غرب، مسجدی دیگر است که به جای مسجد تخریب شده حمزه بنا شده است. خیابانی میان این دو مسجد فاصله انداخته است. با آنکه در این منطقه و اطراف مسجد ساختمان های بزرگی ساخته شده است، خیابان های آن هنوز تنگ و باریک است. من به اتفاق دوستانم: دکتر عبدالله شاووش و دکتر معراج نواب میرزا در صبح پنجشنبه ۲۷/۴/۱۴۳۰ه. ق، برای بررسی بقای این مسجد از منطقه دیدار کردم.

۲- این سخن مؤلف، اعترافی دیگر به بی توجهی آل سعود به مکان های تاریخی مکه مکرمه است. - م.

زادگاه اویند، وسائل جدید دست رسی به این مکان ها فراهم نیامده است. چشم امید به خداوند و سپس سازمان گردشگری کشور عربستان دوخته ایم [(۱)]تا گروهی کارکشته از دلسوزان میراث فرهنگی که از ارزش علمی و تاریخی این مکان ها آگاهند، سرپرستی آنها را گردن نهند و برای پاسداری از میراث امت که در رأس آنها مکان هایی است که با تاریخ اسلامی جاودان ما ارتباط دارد، تلاش هایی درخور ستایش مبذول دارند.

۱- اگر کسی جز وهابیان این گونه به امری چشم بدوزد، آنان وی را مشرک می خوانند. - م.

گفتار پایانی

چکیده آنچه گذشت

۱. تواتر علمی حجت شرعی است، همچنان که تواتر محلی در شرع حجیّت دارد و هر دو، ابزار مسلم اثبات احکام شرعی به شمارند.

۲. تردید در آنچه که با تواتر علمی یا محلی به اثبات رسیده است، جنایتی پنهانی در تاریخ امت و متزلزل ساختن مسلمات آن، بلکه تردید روا داشتن در اصولی است که تاریخ امت و مسلمات آن با آنها به اثبات می رسد. و این برای کسی که حقیقت این گونه استدلال و اهمیت شرعی آن را دریابد، شرعاً مسئله مهمی است.

۳. زیارت مکان های تاریخی، برای حاجی یا عمره گزار در زمانی که در مکه مکرمه اقامت دارد، اگر از رفتارهایی که عقیده را مخدوش می سازد یا آن را در محاق ابهام می برد تهی باشد، اصولاً مباح و رواست.

۴. باید به رفتارهایی اعتراض کرد که با پاکی عقیده و نابی آن ساز نمی آید، و از آنچه بی آسیب تر است برای باز داشتن از آنها بهره گرفت؛ زیرا هدف دست یابی به شناخت عقیده درست است. آگاهی از آنچه رخ داده است، در گسترش عقیده اسلامی و آنچه که رسول خدا (ص) و [برخی از] صحابه گرامی او برای آن رنج ها بردند، و نیز اشباع بعد روحی فرد مسلمان بسیار مؤثر است.

۵. حاجیان و عمره گزاران و کسانی که برای شناخت تاریخ اسلامی این سرزمین به

آنجا می آیند، دارای احساسات روحی و عواطف ایمانی اند، زیرا هر مؤمنی که درباره مکه مکرمه چیزی بخواند، با سوز و گداز می خواند و فرا می گیرد چنان که پنداری دوست داشتنی ترین امور را با توجه و اهتمام می خواند. چنین فردی بی صبرانه انتظار می کشد فرصتی دست دهد تا به زیارت و دیدار مکه مکرمه مشرف شود و با آثار باستانی [اسلامی] آن و مواضع مناسک حج به گونه ای آشنا شود که دیدارهای او بر خوانده هایش گواه باشد و آگاهی هایش درباره مکان ها و مشاعر [حج] را [با آنچه در مکه مکرمه است] درست تطبیق دهد. بنابراین هنگامی که به مکه مکرمه می رسد، همه اطلاعات گرد آمده در ذهنش در برابر چشمش عینیت می یابد و زنجیره ای از پرسش در ذهنش جان می گیرد. درباره محل طواف، چاه زمزم، سرآغاز این چاه، دارالندوه (۱)و محل آن، مسجدالحرام و اصل آن و آنچه بدان افزوده شده است و درها و بناهای آن، زادخانه نبوی، زادخانه فرزندان حضرت (ص) ، خانه های اصحاب، مساجد آنها، خانه ارقم بن ابی ارقم.

اینها همه برآمده از احساسات و عواطف ایمانی ژرفی است که به طور طبیعی زائر [مکه مکرمه] را به افزایش اطلاعات درست درباره این [شهر] وامی دارد. این دیدار فرصتی است برای حضور او در منزلگاه های [مکه مکرمه] - که ممکن است دیگر در عمر او تکرار نشود - و اقناع و بهره روحی حاصل از احساس علاقه و پایبندی به دستورهای اسلام و اشتیاق به پیروی از رسول خدا (ص) و اصحاب و تابعین صالح او.

۶. نادیده انگاشتن احساسات و عواطف ایمانی کسانی که به مکه مکرمه مشرف می شوند، [در واقع] انکار حقیقت طبیعت بشری و سرشت انسانی است، چرا که گرایش به شناخت تاریخ اسلام در مکان ها و مواضع و منزلگاه های مکه مکرمه امری طبیعی است.

۱- گفته شده است دارالندوه، نخستین خانه ساخته شده در مکه است. این خانه را قصی بن کلاب می سازد تا سران قوم قریش در آن گرد آیند و در باره امور مهم مکه مشورت کنند. بنگرید به: مکه المکرمه التفاعل الحضاری فی المکان المقدس، لیلی بنت صالح محمد زعزوع، ص۱۱۹. - م.

۷. مکان های تاریخی، امانت هر نسل است که باید پاس داشته شوند. این مکان ها شاهدی زنده از گذشته اند.

۸. مکان های تاریخی دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، نمادها و نشانه های زنده تاریخ اسلام و مکان های سرنوشت ساز آن است، و از میان بردن آنها تاریخ اسلام را در نگاه نسل های آینده به افسانه تبدیل می سازد. (۱)

۹. فراخوانی به نابودی مکان های تاریخی دو شهر مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، از میان بردن تاریخ اسلام در زادخانه اصلی آن است. (۲)

۱۰. تا آنجا که می دانیم فراخواندن به از میان بردن مکان های تاریخی در مکه مکرمه و جز آن، شیوه سلف صالح - حتی اگر مخالف زیارت این مکان ها بوده اند - نبوده است؛ و از این روست که این مکان ها، در طول سده های گذشته تا عصر حاضر چونان شاهدی زنده بر جای مانده اند.

۱۱. از میان بردن آثار تاریخی، روش درست باز داشتن از اقدامات مخالف توحید و خلوص آن نیست، بلکه این کار متضمن سست شدن ریشه های ایمان در جوانان است.

۱۲. مردم به طور عام و سعودیان به طور خاص چنان بینش دینی ای یافته اند که آنان را وامی دارد از رفتارهای ناسازگار با عقیده صحیح روی برتابند.

۱۳. حق را فدای باطل نمی کنند، پس نباید این مکان های تاریخی را از میان برد و تاریخ حق را برای اقدامات جاهلانه و نادرست [کسان] از میان برداشت. این قاعده ای شرعی است که حق را از رخنه باطل دور می دارد.

در این زمینه از عزالدین بن عبدالسلام ملقب به سلطان العلما پرسیده شده است که اگر ثابت شود امری سنت رسول خدا (ص) است، آیا از آن روی که بدعت گذار آن را انجام می دهد، می توان آن را فرو گذارد یا نه؟

۱- اگر چنین است چرا آل سعود تیشه تعصب کور و کژفهمی شور بر ریشه این بناها نهاده اند، و امثال مؤلف محترم وادار شده اند بر آب رفته از جوی مویه کنند. - م.

۲- اگر چنین است چرا آل سعود تیشه تعصب کور و کژفهمی شور بر ریشه این بناها نهاده اند، و امثال مؤلف محترم وادار شده اند بر آب رفته از جوی مویه کنند. - م.

وی پاسخ می دهد: جایز نیست سنت های [نبوی] را از آن روی که اهل بدعت بدان ها می پردازند کنار نهاد؛ زیرا حق را برای باطل بر زمین نمی نهند. عالمان و صالحان، پیوسته سنت های [نبوی] را برپا می دارند، حال آنکه می دانند بدعت گذاران هم به آن سنن پایبندند.

پس اگر حق به خاطر باطل وانهاده نمی شود، چگونه حق برای مشارکت دیگران در عمل بدان فرو نهاده شود حتی اگر به ترک کردن اذان و اقامه و سنت های ثابت و نمازهای اعیاد و بازدید از بیمار و سلام دادن و دعا کردن به عطسه کننده و صدقه پرداختن و برگزاری میهمانی و دیگر نیکی ها و مستحبات بینجامد. والله اعلم. (۱)

روش سلف صالح در رویارویی با کژپویی های اعتقادی، چنین بوده است.

۱۴. بهترین روش برای اصلاح رفتار برخی از حاجیان نادان، آگاهی بخشی دینی درست به آنها و به گونه ای است که به شناخت رفتار شرعی درست نسبت به این مکان های باستانی دارای ارزش دینی و معنوی و تاریخی برجسته در تاریخ امت، رهنمون سازد. روش درست و برتر این است وگرنه حتی اگر خدای ناخواسته این مکان ها هم از میان برده شوند، اهل باطل از عقاید خود دست برنخواهند داشت.

۱۵. در حال حاضر مکان های تاریخی بر جای مانده در مکه مکرمه عبارتند از: زادخانه شریف نبوی (کتابخانه مکه مکرمه) ، مسجد الرایه، مسجد الاجابه، مسجد البیعه، مسجد جن، مسجد فتح، مسجد جعرانه، مسجد تنعیم، مسجد خیف، غار کوه حرا، غار کوه ثور، [مسجد مزدلفه]، [مسجد نمره (قدس سره) ابراهیم].

۱۶. محل ولادت رسول خدا (ص) ، امری کاملاً قطعی در میان عالمان مکی است و برای مردم مکه مکرمه هم مسلم است که ولادت آن حضرت (ص) در شعب [بنی] هاشم در مکه و در خانه پدر او صورت گرفته است که امروزه به کتابخانه مکه مکرمه مشهور است.

۱- الفتاوی الموصلیه، [سلطان العلما]، ص۲۳.

در این مطلب، میان فقیهان و مورخان و عالمان سیره نبوی از صدر اسلام، نسل پس از نسل هیچ اختلافی وجود نداشته است.

۱۷. زادخانه رسول خدا (ص) در طول تاریخ اسلام، از توجه فراوان مسلمانان و عنایت بسیار خلفا و امیران آن گونه که درخور جایگاه حضرت رسول اکرم (ص) در دل مسلمانان است؛ برخوردار بوده است.

۱۸. توجه ملک عبدالعزیز به مکان های تاریخی چون: زادخانه شریف نبوی، خانه حضرت خدیجه، خانه ارقم بن ابی ارقم، زادخانه [امام] علی بن ابی طالب (ع) ، و به کارگیری فرهنگی این مکان ها، نمونه ای عالی از رویکرد صحیح به آنهاست.

۱۹. به کارگیری زادخانه نبوی و تبدیل آن به کتابخانه عمومی به دستور ملک عبدالعزیز (۱)، دارای بعد فکری و فرهنگی است. بعد فکری این کار در تابش علمی پیوسته آن است چه عالمان و پژوهندگان همه کشورهای اسلامی به این کتابخانه می آیند و از کتاب های نفیس آن بهره می برند.

بعد فرهنگی این کاربرد در آن است که این مکان را که تاریخ فرهنگی بلندی دارد به مشعل دانش و معرفت در بلدالامین تبدیل کرده است. شایسته است از این مکان نگهداری شود تا یکی از آثار فرهنگی امت اسلام در عصر حاضر به شمار آید که از میان این آثار فری جایگاه بر جای مانده است.

۲۰. کتابخانه مکه مکرمه از رهگذر این کاربرد فرهنگی، در پنجاه سال گذشته و از زمان تأسیس آن تا به امروز، خدمات علمی و معرفتی ارزشمندی انجام داده است؛ زیرا افزون بر بیست کتابخانه شخصی علمای بزرگ مکه و ادیبان این دیار را در خود جای داده است و نشریات کمیاب و نسخ خطی را از سطح جهان گردآورده است.

۱- خواننده هوشیار عنایت دارد که مؤلف محترم در صفحه ۱۰۵، ۱۲۸ - ۱۳۰ تصریح نموده است که کار تبدیل زادخانه نبوی (ص) به کتابخانه به درخواست و هزینه خانواده یوسف قطان (مالک خانه) بوده است، نه عبدالعزیز. وی تنها با این کار موافقت کرده است. - م.

۲۱. موقعیت بی همتای این کتابخانه و مکان تاریخی آن با آن اشارات و القائات معنوی و ایمانی، تاریخ زنده ای به شمار می آید که شایسته است با منظری ظاهر شود که درخور جایگاه اسلامی و تاریخی آن است و نیز شایسته است در راه تحکیم عقاید صحیح اسلامی و کارآیی فعالیت های علمی و تبلیغی به کار گرفته شود.

این ساختمان باید از درون و بیرون، چنان بازسازی شود (۱)که مرکزی فرهنگی شود برای عالمان و ادیبان و اندیشوران و دانشجویانی که از سراسر جهان اسلام به مکه مکرمه می آیند. این مرکزیت با شأن و جایگاه برجسته این مکان در تاریخ اسلام، سازوار است و این نکته ای است که پیش از این علمای بزرگ سلفی درباره این شهر و دیگر شهرها، توصیه و از آن حمایت کرده اند.

۲۲. نگهداری از این مکان تاریخی مبارک که ساختمان و وضعیت مستقلی دارد و دیگر مکان های تاریخی مکه مکرمه و بهره گیری دینی و علمی - عقلانی و مدنی - فرهنگی از آنها، پاس داشت احساسات و عواطف مسلمانان و یادآوری آغاز تاریخ اسلام و نیرنگ های فریبکارانی است که مسلمانان در راه گسترش اسلام با آنها روبه رو می شدند و امروز هم امت با بخشی از آنها مواجه است که در حال حاضر به یادآوری آنها نیاز نیست.

۲۳. بدون دلیل معتبر، تردید رواداشتن در صحت مکان هایی که تواتر علمی و محلی بر درستی آنها وجود دارد، دسیسه ای است برای فسردن احساسات دینی، و جهالت نسبت به تاریخ و جنایتی علیه حقایق مسلم و ثابت شده.

۲۴. غلو با تجاوز از حد مشروع، و سخت گیری با سبک سری و بلاهت، هیچ یک از اسلام نیست بلکه از سنن و رهنمودهای اسلام بسیار به دور است و با اسلام و آسان گیری و حقیقت آشکار آن نمی سازد.

۱- این اشارت نیز اعتراف بل اعتراض به بی توجهی آل سعود به مکان های تاریخی مکه مکرمه و خاصه زادخانه نبوی (ص) است. - م.

۲۵. اعتدال و میانه روی در همه چیز شعار اسلام است. پس عبودیت جز برای خداوند نیست و بزرگ داشت هر کس که خدا او را بزرگ داشته، بزرگ داشت خداوند، و گرامی داشت هر کس که خدا او را گرامی داشته است، گرامی داشت خداوند است. و هر چه در این روند از حقیقت اسلام بیرون نرود و از قدرت خداوند درنگذرد، از این دست است.

پیوست

شرح حال عالمانی که در بحث مکان های تاریخی [مکه مکرمه] از آنها یاد شده است

اشاره

در این جستار شرح حال برگزیده ای از فقیهان صاحب نظر در موضوع زیارت مکان های تاریخی و بیان حکم شرعی آن پیش رو نهاده می شود، خواه مخالف و خواه موافق، زیرا هر کس را دیدگاه و اجتهادی است. (۱)

از جمله اموری که شایسته است خواننده از آن غفلت نورزد آن است که این گروه از مؤلفان، چه مخالف و چه موافق، با بدعت ها و امور تازه ای که در شرع شاهدی بر آنها نیست، با قلب و قلم مبارزه کرده اند و در این باره آثاری فراوان پرداخته اند. آنان عالمانی اند که در علم و عقیده مورد وثوقند، گرچه دیدگاه ها و روش های استدلالی آنها گوناگون است.

خواننده، همه اینها را در شرح حال این عالمان خواهد دید. آنان در نوشته هایشان، نسبت به بدعت هایی که دامنگیر عقاید اسلام گشته است، مواضعی قاطع گرفتند.

نکته دیگر برای رهنمود خواننده کتاب آن است که استنادات و تأییدها و تصدیق هایی که تا کنون در این کتاب صورت گرفته و نیز شرح حال هایی که در پی

۱- دیدگاه این نخبگان پیشتر آمد. - م. * این یادآوری را مترجم از متن به پانوشت آورد. - م.

خواهـد آمـد، همگی از محققان کتب است و آنچه به این قلم منسوب است، تنها نقل و اقتباس اسـتنادات و تأییـدها و تصـدیق هاست.

۱. ابوولید محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی (در. ۲۵۰ه. ق)

مؤلف کتـاب اخبـار مکه و مـا جـاء فیهـا من الآثـار، چاپ رشـدی و صالـح ملحس، (چاپ سوم، مکه مکرمه، مطابع دارالثقافه، ۱۳۹۸ه. ق) .

حاجی خلیفه در کشف الظنون می گویـد: «امام ابوولیـد محمد بن عبدالکریم ازرقی در گذشته در ۲۲۳ه. ق است. او نخستین کسـی است که در تاریخ مکه کتاب نوشت. خلاصه کتاب او زبده الاعمال نام دارد.» [که در قرن هشتم و به قلم سعدالدین بن عمر ابن محمد بن علی اسفراینی مکی تهیه شده است. نام کامل این خلاصه: زبده الاعمال و خلاصه الافعال است]. (۱)

[ولادت ازرقی:] از تاریـخ زادن ازرقی اطلاع دقیقی در دسـت نیسـت و هیـچ یـک از مورخـان بـه آن اشـاره نکرده انـد، زیرا پیشینیان به طور کامل از شرح حال او غفلت ورزیده اند و شرح حالی که از او به ما رسیده روایت [متأخران] (۲)است.

[درگـذشت ازرقی:] تاریخ درگذشت ازرقی هم به طور دقیق ثبت و ضـبط نشده است. حاجی خلیفه درگذشت او را در ۲۲۳ ذکر کرده است (۳)و ابن عزم تونسـی (۴)[۸۱۶ -۸۹۱ه. ق] می گویـد: سال درگـذشت او ۲۱۲ است. امـا هر دو ره گم کرده اند؛ چرا که ازرقی چند ده سال پس از این تاریخ درگذشـته است. فاسی در کتاب العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین] یادآور شده است که ازرقی در روزگار منتصر [عباسی] زنده بوده است. (۵)

۱- کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۳۰۶. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۲۱ به غلط آمده است: «من روایه الآخرین» . - م.

۳- کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۰۶. - م.

۴- مؤلف محـترم به کتـاب ابن عزم تونسـی اشـاره نکرده است. مـترجم احتمـال می دهـد مؤلف محترم از نسـخه خطی کتـاب دسـتور الإعلام بمعارف الأعلام ابن عزم اسـتفاده کرده باشد. در ایران بل جهان، هیچ اثری از ابن عزم به چاپ نرسیده است. - م.

۵- العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین، فاسی]، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۳. نیز بنگرید به: الاعلام، زرکلی، ج ۶، ص ۲۲۲.

۲. ابوعبدالله محمد بن اسحاق بن عباس فاکهی

نویسنده کتاب اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه. چاپ عبدالملک بن عبدالله بن دهیش (چاپ اول، مکه مکرمه، مکتبه و مطبعه النهضه الحدیثه، ۱۴۰۷ه. ق) .

زندگی فاکهی: ابن حجر در پایان کتاب تغلیق التعلیق علی صحیح بخاری، بخش بلندی درباره بخاری پرداخته است و در آن ذیل فصلی با عنوان «فصلی در ذکر کسانی که از بخاری روایت کرده اند» از گروهی یاد کرده است که از کتاب های بخاری روایت کرده اند. سپس گفته است: از جمله حافظان (یعنی کسانی که از بخاری روایت کرده اند) معاصران او و پس از آنها ابوزرعه و ابوحاتم و ابراهیم بن اسحاق حربی است. سپس شماری از حافظان را برمی شمارد و می گوید: «محمد بن اسحاق فاکهی، صاحب اخبار مکه [فی قدیم الدهر و حدیثه]. ابن حجر، فاکهی را از حافظانی دانسته است که از بخاری روایت کرده اند.» (۱)

کسب دانش و سفرهای [فاکهی در پی دانش]: فاکهی بسیار زود به دانش آموزی و به خدمت استادان رسیدن و فراگیری از آنها پرداخت. او در کتابش تصریح می کند که خدمت پاره ای از استادانش در مکه می رسیده که اهل مکه نبوده اند.

فاکهی به فراگیری از کسانی که در مکه بودند - چه استادان مکی و چه درآمدگان به آن - بسنده نکرد و در پی دانش به مراکز علمی سفر کرد که در آن روزگار از شهرتی بسزا برخوردار بودند. از کتاب او برمی آید که به بغداد سفر کرده و از احمد بن عبدالجبار عُطاردی (در. ۲۷۲ه. ق) استماع نموده است. همچنان که به کوفه سفر کرده و از اسماعیل بن محمد اَحَمَسی استماع نموده است. او به صنعا هم سفر نموده و نزد محمد بن علی نجار و ابراهیم بن احمد یمانی به استماع پرداخته است. (۲)

۱- [تغلیق التعلیق علی صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی]، ج ۵، ص ۴۳۷ - ۴۳۹. * در پانوشت دوم متن مبدأ صفحه ۱۲۱ آمده است: «تعلق التغلیق» . - م.

۲- مؤلف محترم در متن مبدأ صفحه ۱۲۲، پنج بار به مرجعی با عنوان الاثر ارجاع داده است، اما از مؤلفی نام نبرده است. مترجم برای یافتن کتابی با این نام بسیار جستجو کرد اما کام نیافت. سپس چون به مقدمه ابن دهیش بر کتاب اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه مراجعه کرد تا شاید گره گشوده گردد دریافت که ابن دهیش در مقدمه کتاب (صفحه ۴۴) می گوید: کتاب فاکهی در بردارنده ۳۰۰۰ حدیث و اثر است. سپس در شرح شیوه کار فاکهی در این کتاب، به متن خود کتاب استناد می جوید و مثلاً می گوید: در اثر (الاثر) ۲۰۱۱ چنین گفته است و در اثر (الاثر) ۱۹۱۸ چنان. روشن است که ابن دهیش از کتابی با عنوان الاثر یاد نکرده است. - م. * مؤلف محترم در شرح حال فاکهی از مقدمه ابن دهیش سود جسته و عجیب است که درنیافته است مراد ابن دهیش از الاثر، خبر یا اثری است که فاکهی در اخبار مکه نقل کرده است؛ از این رو در پی این خطای فاحش، در متن مبدأ (صفحه ۱۲۲) می گوید: «قال فی الاثر، ص ۵۷۶، یا انظر الاثر، ص ۱۰۵۳، یا الاثر، ص ۱۹۰۴، . . .» . مترجم این ارجاعات ناصواب و گمراه کننده را حذف کرد. - م.

جایگاه اجتماعی فاکهی: از آنچه او در کتابش نگاشته است بر می آید که وی از شخصیت های معتبر مکه بوده است. برخی از اخبار می رساند که وی - به ویژه پس از بلوغ علمی - از بزرگان مکه بوده است. فاکهی در این کتابش مکان ها و محل هایی را توصیف کرده است که دانش طلب معمولی نمی توانسته است بدان ها برسد یا آنها را ببیند. نیز وی از رویداها و نامه نگاری هایی میان حاکمان یاد کرده است که جز خواص بدان ها آگاه نمی شده اند.

مشایخ فاکهی: وی در جلد دوم کتاب اخبار مکه [فی قدیم الدهر و حدیثه] از ۲۳۱ شیخ روایت کرده است. میزان روایت او از این شیوخ یک اندازه نیست.

او از پیشوایان حدیثی ای که از بزرگانند و به حفظ و اتقان و عنایت به حدیث شهره بوده اند، روایت کرده است کسانی چون: محمد بن اسماعیل بخاری، مسلم بن حجاج، ابوحاتم رازی، ابوزرعه جرجانی، احمد بن حمید صیدلانی، ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، اسحاق بن منصور کوسج، حسن بن عرفه عبدی، عباس بن محمد دوری، عمرو بن علی فلاس، زبیر بن بکار و دیگران.

اهمیت کتاب فاکهی: ابن حجر از این کتاب آگاه بوده و در بسیاری از آثارش از آن استفاده کرده و اسناد روایات را به او رسانده و گفته است: کتابی است نفیس در پنج جزء. (۱)فاسی در کتاب شفاء الغرام [باخبار البلد الحرام] می گوید: در کتاب فاکهی، مطالب فراوان و بسیار سودمندی هست که غیر از مطالب کتاب ازرقی و کتاب

۱- تغلیق التعلیق، [ابن حجر عسقلانی]، ج ۵، ص ۴۷۱.

ماست. (۱)فاسی با این بیان معلوم می دارد که محتوای کتاب فاکهی گسترده است و بر مطالب علمی و تاریخی و ادبی کتاب ازرقی و نیز کتاب فاسی شفاء الغرام [باخبار البلدالحرام] می چربد. این در حالی است که این دو کتاب از بزرگ ترین آثار پرداخته شده در این زمینه اند.

اگر بخواهیم اهمیت کتاب فاکهی را دریابیم، باید به متون فراوانی که فاکهی از کتاب های مفقود شده در این کتاب برای ما نگاه داشته است، اشاره کنیم.

درگذشت فاکهی: فاسی در کتاب العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین] می گوید: نمی دانم چه زمانی از دنیا رفته است، اما تا ۲۷۲ زنده بوده است؛ زیرا ماجرایی را از این سال درباره مسجدالحرام باز گفته است. (۲)و (۳)

۳. ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی [حدود ۵۱۰ – ۵۹۷ه. ق]

نگارنده کتاب مثیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن. چاپ مصطفی محمد حسین ذهبی (چاپ اول، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۵ه. ق) .

[نام و نسب ابن جوزی:] مصحح کتاب در معرفی نگارنده آن می گوید: «نسب امام ابن جوزی و لقب او: وی جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد بن علی بن عبیدالله بن عبدالله بن حماد بن احمد بن محمد بن جعفر بن عبدالله بن قاسم بن نضر ابن قاسم بن محمد بن عبدالله بن فقیه عبدالرحمان بن فقیه قاسم بن محمد بن خلیفه رسول خدا (ص) ابوبکر صدیق قرشی تیمی بکری بغدادی حنبلی است.»

وی در ادامه به پژوهشی دامن فراخ درباره ابن جوزی پرداخته است که به اندکی از

۱- شفاء الغرام [باخبار البلد الحرام، فاسی]، ج ۱، ص ۳۲ – ۳۳. – م. * در متن مبدأ پانوشت دوم صفحه ۱۲۳ آمده است: «شفاء الغرام، ج ۱، ص ۴» . – م.

۲- العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، فاسی، ج ۱، ص ۹ – ۱۲، ۱۴، ۳۱، ۳۳، ۳۱۰، نیز بنگرید به الاعلام، زرکلی، ج۶، ص۲۸.

۳- در صفحه ۱۸۹ همین اثر اشاره شد که فاکهی از احمد بن جبار عطاردی (در. ۲۷۲ه. ق) استماع حدیث نموده است. این خود دلیلی است روشن بر زنده بودن وی تا تاریخ یاد شده. – م.

آن اشاره می کنیم تا خواننده با پیشوایی او آشنا شود.

ولادت ابن جوزی: ابن جوزی، در بغداد و در محله درب حبیب زاده شد. درباره زمان ولادت او پنج قول مختلف وجود دارد و از ۵۰۸ تا ۵۱۲ه. ق را ذکر کرده اند.

مذهب فقهی ابن جوزی: وی حنبلی و دارای گرایش تند به حنبلیان است. این مطلب از موارد مکرری در سخنان او در کتاب هایش به ویژه دو کتاب مناقب الامام احمد، و المنتظم [فی تاریخ الملوک و الامم] برمی آید.

شیوخ ابن جوزی: ابن جوزی بنابر رویه علمای قدیم به طور عام و محدثان به طور خاص، مشایخ بسیار داشته است. وی مشایخش را در کتاب مشیخه ابن الجوزی معرفی کرده است. ۸۶ نفر از آنان مرد و ۳ نفر زن بوده اند.

ستایش بزرگان از ابن جوزی: حافظ ذهبی درباره ابن جوزی می گوید: «واعظ ذوفنون، صاحب آثار فراوان و مشهور در دانش های گوناگون چون تفسیر و حدیث و فقه و موعظه و اخبار و تاریخ و جز اینهاست. از کودکی وعظ می کرد و در موعظه از همالان پیش افتاد. نیک شعر می سرود. آن مایه به خط خود نوشت که در شمار نیاید و چنان مقبول و محترم بود که از آن فراتر نمی شود.» (۱)

ابن خلکان درباره وی می گوید: «علامه روزگار خویش و در حدیث و فن خطابه و وعظ سرآمد دوران خود بود. او در بسیاری از علوم کتاب نوشت و آثارش بی شمار است.» (۲)

عمادالدین اصفهانی می گوید: «واعظی است عبارت پرداز، نیک اشارت، که دلبسته جناس (۳)در گفتار، و شیفته رامش در اندرز است و گفته اش در دل ها نشنید. شیرین شمایل است و موزون رفتار.» (۴)

۱- العبر فی خبر من غبر [ذهبی]، ج ۴، ص ۲۹۷ – ۲۹۸.

۲- وفیات الاعیان، [ابن خلکان]، ج ۲، ص ۳۲۱.

۳- به کار بردن دو یا چند واژه با شکل واحد و معانی مختلف. – م.

۴- خریده القصر و جریده العصر، [عماد الدین اصفهانی]، ج ۲، ص ۲۶۱.

ابومظفر سبط ابن جوزی می گوید: «از دنیا روی گردان بود و آن را کوچک می شمارد و هفته ای یک بار قرآن را دوره می کرد و از خانه بیرون نمی رفت مگر به مسجد جامع برای نماز جمعه و مجلس. هرگز با کسی شوخی نمی نمود و [در کودکی در کوچه] (۱)با کودکان بازی نمی کرد و شبهه ناک نمی خورد و بر این روش بود تا درگذشت.» (۲)

ابن کثیر او را چنین وصف می کند: «یکی از مهتران عالمان است که در بسیاری از دانش ها چیره و از دیگران سر بود و نزدیک به سیصد کتاب کوچک و بزرگ گرد آورد و به دست خود نزدیک به دویست جلد کتاب پرداخت. او در همه دانش ها استاد بود و در علوم رایج چون: تفسیر و حدیث و تاریخ و حساب و نجوم و پزشکی و فقه و علومی دیگر مانند لغت، نحو و. . . آثاری به جا گذاشت.» (۳)

ابن تیمیه می گوید: «بیش از هزار کتاب از او برشماردم و پس از آن آثاری از او دیدم که در شمار نیاورده بودم.» (۴)

ابن رجب [حنبلی] می گوید: «وقتش را بر باد نمی داد و روزانه چهل صفحه می نگاشت و سالانه از نوشته های او پنجاه تا شصت جلد برهم چیده می شد. او در همه علوم تألیف دارد.» (۵)

موفق مقدسی می گوید: «ابن جوزی در وعظ، امام روزگار خود بود. او در انواع علوم آثاری نیکو پرداخت و ذوفنون بود و در فقه تدریس و تألیف می کرد.» (۶)

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۲۵ آمده است: «ولاـ لعب مع صبی» و به مرآه الزمان سبط ابن جوزی ارجاع داده شده است. مرآه الزمان در دسترس مترجم نبود تا با نقل مؤلف محترم تطبیق داده شود، اما در البدایه والنهایه (ابن کثیر، ج ۱۳، ص ۳۲) آمده است: «در کودکی با کودکان بازی نمی کرد» ؛ خود ابن جوزی هم در لفته الکبد فی نصیحهالولد، ص ۳۶ گفته است: «به یاد ندارم هرگز در کوچه با بچه ها بازی کرده باشم» . از این رو، ترجمه براساس سخن خود ابن جوزی صورت پذیرفت. - م.

۲- مرآه الزمان، [سبط ابن جوزی]، ج ۸، ص ۴۸۲.

۳- البدایه و النهایه، [ابن کثیر]، ج ۱۳، ص ۳۱.

۴- بنگرید به: الذیل علی طبقات الحنابله، [ابن رجب حنبلی]، ج ۳، ص ۴۱۵.

۵- [الذیل] علی طبقات الحنابله، [ابن رجب]، ج ۳، ص ۴۱۷.

۶- مؤلف نشانی نداده است. از موفق مقدسی، تنها کتاب التوابین شناسایی شد اما در اختیار نیست. - م.

داودی، ابن جوزی را چنین ستوده است: « امـام علامـه، حافـظ عراق و واعـظ آفاق، صاحب آثار بنام در دانش های گوناگون چون: تفسیر و حدیث و فقه و وعظ و زهد.» (۱)

ابوالخیر محمـد بن جزری در ستایش او می گویـد: «امـام حافـظ ابوالفرج بن جوزی. . . ده گـانه را نزد علی ابوبکر محمـد بن حسین مزرفی تلاوت کرد.» (۲)مرادش آن است که ابن جوزی حفظ قرائت های ده گانه قرآن را بر علوم و معلوماتش افزود.

جایگاه علمی ابن جوزی: وی به یک دانش بسنده نکرد. خودش در این باره می گوید: «به دانشی یگانه بسنده نکردم بلکه فقه و حـدیث می خوانـدم و در پی زاهدان بودم و پس از آن به ادبیات عرب پرداختم. هیچ یک از محدثان و واعظان تازه وارد به شهر را رها نمی کردم مگر اینکه به محضرش می رسیدم و [از] فضایل او برمی گرفتم.» (۳)

وی چنان که ذهبی یادآور شده است، در تفسیر از بزرگان به شـمار بود و در مجالس وعظ، کل قرآن را تفسیر نمود. خودش می گویـد: «از زمان نزول قرآن، واعظی را نمی شـناسم که همه قرآن را در مجلس وعظ تفسیر کرده باشـد.» از برجسته ترین آثار تفسیری ابن جوزی، کتاب المغنی است که آن را در زاد المسیر فی علم التفسیر، خلاصه کرده است. مغنی در نه مجلد به چاپ رسیده است.

او در علم حـدیث هم [اسـتاد است] و از حافظان حدیث به شـمار می رود. وی تنها یازده سال داشت که در علم حدیث کتاب نوشت و پیش از این - چنان که خودش می گوید - به استماع حدیث پرداخت.

ابوعبـدالله دبیثی می گویـد: «شـناخت حـدیث و علوم آن و آگـاهی از صـحیح و سـقیم آن به او انجامیـده است و او در زمینه مسانید حدیث و ابواب آن و رجال و دیگر اموری که در [حدیث پژوهی] بدان ها نیاز است آثاری پرداخته است.» (۴)

۱- طبقات المفسرین، [داودی]، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲- غایه النهایه فی طبقات القراء، [ابن الجزری]، ج ۱، ص ۳۷۵.

۳- صید الخاطر، [ابن جوزی]، ص ۱۳۵؛ و لفته الکبد [فی نصیحه الولد]، [ابن جوزی]، ص ۲۴.

۴- به نقل از [سیر] اعلام النبلاء، [ذهبی]، ج ۲، ص ۳۷۳؛ مرآهالزمان، [سبط ابن جوزی]، ج ۸، ص ۷۸۲.

ابن ساعی می گوید: «از بسیاری نقل حدیث کرده است و مردم از او حدیث استماع کرده اند و از او بهره برده اند. او بی شمار کتاب نوشته است. اعلام احادیث مسند را گرد آورده است و احادیث ضعیف و واهی را معلوم داشته است.» (۱)

از مهم ترین آثار او در حدیث، جامع المسانید، الحدائق، الموضوعات، العلل المتناهیه را می توان نام برد.

ابن جوزی در وعظ بسیار استاد بود و حتی گفته اند که او عالم عراق و واعظ آفاق است. وی وعظ را در نه سالگی آغاز کرد که نشانه حافظه نیرومند و حضور ذهن و هوش سرشار و نبوغ زودرس اوست. در مجالس موعظه او مردمی بسیار گرد می آمدند و به سخنش گوش می سپاردند و متأثر می شدند. وی درباره تراز تأثیر سخنش در مردم می گوید: «خداوند بیش از اندازه دل مردم را پذیرای من ساخته و سخنم را در آنان گیرا کرده است، در درستی سخنانم شک روا نمی دارند. نزدیک به دویست تن از اهل ذمه به دست من ایمان آوردند. در مجالس وعظ من افزون بر یکصد هزار [نفر] توبه کردند. من بیش از بیست هزار وادی هموار را که بی خبران از آنها در رنج بودند پیمودم.» (۲)و (۳)و (۴)

ابن رجب می گوید: «مجالس وعظ او بی نظیر بود و مانند آنها شنیده نشده است. این مجالس بسیار سودمند بوده است و غافلان [در آنها] (۵)به خود می آمدند و جاهلان می آموختند و گناه کاران توبه می کردند و مشرکان مسلمان می شدند.» (۶)

شاید از شاخص ترین آثار او در موعظه التبصره، المنتخب، المدهش، بحر الدموع، بستان الواعظین و ریاض السامعین باشد.

۱- الجامع المختصر، ابن الساعی، ج ۹، ص۶۶.

۲- لفته الکبد [فی نصیحه الولد]، [ابن جوزی]، ص [۳۷]. * در پانوشت اول صفحه ۱۲۷ متن مبدأ به خطا آورده است: «ص ۲۵۱» . - م.

۳- یعنی مسائلی بسیار به دیگران آموختم. - م.

۴- و قد قطعت عشرین الف سالفاً مما یتعاناه الجهال. - م.

۵- در متن مبدأ صفحه ۱۲۷ به غلط آمده است: «یتوب غیها. . .» . - م.

۶- الذیل علی طبقات الحنابله، ابن رجب، ج ۳، ص ۶۱۰.

اما در حوزه فقه، بی تردید وی فقیه است و چگونه نباشد حال آنکه واعظ و مفسر و حافظ حنبلی مذهب و در پاره ای از دیدگاه ها مجتهد است. ابن رجب درباره اش گفته است: مدرس مدرسه یعنی مدرسه فقه حنبلی بوده است. بهترین آثار فقهی او عبارتند از: الانصاف فی مسائل الخلاف، عمده الدلائل فی مشهور المسائل، المذهب فی المذهب، مسبوک الذهب، المنفعه فی المذاهب الاربعه و جز اینها.

در حوزه تاریخ هم وی مورخی ماهرنگار است و چیزی چون کتاب المنتظم او بر این امر گواه نیست. وی در منقبت نگاری هم دست داشته و مجموعه ای تاریخی و تخصصی در این زمینه پدید آورده است، از آنهاست. مناقب احمد بن حنبل، مناقب الحسن البصری، مناقب عمر بن خطاب، مناقب عمر بن عبدالعزیز، مناقب سفیان الثوری، مناقب ابراهیم بن ادهم و جز اینها.

اینها گذشته از نبوغ او در ادبیات و لغت و شعر است. ذهبی می گوید: «شعر تر سروده است و به خط خود آن مایه نوشته است که در شمار نیاید. وی فوق العاده مورد پذیرش و احترام واقع شده است.» (۱)از ابوشامه نقل است که اشعار ابن جوزی ده جلد است و شعرش نیکوست گرچه آکنده از محسنات بدیعی است. از ابن جوزی کتابی با عنوان المقامات چاپ شده است (۲)[که در بردارنده مقامه ها و خطبه های او در مجالس گوناگون است].

آثار ابن جوزی: کتاب های او فراوان و بیش از هزار عنوان است. ابن تیمیه می گوید: «شیخ ابوالفرج متضلع است و آثار بسیار در موضوعات فراوان دارد. من آنها را برشماردم فزون بر هزار بود و بعدها آثار دیگری از او دیدم که ندیده بودم.» (۳)

علوجی کتاب وزینی پرداخته است با عنوان مؤلفات ابن الجوزی و در آن، آثار او را

۱- العبر فی خبر من غبر، ذهبی، ج ۴، ص ۲۹۷ - ۲۹۸. * در متن مبدأ پانوشت اول صفحه ۱۲۸ آمده است: «العبر فی خیر. . .» . - م.

۲- مؤلف محترم نشانی نداده است. - م.

۳- بنگرید به: الذیل علی طبقات الحنابله، ابن رجب حنبلی، ج ۳، ص ۴۱۵. - م.

گرد آورده و اشاره کرده است که سی کتاب از آثار او چاپی و ۱۳۹ عنوان از آثارش خطی و موجود و ۲۳۳ عنوان از آنها مفقود است. برخی از دوستان بر کتاب علوجی استدراکی نوشته اند و به کتاب هایی دیگر از ابن جوزی اشاره کرده اند. (۱)

درگذشت و خاکسپاری ابن جوزی: خداوند عمر این امام گرانمایه را بلند گردانید. او در بغداد با احترام و بزرگی زیست و در شب جمعه دوازدهم رمضان سال ۵۹۷ه. ق بین مغرب و عشا در خانه اش واقع در محله قطفتا [در شرق] بغداد درگذشت. (۲)[جنازه او بر دوش مردم حمل شد. جمعیت بسیار انبوه بود. در باب حرب کنار پدرش نزدیک احمد بن حنبل به خاک سپرده شد. قیامتی بود حتی گفته شده است در اثر ازدحام جمعیت و شدت گرما گروهی از مردم تلف شدند]. (۳)

۴. یحیی بن شرف نووی ([۶۳۱] – ۶۷۶ه. ق)

۴. یحیی بن شرف نووی ([۶۳۱ (۴)] – ۶۷۶ه. ق)

صاحب کتاب الایضاح فی مناسک الحج و العمره. همراه با کتاب الافصاح علی مسائل الایضاح علی مذاهب الائمه الاربعه و غیرهم اثر عبدالفتاح حسین راوه مکی (چاپ دوم، مکه مکرمه، المکتبه الامدادیه، ۱۴۱۴ه. ق) .

عبدالفتاح حسین راوه در شرح حال نووی می گوید: «او امام علامه شیخ الاسلام، استاد متأخران و حجت خدا بر آیندگان و دعوت کننده به راه گذشتگان و شارح مذهب شافعی و تهذیب و تنقیح کننده و سامان بخش آن است. او فقیه محدثان و محدث فقیهان، حافظ ابوزکریا یحیی بن شرف بن موسی بن حسن بن حسین بن حزام بن محمد بن جمعه نووی شافعی است.»

ولادت نووی: او در دهه نخست محرم سال ۶۳۱ه. ق در نوی یکی از روستاهای

۱- مؤلفات ابن الجوزی، علوجی. - م.

۲- [مثیر الغرام الساکن الی اشرف الاماکن، ابن جوزی، (مقدمه محقق)]، ص ۹- ۱۷. - م. * در صفحه ۱۲۸ متن مبدأ تنها آمده است «ص ۹ – ۱۷» . - م.

۳- البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۱۳، ص ۳۳. - م.

۴- در متن مبدأ صفحه ۱۲۸ آمده است: «۶۱۳ – ۶۷۶ ه ». - م.

دمشق در ارتفاعات جولان به دنیا آمد و در آن بالید و قرآن کریم را حفظ کرد.

مهارت نووی در علوم گوناگون: او در علوم گوناگون استاد بود از این رو در فقه شافعی و متون حدیثی و علم رجال، مرجع و تکیه گاه دیگران بود. نووی جامع روایت و درایه بود و در میان مردمان روزگار خود در شناخت و حفظ و ثبت و ضبط احادیث رسول خدا (ص) و اطلاع از روایات صحیح و غیرصحیح و سند روایات سرآمد بود. پس نووی فقیه محدثان و محدث فقیهان است. بلکه وی چهره ای تابناک و بی رقیب و محل رجوع و مورد اعتماد مردم بوده است.

تدریس نووی: وی چون مقدمات حدیث و فقه را آموخت، به تدریس این دو درس در مدرسه اقبالیه که جمال الدین اقبال در سال ۶۰۳ه. ق تأسیس کرده بود پرداخت. سپس به تدریس در مدرسه رکنیه که رکن الدین منکورس درست کرده بود و مدرسه خلفیه که خلف الدین سلیمان بنا کرده بود مشغول شد. پس از این، مسئولیت اداره دارالحدیث را در سال ۶۶۵ه. ق گردن نهاد و در ازای این خدمت هیچ مزد نستاند تا درگذشت.

ویژگی های نووی: وی بسیار پرهیزگار و زاهد بود. ذهبی می گوید: «او نه اندوخته ای داشت نه اهل رفاه و برخورداری بود و در عین حال جانب خداترسی و خرسندی و پرهیزگاری و مراقبت برای خدا در پیدا و پنهان را نگاه می داشت و خواهش های نفس چون پوشاک تمیز و خوراک لذیذ و ظاهر آراسته را فرو نهاده و خوراکش نان خشک با نان خورشی ساده و اندک بود و پوشاک او جامه ای پنبه ای با بالاپوشی از سختیان نازک [پوست دباغی شده بز] بود.» (۱)

نووی از میوه دمشق نمی خورد؛ چه در باغ آن نیرنگ و شبهه بود. او از آنچه [پدرش از نوی] برایش می فرستاد [می خورد] (۲). در شبانه روز جز یک وعده پس از عشای

۱- تذکره الحفاظ، ذهبی، ج۲، ص۱۷۴. - م.

۲- برخلاف متن مبدأ صفحه ۱۳۰ که می گوید: «و کان لا یتقوت مما یأتی من بلده من عند والدیه» ، در بدایه ابن کثیر (ج ۱۳، ص ۲۹۴) آمده است: «و کان غالب قوته مما یحمله الیه ابوه من نوی» ترجمه براساس متن مادر صورت گرفت. - م.

دوم غذا نمی خورد و مگر یک بار در سحر آب نمی نوشید. ازدواج نکرد و بسیار شب زنده دار بود و [روزگار] به عبادت و کتابت می گذراند. از این رو سُبکی درباره وی می گوید: «او سالار و (در برابر زنان) خویشتن دار و زاهد است و اگر دینش آباد گردد در بند ویرانی دنیا نیست. اهل زهد و خرسندی و پیروی از پیشینیان اهل سنت و جماعت و پایداری در انواع خیر است و ساعتی را بی طاعت نمی گذراند. در بحث با عالمان و دیگران آرام و بردبار است. به معروف فرامی خواند و از منکر بازمی دارد و به شاهان و امیران امر به معروف و نهی از منکر می کند و از راه نامه به آنان پند می دهد که با مردم به داد روند و باج گیری از خریدار و فروشنده را کنار نهند و حقوق افراد را به آنان باز پس دهند.» (۱)ابوالعباس بن فرج می گوید: سه مقام عالی به شیخ [نووی] روی آورد که اگر هر یک از آنها از آن کسی بود، سخت مورد توجه قرار می گرفت: علم و زهد و امر به معروف و نهی از منکر. (۲)

درگذشت نووی: او در پایان عمرش پس از حج گزاردن و زیارت قدس و مزار خلیل (ع) به زادگاهش نوی نزد پدر و مادرش رفت و در آنجا بیمار شد و در شب چهارشنبه ۲۴ رجب سال ۶۷۶ ه. ق درگذشت. (۳)

۵. حافظ ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر محب الدین طبری مکی (۶۱۵ – ۶۹۴ه. ق)

نگارنده کتاب القری لقاصد ام القری. چاپ مصطفی سقا (چاپ دوم، [قاهره]، شرکه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، ۱۳۹۰ه. ق) .

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۳۰ پایان سخن سبکی معلوم نشده است. – م. * متن یاد شده از سبکی نیست. مصحح کتاب در پانوشت (طبقات الشافعیه الکبری، ج۸، ص۳۹۷) از دیگر آثار سبکی مطالبی آورده است. – م.

۲- مؤلف محترم ارجاع نداده است. – م.

۳- [الایضاح فی مناسک الحج و العمره، نووی، (مقدمه محقق)]، ص۵ – ۹. – م. * در پاورقی صفحه ۱۳۱ متن مبدأ، تنها آمده است: «ص ۵ – ۹» . – م.

[نام و نسب طبری:] مصطفی سقا محقق کتاب طبری درباره او می گوید: «نویسنده این کتاب یکی از محدثان و فقیهان برجسته شافعیه، حافظ، امام احمد بن عبدالله محب الدین طبری، [مکنی به] ابوالعباس و ابوجعفر، شاخه ای از درختی بزرگ از درختان شرافت و رهبری در دانش و نژاد است که نسبش به [امام] حسین بن علی بن ابی طالب۸ می رسد. ریشه اینان در طبرستان در شرق ایران پا گرفت و شاخه های آنها به مکه مکرمه در سرزمین حجاز رسید. (۱)محب الدین طبری و عموزادگان او و فرزندان و نوادگان آنان کرسی تدریس و قضاوت و سخنرانی و امامت حرم شریف مکی را نسل به نسل حدود شش قرن در اختیار داشتند. آنان بزرگ ترین خاندان مکه بوده اند و حتی در میان شرفا که حاکمان مکه بوده اند کسی در اصالت و تبار و نژاد به پای آنان نمی رسد.

زنان این خاندان در برافراشتن مشعل دانش و پیشی گرفتن در فری جایگاهی، به مردان بزرگ شانه می زدند و تاریخ، نام آنان را میان چهره های ماندگار ثبت کرده است.

[جایگاه علمی طبری:] فاسی مورخ مکه در کتاب العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین] می گوید: او آثار ارزشمندی در علوم گوناگون دارد. در اینجا از تاریخ، شهادت هایی را درباره مؤلف و خاندان او که آوازه اش شرق و غرب را گرفته است، بازمی گوییم. جا دارد این مطالب با حروفی از نور نوشته شوند.

[ولادت و تحصیل طبری:] شمس الدین ذهبی، در کتاب تذکره الحفاظ در شرح حال محب الدین طبری می گوید: «امام محدث مفتی، فقیه مکه مکرمه، محب الدین ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر طبری مکی شافعی، مصنف احکام، در سال ۶۱۵ه. ق زاده شد و از ابوالحسن بن مُقیّر بغدادی و ابن جُمّیزی و شُعیب زعفرانی

۱- خاندان طبری، خود را از قریش می دانستند. اجداد آنان در زمان عباسیان به طبرستان هجرت کردند، و در قرن پنجم نوادگان آنان به مکه بازگشتند. ابو مشعر طبری نخستین آنان بود که به مکه بازگشت و از ۴۸۸ه. ق. به تدریس پرداخت. این خاندان از عالمان و خطیبان و امامان حرم بودند و در قرن سیزدهم نسلشان ورافتاد (تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه - ۱۳۴۴ه. ق، احمد سباعی، ترجمه رسول جعفریان، ص۲۷۵) - م.

و عبـدالرحمان بن ابی حِزمی و دیگران استـماع حـدیث نمود، و فقه آموخت و تدریس کرد و فتوا داد و تألیف کرد. او بزرگ شافعیان و محدث حجاز بود.» (۱)

سبکی در طبقات الشافعیه می گوید: «احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر بن محمد بن ابراهیم، حافظ ابوالعباس محب الدین طبری مکی، شیخ حرم و حافظ بی همال حجاز، در جمادی الاخر سال [۶۱۵ه. ق] (۲)به دنیا آمد.» (۳)و (۴)

[درگـذشت طبری:] دمیـاطی اشـعاری از او نقـل کرده است، ابوالحسن عطـار و ابومحمـد ابن برزالی و دیگران نیز از او روایت کرده انـد. وی امـامی درسـتکار و زاهـدی فری جایگاه است. پسـرش قاضـی مکه نیز از او روایت کرده و از روایاتش برای من ارسال داشته است. او در جمادی الاولی [۶۹۴ه. ق] درگذشت. (۵)

[آثار طبری:] برخی از کتاب های محب طبری که ذهبی و سبکی از آنها یاد نکرده اند، عبارتند از:

۱. خلاصه سیر سیدالبشر. (ص)

۲. صـفوه القِرَی فی صـفه حجه المصطفی و طوفه بام القُری، که ۲۲ برگ است و در مجموعه ای در علم تاریـخ (تراجم و سـیر شماره ۴) در دارالکتب المصریه نگه داری می شود.

۳. السمط الثمین فی مناقب امهات المؤمنین، چاپ راغب طباخ در حلب.

۱- تذکره الحفاظ، ذهبی، ج۴، ص ۲۵۵. - م.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۳۲ به غلط و برخلاف کتاب سبکی، ج ۸، ص ۱۸، آمده است: «مولوده سـنه عشر و ستمائه» . - م. * گفتنی است در متن مبدأ صفحه ۱۳۲ مولود را مولد ثبت کرده اند. - م. * نیز مؤلف محترم در صفحه ۱۳۱ درگذشت طبری را ۶۹۴ ه. ق و در صفحه ۱۳۲، ۶۷۴ ه. ق آورده است. - م.

۳- مؤلف محترم سال ولادت طبری را ۶۱۵ ه. ق می داند و در اشاره به نظر مخالف این باور در پانوشت صفحه ۱۳۲ متن مبدأ گفته است: «چنان که گذشت ذهبی وی را متولد ۶۱۶ ه. ق می داند» . حال آنکه در همان صفحه متن مبدأ آمده است: «قال. . . الذهبی فی ترجمته. . . ولد سنه خمس عشره و ستمائه» . - م.

۴- مترجم جای این بند را با بند بعدی عوض کرد و آن را مقدم داشت. - م.

۵- طبقات الشافعیه، سبکی، ج ۸، ص ۱۸، پانوشت محقق کتاب. - م. * در متن مبـدأ صـفحه ۱۳۲ به خطا آمـده است: «توفی فی. . . اربع و سبعین و ست مئه» . - م.

۴. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، چاپ قدمی، مصر، ۱۳۵۶ه. ق.

۵. کتاب فی صفه حجه النبی. (۱)

۶. عزالدین بن جماعه کنانی، عبدالعزیز بن بدرالدین محمد بن ابراهیم دمشقی مصری (۶۹۴ – ۷۶۷ه. ق)

نویسنده کتاب هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک. چاپ نورالدین عتر (چاپ اول: بیروت، دارالبشائر الاسلامیه للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۴م) .

[نام و نسب ابن جماعه:] محقق این کتاب شرح حال مؤلف را این گونه آغاز می کند: او امام عزالدین عبدالعزیز بن امام بدرالدین محمد بن ابراهیم بن سعدالله بن جماعه بن صخر کِنانی حَمَوی دمشقی مصری است.

او به لقب خود یعنی عزالدین مشهور شده است به گونه ای که کاربرد آن در کتاب های تاریخی غالب آمده است. لقب دیگر او به اختصار، عز بن جماعه و کنیه اش ابوعمر است.

کنانی، بیان نسبت او به قبیله عربی کنانه است که به جد دهم رسول خدا (ص) یعنی کنانه منسوب است. نیز به او حموی گفته شده است چون اصل او از حماه است و پدرش بدرالدین محمد بن ابراهیم در سال ۶۳۹ه. ق در آنجا به دنیا آمد. همچنین دمشقی خوانده شده است چون در دمشق متولد شده و مصری اش گفته اند چون در مصر اقامت گزیده است.

ولادت و پرورش ابن جماعه: وی در نوزدهم (۲)ماه محرم (۳)سال ۶۹۴ه. ق (۴)دیده بر

۱- از صفحه ۱۳۳ – ۱۳۵ متن مبدأ (شرح حال ابن تیمیه) حذف شد. برای آشنایی با او از جمله بنگرید به: دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۳، ذیل ابن تیمیه؛ ابن تیمیه حیاته – عقائده، صائب عبدالحمید. – م.

۲- الدرر الکامنه، [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۸۹.

۳- [طبقات الشافعیه، ابن قاضی شهبه]، ج ۳، ص۱۰۱. * در پانوشت دوم و پنجم صفحه ۱۳۶ مبدأ آمده است: «ابن شبهه» . – م.

۴- [طبقات الشافعیه الکبری]، سبکی، ج ۱۰، ص ۷۹.

جهان گشود. او در دمشق و در مدرسه عادلیه کبری در منزل پدرش که قاضی القضاه شام بود زاده شد.

فعالیت علمی ابن جماعه: عزالدین عبدالعزیز بن جماعه در حوزه های گوناگون علمی اعم از آموزش و کاربرد در امر قضاوت و تألیف فعال بود و در زندگی علمی خود به یک بعد بسنده نکرد.

تدریس او از بیست سالگی آغاز شد و تا پایان حیاتش ادامه یافت. ابن قاضی [شهبه] (۱)می گوید: «از چهارده سالگی تدریس می کرد.» (۲)در کتاب الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه] هم آمده است که از چهارده سالگی تا پایان عمر تدریس می کرد. (۳)

پاره ای از مسئولیت های تدریسی او عبارتند از: تدریس در زاویه شافعی در مصر، تدریس فقه در جامع [ابن] طولون، تدریس در جامع اقمر [و دارالحدیث کاملیه] و دیگر مناصب و مسئولیت ها (۴)مانند تدریس در [زاویه] خشابیه (۵)و برپایی سخنرانی. (۶)

او در امر تألیف، دستاوردی فراوان دارد که در مجموع کتاب های ارزشمندی که نگاشته، نمود یافته است. برای ما روشن است که او در تألیف از مجاورت دو حرم [شریف] بسیار بهره می برده است. در پایان نسخه ای به خط مؤلف چنین آمده است: «نگارنده کتاب، عبدالعزیز بن محمد بن ابراهیم بن سعدالله بن جماعه کنانی شافعی - خدا آنان را بیامرزاد - در روز چهارشنبه بیست و دوم صفر سال هفتصد و پنجاه و پنج در مدینه منوره علی ساکنها افضل الصلاه و السلام، نگارش کتاب را به پایان برد.»

عبدالوهاب بن عمر حسینی این متن را که از نسخه ظاهریه است، با نسخه

۱- [هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، ابن جماعه، (مقدمه محقق)]، ص ۲۰ - ۲۱. * در متن مبدأ، صفحه ۱۳۶ - ۱۴۱، ابن شهبه به غلط ابن شبهه ضبط شده است. - م.

۲- [طبقات الشافعیه، ابن قاضی شهبه]، ج ۳، ص ۱۰۱.

۳- الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۸۹.

۴- [طبقات الشافعیه الکبری]، سبکی، ج ۱۰، ص ۸۹.

۵- [طبقات الشافعیه،] ابن قاضی شهبه، ج ۳، ص ۱۰۱.

۶- الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۸۹.

فیروزآبادی مقابله و عیناً نقل کرده است. وی این مطلب را از فیروزآبادی در پایان جلد نخست بازگو کرده، می گوید: این مطلب را به خط مجدالدین [فیروزآبادی صاحب القاموس المحیط] یافتم که مؤلف نگارش کتاب را به انجام رسانده است تا پایان آنچه عیناً نقل کردیم.»

این با سال کناره گیری او [از قضاوت] برای حج و مجاورت در مکه و مدینه یعنی سال ۷۵۴ ه. ق برابر است. (۱)بنابراین حج او در این سال بوده است و ماندن در مدینه و مکه در سال ۷۵۵ ه. ق صورت بسته است. آنان از ماه رجب برای حج گزاردن [از مدینه] خارج می شدند.

عبادت ابن جماعه: عزالدین بن جماعه علم و عمل را با هم از مشایخ خود آموخت. این فراگیری به ویژه از پدر او بوده است که چنان که دریافتیم بزرگان به علم و عمل و پرهیزگاری وی شهادت داده اند. او حتی دستمزد قضاوت را رد کرد، چون خود را بی نیاز می دید و زمانی که سرپرستی مدرسه کاملیه را پذیرفت، شهریه ای را که در دوران طلبگی از آن مدرسه گرفته بود پس داد؛ زیرا دریافت که شرط دریافت شهریه، سکونت در مدرسه است و او در آن ساکن نبوده است.

همچنین می بینیم که عز بن جماعه در زندگی، شیوه اهل تعبد پیشه می کند و بسیار حج می گزارد و به مدینه می رود و از این رهگذر در دو حرم شریف، فضایی برای عبادت و توجه کامل به خداوند برای او فراهم می آید؛ چیزی که در مصر دست نمی داد، چه مصر جای مقام و جامعه و اشتغال فراوان بود. در این محیط، برای تألیف و پژوهش علمی هم فرصت می یافت.

[تلاش های اصلاحی ابن جماعه:] از آنچه وی در زمینه برگزیدن قضات، و مدیریت بر فعالیت قضایی اعمال می کرد، و امر به معروف و نهی از منکر وی در جامعه،

در

۱- [هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، ابن جماعه، (مقدمه محقق)]، ص ۲۰ - ۲۱. * در متن مبدأ صفحه ۱۳۸، تنها آمده است: «ص ۲۰ - ۲۱» . - م.

می یابیم که مرد اصلاحات قضایی و دینی بوده است. نمونه ای از کارهای اصلاحی او را در کتاب حج وی مشاهده می کنیم؛ در این کتاب، بـدعت های مردم روزگار خود را گوشـزد می کند و مردم را از آنها باز می دارد. وی در همین کتاب از تلاش خود برای تغییر منکر و از میان بردن بـدعتی که در راه میان مکه و مدینه دیده است، یاد می کند. وی در باب پنجم می گوید: پس از ایـن منزل و پیش از دشـت بَزوَه، در سـمت راسـت کسـی که به مکه مشـرفه می رود شـکافی در کـوهی است که مردم سودایی آن گشته اند؛ زیرا گمان می کنند حضرت پیامبر (ص) در آنجا بوده است (۱)؛ اما این پنداری بی اساس است.

در سال ۷۴۹ه. ق، پیش از برآمـدن آفتاب از آنجا می گذشـتم، دیـدم گروهی در آنجا گرد آمده و زن و مرد، درهم اند و در آن زمان مکروه (۲)نماز می گزارند. (۳)از برخی از نمازگزاران از نمازی که می گزاردند پرسـیدم، پاسخ دادند، برای گرامی داشت آن منزلگاه [پنداری نبوی] نماز می گزارند. از این کار بازشان داشتم و از تکرار آن بیمشان دادم. (۴)

[فقـاهت ابن جمـاعه:] ابن جمـاعه، فقه را نزد بزرگـان روزگـار خـویش آمـوخت و چنـان که گـذشت به تـدریس و تـألیف و استخراج ادله فقه پرداخت. ابن رافع می گوید: «بر مهذب تعلیقه نوشته و مناسک صغری و مناسک کبری را پرداخته و احادیث [کتـاب] رافعی را اسـتخراج نموده و درباره پاره ای از مواضع منهاج سـخن گفته است.» (۵)اینهـا همه درباره فقه است، چگونه ممکن است او در فقه اسـتاد نباشـد، حال آنکه این مایه بـدان پرداخته است. از این هم فراتر، عزالـدین بن جماعه به فقه شافعی که در آن تحصیل

۱- [همان]، ص۱۱. * در متن مبدأ صفحه ۱۳۸، تنها آمده است: ص ۱۱. - م.

۲- اهل سنت نمازگزاردن پس از نماز صبح را مکروه می دانند. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۳۸آمده است: «و هو یصلون» . - م.

۴- در متن بعد صفحه ۱۳۹ آمده است: «الفرع الرابع عشر، ص ۳۶۲» ، شاید مراد کتاب هدایه السالك الی المذاهب الاربعه فی المناسك ابن جماعه باشد. - م.

۵- الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۸۹.

کرده است بسنده نکرده و به دیگر مذاهب چهارگانه فقهی و ادله آنها هم پرداخته است. کتاب او هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، بهترین سند و قوی ترین دلیل بر مهارت او در مذاهب چهارگانه و آگاهی او از منابع این مذاهب و شناخت صاحبان فتوا در هر مذهب است که تنها از فقیهی با معرفت ژرف و ریزکاوی در مذاهب رایج در کشورهای اسلامی برمی آید.

درگذشت ابن جماعه: هنگامی که ابن جماعه از امر قضاوت کناره گرفت ۷۲ ساله بود. وی از این پس تنها به عبادت و حج و زیارت پرداخت تا در سال بعد در حالی که در بهترین و کامل ترین حال بود، درگذشت. ابن حجر در این باره می گوید: «قاضی عزالدین در سالی حج گزارد و در آنجا ماند تا در سال بعد درگذشت. او می گفت: آرزو دارم از قضاوت برکنار باشم و در یکی از دو حرم درگذرم. او نزدیک فضیل بن عیاض در باب معلا به خاک سپرده شد.» (۱)

معاصر او تاج الدین سبکی می گوید: «پس از کناره گیری از قضاوت و امور مربوط به آن، در زاویه و جامع طولون و جامع اقمر به تدریس پرداخت تا ایام حج فرا رسید؛ فقیری به او خبر داد که پیامبر اکرم (ص) در خواب به او گفته است: دل ما برای فلانی تنگ شده است. خود ابن جماعه هم پدرش را در خواب می بیند، پدر به او می گوید: آنچه آن فقیر دیده درست است. او در پی این امر، حج می گزارد و تا جمادی الاولی در مکه می ماند. سپس به زیارت پیامبر اکرم (ص) می رود و به مکه باز می گردد و پس از سه روز بیمار می شود و بیماری تا ده روز می کشد و سرانجام او در دهم جمادی الآخر سال ۷۶۷ ه. ق در مکه از دنیا می رود و در یازدهم، میان فضیل عیاض و شیخ نجم الدین اصفهانی به خاک سپرده می شود.» (۲)

ابن کثیر که از معاصران ابن جماعه است، خبر درگذشت او را در وقایع سال

۱- الدرر الکامنه [فی اعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی]، ج ۲، ص ۴۹۰.

۲- طبقات الشافعیه الکبری، سبکی، ج ۱۰، ص ۸۰. - م.

۷۶۷ه. ق ثبت و آن را ذیل عنوانی خاص آورده است و می گوید: «درگذشت قاضی القضات عزالدین [عبدالعزیز بن حاتم] شافعی: در دهه نخست ماه شعبان، نامه ای از سرزمین مصر درباره درگذشت قاضی القضات [محمد بن جماعه] در مکه مکرمه در دهم جمادی الآخر و خاکسپاری او در یازدهم در باب معلا رسید. گفته شده است او درحالی که قرآن می خواند از دنیا رفت. همنشین شیخ محیی الدین رحبی – عمرش دراز باد – به من گفت که ابن جماعه بسیار می گفت: دوست دارم برکنار از [قضاوت] درگذرم و درگذشتم در یکی از دو حرم باشد. خدا آنچه او خواست به وی داد. در سال گذشته از قضاوت کناره گرفت و به مکه آمد، سپس برای زیارت رسول خدا (ص) به مدینه رفت آن گاه به مکه بازگشت. درگذشت وی در مکه و در زمانی بود که یاد شد. خدا او را بیامرزد.

ولادت وی در سال ۶] ۶۹۴ه. ق] بود و در ۷۳ سالگی درگذشت. او با عزت زیست و به مقامی والا رسید و به مناصب و کرسی های بزرگ تدریس دست یافت. سپس از این امور کناره گرفت و به عبادت و ماندن در دو حرم شریف پرداخت. در رثای او بیتی را که در مرثیه ای سروده ام، خوانند:

فَکَاَنَّکَ قَد اَعْلَمْتَ بِالمَوتِ حتّی تَزَوَّدتَ لَه مِن خِیارِ الزّاد.» (۱)

ستایش دانشمندان از ابن جماعه: ابوعمر عزالدین عبدالعزیز بن جماعه جایگاهی مهم و والا در تاریخ علم به دست آورده است، به گونه ای که رویدادهای زندگی او در حوادث تاریخ و براساس سال وقوع آنها ثبت شده است. هم چنین وی به جایگاهی برجسته در پیشوایی در علم رسیده است. بر وجود این ویژگی ها در او اتفاق نظر وجود دارد و او را برای دانش و منشش ستوده اند.

جمال الدین عبدالرحیم اسنوی از معاصران او می گوید: «در [محیط] دانش و دین و

۱- البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۱۴، ص ۳۳۴. * در پانوشت صفحه ۱۴۰ متن مبدأ آمده است «فی البدایه و النهایه» . - م.

دوستی نیکان، پرورش یافت و تدریس کرد و فتوا داد و آثاری فراوان و نیکو پرداخت و در جامع مصر سخنرانی نمود و وکالت عام و خاص را پذیرفت و نظارت بر موقوفه های بسیار را گردن نهاد. سپس در جمادی الآخر سال ۷۳۸ه. ق قاضی القضات سرزمین مصر شد و در [این مقام] شیوه ای شایسته پیشه کرد. او خوش سخن می گفت و با ادبیات، نیک آشنا بود و شعر نیز می سرود و خطی خوش داشت و به تندی می نوشت. حافظ قرآن و پاک نهاد بود و اهل علم را دوست داشت و بسیار بدان ها می پرداخت.» (۱)

ذهبی نیز که از معاصران اوست و در ۷۴۸ ه. ق و حدود ۲۰ سال پیش از وی درگذشته است، می گوید: «در سال ۷۲۵ ه. ق پدرش او را برای فراگیری حدیث نزد ما آورد. او بسیار خواند و استماع حدیث کرد و الطباق را نگاشت و به علم حدیث عنایت می ورزید. او خیّر و صالح و نیک خو و پرفضیلت بود. من از او استماع کردم و او از من استماع نمود.» (۲)وی در ادامه او را به صیانت نفس و دیانت می ستاید.

ابن قاضی [شهبه (۳)] می گوید: «قاضی القضات و بزرگ محدثان و برکت مسلمانان عزالدین ابوعمر در پی دانش برآمد و بسیار استماع حدیث نمود و روایت کرد و فتوا داد و تألیف نمود. او بسیار به حج می رفت و در مکه اقامت می کرد.» (۴)

تاج الدین سبکی که یکی از بزرگان فقه شافعی و حدیث و جرح و تعدیل در علم رجال و قاضی القضات دمشق بود، از معاصران ابن جماعه است و درباره او می گوید: «فردی بود که سعادت دنیایی او به چشم می خورد و به ظن غالب از سعادتمندان آخرت هم بود. او به حدیث و استماع آن علاقه داشت و اوقاتش را به این کار می گذراند. در مکه نفوذ و نزد ملوک آبرو و اعتبار داشت و بسیار عبادت می کرد و حج

۱- [طبقات الشافعیه]، اسنوی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲- [طبقات الشافعیه]، ابن قاضی شهبه، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۴۱ و پانوشت های دوم - چهارم آن به خطا آمده است: «ابن شبهه» . - م.

۴- [طبقات الشافعیه]، ابن قاضی شهبه، ج ۳، ص ۱۰۱ - ۱۰۲. - م.

فراوان می گزارد و در مکه بسیار می ماند. او در سعادتمندی و نیک نامی و نفوذ کلمه و آرامش به پایه و مایه ای رسید که احدی پیش از او بدان نرسیده بود.» (۱)

تقی الدین محمد حسنی فاسی مکی می گوید: «او خوش رفتار، سخت دین، پرپرستش بود و بر مردم اثر می نهاد. در نگاه خواص و عوام بزرگ بود چنان که کارش به جایی کشید که سلطان ملک ناصر محمد بن قلاوون، [سرپرستی] ولایات را به کسانی می سپارد که او تعیین می کرد، با این حال خود او در پی مقام نبود.» (۲)

[عبدالرحمان] سیوطی درباره او می گوید: «حافظ امام قاضی القضات عزالدین ابوعمر عراقی، شاگرد او بوده و او را حافظ دانسته است.» (۳)

آثار علمی ابن جماعه: علما، ابوعمر عزالدین عبدالعزیز بن جماعه را به برتری در فقه و حدیث، و خود را وقف کار علمی نمودن ستوده اند. فاسی می گوید: «پیوسته می نوشت و تدریس می کرد و کار علمی داشت و تألیف می کرد تا درگذشت.» (۴)

آثار او در زمینه علوم گوناگون شرعی و عقلی و تطبیقی بوده و حتی دیگر ملت ها به او افتخار کرده اند. (۵)

عزالدین بن جماعه، تألیف های ارزشمند و گوناگونی از خود به یادگار نهاده است. اسنوی آثار او را فراوان و نیکو توصیف کرده است؛ از آنهاست:

۱. کتاب بزرگی درباره مناسک [حج] در مذاهب چهارگانه [اهل سنت]، یعنی همان کتاب هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک در دو جلد. ابن قاضی [شهبه (۶)] درباره این کتاب می گوید: مطالبی ارزشمند و بدیع دارد.

۱- طبقات الشافعیه الکبری، سبکی، ج ۱۰، ص ۸۱. - م. * در متن مبدأ صفحه ۱۴۱، پانوشت چهارم آمده است: «ابن قاضی شهبه، ج ۱۰، ص ۸۱» . - م.

۲- العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، [فاسی]، ج ۵، ص ۴۶۰.

۳- طبقات الحفاظ، سیوطی، ص ۵۳۶.

۴- العقد الثمین [فی تاریخ البلد الامین، فاسی]، ج ۵، ص ۴۵۸.

۵- شذرات الذهب [فی اخبار من ذهب، ابن عماد حنبلی]، ج ۷، ص ۱۳۹.

۶- در متن مبدأ صفحه ۱۴۲ آمده است: «ابن قاضی شبهه» . - م.

۲. تخریج احادیث الرافعی در دو جلد. ابن قاضی [شهبه] می گوید: «کتابی ارزشمند و عالی است.» (۱)من می افزایم که حافظ ابن حجر [عسقلانی در تألیف] کتاب تلخیص الحبیر [فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر] خود بر این کتاب تکیه کرده است.

۳. المناسک الصغری که با تحقیق حسین بن سالم دهمانی تونسی به چاپ رسیده است و نسخه خطی کهنی از آن در کتابخانه ظاهریه نگهداری می شود. مؤلف در آغاز این کتاب آورده است: اما بعد، این اثر، مختصر مناسک حج است که آن را از کتاب مناسک کبیر خودم در مذاهب اربعه بر گرفته ام و در شش باب پرداخته ام. این مختصر در ۱۲۴ صفحه پرداخته شده است.

۴. السیره الکبری

۵. السیره الصغری

۶. شرح علی المذهب شیرازی که کامل نشده است. می گویند: در این کتاب چیزهایی بر کتاب المذهب افزوده است.

۷. تعلیق علی مواضع من منهاج الطالبین نووی. برخی از متأخران گفته اند: او شرحی بر المنهاج نوشته اما آن را کامل نکرده است. (۲)

۸. التُساعیات فی الحدیث. (۳)این کتاب دربردارنده احادیثی از پیامبراکرم (ص) است که میان ابن جماعه و پیامبر اکرم (ص) در آنها تنها ۹ واسطه قرار دارد. این احادیث را ابوجعفر محمدبن عبداللطیف بن کوبک استخراج کرده است. (۴)

۱- طبقات الشافعیه، ابن قاضی شهبه، ج ۳، ص۱۰۲. - م.

۲- طبقات الشافعیه، ابن قاضی شهبه، ج ۳، ص ۱۰۲ - ۱۰۳.

۳- الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۲۶.

۴- کشف الظنون [عن اسامی الکتب و الفنون]، حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۴۰۳.

۹. نزهه الالباب فیما لایوجد فی کتاب [(۱)]

۱۰. انس المحاضره بما یستحسن فی المذاکره. زرکلی می گوید: «کتابی است حجیم که آن را در [مغنیسا [(۲)]شهری در شمال شرقی ازمیر] دیده ام.» [(۳)]

۷. حافظ ابوطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی فاسی مکی مالکی (۷۷۵ – ۸۳۹ه. ق)

صاحب کتاب شفاء الغرام باخبار البلد الحرام. چاپ ایمن فؤاد سید و مصطفی محمد ذهبی ([چاپ دوم، مکه [مکرمه]، [مکتبه و مطبعه النهضه الحدیثه [(۴)]]) ، ۱۹۹۹.

زندگی تقی الدین فاسی مکی: محمد بن احمد بن علی بن محمد بن محمد بن عبدالرحمان عوف بن احمد بن علی بن عبدالرحمان بن عبدالله بن علی بن حمزه بن میمون بن ابراهیم بن علی بن عبدالله بن ادریس بن حسن بن حسن سبط بن علی بن ابی طالب۸ حسنی فاسی مکی، ملقب به تقی الدین و مکنی به اباطیب، که قاضی مالکیان در مکه مکرمه بوده است. او در شب جمعه بیستم ربیع الاول سال ۷۷۵ه. ق در مکه مکرمه زاده شد و در آنجا بالید و نزد علما و اهل فضل آن دیار درس آموخت. او به حدیث توجه خاص داشت و بسیاری از کتاب ها [ی حدیث] را خواند و استماع کرد و فراوانی از احادیث را روایت نمود.

[استادان فاسی:] بسیاری از علمای بزرگ که وی نزد آنان حدیث خوانده است، و به او اجازه [نقل حدیث] داده اند؛ از آنهاست:

۱. قاضی مکه جمال الدین محمد بن عبدالله بن ظهیره قرشی مخزومی مکی. [(۵)]

۱- کشف الظنون [عن اسامی الکتب و الفنون]، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۹۴.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۴۳ آمده است: «مغنسیا» ؛ اما نام این شهر که از توابع ازمیر ترکیه است مغنیسا (مانیسا) است که کتابخانه ای با بیش از ۵۰۰۰ نسخه خطی دارد. – م.

۳- الاعلام، زرکلی، ج۴، ص۲۶. – م. * در پانوشت پایانی صفحه ۱۴۳ متن مبدأ آمده است؛ «ج۱، ص۷ – ۸، ۱۳- ۱۵، ۲۲ – ۲۳، ۲۷ – ۳۳» . – م.

۴- در متن مبدأ صفحه ۱۴۳ آمده است: «دار احیاء الکتب العربیه» . – م.

۵- او از اجداد ابن ظهیره صاحب کتاب الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف است که در ۹۵۰ه. ق نگارش یافته است.

۲. جد مادری او قاضـی القضات کمال الـدین ابوالفضل محمد بن احمد نویری شافعی، خطیب و قاضـی مکه و عالم حجاز در عصر خود و مورخ مشهور.

۳. دایی او، قاضی الحرمین محب الدین نویری.

۴. ابوالمعالی عبدالله بن عمر صوفی.

۵. قاضی یمن مجدالدین محمد بن یعقوب شیرازی فیروزآبادی صاحب القاموس المحیط (۷۲۹ - ۸۱۷ ه. ق) . (۱)

۶. کمال الدین محمد دمیری مصری شافعی مالکی درگذشته در سال ۸۰۸ ه. ق.

۷. ابراهیم بن محمد دمشقی صوفی، معروف به برهان.

۸. مورخ بنـام، ابن خلـدون (در. ۸۰۸ ه. ق) ، صـاحب مقـدمه و کتـاب تـاریخی معروف [العبر و دیوان المبتـدأ و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر].

۹. شهاب [الدین] احمد علائی.

فاسـی از بسـیاری دیگر از علمای بزرگ هم روایت کرده است. او بیشتر، از دو نفر روایت می کنـد: ابواحمد برهان ابراهیم بن محمـد لخمی، و ابوالفرج جلال عبـدالرحمان ابن احمـد عربی. وی همچنین از فراوانی از شـیوخ عصـر خود حـدیث اخذ کرده است. وی معاصـر شـهاب [الدین] ابی الفضل احمد بن علی بن حجر عسقلانی مصری مشهور، صاحب کتاب فتح الباری [شرح صحیح البخاری] است که در سال ۸۵۲ ه. ق درگذشته است.

فاسـی در کتاب شفاء الغرام [باخبار البلد الحرام] اشاره می کند که قاضی القضات مالکیه در مکه بوده است و فقه مالکی را در مدرسه سـلطان ملک منصور در سال ۸۱۴ ه. ق که آغـاز فعـالیت آن بوده، تـدریس می کرده است. زمان تـدریس او روزهای چهارشنبه و پنج شنبه هر هفته بین ظهر و عصر بوده است. (۲)

۱- ازهار الریاض فی اخبار القاضی عیاض، مقری، ج ۳، ص ۳۸.

۲- شـفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۳. - م. * در پانوشت اول صـفحه ۱۴۵ متن مبدأ آمده است: «ص ۳۲۹» . - م.

[آثار فاسی:] وی آثار گرانقدر بنامی نگاشته؛ از آنهاست:

۱. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام

۲. تاریخ کبیر او به نام العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، وی در این کتاب به شرح حال والیان و بزرگان و عالمان و ادیبان مکه مکرمه از پیدایش اسلام تا روزگار خود پرداخته است. چینش مطالب این کتاب بر اساس حروف الفباست. مؤلف، کتاب را با محمدنام ها و احمدنام ها شروع کرده و ذکر رسول خدا (ص) را در صدر قرار داده است. وی بر این کتاب مقدمه ای نیکو پرداخته و در آن به هدف های تألیف کتاب اشاره نموده است. این کتاب به هزینه شیخ محمد سرور چاپ شده و بعد به چاپ افست هم رسیده است.

۳. تحفه الکرام باخبار البلد الحرام، این کتاب خلاصه ای از کتاب شفاءالغرام [باخبار البلد الحرام] است و تحصیل المرام فی تاریخ البلدالحرام هم نامیده شده است.

۴. هادی ذوی الافهام الی تاریخ البلد الحرام که خلاصه کتاب تحفه الکرام [باخبار البلد الحرام] است.

۵. الزهور المقتطفه [من (۱)] تاریخ مکه المشرفه که چکیده کتاب هادی ذوی الافهام [الی تاریخ البلد الحرام] است. (۲)

۶. عجاله القری للراغب فی تاریخ ام القری

۷. الجواهر السنیه فی السیره النبویه

شفاء الغرام نخستین اثر اوست که به چاپ رسیده است.

[درگذشت فاسی:] مؤلف [فاسی] در بیست و هفتم رمضان سال ۸۳۲ ه. ق عمره گزارد، و در شب چهارشنبه بیست و سوم شوال همان سال درگذشت. او آثار ماندگاری

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۴۵ آمده است: «فی» . اما در نسخه ای که در دسترس مترجم است به جای «فی» ، «من» آمده است. - م.

۲- این اثر به چاپ رسیده است.

از خود به یادگار نهاد. در میان دانشمندان کمتر کسی مانند فاسی - دانشمند حجاز و فقیه و مورخ بزرگ آن - به تدوین تاریخ مکه مکرمه در قالب آثاری سودمند عنایت داشته است. (۱)

۸. قاضی برهان الدین ابراهیم بن فرحون مدنی مالکی (در. ۷۹۹ه. ق)

نگارنده کتاب ارشاد السالک الی افعال المناسک. چاپ محمدبن هادی ابوالاجفان ([چاپ اول، تونس]، بیت الحکمه، ۱۹۸۹م) .

[نام و نسب و تحصیل ابن فرحون:] محقق کتاب در معرفی مؤلف آن می گوید: قاضی مدینه منوره برهان الدین ابواسحاق ابراهیم بن شیخ ابوالحسن علی بن فرحون مدنی، شیخ و امام بلند همت و تکیه گاه دیگران، یکی از شیوخ اسلام و پیشوای علمای اعلام و پایان بخش فضلای ارجمند، قلمی روان و خویی کریم داشت و نزد پدر و عموی خود، و ابن عرفه درس آموخت. ابن عرفه و پدرش و ابن حباب و ابن مرزوق الجد و ابن جابر و [ابن]جماعه به او اجازه نقل حدیث دادند، و پسرش ابویمن و دیگران از او اجازه نقل روایت گرفتند.

[آثار ابن فرحون و درگذشت او:] ابن فرحون شرحی بر مختصر ابن حاجب فرعی دارد، در هشت قسمت که بسیار دقیق است و اثر دیگر او تبصره الحکام فی اصول الاقضیه و مناهج الاحکام است که پیش از او مانند آن نوشته نشده است و فوایدی دارد که معروف است. الدیباج المذهب فی اعیان المذهب، کتاب دیگر اوست که در آن به شرح حال بیش از ۳۶۰ نفر پرداخته شده است. مؤلف، این اثر را از نزدیک به بیست کتاب گردآوری کرده است. دیگر آثار او عبارتند از: دره الغواص فی محاضره الخواص، کتابی است ابتکاری حاوی چیستان های فقهی؛ مقدمه فی مصطلح ابن الحاجب؛ ارشاد السالک الی افعال المناسک، المنتخب فی مفردات ابن البیطار در پزشکی. همه آثار او در

۱- شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، فاسی، ج ۱، ص ۱۳ - ۱۴. - م. * در پانوشت صفحه ۱۴۶ متن مبدأ آمده است: «ص ۲۱ - ۱۴» . - م.

نهـایت حسـن است که حاصـل گسـتردگی اطلاعـات و دانش اوست. وی در ذی حجه سـال ۷۹۹ه. ق در خـانه ای استیجـاری درگذشت. (۱)

۹. ابوالبقا محمد بن احمد بن محمد بن ضیاء مکی حنفی، قاضی و مفتی مکه (۷۸۹ – ۸۵۴ه. ق)

مؤلف کتاب البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی بیت الله العتیق چاپ عبدالله نذیر احمد عبدالرحمان مزی (چاپ

اول، مکه مکرمه، المکتبه المکیه، ۱۴۲۷ه. ق) .

[این اثر] درباره فضایل مکه و مـدینه و قـدس و مناسک حـج و حـج رسول خدا (ص) و سـفر حاجیان و تاریخ مسـجدالحرام و مسجدالنبی و آثار تاریخی مکه و مدینه است.

چکیده ای از آنچه محقق کتاب در معرفی مؤلف آن آورده چنین است:

نام و نسب ابن ضیا: محمد بن احمد بن محمد بن ضیاء عمری صاغانی قرشی مکی حنفی، ابوالبقا بهاءالدین که مانند پدرش به ابن ضیا معروف است.

ولادت و پرورش ابن ضیا: وی در شب نهم محرم سال ۷۸۹ه. ق در مکه مکرمه زاده شد و در آنجا بالید و آموزش دید و قرآن را حفظ کرد و فقه و نحو و اصول دین را نزد استادان این علوم فرا گرفت.

برخی از اسـتادان ابـن ضـیا و سـفرهای وی در پی دانش: مؤلـف از شـیوخ بزرگ مکـه کسب علم کرد. وی نزد پـدر، اسـتماع حـدیث نمـود و از وی فقه و اصـول و معـانی و بیـان و اصـول دین و دیگر علـوم را آموخت. جمـال امیوطی و محب احمـد بن ابوالفضل و علی بن احمد و ابن حجر عسقلانی و ابن سکر مورخ از دیگر شیوخ ابن ضیائند.

علمـای بزرگی چون: ابوهریره بن ذهـبی و ابوالخیر علاـئی و رسـلان ذهـبی و بلقینی و ابن ملقن و عراقی و هیثمی و ابن قوام و تنوخی و ابن ابی المجد و گروهی دیگر، از

۱- شجره النور الزکیه فی طبقات المالکیه، مخلوف، ص ۲۲۲.

کسانی اند که به او اجازه نقل حدیث داده اند. (۱)

او بارها در پی دانش به قاهره سفر کرد. وی در آغاز با پدر به این سفرها می رفت و این همراهی باب خیری برای او بود.

برخی از مناصب ابن ضیا: وی ابتدا قائم مقام پدر در قضاوت در مکه بود و پس از درگذشت پدر در سال ۸۲۵ ه. ق قاضی مکه شد.

آثار ابن ضیا: آثار هر عالمی، گواهی صادق و آینه ای حقیقت نماست که شخصیت علمی و جایگاه او را در میان دیگر عالمان نشان می دهد. برخی از مهم ترین آثار ابن ضیا از این قرار است:

۱. المَشْرَع فی شرح المجمع (چهار جلد) (۲)

۲. البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی البیت العتیق (۳)

۳. تنزیه المسجدالحرام عن بدع جهله العوام (۲ جلد) . مؤلف، این کتاب را در رساله کوچی خلاصه کرده است. (۴)

۴. دو شرح الوافی (الکبیر و الصغیر) (۵)

۵. النکت علی الصحیح (در علم حدیث) (۶)

۶. شرح مقدمه الغزنوی فی العبادات که آن را الضیاء [المعنویه (۷)]، یا الضیاء المعنویه الغزنویه نامیده است. (۸)

۱- الضوء اللامع [لاهل القرن التاسع، سخاوی]، ج۷، ص ۸۵.

۲- الضوء اللامع [لاهل القرن التاسع، سخاوی]، ج۷، ص ۸۵.

۳- مؤلف محترم نشانی نداده است. - م.

۴- این اثر به چاپ رسیده است.

۵- در متن مبدأ صفحه ۱۴۸ آمده است: «شرحی الوافی، - (الکبیر و الصغیر)» و به کشف الظنون، [ج ۱]، ص ۴۳۸ ارجاع داده شده است. اما در کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۳۸ از تفسیر ابن ضیاء یاد شده است، نه کتاب مورد اشاره مؤلف محترم. در جلد دوم کشف الظنون و ذیل مدخل «شرح» (ص ۱۰۳۹) به بعد هم از کتاب یاد شده در متن مبدأ سخن نرفته است. - م.

۶- الاعلام، زرکلی، ج۵، ص۳۳۲.

۷- در متن مبدأ صفحه ۱۴۸ آمده است: «الضیاء المعنوی» که خطا و درست آن الضیاء المعنویه است. - م.

۸- فهرست مخطوطات مکتبه مکه المکرمه.

۷. المتدارک علی المدارک فی التفسیر، که کامل نشده و تنها تا آخر سوره هود است. (۱)

۸. شرح البزدَوی فی الاصول، که به پایان نرسیده و تا بحث قیاس را شامل است. (۲)

۹. تاریخ مکه المشرفه و المسجدالحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف (۳)

ابن ضیا اصلاح گر و نوگرا: ابن ضیا مکی مصلح و نوگرای طراز اول بود که با بدعت و خرافات به ویژه آنچه در مسجدالحرام و مشاعر حج و شیوه حاجیان رخ می داد، مبارزه می کرد. او از سرسخت ترین مخالفان رخ دادن این منکرات در مسجدالحرام در جوار کعبه مشرفه بود.

درگذشت ابن ضیا: وی در شب جمعه، هفدهم ذیعقده سال ۸۵۴ ه. ق در حدود ۶۵ سالگی از دنیا رفت. او عمر خود را در کسب دانش و آموزش علم و تألیف و احقاق حق با امر به معروف و نهی از منکر در قضاوت و حسبه و نظارت به امور مسجدالحرام و نوانخانه های تهی دستان و جز اینها سپری ساخت.

وی پس از نماز بر او که در پی نماز عصر برگزار شد، در باب الکعبه در معلا و در کنار پدرش به خاک سپرده شد. (۴)

۱۰. علی بن عبدالله بن احمد حسنی سمهودی (۸۴۴– ۹۲۲ه. ق)

نویسنده کتاب خلاصه الوفا باخبار دار المصطفی (ص) با مقدمه حمد جاسر (مدینه منوره، المکتبه العلمیه لصاحبها الشیخ محمد سلطان النمنکانی، ۱۳۹۲ه. ق) .

حمد جاسر در مقدمه اش بر این کتاب، در معرفی مؤلف آن می گوید: «علی بن عبدالله بن احمد سمهودی از بزرگ ترین مورخان شهر امن و پر خیر و برکت [مدینه

۱- الضوء اللامع [لاهل القرن التاسع، سخاوی]، ج۷، ص۸۵.

۲- الضوء اللامع [لاهل القرن التاسع، سخاوی]، ج۷، ص۸۵.

۳- مؤلف نشانی نداده است. - م.

۴- [البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج الی بیت الله العتیق، ابن ضیاء، ج۱، (مقدمه محقق)]، ص۲۵- ۳۰، ۳۸. - م. * در پانوشت سوم صفحه ۱۴۹ متن مبدأ تنها آمده است: «ج۱، ص۲۵ - ۳۰، ۳۸» . - م.

منوره] است، بلکه او بزرگ ترین مورخی است که آثارش به دست ما رسیده است.

[ولادت سَمهودی:] او در سمهود یکی از روستاهای مصر علیا، در ماه صفر سال ۸۴۴ه. ق به دنیا آمده. وی در قاهره تعلیم دید و در سال ۸۷۳ه. ق به مدینه منوره آمد و در آنجا ماندگار شد و با علمای مکه مکرمه و مدینه منوره و دیگر علمای عصر خود ارتباط برقرار کرد. ارتباط او با حاکمان مصر و به ویژه ملک قایتبای که نزد وی مقام و منزلتی داشت، مستحکم بود. وی از رهگذر این پیوند استوار توانست کارهای فراوانی در مدینه منوره انجام دهد.

[آثار سمهودی و درگذشت وی:] او آثاری دارد که از بنام ترین آنها وفاءالوفاء [باخبار دارالمصطفی] و خلاصه الوفا [باخبار دار المصطفی] است. وی در این دو کتاب هرچه را درباره مدینه منوره به دست آورده، بیان کرده است به گونه ای که کتاب [وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی] چکیده تمام کتاب های پیشین درباره تاریخ مدینه منوره است. وی تنها به شرح رجال [مدینه منوره] نپرداخته است و دور می نماید که سمهودی در این زمینه کتابی جداگانه نگاشته باشد. او در ذیقعده سال ۹۲۲ه. ق درگذشت. (۱)

۱۱. علی بن عبدالقادر طبری (در. ۱۰۷۰ه. ق)

مؤلف کتاب الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء. چاپ اشرف احمد جمال (چاپ اول، مکه مکرمه، المکتبه التجاریه، ۱۴۱۶ه. ق) .

محقق کتاب در معرفی مؤلف آن چنین آورده است:

نام و نسب طبری: او علی بن عبدالقادر بن محمد بن یحیی بن مجدالدین طبری حسینی شافعی مکی است. نسب او به طبریان می رسد که از کهن ترین خانواده هایی اند که در مکه مکرمه سکونت گزیدند. این خانواده به داشتن دانشمندان و پیشوایان معروف است. خاندان طبری در هیچ دوره ای از عالم یا امام یا فقیه یا خطیبی مشهور

۱- النور السافر عن اخبار القرن العاشر، عیدروس، ص۵۸؛ الاعلام، زرکلی، ج۴، ص۳۰۷.

تهی نبوده است.

نخستین (۱)فرد از این خانـدان که به مکه مکرمه آمـد، شـیخ رضـی الـدین ابوبکر بن محمـد ابن ابراهیم بن ابوبکر بن علی بن فارس حسـینی طبری است که گفته شده است در سال ۵۷۰ه. ق و بنابر قولی در اوایل ۵۷۱ه. ق به مکه مکرمه هجرت نمود. او هفت پسر فقیه از خود بر جای نهاد.

فخرالـدین عمر بن فهـد در کتاب البیتیین فی تراجم الطبریین درباره آنها می گویـد: همگی عالم و مدرس بودند. نسب اینان به [امام] حسـین بن علی بن ابی طالب۸ می رسـد: ابوبکر بن محمـد بن ابراهیم بن ابوبکر بن علی بن فـارس بن یوسف بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالواحد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب حسینی طبری.

[زنـدگی و تحصـیل طبری:] او نویسـنده و مورخ و امام و فقیه و حدیث پژوه بود و به تدریس و فتوا دادن می پرداخت. او خود می گوید: از علوم شـرعی و آنچه مهم تر و پیشـین تر است آغاز کردم، سپس همتم را به کار تدریس و فتوا دادن و نشستن در مسند پاسخ دادن به پرسش پرسشگر و طالب فتوا مصروف داشتم.

او در مکه مکرمه مقیم بود، و در سال ۱۰۴۰ه. ق کار تدریس حدیث به او واگذار گشت، یعنی سی سال پیش از وفات او. بی تردید مؤلف ما جایگاهی رفیع در مکه مکرمه داشـته است که حاصل شهرت خانوادگی او و نژادگی عالمان و امامان و فقیهان و خطیبان آن است.

بی گمـان خانـدان طبری تـاثیر فراوانی بر فرهنـگ مؤلف ما داشـته است. او مورخ و فقیه و نویسـنده و خطیب است و در دیگر علوم هم دست دارد. شاید مؤثرترین عامل در فرهنگ و تحصـیل او، پدرش شـیخ عبدالقادر طبری (در ۱۰۳۳ه. ق) باشد. آنچه بر این نظر دلالت دارد، مطالبی است که خود مؤلف در کتابش مطرح ساخته است و نیز نقل

۱- مقایسه کنید با آنچه در تاریخ مکه، (احمد سباعی، ترجمه: رسول جعفریان) ، ص۲۷۵ درباره خاندان طبری آمده است. - م.

فراوان از پدرش و سازواری میان روش و فرهنگ آن دو.

آثار طبری: مؤلف ما گذشته از عنایت به علومی چون فقه و حدیث، به تاریخ مکه مکرمه هم اهتمامی بلیغ دارد. او آثار فراوانی در موضوعات گوناگون پرداخته است، اما بیشتر آنها درباره تاریخ مکه مکرمه و مسائل مربوط به این شهر مقدس است، از آنهاست:

۱. سیف الاماره علی مانع نصب الستاره. وی در علت نگارش این اثر می گوید: سید محمد افندی از علمای حاضر درباره نصب پرده در اطراف کعبه برای آنکه اعمال از پس آن صورت گیرد، استفتا کرد. دیدگاه حاضران گوناگون بود. برخی می پسندیدند و برخی دیگر روا نمی داشتند. من از جمله کسانی بودم که این کار را پسندیدم و کتابی کوچک در این باره پرداختم و آن را سیف الاماره علی مانع نصب الستاره خواندم.

صاحب معجم المؤلفین این کتاب را شن الغاره علی مانع نصب الستاره خوانده است. (۱)صاحب هدیه العارفین (۲)و مؤلف ایضاح المکنون (۳)هم چنین کرده اند.

۲. شرح الصدور و تنویر القلوب فی الاعمال المکفره للمتأخر و المتقدم من الذنوب که سروده ای در بحر رجز و حدود چهل بیت است.

۳. تحفه الکرام بأخبار عماره السقف و الباب لبیت الله الحرام. طبری می گوید: در این کتاب جواز کندن در کعبه حتی برای تزیین را بیان داشتم، چنان که علما به آن تصریح نموده اند.

۴. الاقوال المعلمه فی وقوع الکعبه المعظمه

۵. الجواهر المنظمه بفضیله الکعبه المعظمه

۶. رساله فی بیان العماره الواقعه بعد سقوط الکعبه

۱- معجم المؤلفین، کحاله، ج ۷، ص ۱۲۶. - م. * در معجم المؤلفین (ج ۷، ص ۱۲۶) آمده است: «سن الغاره علی. . .» . - م.

۲- هدیه العارفین، اسماعیل پاشا، ج۵، ص۷۵۹. - م.

۳- ایضاح المکنون، اسماعیل پاشا، ج۳، ص۵۷. - م.

۷. فوائد النیل بفضائل الخیل

۸. الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک والخلفاء

اکنون این کتاب را با خواننـده [گرامی] وا می گـذاریم تا خود وصف خویش گوید. ما بیش از این نمی توانیم بگوییم که این کتاب عملاً مهم ترین کتابی است که علی بن عبدالقادر طبری برای ما به یادگار نهاده است. (۱)

۱۲. جمال الدین محمد جارالله بن محمد [نصر الدین] بن ابی بکر بن علی بن ظهیره قرشی [مخزومی] (در. ۹۸۶ه. ق)

نگارنده کتاب الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت [الشـریف]. (۲)([چاپ سوم]، مکه مکرمه، مکتبه [الثقافه (۳)]، ۱۳۹۲ه. ق) .

مؤلف کتاب، جارالله بن قاضی امین الدین بن ظهیره مکی مخزومی حنفی است.

قطب الدین مکی [نهروالی] در تاریخی که ویژه رویدادها نگاشـته است در شـرح حال مؤلف می گوید: او شیخ فتوا و تدریس و مرجع عالمان و برگزیده فقیهان مکه مکرمه، و در دانش و فضل و دین و پرهیزگاری یگانه روزگار بود.

فقه را نزد احمـد بن طولون و محمـد نجمی و احمـد قدسـی و [دیگر] علمای بزرگ چون شـهاب الـدین احمد بن عبدالقادر و بهاءالدین بن سالم فرا گرفت.

او که به تدریس و صدور فتوا پرداخت، مهربان و خوش محضـر و بسـیار جوانمرد بود و در شب یکشـنبه سیزدهم رمضان سال ۹۸۶ درگذشت. (۴)

۱- [الارج المسـکی فی التاریـخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، طبری، (مقدمه محقق)]، ص ۱۲ - ۱۳. - م. * در متن مبدأ صفحه ۱۵۲ تنها آمده است: «ص ۱۱- ۱۲. - م.

۲- مؤلف محترم در صفحه ۱۵۲ متن مبدأ، نام کتاب ابن ظهیره قرشی را با نام کتاب ابن ضیاء قرشی (البحر العمیق فی مناسک العمره و الحـج الی بیت الله العتیق) خلـط کرده است. از این رو در پایـان نـام کتاب ابن ظهیره قرشـی به جای الشـریف، به خطا العتیق آورده است. - م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۵۲ آمده است: «الثفافه» . - م.

۴- مؤلف محترم نـام کتـاب قطب الـدین مکی را نیاورده است. به نظر می رسـد وی از کتاب الإعلام بأعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، استفاده کرده است. این کتاب در اختیار مترجم نبود تا به آن ارجاع دهد. - م.

[عبدالله محمد غازی در کتاب نظم الدرر فی اختصار نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر، [درباره مؤلف] می گوید:] در مکه مکرمه عهده دار امر فتوا بود. او پدر شیخ الشیوخ قاضی علی است و فتواها و تاریخی برجسته دارد که آن را جامع اللطیف نامیده است و در آن از فضایل مکه و مکان های تاریخی آن سخن گفته است. (۱)و (۲)

۱۳. محمد علی علان [صدیقی] (۹۸۰– ۱۰۵۸ه. ق)

۱۳. محمد علی علان [صدیقی (۳)] (۹۸۰– ۱۰۵۸ه. ق)

مؤلف کتاب فتح الفتاح فی شرح الایضاح للنووی. نسخه خطی با شماره ۴۴ فقه که در کتابخانه حرم شریف نگه داری می شود.

[نام و نسب صدیقی:] حسن عجیمی در کتاب [تمزیج الوصایا من] خبایا الزوایا (۴)درباره مؤلف می گوید: او محمد علی بن علان بن ابراهیم بن محمد علان بن عبدالملک ابن علی بن مبارک شاه بن ابوبکر بن محمد بن ابواسحاق بن عمران بن زید بن محمد ابن ابوبکر [خلیفه اول] است. وی حافظ عصر خود و امام روزگار خویش و استاد تفسیر و خبره حدیث بود.

[ولادت و تحصیل صدیقی:] او در حدود سال ۹۸۰ه. ق زاده شد و قرآن را از بر کرد و در تنگدستی پرورش یافت و از کودکی به دانش آموزی علاقه مند شد و از نزدیک به پنجاه استاد از علمای قرن دهم بهره علمی برد. وی در درس کسانی که به مکه می آمدند، شرکت و از بسیاری کسان حدیث استماع کرد و اجازه نقل حدیث گرفت. او به تألیف علاقه شدید داشت و بیش از چهارصد کتاب کوچک و بزرگ

۱- نظم الدرر فی اختصار نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر، غازی، ص ۶ – ۷ (نسخه خطی) ؛ الاعلام، زرکلی، ج۷، ص ۵۹.

۲- ترجمه این بند از متن مبدأ صفحه ۱۵۳ با تصرف صورت گرفت. – م.

۳- در متن مبدأ صفحه ۱۵۳ آمده است: «صدیق» اما در کتاب الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه، آمده است: «صدیقی» . از آنجا که کار مؤلف محترم پرلغزش است، مترجم ضبط متن اخیر را برگزید. – م.

۴- این کتاب با عنوان زوایا التصوف و الصوفیه المسمی: خبایا الزوایا هم به چاپ رسیده است. – م.

نگاشت. ازاین رو عبدالرحمان خیاری می گوید: وی سیوطی زمان خود است. او مجلس املای حدیث و جز آن برپای می داشت و میان نماز مغرب و عشا، [صحیح] بخاری می خواند و هر شب درباره معنای حدیثی که می خواند، سخنرانی می کرد و سخنان شارحان [صحیح] را از بر بیان می داشت و موجب شگفتی حاضران می شد.

[برخی از آثار صدیقی:] از بنام ترین تألیف های اوست:

۱. التفسیر در چهار جلد

۲. شرح علی ریاض الصالحین (۱)در دو جلد

۳. شرح علی الاذکار در دو جلد هر دو از نووی

۴. شرح اخلاق النبی [(ص)] در دو جلد

۵. شرح الطریقه المحمدیه در یک جلد

او [صحیح] بخاری را ختم کرد و مجلس ختم را در درون کعبه برگزار نمود چه کعبه در سال ۱۰۳۹ [ه. ق در اثر سیل] ویران شده بود. (۲)

[از دیگر آثار اوست:]

۶. [الفتوحات الربانیه علی الاذکار النواویه، در دو جلد (۳)]

۷. العلم المفرد فی فضل الحجر الاسود

۸. فی فضائل مکه المکرمه

۹. روضه الصفا فی آداب زیاره المصطفی

۱۰. تحریر ما وقع فی عماره البیت که روزشمار وقایع است.

۱۱. زهر الربا فی فضل مسجد قبا (۴)

۱- این اثر به چاپ رسیده است: دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین و هو شرح کتاب ریاض الصالحین للامام النووی. محمد ابن علی بن علان صدیقی. - م.

۲- زوایا التصوف و الصوفیه المسمی خبایا الزوایا، عجیمی، ص۲۹۹ - ۳۰۰. - م.

۳- این اثر به چاپ رسیده است. - م.

۴- این اثر به چاپ رسیده است.

۱۲. بغیه الظرفا فی معرفه الردفا، که درباره کسانی است که رسول خدا (ص) آنان را بر ترک زین [مرکب] خود سوار کرد. شمار این کسان بیش از چهل نفر است.

۱۴. الاقوال المعرفه بفضائل اعمال عرفه

۱۵. مورد الصفا فی مولد المصطفی

۱۶. انباء المؤید الجلیل مراد ببناء بیت الوهاب الجواد و خزانه السلطان مراد، در این عنوان از ماده تاریخی (أنباء المؤید الجلیل) برای بیان تاریخ عمومی بازسازی کعبه استفاده شده است.

۱۷. اَلْوِیَه التشریف بالأعلام و التعریف بمن له ولایه عماره ما سقط من البیت الشریف

۱۸. البیان و الاعلام فی توجیه فریضه عماره الساقط من البیت لسلطان الاسلام

۱۹. رساله المواهب و الفتوح بعماره المقام الابراهیمی

۲۰. باب الکعبه و سقفها و السطوح

۲۱. رساله فی حجر اسماعیل

۲۲. النفحات الاریجه فی متعلقات بیت ام المؤمنین خدیجه (۱)

[از صدیقی بیشتر بدانیم:] در کتاب زهر الخمائل (۲)[اثر علی بن محمد هندی (۱۳۳۰-۱۴۱۹ه. ق)] آمده است که مصطفی بن فتح الله حموی [در. ۱۱۲۴ه. ق] در کتاب النتایج (۳)، به شرح احوال علان صدیقی پرداخته، می گوید: او خاتم المفسرین شهر مکه، و خادم آثار نبوی است و اگر درباره مسأله ای از او پرسش می شد، در پاسخ رساله ای می نگاشت. آوازه کتاب های او زبانزد عام و خاص شد و دانش او همه جا را گرفت و بر فضل او همداستانی پدیدار شد. او در سه شنبه یازدهم ذیحجه سال ۱۰۵۸ه. ق در

۱- مؤلف محترم این مطالب را از کتاب فوائد الارتحال و نتایج السفر فی اخبار اهل القرن الحادی عشر، اثر مصطفی بن فتح الله حموی باز گفته است اما به آن ارجاع نداده است. مترجم نتوانست این کتاب را فراچنگ آورد. - م.

۲- مراد کتاب زهر الخمائل فی تراجم علماء حائل است. - م.

۳- عنوان کامل این کتاب، فوائد الارتحال و نتایج السفر فی اخبار اهل القرن الحادی عشر است. - م.

مکه مکرمه درگذشت.

او در ۲۴ سالگی فتوا می داد و روایت و درایه و علم و عمل را یکجا گرد آورده بود و پیشوای مورد اعتماد مردم روزگار خود در شناخت و حفظ و ضبط و مهارت در حدیث نبوی و صحیح و ضعیف و سندهای آنها بود. او در شناخت حدیث و ثبت و ضبط آن و فراوانی تألیف مانند جلال [الدین] سیوطی است.

باری، فضیلت و گرانمایگی او همه جایی و جهانگیر شده است. بورینی در تاریخ خود می گوید: ولادت او در بیستم صفر سال ۹۹۶ه. ق و وفات او در روز سه شنبه بیست و یکم ذیحجه سال ۱۰۵۷ه. ق است. او در معلاـ نزدیک قبر ابن حجر مکی به خاک سپرده شد.

[درگذشت صدیقی:] آنچه را محبی (۱)درباره درگذشت او در این سال ذکر کرده است در تاریخ عصامی (۲)آمده است؛ زیرا او یاد آوری کرده است که وفات او در یازدهم ذیحجه بوده است همچنین وی درباره او می گوید: امام مردم روزگار خویش و حافظ زمان خود و پیشوای مورد اعتماد و یگانه روزگار خود در شناخت و حفظ و ضبط حدیث رسول خدا (ص) است و عبدالرحمان خیاری در حق او می گوید (۳): سیوطی زمان خود است. (۴)

۱۴. سید عفیف الدین عبدالله بن ابراهیم بن حسن بن محمد امین میر غنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی، مشهور به محجوب (در. ۱۲۰۷ه. ق)

نویسنده کتاب عده الانابه فی اماکن الاجابه. چاپ عبدالله نذیر احمد مزّی (چاپ اول، مکه مکرمه، المکتبه المکیه، ۱۴۲۹ه. ق) .

۱- تاکنون در شرح حال علان صدیقی از محبی یاد نشده است؛ بر مترجم معلوم نشد مراد مؤلف محترم چه کسی و در کدام کتاب است؛ به نظر می رسد در متن مبدأ صفحه ۱۵۶ خطا رخ داده و به جای حموی (صاحب کتاب النتایج) محبی ثبت شده است. - م.

۲- از عصامی کتابی با این عنوان شناسایی شد: سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل و التوالی. - م.

۳- تاکنون این سخن خیاری سه بار تکرار شده است. - م.

۴- المختصر من کتاب نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر، عبدالله مراد ابوالخیر، ص۴۶۴- ۴۷۱.

محقق این کتاب در شرح کوتاهی بر زندگی مؤلف از جمله می گوید:

[نام و نسب میرغنی:] او عبدالله بن ابراهیم بن حسن بن محمد امین بن علی میرغنی حسنی متقی مکی طائفی حنفی ملقب به محجوب و عفیف الدین و ابوالسیاده، عالمی است فاضل و فقیهی است متقی و ادیبی است شاعر و دست اندرکار انواع علم.

[ولادت و درگذشت میرغنی:] وی در مکه زاده شد و در آنجا بالید و از استادانی بزرگ درس آموخت.

جبرتی می گوید در درس های احمد نخلی و دیگران حاضر می شد. وی در سال ۱۱۶۶ه. ق به طائف می رود و در آنجا اقامت می گزیند و کتاب های فراوانی در عقاید و حدیث و فقه و آداب و اخلاق دینی می نویسد، و سرانجام در سال ۱۲۰۷ه. ق در روستای سلامه درمی گذرد. (۱)

نبهانی درباره او می گوید: «یکی از بزرگان اولیاء و عارفان و پیشوایان عالم و عامل است. آثار او بنام و افتخاراتش فراوان، و بزرگواری وی چون خورشید میان آسمان است. او کتاب های فراوانی در علوم گوناگون دارد.» (۲)

۱۵. محمد بن احمد بن سالم بن محمد مالکی مکی، معروف به صباغ (۱۲۴۳– ۱۳۲۱ه. ق)

نگارنده کتاب تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام. چاپ عبدالملک بن عبدالله بن دهیش (چاپ اول، مکه مکرمه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۴ه. ق) .

[ولادت صباغ:] محقق کتاب در شرح زندگی مؤلف می گوید: محمد بن احمد بن

۱- عجائب الآثار فی التراجم و الاخبار، جبرتی، ج۲، ص ۱۴۷ - ۱۴۸. - م. * در عجائب الآثار فی التراجم و الاخبار، از روستای سلامه نامی در میان نیست. - م.

۲- در پانوشت اول صفحه ۱۵۷ متن مبدأ تنها آمده است: «ص ۲۰» . - م. * [عده الانابه فی اماکن الاجابه، میرغنی، (مقدمه مصحح)]، ص ۲۰. - م.

سالم بن محمد مکی مالکی معروف به صباغ (۱)در مکه مکرمه و به سال ۱۲۴۳ [ه. ق] زاده شده و در آنجا بالید. پدر او متولد مکه نیست، او از مصر به آنجا آمده است.

رشد و حیات علمی صباغ: وی در مکه مکرمه رشد کرد و از علمای روزگار خود و مشایخ عصر و عالمانی که به مکه مکرمه می آمدند بهره مند شد. قرآن را از بر کرد و دانش آموخت و فقه مالکی را در مکه فرا گرفت. وی به علم مشغول بود و از استادان بزرگ وقت بهره گرفت و نزد مفتی مکه سید احمد زینی دحلان حدیث خواند و نزد مفتی مالکیه شیخ حسین، الشفا و موطأ مالك و [صحیح] بخاری در حدیث و حاشیه الصفتی و رساله ابی زید و اقرب المسالك و شرح الدردیر علی مختصر خلیل را در فقه خواند و در ادبیات عرب شرح قطر الندی ابن هشام و دیگر آثار مهم را خواند. او مورخی باهوش و خوش حافظه، و یکی از حمله داران حاجیان غرب جهان اسلام [مراکش و شمال افریقا] بود.

استادان صباغ: ۱. احمد زینی دحلان (۱۲۳۲ (۲)- ۱۳۰۴ه. ق) : فقیه و مورخ مکه مکرمه، در مکه زاده شد و در آنجا تدریس کرد و مفتی شافعیان مکه بود. در دوران او نخستین چاپخانه در مکه تأسیس شده و برخی از کتاب های او در آن به چاپ رسید. شماری از آثار او چنین است: الفتوحات الاسلامیه (چاپی، دو جلد) السیره النبویه (چاپی) ، خلاصه الکلام فی امراء البلد الحرام (چاپی) ، [الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه (چاپی)] و جز اینها. دحلان در مدینه منوره درگذشت. (۳)

۲. عبدالقادر بن علی مشاط مکی مالکی (۱۲۴۸ (۴)- ۱۳۰۲ه. ق) : وی در مکه به دنیا آمد و در آن شهر پرورش یافت و قرآن و بسیاری از متون مذهبی و غیره را از بر کرد و

۱- برای آگاهی بیشتر از جمله بنگرید به: مختصر نشر النور و الزهر، ص ۴۰۰؛ الاعلام، ج۶، ص ۲۱.

۲- بنابراین، استاد، تنها ۱۱ سال از شاگردش بزرگ تر بوده است. - م.

۳- درباره احمد زینی دحلان از جمله بنگرید به: الاعلام، زرکلی، ج ۱، ص ۱۲۹ - ۱۳۰؛ معجم المؤلفین، کحاله، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۰؛ نشر الریاحین، بلادی، ج ۱، ص ۲۷ - ۲۸.

۴- اگر چنین باشد، تفاوت سن استاد و شاگرد، تنها ۵ سال است. - م.

نزد حسین مفتی مالکیه فقه آموخت و مدت ها ملازم سید احمد زینی دحلان بود و نزد او علوم و فنون فراوان فرا گرفت. او حاشیه ای بر الاستعارات استاد خود سید احمد دحلان دارد. وی امام جماعت در مقام مالکی [در مسجدالحرام] و مدرس آن مکان بود. (۱)

۳. حسین ازهری (۱۲۲۲ – ۱۲۹۲ه. ق) : او حسین بن ابراهیم بن حسین بن عابد مالکی است که در مصر به ازهری معروف است. وی که فقیه و مفتی مالکیه در مکه است، مغربی الاصل و منسوب به قبیله ای در طرابلس غرب (۲)است که به آن عصور می گویند. او در الازهر دانش آموخت و اندکی پس از سال ۱۲۴۰ه. ق به مکه آمد و نزد امیر مکه شریف محمد بن عون منزلتی یافت و به امامت و سخنرانی در مسجدالحرام گماشته شد و در سال ۱۲۶۲ه. ق امر صدور فتوا را به عهده گرفت که تا پایان حیاتش ادامه داشت. او آثاری دارد از آنهاست: توضیح المناسک، و رساله فی المصطلح، که دارای شرحی است و چاپ شده است. (۳)

آثار صباغ: پس از بررسی آثاری که درباره صباغ نگاشته شده است جز یک اثر از او نیافتیم و آن کتابی است که آن را تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، نامیده، است. اثری بی مانند که در بردارنده جدید و قدیم است.

درگذشت صباغ: وی در سال ۱۳۲۱ه. ق چنان که رسم حمله داران است برای دیدار حاجیانی که از مغرب به مکه می آمدند و نیز کارهای شخصی خود به مغرب سفر می کند و در ۷۸ سالگی در آنجا از دنیا می رود. عبدالوهاب دهلوی در مجله المنهل آورده است که درگذشت صباغ در ۱۳۱۱ه. ق است، اما این غلط محض است زیرا

۱- مختصر نشر النور و الزهر، [ابوالخیر]، ص ۲۷۴ – ۲۷۵.

۲- منظور طرابلس مرکز لیبی است که در ساحل غربی این کشور واقع است. – م.

۳- مختصر نشر النور و الزهر، ص ۱۸۰ – ۱۸۱؛ الاعلام، ج۲، ص ۲۳۰.

صباغ تألیف کتابش را بنابر تصریح او در پایان نسخه اصلی، در ۱۳۲۰ه. ق به فرجام رسانده است.

فرزندان صباغ: از صباغ سه پسر باقی ماند که همگی حمله دار حاجیان بودند. پس از صباغ دو تن از پسرانش مردند و پسر کوچکش که بیشتر مقامات حریری و اشعار فراوانی از برداشت، زنده ماند.

تأثیر کتاب تحصیل [المرام فی اخبار. . .] صباغ بر کتاب هایی که پس از او نگارش یافت: کسانی که به تألیف درباره تاریخ مکه می پردازند به کتاب صباغ [یعنی] تحصیل [المرام. . .] توجهی خاص دارند و بسیار از آن نقل می کنند و این نشان دهنده جایگاه این کتاب در نگاه دیگر عالمان است. [شماری از کسانی که به اقتباس و نقل از کتاب صباغ پرداخته اند از این قرارند]:

۱. غازی (۱۲۹۰ - ۱۳۶۵ه. ق) در کتاب خود افاده الانام بذکر اخبار بلد [الله] الحرام، از کتاب تحصیل [المرام. . .] بسیار استفاده و نقل کرده است، چنان که تعداد مواضع نقل شده از این کتاب در کتاب غازی به ۱۲۶ مورد می رسد.

۲. کردی (۱۳۲۱ - ۱۴۰۰ه. ق) هم در کتاب التاریخ القویم، ۶۵ بار از کتاب تحصیل [المرام. . .]، مطلب نقل کرده است.

۳. حسین باسلامه (۱۲۹۹ - [۱۳۵۶ه. ق (۱)]) در کتاب تاریخ الکعبه المعظمه، ۱۰ بار از کتاب تحصیل [المرام. . .]، مطلب نقل کرده است.

۴. احمد سباعی (۱۳۲۳ - ۱۴۰۴ه. ق) در کتاب تاریخ مکه ۳ بار از تحصیل [المرام. . .] نقل کرده است، اما در اصل نسخه خطی کتاب [وی] به آنها دست نیافتیم. (۲)

۱- در متن مبدأ صفحه ۱۶۰ آمده است: «۱۳۱۳۵۶» . - م.

۲- [تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، صباغ (مقدمه مصحح)]، ج ۱، ص۷ - ۱۰. - م. * در پانوشت نخست صفحه ۱۶۰ متن مبدأ آمده است: «ابن دهیش، عبدالملک بن عبدالله، ج ۱، ص ۷ - ۱۰» . - م.

۱۶. عبدالله بن محمد غازی مکی حنفی (۱۲۹۰– ۱۳۶۵ه. ق)

صاحب کتاب افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام (۱)۱مع تعلیقه المسمی باتمام الکلام. چاپ عبدالملک بن عبدالله بن دهیش (چاپ اول، مکه مکرمه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۶ه. ق) .

محقق کتاب شرحی بلند بر زندگی مؤلف نوشته که چکیده آن چنین است:

تولـد و رشد ابن غازی: عبدالله بن محمد غازی مکی حنفی (۲)چنان که خود نوشته است در ۱۲۹۰ه. ق یا ۱۲۹۱ ه. ق در مکه مکرمه زاده شـد. او در منزل پـدر در کوه هنـدی [قُعَیْقَعان] مکه مکرمه بالیـد. عبدالله کوچک بود که مادرش از دنیا رفت و او یتیم و بـدون برادر بزرگ شـد. پـدرش پرورش او را گردن نهاد و نیک او را تربیت کرد. پـدر پس از درگـذشت مادر عبـدالله چشم امیـد بدو دوخت و به تعلیم و تربیت او همت گمارد و او خردسال بود که برایش معلم قرآن گرفت. او قرآن را از بر کرد و درحالی که نوجوانی دوازده ساله بود در مسجدالحرام در میان مردم در نماز تراویح قرآن می خواند.

عبـدالله در زبـان و ادبیـات عرب اسـتاد بود، از این رو توانست بسـیاری از کتـاب هـا را به دست خود نسـخه برداری کنـد و در کتابخانه اش نگه دارد، چرا که در آن زمان چاپخانه فراوان و در دست رس نبود. او زبان هنـدی را نیز نیک از پـدر آموخت و برخی از آثار فارسی را هم مطالعه کرد و صرف و نحو و حساب را نیز فرا گرفت.

کسب دانش ابن غازی: در ادامه پدرش او را به مدرسه صولتیه (۳)فرستاد و او نزد شیخ

۱- در صـفحه ۱۵۹ متن مبـدأ، نـام کتـاب غـازی به گونه ای دیگر ضـبط شـده است: افـاده الانام بـذکر اخبار البلـدالحرام، که نادرست است. نام کامل این کتاب چنان است که در متن آمده است. - م.

۲- برای آشـنایی بیشـتر بـا او از جملـه بنگریـد به: الاعلاـم، زرکلی، ج ۴، ص ۱۳۴؛ [التاریـخ القـویم لمکـه و بیت الله الکریم، کردی]، ج ۱، ص ۲۲.

۳- مـدرسه صولتیه، منسوب به خـانمی است هنـدی به نـام صولت النسا که در سال ۱۲۸۹ه. ق. از کلکته برای گزاردن حـج به مکه می آیـد. وی مصـمم می شود در مکه اقامتگـاهی بسـازد تا حاجیان در آن سـکنی گزیننـد و بار و بنه آنها در آن در امان ماند. بانوی هندی با شـیخ رحمت الله در این باره رایزنی می کند. او وی را از اقامتگاه های پرشـمار مکه و نیاز مکه به مدرسـه آگاه می سازد. بانوی هندی، کار را به شـیخ وا می گذارد. شـیخ زمینی را در محله خندرسـیه که مکان کنونی مدرسه واقع در میان کوه عمر و کوه کعبه و حاره الباب است می خرد. مدرسه در چهاردهم محرم سال ۱۲۹۱ه. ق. افتتاح می شود و شاگردان و معلمان به آنجا منتقل می شونـد. شـیخ از نهادن نام خود بر این مـدرسه تن می زند و به احترام آن بانوی نیکوکار، مدرسه را صولتیه می نامـد. بنگرید به: رجال من مکه المکرمه، ج۴، ص ۱۵۶. * مؤلف محترم، از نگارنده کتاب رجال من مکه المکرمه یـاد نکرده است؛ شایـد مراد او کتاب رجال مکه المکرمه اثر زهیر محمـد جمیل کتبی است که در سال های (۱۴۱۰ - ۱۴۱۶ه. ق) در شش جلد منتشر شده است. بنگرید به (www.z-kutbi.com). - م.

عبدالسبحان بن خادم، صرف و نحو آموخت و نزد حضرت نور افغانی عقاید و معانی و بیان و اصول فقه و تفسیر و حدیث و حساب و تقسیم ارث و دیگر علوم را فرا گرفت؛ اما از این دو استاد اجازه علمی نگرفت.

او در حلقه های درس در مسجدالحرام شرکت جست و نزد تفضل الحق خیاط مرشد آبادی، کتاب های فقهی و برخی از کتاب های حدیثی مانند: مشکاه المصابیح، و سنن نسائی و سنن ابن ماجه و موطأ مالك را خواند. او از این استاد هم اجازه روایت دریافت نکرد.

وی بلوغ المرام [من ادله الاحکام فی علم الحدیث، ابن حجر عسقلانی]، و صحیح بخاری و صحیح مسلم، و سنن ترمذی و سنن ابوداود، و سنن نسائی و سنن ابن ماجه را نزد محمد بن عبدالرحمان انصاری سهانفوری مکی خواند و از او اجازه [نقل] روایت حدیث گرفت.

او پس از دریافت اجازه روایت، سرپرست کتابخانه مدرسه صولتیه شد و چون در آنجا کار می کرد کتاب های حدیث و تفسیر را بسیار مطالعه نمود و کتاب های فراوانی برای کتابخانه شخصی خود گردآورد. (۱)

وی در مسجدالحرام نزدیک باب الزیاده (۲)حلقه درسی برای حفظ قرآن کریم برپا ساخت و حدیث و فقه هم درس می داد. (۳)شاگرد او فادانی می گوید: «جز افراد فاضل

۱- التاریخ القویم [لمکه و بیت الله الکریم، کردی]، ج ۱، ص ۲۳.

۲- باب الزیاده یا زیاده دارالندوه که باب سویقه خوانده می شده است در زمان معتضد عباسی (۲۸۲ه. ق.) ساخته شد. بنگرید به: تاریخ عماره المسجد الحرام، ص ۱۳۱.

۳- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص۳۵۶.

در درس او حاضر نمی شدند.» (۱)

ستایش دانشمندان از ابن غازی: عبدالله غازی از بزرگ داشت علمای عصر خود برخوردار شده است. آنان او را سخت ستوده انـد و لقب هایی بـدو داده اند که بیان کننده جایگاه والای علمی او در فنون گوناگون است. محدثان او را مسنِد می خواندند زیرا از محدثان عصر خود بسیار روایت می کرد و شناخت و مهارتی خاص در حدیث و علوم حدیث داشت. [از جمله کسانی که] وی را بـا این صـفت یاد کرده محمـد عیسـی فادانی مکی است. او در روایت از وی و اجازه ای که غازی به او داده است، می گویـد: علامه محـدث، مسنِد مورخ شـیخ عبدالله بن محمد غازی مکی، مدتی طولانی با او بودم و بخش هایی از کتب ده گانه حدیثی را همراه با جزء نخست تفسیر نسفی نزد او خواندم. در این مدت از کتاب های فراوانی که در این علم نزد او بود، نسخه برداری کردم، از آنهاست، تألیف او با عنوان فتح القوی فی اسانید سید حسن بن محمد الحبشی العلوی که درباره اسانید اسـتادش [سلسـله سـند پیوسته استاد او تا منبع حدیث] است. و من در آن با سلسله سندهایی که در آن است، آشنا شدم. فادانی در ادامـه می گویـد: اوست که راه را برای من همـوار سـاخت و بـاب شـناخت طرق روایت و آشـفتگی آن و شـناخت روایت صحیـح را از روایتی که در سیاق سـند یـا اسـماء رجـال آن تحریف رخ داده است بر من گشود. من برای شـناخت شـرح حال بزرگان قرن چهاردهم از او یاری جستم و از او اجازه نقل روایت خواستم. او به من برای نقل همه آنچه نزد او قرائت یا استماع کرده بودم و نیز نقل همه آثارش از جمله فهرست بزرگ او که آن را تنشیط الفؤاد من تذکار علوم الاسناد یا ارشاد العباد الی معرفه طرق الاسناد نامیده است که اثری دو جلدی است، اجازه ای ویژه داد. (۲)

باز هم فادانی می گوید: او – رحمه الله علیه – در استفاده از وقت و پرهیزکاری و

۱- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص۳۵۵.

۲- قره العین، [فادانی]، ص ۲۳۳ – ۲۳۴.

زهـد و کوچک شـماردن دنیا و پارسایی و زنـدگی را به سـختی گذرانـدن، آیتی بود و مردم اعم از زن و مرد و پیر و جوان و عالم و جاهل از او بهره بردند. او را هاله ای از بزرگی عالمان و ویژگی پرهیزگاران فرا گرفته بود. (۱)

مدارسی می گوید: مردی است نیکوکار و قانع و عابد و خاشع و پرهیزگار و فروتن.

او در علم حدیث و سند رجال حدیث بسیار تواناست و کتاب های پرشمار و به راستی سودمندی نگاشته است. (۲)

سید محسن بن علی مساوی در اجازه اش نوشته است: شیخ فاضل و عالم و علامه کامل و پرهیزگار واصل ما. (۳)

سیـد احمـد بن صـدیق در البحر العمیق می گویـد: علامه محـدث مسـنِد ابومحمـد عبدالله ابن محمد غازی هندی مکی، مؤلف کتاب تاریخ مکه المکرمه و الثبت الکبیر و جز اینها. (۴)

مورخـان به غازی لقب پیشوای مورخان داده انـد. عبـدالوهاب ابوسـلیمان (۵)می گویـد: علامه محدث مسـند پیشوای مورخان مکی. (۶)

اگر در پی مزار او برایی، آن را در ورودی ربـاطی نزدیـک بـاب الزیـاده که به آن ربـاط حنـابله گوینـد، می یابی که کنار آن دولابچه ای نصب شـده است و در گوشه ای از آن انـدکی سـرمه و کاغـذ گـذارده اند تا نشان حفظ چیزی باشد که او در پی حفظ آن بود.

عمر عبـدالجبار می گویـد: شـیخ عبـدالله غـازی، زنـدگی خود را وقف تـألیف کرد. او بهترین اوقـات خود را بـا اهل فضل می گذراند تا طرح رجال شناسی خود در

۱- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

۲- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

۳- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

۴- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص ۳۵۶.

۵- مراد، مؤلف اثری است که پیش رو دارید. – م.

۶- العلماء و الادباء الوراقون [فی الحجاز فی القرن الرابع عشر الهجری، عبد الوهاب ابراهیم ابوسلیمان]، ص ۱۱۸.

کتاب هایش را کامل سازد، اما این مانع کسب معاش همراه با قناعت و زهد و پرهیزگاری او نمی شد. (۱)

محمود سید ممدوح می گوید: دانشمند علامه، مسنِد مورخ، پرهیزگار زاهد، پژوهشگر ریزکاو و دریا علم. (۲)

طاهر کردی می گوید: او عالمی فاضل و صالحی کامل، و در مکه مکرمه همسایه ما بود. (۳)او مردی صالح و راستگو و پرهیزگار و کم سخن بود و در امور دخالت بی جا نمی کرد و تا پایان عمر مطالعه کتاب را فرو ننهاد. (۴)

شاگرد او سید ابوبکر بن احمد حبشی می گوید: غازی، استاد رجالی ما پیوسته در شهر خود مکه مکرمه اقامت داشت و در محل کار خود در باب الزیاده با آرامش و سکون و تواضع و وقار سخت مشغول تألیف بود و گاه به مدرسه صولتیه که کارمند آنجا بود می رفت. (۵)

ابوتراب ظاهری می گوید: شیخ ابن غازی آن گونه که من می شناسم مردی است پرهیزگار و تقوا پیشه و نیکوکار. (۶)

در مجله المنهل آمده است: شیخ [ابن غازی] در خیابان منتهی به باب الزیاده یکی از درهای مسجدالحرام، در خانه ای قدیمی که شاید یکی از مدارس است، سکونت دارد و همه تلاش خود را به تدوین آن بخش از تاریخ مکه و تحولات و وضعیت آن که تاریخ از آنها غفلت ورزیده، معطوف داشته است. این شیخ عالم، ۷۵ سال از عمرش گذشته است اما از پرداختن به کار علمی خود تا پایان حیات دست نمی کشد. (۷)

۱- سیر و تراجم، [عبدالجبار]، ص۲۰۳.

۲- تشنیف الاسماع، [فادانی] ص۳۵۵.

۳- التاریخ القویم، [کردی]، ج۱، ص۲۳.

۴- مجله المنهل، ج۸، ص ۲۳۷.

۵- الدلیل المشیر، [حبشی]، ص ۲۲۳.

۶- روزنامه البلاد، شمار ۸۵۸۶، تاریخ ۱۰/۵/۱۴۰۷.

۷- مجله المنهل، ج۶، ص۴۵۹.

آثار ابن غازی: در منابع به آثار ذیل برای غازی اشاره شده است:

۱. افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام. یک نسخه در چهار جلد، و نسخه ای در شش جلد و نسخه ای دیگر در هفت جلد.

۲. تشـنیط الفؤاد من تذکار علوم الاسـناد یا ارشاد العباد الی معرفه طریق الاسناد در شرح حال استادان او و استادان آنان، در دو جلد (نسخه خطی) . (۱)

۳. نظم الدرر فی تراجم علماء مکه من القرن العاشـر الی القرن الرابع عشر. نسخه خطی است و مؤلف آن را خلاصه کرده و آن را اختصار نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل اهل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر (۲)خوانده است.

همچنین محمد سعید عامودی و احمد علی به طور جداگانه به تلخیص و انتشار آن پرداخته اند.

۴. نثر الدرر فی تذییل نظم الدرر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر الی القرن الرابع عشر.

غازی در این کتاب به شـرح حال عالمان مکه که در کتاب ابوالخیر مرداد که در سال ۱۳۴۳ درگذشت، به آنها پرداخته نشده، پرداخته است.

این کتـاب مرجعی برای شـناخت علمـای مکه در عصـر خود غـازی به شـمار است، چرا که او به شـرح احوال عالمانی پرداخته است که در قرن سیزدهم و چهاردهم، با او معاصر بوده اند.

۵. مجموع الاذکار من احادیث النبی المختار (خطی است) .

۶. رساله ای در نکوهش لهو و لعب، که آن را کشف ما یجب من جواز اللهو و اللعب نامیده است (خطی است) .

۷. فتح القوی فی ذکر اسانید السید حسین الحبشی العلوی.

۱- سه سطر از متن مبدأ صفحه ۱۶۵ حذف شد، چه تکرار مطالبی از فادانی است که پیش از این از آن یاد شد. - م.

۲- این اثر به چاپ رسیده است. - م.

فادانی می گویـد: غازی به ملازمت حبیب حسین بن محمد حبشـی درگذشـته در ۱۳۳۰ه. ق عنـایت داشت و کتـاب هایی در حـدیث و جز آن را نزد او ختم کرد. (۱)سپس اسانیـد روایات او را تهیه کرد و آن را [الفتح (۲)] القوی فی ذکر اسانید السید حسین الحبشـی العلوی نامیـده. اگر این اثر به چاپ برسـد مجلدی حجیم خواهد شد. غازی این فهرست را به طریقی بی سابقه نگاشـته و گفتـار پایـانی آن را در نفایسـی بـدیع پرداخته است. خداونـد به او پاداش خیر دهـد. شاگرد او، سـید ابوبکر حبشـی حسینی درباره این اثر می گوید (۳): این فهرست، از مفیدترین فهرست ها و علمی ترین و تحقیقی ترین آنهاست. گفتنی است این اثر در سال ۱۴۱۸ه. ق و ۱۴۲۵ه. ق به چاپ رسیده است.

۸. بیان الفرائض شرح بدیع الفرائض (نسخه خطی است) .

درگـذشت ابن غازی: [وی] پس از زنـدگی سـرشار از کار و تلاش و تألیف، و آکنـده از زهـد و قناعت، پس از زندگانی که آموزشـگاه کاهش دلبسـتگی به این دنیا برای دست یابی مؤمن به خشنودی خداوند و کسب دانش و عشق ورزیدن به آن بود، زنـدگی که نمونه ای بود که سـلف صالـح را به یاد می آورد که می گفتند: در دنیا چونان مسافر یا غریب باش؛ پس از مدتی تحمل بیماری در ظهر روز پنج شـنبه پنجم شـعبان سال ۱۳۶۵ه. ق از سـرزمین برکت و نور به رفیق اعلی پیوست. او بیشـتر عمر نزدیک به ۷۵ ساله خود را در تألیف و نگارش سپری ساخت و سرانجام پس از نمازگزاردن بر او در مسجدالحرام در عصرگاه و به امامت سید ابوبکر بن سالم بار (۴)، در بقعه شهدا در معَلا به خاک سپرده شد. (۵)

۱- تشنیف الاسماع، [فادانی]، ص۳۰۶.

۲- در متن مبدأ صفحه ۱۶۶ آمده است: «فتح القوی» . - م.

۳- الدلیل المشیر، ص۲۳۲.

۴- الدلیل المشیر، ص ۲۲۳.

۵- در متن مبدأ صفحه ۱۶۶ تنها آمده است: «ج۱، ص ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۳۵، ۳۸، ۴۶، ۴۸، ۵۰» . - م.

۱۷. ایوب صبری پاشا (در. ۱۲۹۰ه. ق)

۱۷. ایوب صبری پاشا (در. ۱۲۹۰ه. ق) (۱)

نگارنده کتاب موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب. ترجمه ماجده مخلوف، حسین مجیب مصری، عبدالعزیز عوض، مطابقت با متن ترکی از ادیب عبدالمنان و علی اوزلی، بازبینی و آماده سازی برای نشر از محمود جیره الله، با مقدمه و اشراف محمد حرب، (چاپ اول، قاهره، دار الآفاق العربیه، ۱۴۲۴ه. ق) .

محمد حرب در مقدمه اش بر این کتاب درباره نویسنده آن می گوید: مؤلف این اثر ایوب صبری پاشا، مورخی عثمانی و از دریاداران نیروی دریایی عثمانی است که در تحقیق و تألیف هم دستی داشته است. وی سال های سال در مکه مکرمه و مدینه منوره زیست و این اقامت بلندمدت به او فرصت داد اطلاعات فراوانی درباره این دو شهر به دست آورد و از تاریخ اسلام، شناختی گسترده کسب کند و مشاهدات و پرس وجوهای شخصی او به دانش دامن فراخش از تاریخ اسلام و تاریخ دو شهر مکه مکرمه و مدینه منوره افزوده گردد و در کتابش نمود یابد و اثری در نوع خود بی بدیل پدید آید.

[آثار صبری پاشا:] مهم ترین آثار صبری باشا عبارتند از:

۱. محمود السیر (چاپ ۱۸۷۰م)

۲. تکمله المناسک (چاپ ۱۸۷۵م)

۳. اسباب العنایه فی ترجمه بدایه النهایه (چاپ ۱۸۸۹م)

۴. شرح قصیده بانت سعاد (چاپ ۱۸۸۴م)

۵. مرآه مکه (چاپ ۱۸۸۴م)

۶. مرآه المدینه (چاپ ۱۸۸۷م)

۷. مرآه جزیره العرب (چاپ ۱۸۸۹م)

صبری پاشا در راه نگارش کتاب [موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب]، هفده سال رنج بسیار برد و گنجی گران آورد و برای آیندگان به یادگار نهاد. این کتاب

۱- این بخش از سخن، افزوده مترجم است. - م.

دانشـنامه ای فراگیر درباره سرزمین حجاز است و کمتر کتابی به جامعیت و دقت این کتاب درباره مکه مکرمه و مدینه منوره و جزیره العرب یافتنی است.

صـبری پاشـا کتـابش را در سه بخش و پنـج مجلـد پرداخته است. در بخش نخست که در دو جلـد نگـارش یـافته است به مکه مکرمه نظر کرده است. در بخش دوم که در دو جلـد دوم گنجانـده شـده است به مدینه منوره پرداخته شده است و بخش سوم که در جلد پنجم آمده است درباره جزیره العرب است.

این کتاب، دانشنامه ای علمی و فرهنگی است و در بردارنده اطلاعاتی گرانمایه درباره معارف و فنون و تاریخ و قصص و شعر و آمـار و آداب و رسوم و فرهنـگ عـامه و جغرافیـا و محصولاـت کشاورزی و. . . سـرزمین حجاز خاصه مکه مکرمه و مـدینه منوره است و در تـألیف آن گذشـته از منـابع فراوان تـاریخی، به مشاهـدات مؤلف و ثبت اظهـارات مردم به ویژه سالخوردگان مکه و مدینه که توسط خود صبری پاشا صورت گرفته نیز تکیه شده است.

باری این اثر فخیم به راستی آیینه ای تمام نما از هر چیزی است که به مکه مکرمه و مدینه منوره مربوط شود. (۱)و (۲)]

۱- موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، صبری پاشا، ج ۱، ص ۷ - ۱۲. - م.

۲- این بهره افزوده مترجم است. - م.

کتابنامه

اشاره

کتابنامه (۱)

کتاب ها

۱. اتحاف الساده المتقین بشرح احیاء علوم الدین، السید محمد بن محمد الحسینی الزبیدی، بیروت، دار الفکر، [د. ت].

۲. اتحاف فضلاء الزمن بتاریخ ولایه بنی الحسن، محمد بن علی بن فضل المکی الطبری، الطبعه الاولی، مصر، دارالکتاب الجامعی، ۱۴۱۳ه. ق.

۳. اخبار مکه فی قدیم الدهر وحدیثه، ابوعبدالله محمد بن اسحاق الفاکهی، دراسه و تحقیق: عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، مکتبه و مطبعه النهضه الحدیثه، ۱۴۰۷ه. ق.

۴. اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ابو الولید محمد بن عبدالله بن احمد الازرقی، دراسه و تحقیق: رشدی [الصالح] ملحس، الطبعه الثالثه، مکه المکرمه، مطابع دار الثقافه، ۱۳۹۸ه. ق.

۵. الارج المسکی فی التاریخ المکی و تراجم الملوک و الخلفاء، علی بن عبدالقادر الطبری، تحقیق و تقدیم: اشرف احمد جمال، الطبعه الاولی، مکه المکه، المکتبه التجاریه مصطفی باز، ۱۴۱۷ه. ق.

۱- مترجم، چینش مشخصات کتاب شناختی منابع مؤلف را تغییر داده و خطاهای ره یافته در آنها را نیز اصلاح کرده و منابع را چینش الفبایی نموده است. - م.

۶. ارشـاد السالـک الی افعال المناسک، برهان الـدین ابراهیم بن فرحون، دراسه و تحقیق: محمـد بن الهادی ابو الاجفان، الطبعه الاولی، تونس، بیت الحکمه، ۱۹۸۹م.

۷. الاستیعاب فی اسـماء الاصحاب بهامش کتاب (الاصابه فی تمییز الصحابه) ، ابو عمر یوسف ابن عبدالله بن محمد بن عبدالبر، الطبعه الاولی، مصر، مکتبه التجاریه الکبری لصاحبها مصطفی محمد، ۱۳۵۸ه. ق.

۸. اعلام الموقعین عن رب العالمین، [شمس الدین محمد بن ابی بکر ابن قیم الجوزیه]، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، چاپ اول، مصر، المکتبه التجاریه الکبری، ۱۳۷۴ه. ق.

۹. الاعلام باعلام بیت الله الحرام فی تاریخ مکه المشرفه، قطب الدین بن علاءالدین النهروالی، تقدیم: السید محمد امین کتبی، شرح: محمد طاهر عبدالقادر الکردی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، المکتبه العلمیه لصاحبها عبدالفتاح فدا و أولاده، [د. ت].

۱۰. الاعلام بالتوبیخ لمن ذم التاریخ، شمس الدین محمد بن عبدالرحمان السخاوی، حققه و علق علیه: فرانز روزنتال، ترجمه: صالح احمد العی، الطبعهالاولی، بیروت، دارالکتب العلمیه، [د. ت].

۱۱. الاعلام قاموس تراجم، خیرالدین الزرکلی، بیروت، دارالعلم للملایین، [د. ت].

۱۲. افاده الانام بذکر اخبار بلد الله الحرام، عبدالله غازی، دراسه و تحقیق: عبدالملک بن عبدالله ابن دهیش، مرقوم بالکمبیوتر.

۱۳. اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفهاصحاب الجحیم، شیخ الإسلام احمد بن عبدالسلام ابن تیمیه، تحقیق و تعلیق: ناصر بن عبدالکریم العقل، الطبعه السابعه، ریاض، وزاره الشؤون الاسلامیه و الاوقاف والدعوه و الارشاد، ۱۴۱۹ه. ق.

۱۴. امتاع الاسماع بما للرسول من الابناء و الاموال و الحفده و المتاع، تقی احمد بن علی المقریزی، تصحیح: محمود محمد شاکر، الطبعه الاولی، القاهره، لجنه التألیف و الترجمه و النشر، ۱۹۴۱م.

۱۵. الایضاح فی مناسک الحج و العمره، ابو زکریا یحیی بن شرف النووی، و علیه الافصاح علی

مسائل الایضاح علی مذاهب الائمه الاربعه و غیرهم للعلامه الشیخ عبد الفتاح حسین راوه المکی، الطبعه الاولی، بیروت، دارالبشائر، ۱۴۱۴ه. ق.

۱۶. البحر العمیق فی مناسک المعتمر و الحاج إلی بیت الله العتیق، ابوالبقاء محمد بن احمد بن محمد ابن الضیاء القرشی المکی، تحقیق: عبدالله نذیر احمد عبدالرحمان مزی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، مکتبه المکیه و مؤسسه الریان، ۱۴۲۷ه. ق.

۱۷. بهجه النفوس و تحلیها بمعرفه ما لها و ما علیها (شرح مختصر صحیح البخاری) ، ابومحمد عبدالله بن ابی جمره الاندلسی، الطبعه الاولی، بیروت، دارالجیل، ۱۹۴۸م.

۱۸. تاج العروس من جواهر القاموس، [السید محمد بن محمد الحسینی الزبیدی]، دراسه و تحقیق: علی شیری، الطبعه الاولی، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ه. ق.

۱۹. التاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، محمد طاهر عبدالقادر الکردی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، مکتبه النهضه الحدیثه، ۱۳۸۵ه. ق.

۲۰. تاریخ المدینه المنوره، ابو زید عمر النمیری البصری ابن شبه، تحقیق: فهیم محمد بن یوسف، الطبعه الاولی، المدینه المنوره، السید حبیب محمود احمد، ۱۴۱۱ه. ق.

۲۱. التاریخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر، محمد الحبیب الهیله، الطبعه الاولی، لندن، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۹۹۴م.

۲۲. تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام، محمد بن احمد بن سالم بن عمر المکی المالکی (ابن الصباغ) ، دراسه و تحقیق: عبدالملک ابن عبدالله بن دهیش، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، مکتبه الأسدی، ۱۴۲۴ه. ق.

۲۳. تحفه الانام فی مآثر البلد الحرام، السید عبدالله بن السید محمد صالح الزواوی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، مطبعه الترقی الماجدیه، ۱۳۲۹ه. ق.

۲۴. الترک فی التشریع و الترک فی التکلیف و مقاصده، [عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان]، لندن، مرکز مقاصد الشریعه الإسلامیه، ۱۴۲۹ه. ق.

۲۵. توثیق السنه النبویه و عنایه السلف به ملامح عن المنهج و دلائله و مظاهره و أثره، عبدالله بن ضعیف الله الرحیلی، الطبعه الاولی، [د. ت] ۱۴۲۸ه. ق.

۲۶. الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، جمال الدین محمد جارالله بن محمد نور الدین، ابن ظهیره القرشی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، توزیع مکتبه الثقافه، ۱۳۹۲ه. ق.

۲۷. الجامع لاحکام القرآن، ابوعبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی، الطبعه الثانیه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۶م.

۲۸. حاشیه العلامه ابن حجر الهیثمی علی شرح الإیضاح فی مناسک الحج، احمد بن حجر الهیثمی، المدینه المنوره، المکتبه السلفیه، [د. ت].

۲۹. حجه الوداع، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر القرشی، تحقیق: خالد ابوصالح، الطبعه الاولی، الریاض، دارالوطن، ۱۴۱۶ه. ق.

۳۰. خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفی، علی بن عبدالله بن احمد الحسنی السمهودی، ، المدینه المنوره، المکتبه العلمیه لصاحبها الشیخ محمد سلطان النمنکانی، ۱۳۹۲ه. ق.

۳۱. الدره الثمینه فی اخبار المدینه، ابو عبدالله محمد بن محمود النجار، قابله و اعتنی به:

محمد علی شکری، الطبعه الاولی، المدینه المنوره، دارالمدینه المنوره للنشر و التوزیع [د. ت].

۳۲. دلیل مکه المکرمه الاسلامی، بهجت صادق المفتی، الطبعه الاولی، الریاض، مطابع الفرزدق، ۱۴۲۴ه. ق.

۳۳. الروض الانف فی تفسیر ما اشتمل علیه حدیث السیره النبویه لابن هشام، السهیلی، ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله، چاپ اول، مصر، مطبعه الجمالیه، ۱۳۳۲ه. ق.

۳۴. زاد المعاد [فی هدی خیر العباد]، ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد ابی بکر، تحقیق: شعیب الارناؤوط و عبدالقادر الارناؤوط، الطبعه الاولی، بیروت، مؤسسه الرساله، و مکتبه المنار الاسلامیه، ۱۳۹۹ه. ق.

۳۵. سالنامه العربیه فی شأن الدوله العثمانیه، احمد زینی دحلان، الطبعه الثانیه، مکه المکرمه، المطبعه المیریه، ۱۳۰۳ه. ق.

۳۶. سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، الطبعه الاولی، القاهره، المجلس الاعلی للشؤون الإسلامیه، لجنه التراث الاسلامی، ۱۹۷۲م.

۳۷. السید رشید رضا أو اخاء اربعین سنه، الامیر شکیب ارسلان، الطبعه الاولی، دمشق، مطبعه بن زیدون، ۱۳۵۶ه. ق.

۳۸. شجره الرضوان، عزالدین الفلواروی، القاهره، مجله الازهر، ربیع الأول، ۱۳۴۶ه. ق.

۳۹. الشفا بتعریف حقوق المصطفی، القاضی بن موسی بن عیاض الیحصبی، استامبول، دارسعادت، مطبعه عثمانیه، ۱۳۱۲ه. ق.

۴۰. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، تقی الدین محمد بن احمد بن علی المکی الفاسی، تحقیق و مقابله: ایمن فؤاد سید، و مصطفی محمد الذهبی، الطبعه الثانیه، مکه المکرمه، مکتبه و مطبعه النهضه الحدیثه، ۱۹۹۹م.

۴۱. صحیح مسلم، ابوالحسین، مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، خادم الکتاب محمد فؤاد عبدالباقی، الطبعه الاولی، القاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۲ه. ق.

۴۲. الطبقات الکبری، محمد بن سعد بن منیع الزهری (ابن سعد) ، اعد فهارسها ریاض عبدالله عبدالهادی، الطبعه الاولی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ه. ق.

۴۳. عده الانابه فی اماکن الاجابه، عفیف الدین عبدالله بن ابراهیم المیرغنی، تحقیق: عبدالله نذیر احمد مزی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، المکتبه الکمیه، ۱۴۲۹ه. ق.

۴۴. العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، [تقی الدین محمد بن احمد بن علی المکی الفاسی]، تحقیق: فؤاد سید، الطبعه الاولی، مصر، مطبعه السنه المحمدیه، ۱۳۸۴ه. ق.

۴۵. العقد الثمین فی فضائل البلد الامین احمد بن محمد، [الخضراوی]، تحقیق: محمد زینهم محمد عزب، الطبعه الثانیه، مصر، مکتبه الثقافه الدینیه، [د. ت].

۴۶. الفتاوی الموصلیه، عزالدین عبدالعزیز ابن عبدالسلام، تحقیق: ایاد خالد الطباع، الطبعهالاولی، بیروت، دارالفکر المعاصر، [د. ت].

۴۷. فتح الباری شرح صحیح البخاری، [شهاب الدین احمد بن علی بن حجر العسقلانی، قرأ اصله عبدالعزیز بن عبدالله بن باز و محمد فؤاد عبد [الباقی]، اخراج: محب الدین الخطیب، مصر، المطبعه السلفیه و مکتبتها، [د. ت].

۴۸. فتح الفتاح فی شرح الایضاح للنووی، محمد علی بن علان الصدیقی، مکه المکرمه، مکتبه الحرم الشریف، فقه شافعی، رقم ۴۴، مصور عن مخطوط.

۴۹. الفتوحات الربانیه علی الاذکار [النواویه]، [محمد بن علی بن علان الصدیقی]، الطبعه الاولی، القاهره، جمعیه النشر و التألیف الازهریه، ۱۳۴۹ه. ق.

۵۰. فضائل مکه و السکن فیها، الحسن بن ابی الحسین البصری، تحقیق: سامی مکی العانی، الطبعه الاولی، کویت، مکتبه الفلاح، ۱۴۰۶ه. ق.

۵۱. القری لقاصد أم القری، محب الدین ابو العباس احمد بن عبدالله بن محمد بن ابی بکر المکی الطبری، عارضه بمخطوطات مکه المکرمه و القاهره مصطفی السقا، الطبعه الاولی، القاهره، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، ۱۳۹۰ه. ق.

۵۲. کتاب التعریقات، علی بن محمد الشریف الجرجانی، الطبعه الاولی، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۶۹م.

۵۳. لباب المناسک و عباب المسالک، رحمهالله السندی، تحقیق: عبدالرحمان بن محمد ابوبکر، الطبعه الثالثه، بیروت، دارقرطبه، ۱۴۲۱ه. ق.

۵۴. مثیر الغرام الساکن علی أشرف الأماکن، ابوالفرج عبدالرحمان بن الجوزی، قدم له و حققه مصطفی حسین الذهبی، الطبعه الاولی، القاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۵ه. ق.

۵۵. المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ابومحمد عبدالحق ابن عطیه الاندلسی، تحقیق و تعلیق: عبدالله بن ابراهیم الانصاری و سید عبدالعال السید ابراهیم، الطبعه الاولی، قطر، علی نفقه الشیخ خلیفه بن حمد آل ثانی، ۱۴۰۸ه. ق.

۵۶. المساجد الأثریه فی المدینه المنوره، محمد الیاس عبدالغنی، المدینه المنوره، مطابع الرشید، ۱۴۱۹ه. ق.

۵۷. معالم مکه التاریخیه و الاثریه، عاتق بن غیث البلادی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، دار مکه للنشر و التوزیع، ۱۴۰۳ه. ق.

۵۸. مکه المکرمه فی شذرات الذهب، عبدالعزیز صقر الغامدی، و محمد محمود السریانی، و معراج نواب میرزا، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، مطبوعات نادی مکه الثقافی، ۱۴۰۵ه. ق.

۵۹. مکتبه مکه المکرمه دراسه موجزه لموقعها و ادواتها و مجموعاتها، عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان، الطبعه الاولی، الریاض، مطبوعات الملک فهد الوطنیه، ۱۴۱۶ه. ق.

۶۰. ملخص مناسک الحج ویلیه دلیل الآثار المطلوبه فی مکه المحبوبه، عبدالملک بن عبدالقادر ابن علی الطرابلسی، مکه المکرمه، مکتبه و مطبعه النهضه الحدیثه، ۱۴۰۷ه. ق.

۶۱. منائح الکرام فی اخبار مکه و البیت و ولاه الحرم، علی بن تاج الدین بن تقی الدین السنجاری، دراسه و تحقیق: جمیل عبدالله محمد المصری، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، جامعه ام القری، ۱۴۱۹ه. ق.

۶۲. الموسوعه الحدیثیه، مسند الامام احمد بن حنبل. شارک فی التحقیق شعیب الارناؤوط و زملاءه، الطبعه الثانیه، الریاض، وزاره الشؤون الاسلامیه و الاوقاف و الدعوه و الارشاد، ۱۴۲۰ه. ق.

۶۳. نظم الدرر فی اختصار نشر النور و الزهر فی تراجم افاضل مکه من القرن العاشر إلی القرن الرابع عشر، [عبدالله غازی]، (نسخه خطی در اختیار مؤلف) .

۶۴. النوزال الجدیده الکبری فیما لاهل فاس و غیرهم من البدو و القری، ابو عیسی سیدی المهدی الوزانی، قابله و صححه؛ عمر بن عباد، الطبعه الاولی، المغرب، وزاره الاوقاف، ۱۴۱۷ه. ق.

۶۵. هدایه السالک الی المذاهب الاربعه فی المناسک، عزالدین الکنانی ابن جماعه، تحقیق: نورالدین عتر، الطبعه الاولی، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۱۴ه. ق.

روزنامه ها و مجلات

۱. [صحیفه عکاظ]، السنه الثانیه و الاربعون (۱)، العدد ۱۲۵۸۹، الثلاثاء ۱۹ ذوالحجه، عام ۱۴۲۴ه. ق، الموافق ۱۲ فبرایر ۲۰۰۱م.

۲. صحیفه البلاد (عدد رقم ۹۹۸۱، السنه الخامسه عشره، الصادر یوم الاحد ۲۵ جمادی الاولی ۱۳۷۰ه. ق الوافق ۴ مارس، ۱۹۵۱م) .

۳. صحیفه عکاظ، السنه الاربعون، العدد ۱۱۵۶۹، السبت ۲۸ ذوالحجه ۱۴۱۸ه، الموافق ۲۵ إبریل ۱۹۹۸م.

۴. مجله الازهر، القاهره، ربیع الأول سنه ۱۳۴۶ه. ق.

۵. مجله البحوث الفقهیه المعاصره، العدد التاسع و الاربعون، السنه الثالثه عشره، شوال، ذوالقعده، ذوالحجه ۱۴۲۱ه. ق.

۱- اگر ۱۴۱۸، سال چهلم انتشار این نشریه باشد، بی تردید سال ۱۴۲۴ (شش سال بعد) چهل و دومین سال نشر آن نخواهد بود. به هر روی متن پریشان است. - م.

منابع و مراجع مترجم

الف. فارسی

۱. قرآن کریم، ترجمه غلامعلی حداد عادل، چاپ دوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰.

۲. قرآن کریم، ترجمه سید علی موسوی گرمارودی، ویراستاران حسین استاد ولی، سید حسین صدر الحفاظ، بهاءالدین خرمشاهی، چاپ دوم، تهران، قدیانی، ۱۳۸۴ه. ش.

۳. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۴. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، چاپ پنجم، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۱ه. ش.

۵. الاخبار الموفقیات، زبیر بن بکار، ترجمه و تحقیق: اصغر قائدان، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ه. ش.

۶. اخبار مدینه ترجمه خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفی، علامه نورالدین سمهودی، [از مترجمی ناشناس از قرن دهم]. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: سید کمال حاج سید جوادی، چاپ اول، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۶ه. ش.

۷. تاریخ آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، چاپ دوم، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۴ه. ش.

۸. تاریخ مدینه منوره، ابن شبه، ابو زید عمر، ترجمه: حسین صابری، چاپ اول، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۰ه. ش.

۹. تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه (۱۳۴۴ه. ق) ، احمد السباعی، ترجمه و تحقیق: رسول جعفریان. چاپ اول، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۵ه. ش.

۱۰. توصیف آثار تاریخی مکه و مدینه و فلسفه مناسک حج در فتوح الحرمین، محی لاری، به کوشش رسول جعفریان، چاپ اول، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۳.

۱۱. «خانه حضرت خدیجه برترین مکان مکه پس از مسجدالحرام» ، عبدالوهاب ابراهیم ابوسلیمان، ترجمه: سید مرتضی حسینی فاضل، میقات حج، سال هیجدهم، شماره ۶۹، پاییز ۱۳۸۸.

۱۲. دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ه. ش.

۱۳. سیرت جاودان (ترجمه و تلخیص کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص)) ، علامه سید مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ه. ش.

۱۴. طبقات، محمد بن سعد واقدی، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ه. ش.

۱۵. کعبه و مسجدالحرام درگذر تاریخ، محمد طاهر کردی مکی، ترجمه: هادی انصاری، چاپ اول، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۸ه. ش.

۱۶. مخزن الاسرار، حکیم نظامی گنجوی، مقدمه حسین الهی قمشه ای، تصحیح و مقابله: عباس سرمدی، خط: عبدالله فرادی، تشعیر: اردشیر مجرد تاکستانی، چاپ اول، تهران، انجمن خوش نویسان ایران با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۷. وهابی گری، حامد الگار، ترجمه: احمد غایبی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶ه. ش.

۱۸. همگام با پیامبر در حجه الوداع، حسین واثقی، چاپ اول، قم، نشر دانش حوزه، ۱۳۸۳.

۱۹. یگانه مولود کعبه، محمد علی اردوبادی، ترجمه: حسینعلی عربی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره) ، ۱۳۷۹ه. ش.

ب. عربی

۲۰. ابن تیمیه حیاته - عقائده، صائب عبدالحمید، الطبعه الثانیه، قم، دائره معارف الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت، ۱۴۱۴ه. ق.

۲۱. اتحاف الساده المتقین بشرح احیاء علوم الدین، السید محمد بن محمد الحسینی الزبیدی، بیروت، دارالفکر، [بی تا].

۲۲. اتحاف الوری باخبار ام القری، محمد بن محمد بن فهد، تحقیق: محمد فهیم شلتوت، مکه المکرمه، جامعه ام القری، ۱۴۲۶ه. ق.

۲۳. الاحتجاج، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب (شیخ طبرسی) ، تحقیق: ابراهیم البهدادی و محمد هادی به، با اشراف: جعفر سبحانی، چاپ دوم، دار الاسوه، ۱۴۱۶ه. ق.

۲۴. اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، الامام ابی عبدالله محمد بن اسحاق الفاکهی، دراسه و تحقیق: عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، الطبعه الاولی، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ه. ق.

۲۵. اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد الازرقی، تحقیق: رشدی الصالح ملحس، الطبعه الاولی، قم، انتشارات شریف الرضی، ۱۴۱۱ه. ق.

۲۶. ارشاد السالک الی افعال المناسک، برهان الدین ابراهیم بن فرحون المدنی المالکی، دراسه و تحقیق: محمد بن الهادی ابوالاجفان، الطبعه الاولی، تونس، بیت الحکمه، ۱۹۸۹م.

۲۷. الازرقی وموارده فی کتابه اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، احمد هاشم محمد صالح السبعاوی، الطبعه الاولی، بغداد، دیوان الوقف السنی، ۱۴۳۱ه. ق.

۲۸. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد، تحقیق و تعلیق: علی محمد معوض، عادل احمد عبدالموجود، قدم له و قرظه محمد عبدالعظیم البری، جمعه طاهر النجار، الطبعه الاولی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه. ق.

۲۹. الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر العسقلانی، شهاب الدین ابی الفضل احمد بن علی، الطبعه الاولی، القاهره، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۲۸ه. ق.

۳۰. اعلام الموقعین عن رب العالمین، ابن قیم الجوزیه، شمس الدین ابن عبدالله محمد بن ابی بکر، رتبه و ضبطه و خرج آیاته: محمد عبدالسلام ابراهیم، الطبعه الاولی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ه. ق.

۳۱. اعلام النبوه، ابی الحسن علی بن محمد الماوردی، ضبط نصه و خرج احادیثه و علق علیه خالد عبدالرحمن العک، الطبعه الاولی، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۴ه. ق/۱۹۹۴م.

۳۲. اعمال ندوه مشکله الزحام فی الحج و حلولها الشرعیه، المجمع الفقهی الاسلامی، مکه المکرمه، رابطه العالم الاسلامی، ۱۴۲۳ه. ق.

۳۳. اعیان الشیعه، السید محسن الامین، حققه واخرجه: حسن الامین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، [بی نا].

۳۴. اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفه اصحاب الجحیم، ابن تیمیه، شیخ الاسلام احمد بن عبدالرحیم بن عبد السلام، تحقیق و تعلیق: ناصر بن عبدالکریم العقل، الطبعه الاولی، الریاض، دارالفضیله، ۱۴۲۴ه. ق.

۳۵. امتاع الاسماع للنبی (ص) من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، تقی الدین احمد بن علی ابن عبدالقادر بن محمد المقریزی، تحقیق و تعلیق: محمد عبدالحمید النمیسی، الطبعه الاولی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ه. ق.

۳۶. ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، اسماعیل باشا بن محمد امین بن میرسلیم البابانی البغدادی. اعتنی به: عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۹ه. ق.

۳۷. بحارالانوار، محمدباقر المجلسی، الطبعهالاولی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ه. ق.

۳۸. البدایه و النهایه، ابوالفداء الحافظ ابن کثیر الدمشقی، دقق اصوله و حققه: احمد ابوملحم [وآخرون]، الطبعه الثانیه، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸ه. ق.

۳۹. بلوغ المرام بالرحله الی بیت الله الحرام، المرادی، تحقیق و تقدیم: محمد زینهم محمد عزب، الطبعه الاولی، القاهره، دار الثقافیه، ۱۴۲۷ه. ق.

۴۰. بلوغ المرام من ادله الاحکام، الحافظ ابی الفضل احمد بن حجر العسقلانی، حقق اصوله و علق علیه: محمد رضوان، [بی جا، بی نا، بی تا].

۴۱. بیوت النبی و حجراتها وصفه معیشته فیها بیت عائشه انموذجاً، محمد بن فارس الجمیل، الطبعه الاولی، الریاض، مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیه، ۱۴۳۱ه. ق.

۴۲. تاریخ آل سعود، ناصر السعید، [بی جا]، منشورات اتحاد الشعب الجزیره العربیه، [بی تا].

۴۳. تاریخ العربیه السعودیه، آلکسی میخائیلوویچ فاسیلیف، ترجمه: خیری الاضمن و جلال الماشطه، بیروت، دار الفارابی، ۲۰۱۱م.

۴۴. التاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، محمد طاهر بن عبدالقادر الکردی المکی، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ه. ق.

۴۵. تاریخ المدینه المنوره، ابو زید عمر بن شبّه النمیری البصری، حققه: فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ه. ق.

۴۶. تاریخ عجائب الآثار فی الترجم و الاخبار، عبدالرحمان الجبرتی، بیروت، دارالجیل، [بی تا].

۴۷. تاریخ مدینه دمشق، ابوالقاسم علی بن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه. ق.

۴۸. تاریخ مکه المشرفه و المسجدالحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، الامام ابی البقاء محمد بن الضیاء المکی الحنفی، تحقیق: علاء ابراهیم الازهری و ایمن خضر الازهری، الطبعه الاولی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ه. ق.

۴۹. تاریخ مکه دراسات فی السیاسه والعلم والاجتماع والعمران، احمد السباعی، الطبعه الثامنه، مکه المکرمه، ۱۴۲۰ه. ق.

۵۰. التاریخ و المؤرخون بمکه من القرن الثالث الهجری الی القرن الثالث عشر جمع و عرض و تعریف، محمد الحبیب الهیله، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۹۹۴م.

۵۱. تبرک الصحابه بآثار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بیان فضل العظیم، محمد طاهر ابن عبدالقادر الکردی المکی، الطبعه الاولی، جده، دارالمنهاج للنشر و التوزیع.

۵۲. تحف العقول عن آل الرسول، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، الطبعه الثانیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۰۴ه. ق/۱۳۶۳ه. ش.

۵۳. تذکره الخواص، سبط ابن الجوزی، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۸ه. ق.

۵۴. تعلیق التعلیق علی صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، دراسه و تحقیق: سعید عبدالرحمان موسی القزقی، بیروت، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۵ه. ق.

۵۵. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسالک الشریعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، الطبعه الثانیه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ه. ق.

۵۶. تلخیص الحبیر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر، شهاب الدین احمد علی بن حجر العسقلانی، اعداد: یوسف عبد الرحمان المرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ه. ق.

۵۷. تهذیب الاسماء و اللغات، ابی زکریا محیی الدین بن شرف النووی، بیروت، دارالکتب العلمیه، [بی تا].

۵۸. الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره، تحقیق و شرح: احمد محمد شاکر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

۵۹. الجامع الطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف، جمال الدین محمد جار الله بن محمد نورالدین ابن ظهیره القرشی المخزومی، الطبعه الاولی، القاهره، مطبعه عیسی البابی الحلبی و شرکاه، ۱۳۵۷ه. ق.

۶۰. جذور الارهاب فی العقیده الوهابیه، احمد محمود صبحی، اشراف السید والی الزاملی، الطبعه الاولی، بیروت، دار المیزان، ۱۴۲۹ه. ق/۲۰۰۸م.

۶۱. جمهره نسب قریش و اخبارها، زبیر بن بکار، شرح و تحقیق: محمود محمد شاکر، القاهره، مکتبه دارالعربیه، ۱۳۸۱ه. ق.

۶۲. الحیوان، ابی عثمان عمرو بن بحر الجاحظ، تحقیق و شرح: عبدالسلام محمد هارون، الطبعه الاولی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۸ه. ق.

۶۳. الخرایج و الجرایح، قطب الدین الراوندی، تصحیح: ربانی، قم، انتشارات مصطفوی، بی تا.

۶۴. خلاصه الوفاء باخبار دار المصطفی، السمهودی، علی عبدالله بن احمد الحسنی، تحقیق: علی عمر، الطبعه الاولی، القاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، ۱۴۲۷ه. ق.

۶۵. الدرالمنثور بآثار المصطفی ومدینه الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، محمد علی صالح قزنی، القاهره، دار جوامع الکلم، ۲۰۰۶م.

۶۶. الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه، احمد زینی دحلان، ترکیه، ایشیق، ۱۹۷۶م.

۶۷. الدرر الکامنه فی اعیان المائه الثامنه، شهاب الدین احمد بن علی بن محمد بن حجر العسقلانی، طبقه و صححه: عبدالوارث محمد علی، الطبعه الاولی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ه. ق.

۶۸. دلائل النبوه، ابی نعیم احمد بن عبدالله الاصبهانی، الطبعه الاولی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ه. ق/۱۹۸۸م.

۶۹. دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین للامام النووی، محمد بن علی بن علان الصدیقی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۵ه. ق.

۷۰. دیوان ابی طالب عم النبی صلی الله علیه و آله و سلم، جمعه و شرحه محمد التونجی، [الطبعه الاولی]، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۹ه. ق/ ۲۰۰۸م.

۷۱. دیوان الحسن بن هانی ابی نواس، حققه و شرحه احمد عبدالمجید الغزالی، راجعه و فهرسه احمد ابراهیم زهوه، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۵ه. ق/۲۰۰۵م.

۷۲. دیوان، امرئ القیس، شرح محمد الاسکندرانی و نهاد رزوق، [الطبعه الاولی]، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۲۵ه. ق / ۲۰۰۴م.

۷۳. دیوان، بشار بن برد، جمع و تحقیق و شرح: محمد الطاهر بن عاشور، الطبعه الاولی، القاهره، دارالسلام، ۱۴۲۹ه. ق.

۷۴. دیوان، مجنون لیلی، شرح یوسف فرحان، [الطبعه الاولی]، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۷ه. ق/ ۲۰۰۷م.

۷۵. دیوان، دعبل بن علی الخزاعی، صنعه عبدالکریم الاشتر، الطبعه الاولی، قم، مکتبه الحیدری، ۱۴۲۷ه. ق/۱۳۸۵ه. ش.

۷۶. رحله الحاج من الزبیر الی البلد الحرام، سعد بن احمد الربیعه، اعدها لنشر سعود بن عبدالعزیز الربیعه، الطبعه الاولی، بیروت، الدار العربیه للموسوعات،۱۴۳۲ه. ق/۲۰۱۱م.

۷۷. رحله، ابن بطوطه، ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم اللمواتی الطنجی بیروت، دارصادر، ۱۴۱۲ه. ق.

۷۸. رحله، ابن جبیر، ابن الحسین محمد بن احمد بن جبیر الکنائی رواندسی البانسی، طبعه و وضع فهارسه: محمد زینهم، القاهره، دارالمعارف، [۲۰۰۰م].

۷۹. الرد علی الوهابیه، محمد جواد البلاغی، تحقیق: سید محمد علی الحکیم، الطبعهالاولی، قم، مؤسسه آل البیت: لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ه. ق.

۸۰. الرد علی فتاوی الوهابیه، سید حسن صدر کاظمینی، تحقیق: سید محمود مرعشی نجفی، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۳۰ه. ق.

۸۱. الروض الأُنُف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، الامام المحدث عبدالرحمان السهیلی، تحقیق و تعلیق و شرح: عبدالرحمان الوکیل، الطبعه الاولی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ه. ق.

۸۲. زاد المعاد فی هدی خیر العباد، شمس الدین ابی عبدالله محمد بن ابی بکر الزرعی الدمشقی (ابن قیم الجوزیه) ، حقق نصوصه و خرج احادیثه و علق علیه: الشیخ عبدالقادر عرفان العشا حسُّونه، الطبعه الاولی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه. ق.

۸۳. الزهور المقتطفه من تاریخ مکه المشرفه، الامام العلامه الحافظ ابی الطیب تقی الدین محمد ابن احمد بن علی القرشی الهاشمی الحسینی الفاسی، حققه و علق علیه: اریب محمد الغزاوی، قرأه و قدم له: محمود الارناؤوط، بیروت، دارصادر، ۲۰۰۰م.

۸۴. زوایا التصوف و الصوفیه المسمی: خبایا الزوایا، حسن بن علی العجیمی، تصحیح و ضبط: احمد عبدالرحیم السایح، توفیق علی وهبه، القاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، ۱۴۳۰ه. ق.

۸۵. سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، تحقیق و تعلیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ه. ق.

۸۶. السلفیه مرحله زمنیه مبارکه لا مذهب اسلامی، محمد سعید رمضان البوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ه. ق.

۸۷. السید رشید رضا او اخاء اربعین سنه، الامیر شکیب ارسلان، قرأه و علق علیه: مدحت یوسف السبع، الطبعه الاولی، القاهره، دارالفضیله، [بی تا].

۸۸. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ه. ق.

۸۹. شرح الزرقانی علی موطأ الامام مالک، سیدی محمد الزرقانی، صحح الاصل: نخبه من علماء الازهر الشریف، القاهره، مکتبه و مطبعه المشهد الحسینی، [بی تا].

۹۰. الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ابی الفضل عیاض بن موسی بن عیاض التحصبی القاضی عیاض، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالکتاب العربی، [بی تا].

۹۱. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، الامام العلامه الحافظ ابی الطیب تقی الدین محمد بن احمد ابن علی المکی المالکی الفاسی، نسخ الاصل و قابله علی النسخ: ایمن فؤاد سید، حققه و علق علیه و وضع فهارسه: مصطفی محمد الذهبی، الطبعه الثانیه، مکه المکرمه، مکتبه و مطبعه النهضه الحدیثه، ۱۹۹۹م.

۹۲. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، الحافظ ابی الطیب تقی الدین محمد الفاسی، تحقیق: علی عمر، الطبعه الاولی، القاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، ۱۴۲۸ه. ق.

۹۳. الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، حمزه الحسن، الطبعه الثانیه، بیروت، دارالساقی، ۲۰۱۲.

۹۴. صحیح البخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزیه البخاری الجعفی، شرح و تحقیق: قاسم الشماعی الرفاعی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ه. ق.

۹۵. صحیح مسلم، ابی الحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، تحقیق و تعلیق: موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، الطبعه الاولی، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ه. ق.

۹۶. الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص) دراسه و تحلیل، جعفر مرتضی العاملی، الطبعهالثانیه، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۲ه. ق.

۹۷. الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه، سلیمان بن عبدالوهاب، الطبعه الاولی، تهران، دار الهدایه، ۱۴۲۰ه. ق.

۹۸. طبقات الشافعیه الکبری، تاج الدین ابو نصر عبدالوهاب بن علی بن عبد الکافی السبکی، تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو و محمود محمد الطناحی، القاهره، دار احیاء التراث العربیه، [بی تا].

۹۹. طبقات الشافعیه، ابوبکر بن احمد بن محمد بن عمر بن محمد تقی الدین ابن قاضی شهبه الدمشقی، رتب فهارسه: عبدالله انیس الطباع، الطبعه الاولی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۷ه. ق.

۱۰۰. طبقات الشافعیه، جمال الدین عبدالرحیم بن الحسن الاسنوی، تحقیق: عبدالله الجبوری، الطبعه الاولی، بغداد، مطبعه الارشاد، ۱۳۹۱ه. ق.

۱۰۱. عده الانابه فی اماکن الاجابه، السید عفیف الدین ابی السیاده عبدالله بن ابراهیم بن حسن ابن محمد امین میرغنی الحسنی المتقی المکی الطائفی الحنفی (الملقب بالمحجوب) ، تحقیق عبدالله نذیر احمد مزی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، المکتبه المکیه، ۱۴۲۹ه. ق/۲۰۰۸م.

۱۰۲. العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، تقی الدین محمد بن احمد الحسنی الفاسی، تحقیق و تعلیق و دراسه: محمد عبدالقادر احمد عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ه. ق.

۱۰۳. الغدیر فی الکتاب و السنه والادب، عبدالحسین احمد الامینی، الطبعه الاولی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ه. ش.

۱۰۴. فتح الباری شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، طبعه جدیده منقحه و مصححه عن الطبعه التی حقق اصلها و رقم کتبها و ابوابها و احادیثها عبد العزیز بن عبدالله ابن باز و محمد فؤاد عبدالباقی، الطبعه الثانیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ه. ق.

۱۰۵. الفتوحات الربانیه علی الاذکار النّواویه، محمد بن علی بن علان الصدیقی، الریاض، المکتبه الاسلامیه، [بی تا].

۱۰۶. فضائل مکه و سکن فیها، الحسن البصری، تحقیق و تعلیق و تقدیم: محمد زینهم محمد عزب، القاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، ۱۴۱۵ه. ق.

۱۰۷. فی منزل الوحی، محمد حسین هیکل، القاهره، دار المعارف المصریه،۲۰۰۲م.

۱۰۸. القول الفصل فی حکم الاحتفال بمولد خیر الرسل (ص) ، اسماعیل بن محمد الانصاری، الطبعه الاولی، الریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۳۰ه. ق.

۱۰۹. کتاب اسماء جبال تهامه و جبال مکه و المدینه و ما فیها من القری و ما ینبت علیها من الاشجار و ما فیها من المیاه، عرام بن الاصبغ السلمی، تحقیق و تعلیق محمد صالح سناوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ه. ق/۱۹۹۰م.

۱۱۰. کتاب التعریفات، ابن الحسن علی بن محمد الحسنی الجرجانی، وضع حواشیه و فهارسه: محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ه. ق.

۱۱۱. کتاب الحرمین الشریفین والتاریخ، یحیی بن حمزه الوزنه، الطبعه الاولی، القاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، ۱۴۲۸ه. ق.

۱۱۲. کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، مصطفی بن عبدالله القسطنطینی الرومی المتقی الشهیر بالکاتب الجبلی (حاجی خلیفه) ، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ه. ق.

۱۱۳. لفته الکبد الی نصیحه الولد، ابی الفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد بن علی بن الجوزی، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البغدادی، الطبعه الاولی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ه. ق.

۱۱۴. مؤلفات ابن الجوزی، عبدالحمید العلوجی، بغداد، وزاره الثقافه والارشاد، ۱۳۸۵ه. ق.

۱۱۵. مروج الذهب و معادن الجوهر، ابی الحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ه. ق.

۱۱۶. المستدرک علی الصحیحین، ابوعبدالله الحاکم النیشابوری، اشراف: یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا].

۱۱۷. المعالم العمرانیه فی مکه المکرمه فی القرنین الاول والثانی، صالح احمد العلی، بغداد، مطبعه المجمع العلمی العراقی، ۱۴۱۰ه. ق

۱۱۸. معالم مکه و المدینه بین الماضی و الحاضر، یوسف رغد العاملی، الطبعه الاولی، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۱۸ه. ق.

۱۱۹. معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیه، عمر رضا کحاله، بیروت، دار احیاء التراث العربیه، [بی تا].

۱۲۰. معجم ما الفه علماء الامه الاسلامیه للرد علی خرافات الدعوه الوهابیه، السید عبدالله محمد علی، تراثنا، العدد ۷، ۱۴۰۹ه. ق.

۱۲۱. معجم معالم الحجاز، عاتق بن غیث البلادی، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، دار مکه للنشر والتوزیع و بیروت، مؤسسه الریان للطباعه والنشر و التوزیع، ۱۴۳۱ه. ق.

۱۲۲. المفصل فی تاریخ العرب، علی جواد، الطبعه الاولی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۶م.

۱۲۳. مکه المکرمه التفاعل الحضاری فی المکان المقدس، لیلی بنت صالح محمد زعزوع، الریاض، الدار العربیه للعلوم، ۱۴۲۶ه. ق.

۱۲۴. مکه المکرمه و الکعبه المشرفه فی کتب الرحاله المسلمین، علی الشنوفی، الطبعه الاولی، تونس، مؤسسه الوطنیه للترجمه و التحقیق و الدراسات (بیت الحکمه) ، ۱۹۸۹م.

۱۲۵. من المساجد و المزارات فی الحرمین الشریفین، سید محمد الحسینی الشیرازی، الطبعه الاولی، کربلا، دار العلوم، ۱۴۲۷ه. ق.

۱۲۶. منائح الکرام فی اخبار مکه و البیت و ولاه الحرم، علی بن تاج الدین بن تقی الدین السنجاری، دراسه و تحقیق: جمیل عبدالله محمد المصری، الطبعه الاولی، مکه المکرمه، جامعه ام القری، ۱۴۱۹ه. ق.

۱۲۷. مناقب آل ابی طالب، ابوجعفر رشید الدین محمد بن علی بن شهرآشوب السروی المازندرانی، قم، المطبعه العلمیه، [بی تا].

۱۲۸. مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) ، ابن المغازی، ابوالحسن علی بن محمد الواسطی الجلالی الشافعی، تصحیح و تنظیم: کاظم العزاوی، الطبعه الاولی، قم، انتشارات سبط النبی (ص) ، ۱۴۲۶ه. ق.

۱۲۹. موسوعه مرآه الحرمین الشریفین و جزیره العرب، ایوب صبری باشا، اشرف علی ترجمتها: محمد حرب، الطبعه الاولی، القاهره، دار الآفاق العربیه، ۱۴۲۴ه. ق.

۱۳۰. الموطأ، مالک بن انس، بمراجعه و اشراف نخبه من العلماء، بیروت، دارالجبل، [بی تا].

۱۳۱. مولـد امیرالمؤمنین (ع) نصوص مسـتخرجه من التراث الاسـلامی، احمد باکتچی، الطبعه الاولی، قم، مؤسـسه العالمیه لنهج البلاغه، ۱۴۲۴ه. ق.

۱۳۲. نصیحه لاخواننا علماء نجد، یوسف بن هاشم الرفاعی، تقدیم: محمد سعید رمضان البوطی، دمشق، دار اقراء، ۱۴۲۰ه. ق.

۱۳۳. نقد الشیخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، عصام یحیی علی العماد، الطبعه الاولی، قم، منشورات الاجتهاد، ۲۰۰۸م.

۱۳۴. نقض الوهابیه، احمد راسم النفیس، الطبعه الاولی، [بیروت]، دارالمیزان، ۱۴۳۱ه. ق/۲۰۱۰م.

۱۳۵. هـدیه العارفین اسـماء المؤلفین و آثار المصـنفین من کشف الظنون، اسـماعیل باشا البغـدادی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ه. ق.

۱۳۶. وفـاء الوفـا باخبار دار المصـطفی، نورالـدین علی بن عبـدالله السـمهودی، تحقیق و تقـدیم: قاسم السامرائی، الطبعه الاولی، جده، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۴۲۲ه. ق.

۱۳۷. الوهـابیه فکراً و ممارسه، محمـد عوض الخطیب، الطبعه الثالثه، بیروت، مرکز الغـدیر للـدراسات والنشـر والتوزیع، ۱۴۱۳ه. ق/۲۰۱۱م.

۱۳۸. www.z-katbi.com

نمایه ها

اشاره

الف) نمایه آیات

ب) نمایه روایات

ج) نمایه اشعار

د) نمایه نوشتارها

) نمایه کسان

و) نمایه مکان ها

ز) نمایه ملل و نحل، رویدادهای تاریخی، اقوام، نهادها، اشیای تاریخی، . . .

ح) نمایه اصطلاحات

الف) نمایه آیات

ب) نمایه روایات

ج) نمایه اشعار

كَذا لَدَى الثَّلاثِ مِن جَمَرات

۱۰۶

دُعاءُ الْبَرايا يُسْتَجابُ بِكَعْبَةَ

۱۰۲

رؤيه بيت ثم حجر و سدره و ركن يمان مع منى ليله القمر

۱۰۳

سَأَحمِلُ مِن تُرابِكَ فی رِحالی لِكَی أَغنَی بِه عَن كُلِّ طِيبٍ

۱۹

شَرَفُ المَحَلِ بِقَدرِ مَن قَد حَلَّه

۱۵

عَلی رَأسِ هَذا الكَونِ نَعلُ مُحمَّد

۲۰

فَكَاَنَّکَ قَد اَعْلَمْتَ بِالمَوتِ حتّی تَزَوَّدتَ لَه مِن خِيارِ الزّاد

۲۰۷

قَد ذَكَرَ النَّقّاشُ فی المَناسِك

۱۰۵

قِفا نَبْکِ مِنْ ذِکری حَبیبٍ وَ عِرفانٍ وَ رَسْمٍ عَفَتْ آیاتُه مُنذُ أزمانِ

۲۹

قُلْ لِمَن یَبکی عَلَی رَسْمٍ دَرَس واقِفاً، ما ضَرَّ لَو کَانَ جَلَس

۲۰

کُحِلَتْ بِمَنْظَرِ العُیُونُ عَمایَهً و اَصَّمَ نَعْیُکَ کلَ اُذُنٍ تَسْمَعُ

۱۴

گم شده هر که چو یوسف بود گم شدنش جای تأسف بود

۱۵

ماذا عَلی مَن شَمَّ تُربهَ احمد اِن لایَشُمُّ مَدَی الزَّمانِ غَوالیا

صَبَّتْ عَلیَّ مَصائِبٌ لَو اَنها صَبَّتْ عَلَی الْایام صِرْنَ لَیالیا

۱۹

مَن زارَ قَبرَ مُحمدٍ

۱۶

و مَوطِئِ ٔابراهیمَ فی الصَّخرِ رطبه عَلی قَدَمیه حافیاً غَیرَ ناعِل

۱۴

وَاَنزَلَ مِنَ السَّماءِ کَبشاً جمیلاً فَذَبَّحه بَدلاً مِنهُ فِی الْحال

۶۲

وَنَعلُهُ الکَریمهِ المَصونَه طُوبی لِمَن مَسَّ بِها جَبِینَه

۱۹

يَومُ البَقِيعِ لَقَد جَلَّتْ مُصِيبَتُه

١۴

د) نمایه نوشتارها

ه) نمایه کسان

۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۷،
۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳،

و) نمایه مکان ها

ص: ۲۹۵

ص: ۲۹۹

ز) نمایه ملل و نحل، رویدادهای تاریخی، اقوام، نهادها، اشیای تاریخی، . . .

ص: ۳۰۸

ص: ۳۰۹

ص: ۳۱۱

ح) نمایه اصطلاحات

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹